کارگران

رستاخیز

دوشنبه دهم خرداد ۲۵۳۵ شاهنشاهی — شماره چهاردهم
بها: ده ریال

در این شماره رپرتاژ، مطالب علمی، آموزشی و داستانهای بسیار جالب و خواندنی

۱۴

گزارش جامعی از هشتمین کنفرانس ملی کار

رپرتاژ جالبی درباره

شیشه، از سه هزار سال پیش تا به امروز

COLLECTION OF TABEREN FOUNDATION

قصه ... که کوور

برای رفع خستگی کوکا کولا بنوشید

کوکا کولا

شاهنشاها

آغاز پنجاه و یکمین سال سلطنت دودمان افتخار آفرین
پهلوی، همچون نیم قرن گذشته منشاء خیر و برکت برای
ملت ایران است.

ضمن ابراز صمیمانه ترین سپاس به پیشگاه با عظمت

شاهنشاه آریامهر

از خدای بزرگ دوام سلطنت خاندان پهلوی و بقای
شاهنشاهی ایران را آرزومندیم.

شرکت شوکومارس «با مسئولیت محدود»

هشتمین کنفرانس ملی کار، کارگر، کارآما، دولت

تشکیل هشتمین کنفرانس ملی کار یکبار دیگر موقعیتی راآفرید که جامعه کار و صنعت وطن ما موفق شد باز هم از تابش روشنائی عنایات رهبر بزرگ انقلابمان درخشش وجلای تازه‌ای یابد.

هنوزچیزی ازپایان کنگره بزرگ کارگران ایران نگذشته بود که پیام شاهنشاه خطاب به هشتمین کنفرانس ملی کار مجدداً یادآور اصول اساسی کار وصنعت در رابطه با مبانی فلسفی انقلاب بزرگ ایران گردید و خصوصاً آن قسمت از تعالیم و سرمشق هائی را خاطر نشان ساخت که لزوماً با هدف های عالی انسانی انقلاب شاه و ملت همواره در روابطه بوده وخواهند بود .... اینکه بیشتر تکیه بر روی هدفهای عالی انسانی انقلابمان میکنیم ازآن جهت است که بحق ، همچنانکه در پیام شاهنشاه نیز بدان اشاره رفته بود ، شرایط ومحیط کار درجامعه ایرانی براثر همکاری کامل دولت و کارآما و کارگر از هر زمان دیگر مترقی تر وعالیتر است و طبقه کارگر ایرانی نه تنها درداخل جامعه خود ازموقعیتی شایسته بهره‌مند است ، بلکه درجامعه جهانی نیز ازنظر حقوق و امتیازات قانونی درصفوف پیشرفته ترین جوامع بین المللی قرار دارد ....

شاید موقعی بود که مسئله اسلی برای کارگران عبارت ازتامین حداقل معیشت و دفاع ازحداقل حیثیت وشخصیت انسانی ممکـــن درجامعه خویش بود ، ولی امروزه نه فقط درمورد معیشت و گذران زندگی مادی موضوع حداقل (بخور و نمیر) مطرح نیست ، بلکه زندگی کارگران و همه زحمتکشان ایران درحدی است که شاید مورد غبطه وتعجب مردم کشورهای دیگرجهان باشد....

همچنانکه در زمینه حیثیت و شخصیت انسانی ، نیز ، مطلب بصورتی است که درسایر قوانین مترقی ناشی ازانقلاب شاه و ملت و بویژه براثراجرای قوانین پیشرفته کار و روابط صنعتی ، کارگران ایران خود را در هرلحظه اززندگی خویش ، برخوردار از همه افتخارات و حیثیت وشخصیت انسانی احساس می کنند ، وحتی گاهی این بگومگو درگفت وشنود ها پیش می آید که کارگران ایران ازاین جهت ممتاز و در ردیف جلو و پیشاپیش دیگر گروهها و قشر های اجتماع قـــرار گرفته انـد.....

این نکته را بخصوص در این رهگذر ازسخن باید بگوئیم که بعلت مشارکت داشتن کارگران درمراکز قانونگزاری ازقبیل مجلس شورای ملی وانجمن های شهر وشهرستان واستان وفی الجمله مداخله وحتی تصدی درامور مهم دولتی ، و سهیم بودن درسود ومالکیت سهام کارخانجات ، منحصراً درموضع « کارگر »ی قرار نگرفته اند ، بلکه بی پرده باید گفت که هم درموضع دولت و هم درموضع کارفرما و همچنین درموضع خودشان ، یعنی (کارگر) قرارمیگیرند ... وبهمین انگیزه بود که هشتمین کنفرانس ملی کار ، که دیگر کارفرما ، چون گذشته را درمقابل کارگر نمی دید ، کلمه « کارفرما » را به « کارآما » تغییر داد ، که متناسب با شرایط انقلاب و رستاخیز ملت ایران است . و بـاین تـــرتیب است که کارگر ایرانی نه تنها دیگر به اصطلاح ـ هائی ازنوع (صلح جویانه ومسالمت‌آمیز) در رابطه با سایر عنـاصر جامعه کار وصنعت نیاز ندارد ، بلکه آن مراحل را پشت سر گذاشته و مستقیماً با اصطلاح (رسالت) و (تصدی) و (مسؤولیت مستقیم و اختیارات) کامل آشنائی وسرو کاردارد .... و این خود کارگـران هستند که هم درنقش کارفرما وصاحبان سهام کارخانجات و هم در موضع قانونگزاری وحکومت و هم درجایگاه کارگری وخلاقیت خود را نشان میدهند . و درچنین شرایطی است که برنامه های آیندهٔ انقلاب ایران انتظارات بیشترو بهتری ازآنان دارد .... این درواقع انقلاب بخشنده وخیر خواه ایران است که تمام این مواهب عالی وموقعیت ـ های ممتاز را به کارگران و دیگر طبقات بخشیده است واکنون نوبت بهره گیرندگان ازانقلاب است که انقلاب را با استعدادها و نیرو ها و صمیمیت ها و کار وخلاقیت های بی گیر خویش آبیاری و تغذیه کنند وآنرا به هدف های عالی انسانی خود درمقیاس جهانی اش برسانند... بی گمان تعلیمات گرانبهای رهبر انقلابمان در زمینه توسعه و تکمیل مراکز کارآموزی حرفه ای درجوار کارگاهها وگسترش کمی و کیفی تعلیمات حرفه‌ای و بذل توجه درجذب هر چه آگاهانه تر وصحیح تکنولوژی پیشرفته جهانی وفراهم‌آوردن دیگر امکانات لازم بـرای پرورش شخصیت ودانش اجتماعی کارگران ، ازسوی دولت و کارآما ـ ها راه‌گشای آن خواهد بود که بحق و هرچه شایسته تر کارگـران ایران وظیفه خود را درقبال انقلاب خیر خواه و بخشنده وطنشان انجام داده و با هرچه زودرس ساختن مرحلهٔ تمدن بزرگ به آرزو های عالی و بزرگوارانه شاهنشاه آریامهر تحقق بخشند ... و این است تجلی حقیقی مفهوم انقلاب « شاه وملت » ....

رستاخیز کارگران

دوشنبه دهم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی شماره چهاردهم

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود

مدیرمسئول : محمدحسین کردبچه

نشانی : خیابان وصال شیرازی چهارراه بزرگمهر ـ پلاک ۱/۱۴۸

تلفن مدیرمسئول وسردبیر ۶۴۰۴۲۲ هیئت تحریریه : ۶۶۶۰۴۴ ـ ۶۶۷۱۵۹ ـ ۶۴۰۷۹۹ ـ ۶۶۳۷۵۵

در این شماره

هشتمین کنفرانس ملی کار

هشتمین کنفرانس ملی کار ، با پیام شاهنشاه آریامهر روز بیست و ششم اردیبهشت ماه گشایش یافت ، و درطول چهار روز ، به بحث و بررسی پیرامون دلپذیر کردن محیط کار ، آموزش و تربیت و تحرک نیروی کار ، وانگیزه های ارتقاء سطح بهره‌وری ، پرداخت ، وطی قطعنامه‌یی نتیجه بحث و بررسی های خود را اعلام نمود .

« رستاخیز کارگران » پیام شاهنشاه آریامهر ، وسخنان آقای امیر عباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران را در کنفرانس ، در صفحات ۴ و ۵ مجله ، و ازنظر اهمیت واثری که این کنفرانس بـــرمسائل صنعت و کار کشور خواهد داشت ، سخنان آقای امیر قاسم معینی وزیر کار ، و خلاصه‌یی از سخنان دیگر سخنرانان در این کنفرانس و قطعنامه کنفرانس را درصفحات « روزنامه رستاخیز کارگران » انتشار داده است ومصاحبه هائی که نویسندگان مجله با بعضی شخصیت های شرکت کننده درکنفرانس بعمل آورده اند . درشماره آینده بچاپ خواهد رسید .

صفحات ۴ تا ۵۸

شیشه ، ازسه هزارسال پیش تا به امروز

شیشه سازی در دنیا سه هزارسال سابقه دارد ، اما شاید همه ندانند که نیاکان ما چگونه شیشه و بلورمی‌ساختند ، وصنعت شیشه سازی بصورت امروز از چه زمانی در ایران شکل گرفت . « رستاخیز کارگران » برای آشنا ساختن خوانندگان عزیز خود با این صنعت ، که حدود ۵۰۰۰ کارگر هم‌اکنون در آن‌مشغول بکارند ، رپرتاژ جالبی تهیه کرده‌است .

صفحات ۶ ـ ۷ ـ ۸ ـ ۹

۸۰۰ هزار کارگر که لباسهای من وشما راتمیز می کنند

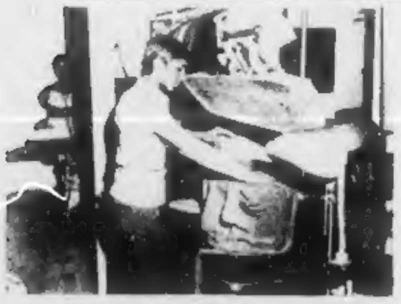

« رستاخیز کارگران » در این شماره رپرتاژی از کارگران اتوشوئی ها دارد که دراین رپرتاژ ، تاریخچه‌یی از تأسیس اتوشوئی ها درایران را مطالعه می کنید ، وبامسائل مختلف کارگران آنها آشنامی‌شوید .

صفحات ۱۴ ـ ۱۵ ـ ۱۶ ـ ۱۷

خودساخته‌ها

او، « ارنستین شومان پینک » ، در یک خانواده کارگری چشم بجهان گشوده و کودکی را درفقر ورنج گذرانید ، وحتی وقتی هم که بخانه شوهررفت ، فقر وبدبختی دست ازسرش برنداشت .... بطوریکه پس ازمرگ شوهر تصمیم گرفت خود وفرزندانش را بکشد ، اما .... یک زمان رسید که عنوان بزرگترین وسرشناس ترین خواننده اپرا را بخود تخصیص داد .

صفحات ۳۰ ـ ۳۱

با پیام شاهنشاه آریامهر هشتمین کنفرانس ملی کار گشایش یافت

درهشتمین کنفرانس ملی کار

مورد بحث قرار گرفت:

دلپذیر کردن محیط کار، آموزش و تربیت و تحرک نیروی کار، وانگیزه های ارتقاء سطح بهره وری

آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی در هشتمین کنفرانس ملی کار پیام شاهنشاه آریامهر را قرائت کرد.

هشتمین کنفرانس ملی کار، یکشنبه بیست وششم اردیبهشت ماه گذشته، با پیام شاهنشاه آریامهر و با حضور آقای نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در سالن ششم بهمن وزارت کار و امور اجتماعی گشایش یافت.

در آغاز مراسم آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی پیام شاهنشاه آریامهر را قرائت کرد وسپس آقای هویدا نخست وزیر سخنان مشروحی ایراد کردند (سخنان آقای نخست وزیر در صفحه ۴۴ چاپ شده است)

آنگاه آقای امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی هیات رئیسه هشتمین کنفرانس ملی کار را بشرح زیر معرفی کرد:

آقای گنجی استاد دانشگاه رئیس کنگره — آقای دکتر منوچهر گنجی رئیس دانشگاه ... نایب از گروه دولت — مسعود خیوه نایب رئیس از گروه کارفرما — امیرعلی سیفی، نایب رئیس از گروه کارگر وعبدالحسین محمد کاری، مدیر کل دفتر روابط بین المللی دبیر.

آقای امیر قاسم معینی، وزیر کار وامور اجتماعی سپس به اهمیت برگزاری این کنگره ومسائلی که در آن مطرح خواهد شد پرداخت و موفقیت کنگره را در ارائه طریق جهت موضوعات دستور کار خود آرزو کرد.

در این هنگام آقای گنجی طی سخنان ... به تغییرات بنیادی که در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی نصیب ایران شده است اشاره کرد و نقش انقلاب شاه و ملت را در موفقیت های همه جانبه کشور برشمرد واساسی ترین دگرگونیهائی را که در زمینه کارگری حاصل شده است ازنظر کمیت واحدهای تولیدی—از نظر کیفیت کار ونوع فعالیتهای صنعتی— از نظر اعتلاء حقوق فردی—اعتماد بنفس وآگاهی شعور مورد بررسی قرار داد ونقش حزب رستاخیز ملت ایران در این زمینه را یاد آورشد.

سپس سناتور طاهر ضیائی رئیس اتاق بازرگانی وصنایع ومعادن ایران موفقیتهای بدست آمده در فاصله زمانی یکساله اخیر را تشریح کرد وگفت در سایه ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی که تحت رهبریهای شاهنشاه آریامهر بدست آمده گامهای بسیار بلندی در جهت رفاه زندگی کارگران برداشته شده است.

فرج الله ابکاری رئیس سازمان کارگران سخنران بعدی جلسه بود . وی طی سخنان مشروحی بیک سند کارگری مربوط به حدود ۵۲ سال قبل اشاره کرد که بفرمان اعلیحضرت رضا شاه کبیر در مورد رفاه وتأمین بهداشت و ساعت کار کارگران قالیباف کرمان و بلوچستان خطاب به والی آن منطقه صادر شده بود که در سال ۱۹۰۳ میلادی نیز در مجله سازمان بین المللی کار بچاپ رسیده است. ابکاری سپس به نقش سازمان کارگران در برگزاری کنفرانسهای ملی کار پرداخت ویاد آور شد برای اجرای مواد قطعنامه های این کنفرانسها پیگیریهای مداوم بعمل آمده وجای کمال خرسندی است که گروههای سه جانبه در به ثمر رساندن مواد این قطعنامه ها نقش فعال و سازنده داشته اند.

جلسه با یک تنفس سی دقیقه ای کار خود را دنبال کرد و در دومین جلسه نخستین روز هشتمین کنفرانس ملی کار خسرو پاکباز استاد دانشگاه— حیدر خانبابائی نماینده کارگر ومصطفی فرمان آرا نماینده کارگر هر یک بطور مشروح در مورد « کارگر » در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی سخن گفتند.

هشتمین کنفرانس ملی کار در دومین روز برپائی خود با بحث درباره انگیزه های ارتقاء سطح بهره وری، کار خود را دنبال کرد.در این جلسه ، حبیب آگهی معاون وزارت صنایع و معادن به بحث درباره موضوع پرداخت وسپس صمد سعیدی نماینده کارگر اظهار داشت:باید اندیشید بهره وری را از از چه طریقی وبه چه وسیله میتوان بدست آورد . آیا افزودن بساعات کار وتشدید مقررات مربوط میتواند ما را به هدف برساند ؟ مسلماً جواب منفی است وصریحاً اعلام میدارم که اعمال مدیریت صحیح وتوجه بخواسته ها ونظرات مشروح کارگران از طرف مدیریت مهم ترین عامل در بهره وری وارتقاء سطح آن است.

بیژن خرم معاون سازمان مدیریت صنعتی از دیگر سخنرانان این جلسه بود که با بحث بسیار گرم وگیرا در زمینه انگیزه های بهره وری اصول معنوی را مورد بحث وبررسی قرار داد و افزایش بهره وری را منتج از گسترش مالکیت صنعتی — مشارکت درمدیریت —نوسازی ساخت سازمانی — تغییر نظام کنترل بمعنای مشارکت عامه خواند وبا بحثی دقیق ومنطقی تقویت نهادهای معنوی همراه با برون گرائی علمی را تجزیه وتحلیل کرد . این جلسه با بحث و پرسش های متعدد حاضران به جلسه ای بسیار پرشور مبدل شده بود.

در چهارمین جلسه از دومین روز برپائی هشتمین کنفرانس ملی کار کاظم خسروشاهی نماینده کارفرما— دکتر پرویز کیقبادی نماینده کارفرما وتقی هنرور شجاعی مدیر کل دفتر بهره وری کار هر یک بطور مشروح درباره علل و انگیزه های بهره وری چه از نظر کارفرما واز دید کارگر سخن گفتند وبا طرح سؤالات متعدد در این زمینه از طرف حاضران بحث وگفتگوی خودرا ادامه دادند . هشتمین کنفرانس ملی کار سومین روز برپائی خودرا به بحث وتبادل نظر در موضوع آموزش وتربیت وتحرک نیروی انسانی اختصاص داد.

سومین روز نیز در دو جلسه تشکیل شد وطی آن شاپور راسخ معاون هماهنگی ونظارت سازمان برنامه وبودجه ، احمد اخوان نماینده کارفرما— علی خاقانی نماینده کارگر وهمچنین محمد رضا امین مدیرعامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران،

بقیه در صفحه ۴۷

پیام اعلیحضرت همایونشاهنشاه آریامهر بمناسبت گشایش هشتمین کنفرانس ملی کار

هشتمین کنفرانس ملی کار هنگامی تشکیل میشود که شرائط ومحیط کار در جامعه ایرانی براثر همکاری دولت و کارفرما و کارگر ، از هرزمان دیگر در طول تاریخ کهن ایران مترقی تر وعالیتر است . با برخورداری از این شرایط ، اکنون طبقه کارگر ایرانی نه تنها در داخل جامعهٔ خود از موقعیتی از هرجهت شایسته بهرمند است ، بلکه در جامعهٔ جهانی نیز از نظر حقوق و امتیازات قانونی و قوانین مترقی کار در صفوف مقدم پیشرفته ترین جوامع بین المللی قرار دارد . همچنانکه در گذشته تذکر داده ایم ، هدف انقلاب شاه وملت در زمینهٔ کار ، از آغاز براین پایه استوار بوده است که در جامعهٔ نوین ایران ، نه تنها وضع مادی کارگر ایرانی بطور منظم بهبود یابد ، بلکه بموازات آن طبقهٔ کارگر از حداکثر شرافت و حیثیت انسانی برخوردار گردد ، زیرا ما اکنون در جریان ساختمان جامعه تازه ای در این کشور هستیم که در آن انسان ، وطبعاً طبقه کارگر که رکن فعال وسازندهٔ این جامعه است ، تنها ابزاری در خدمت پیشرفتهای ضروری صنعتی ومادی نباشد ، بلکه در پرتو عدالت اجتماعی همه جانبه ، شخصیت و اصالت معنوی او محفوظ بماند وحتی بالاتر برود.

اجرای چنین برنامه وسیعی طبعاً هم دولت ، هم کارفرمایان وهم کارگران را در برابر وظائف ومسئولیتهائی عمده واساسی قرار داده است . در این مورد ، بخصوص توجه به کیفیت کار اهمیت فراوان دارد ، زیرا در دنیای امروز یکی از مهمترین وجوه امتیاز وملاك پیشرفت جوامع ، درجهٔ ترقی بهره وری و مدیریت و کفایت در استفاده از تازه ترین پدیده های دانش و تکنولوژی برای ساخت بهتر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه است . ترقی بهره وری طبعاً توسعه آموزش حرفه ای کارگران وتربیت نیروی انسانی ماهر وتحرك بیشتر درنقل وانتقالات کارگری را ایجاب میکند ، و برای حصول توفیق در این زمینه ، از یکطرف میباید دولت وصاحبان صنایع مراکز کارآموزی حرفه ای را در جوار کارخانه ها توسعه دهند واز این راه در گسترش کمی و کیفی تعلیمات حرفه ای اهتمام کامل مبذول دارند ، واز جانب دیگر کوشش شود که از نیروی ابتکار واستعدادهای فردی کارگران حداکثر استفاده بعمل آید ، وامکانات لازم برای پرورش شخصیت و دانش اجتماعی آنان چه در محیط کار وچه در خارج از آن به نحو احسن در دسترس ایشان گذاشته شود . در این مورد یکبار دیگر تذکر اساس فکری انقلاب شاه وملت را ضروری میدانیم که جامعهٔ نوین ایران میبایست همواره پیشاپیش تحولات قدم بردارد تا راه گشای این تحولات ، ونه دنباله روآنها باشد.

تشکیل کنفرانس های ملی سالانه کار ، که اکنون هشتمین آنها برگزار میشود ، براساس همین هدف کلی صورت میگیرد ، بهمین جهت امیدواریم کنفرانس کنونی که در سال خاصی از تاریخ ایران نوین تشکیل شده است ، در تبادل نظرها و بررسیهای گوناگون خود توفیق کامل حاصل کند و کار آن با کامیابی از هرجهت مثبت ومفید همراه باشد.

سخنان آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر و دبیرکل حزب رستاخیز در هشتمین کنفرانس ملی کار:

آقای امیر عباس هویدا، نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران، در نخستین جلسه هشتمین کنفرانس ملی کار، گفتند:

خانمها، آقایان:

گشایش هشتمین کنفرانس ملی کار را، که در سال فرخنده برگزاری آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی تشکیل میشود، بهمه‌ی شما شادباش می‌گویم. امیدوارم این کنفرانس بتواند، با توجه به خطمشی کار، که شاهنشاه آریامهر در پیام الهام‌بخش خودشان ترسیم فرمودند، راه حلها و توصیه‌های قاطع و روشنی ارائه کند. هفت سال پیش، هنگامی که برای نخستین بار کنفرانس ملی کار، مقارن با پنجاهمین سالگرد سازمان بین‌المللی کار، گشایش یافت، آرزو کردم که این کنفرانس پراهمیت و اساسی، بتواند روز بروز زمینه‌های وسیعتر و مساعدتری، برای مشارکت هرچه بیشتر کارفرمایان و کارگران، در سازندگی کشور در تمام سطوح، فراهم سازد، امروز این وضع بروشنی ملاحظه و احساس می‌شود، در شرایطی که بیکاری و عدم بهره‌گیری صحیح و کامل از استعدادها و قابلیت‌های انسانی، یکی از مهمترین و پیچیده‌ترین مسائل جهان امروز است، و درحالی که راه حل تعیین اولویت برای هدفهای اجتماعی توسعه و پیشرفت، بزرگترین مشغله فکری دنیای کنونی است، جامعه‌ی ما، برخوردار از یک فرماندهی قاطع و دوراندیش، نه تنها توانسته برای استفاده از استعدادها و توانائی‌های انسانی زمینه‌ی گسترده‌ای فراهم کند، بلکه در نیل بهدفهای اجتماعی توسعه و پیشرفت نیز، موفق و کامیاب بوده است،

آقای هویدا نخست وزیر افزودند: در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، خصوصا در دوران انقلاب شاه و ملت، سه سال نخست برنامه عمرانی پنجم، دارای خصوصیات بسیار درخشان و چشمگیری است، زیرا، در این دوره، اگرچه کمبودها و تنگناهائی که زائیده هر پیشرفت سریعی است، در برابر برنامه‌های مملکتی قرار گرفت، اما کارآئی و ایمان و اخلاص و همبستگی مردم و اطمینان بفرماندهی شاهنشاهمان، این امکان را بدست داد، تا درمقابله با این تنگناها و کمبودها نیز، پیروز و سربلند باشیم، از سد (غیرممکن‌ها) با قدرت و قاطعیت بگذریم، و تجارب گرانبهائی نیز، درمقابله با این مسائل پیچیده، بدست آوریم.

درشرائطی که برای استفاده هرچه بیشتر از نیروی فعال جامعه، همه‌ی مقدمات و تسهیلات لازم فراهم شده است، و با توجه باین نکته که کمبود نیروی انسانی ماهر و کارآمد، هنوز هم بعنوان مشکلی خودنمائی می کند، راه حل سریع و مؤثر در این زمینه را، همانطور که شاهنشاه فرموده‌اند، باید در افزایش هرچه بیشتر سطح بهره‌وری جستجو کنیم، و با تلاش بیشتر و سازنده‌تر، و بهره‌گیری از بهترین و پیشرفته‌ترین روشها و ابزار تولید، سطح بهره‌وری را بحداکثر ممکن افزایش دهیم، زیرا از این طریق، و با تولید بیشتر و بهتر، نه تنها زمینه‌ی هموارتری برای ارتقاء هرچه بیشتر سطح زندگی و رفاه کارگران کشور فراهم می‌شود، بلکه مقام و موقع کشورمان نیز استوارتر، و بمرحله‌ی شایسته‌تری میرسد.

آقای هویدا در اینجا بسومین کنگره کارگران اشاره کردند و گفتند: همانطور که در سومین کنگره بزرگ کارگران ایران نیز یادآور شدم، (بزرگترین ثروت هر کشور نیروی کار آن است). این نیرو، در پنجاه سال پیش، نه تنها

بقیه‌در صفحه ۴۵

شیشه، از سه هزار س

نخستین کارخانه شیشه سازی ایران روز دوازدهم شهریورماه ۲۴۹۸ شاهنشاهی بوسیله رضا شاه کبیر افتتاح شد، ولی با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۲۵۰۳ تعطیل گردید و این صنعت به بوته فراموشی سپرده شد

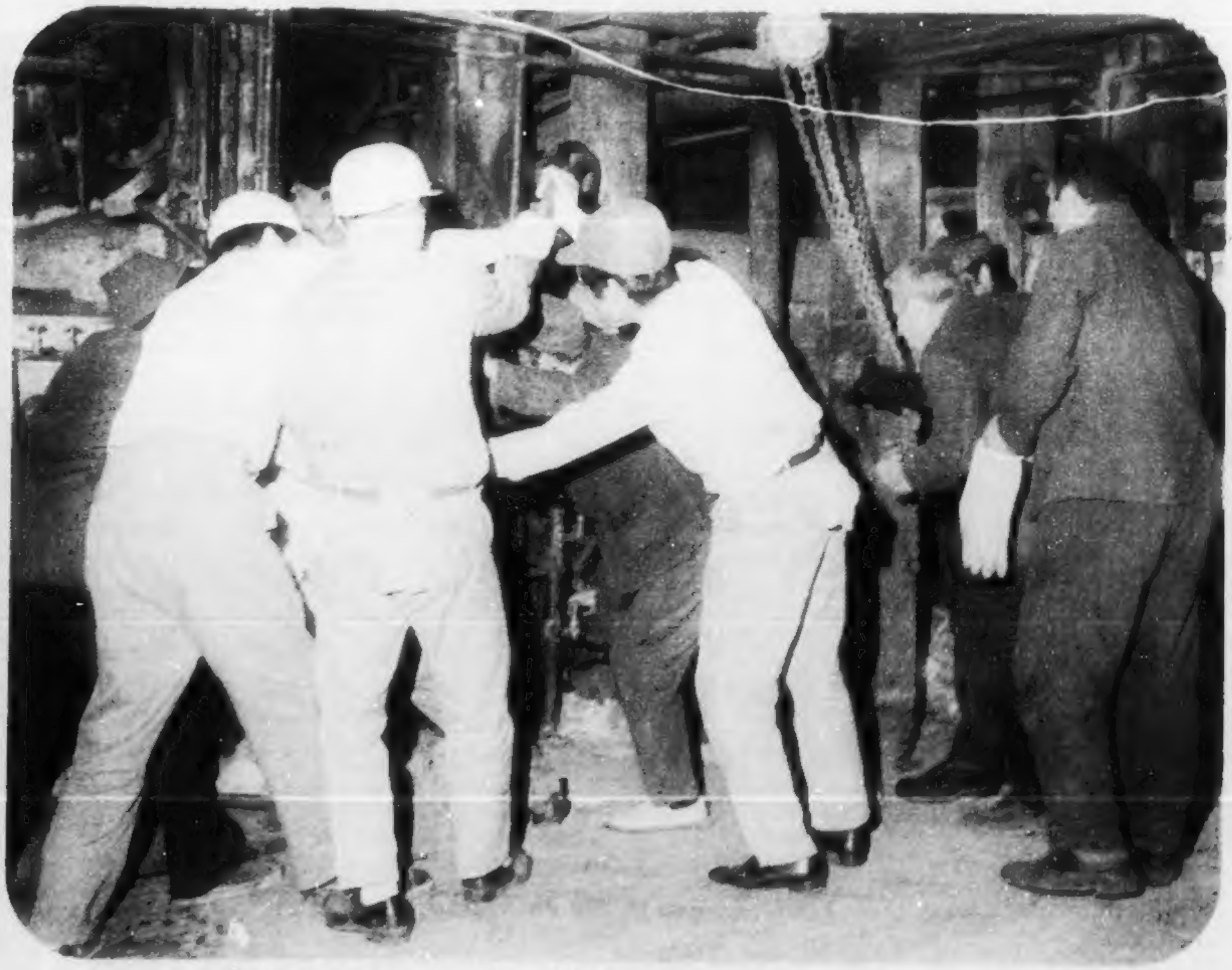

کارگران، نمونه‌ای از شیشه مذاب را از کارخانه خارج می‌کنند تا قبل از شکل گرفتن در آزمایشگاه مورد بررسی دقیق قرار گیرد

دنیای کارگران شیشه و بلورساز دنیائی که همچون ساخته دستشان بی‌غل و غش و خالی از کدورت است. استکانی که در آن چای می‌نوشیم ولیوانی که در گرمای تابستان پر از آب سرد گوارا است ساخت دست این کارگران است.

شیشه‌ای که از پشت آن در خانه و یا هر جای دیگری بدنیای خویمان و خیابانهای شهرمان می‌نگریم ساخته فکر و دست کارگران صنعت شیشه سازی کشورماست.

براستی که کار این کارگران به همان اندازه که زیباست، مشکل نیز هست.

وورا باور دارد!

با اسماعیل اصغری، کارگر ذوب کار شیشه و پنجره در یکی از کارخانجات بزرگ و قدیمی تهران آشنا میشویم.

از در ورودی کارخانه که وارد میشویم او درمقابل کوره‌ای گرم که شعله های آتش از آن زبانه میکشد، ایستاده است و به سهم خود در سازندگی این صنعت کشورمان کوشش می‌کند گفتگو با او برای من سوژه جالبی است. جلو میروم، ولی گرمای سوزنده کوره مرا به عقب میراند. در میان صدای مداوم دستگاههای کارخانه میخواهم او را صدا کنم ولی نمی‌توانم. با خود می‌اندیشم من که نمی‌توانم برای دقایقی گرمای کوره کارخانه را تحمل کنم و در این محل با اسماعیل گفتگویی داشته باشم، چگونه قادر خواهم بود تلاش و کوشش او را در قالب کلمات بریزم و به خوانندگان مجله بشناسانم ناچار بی‌اعتناء به تمام فشار فزاینده گرما جلوی کوره میروم و درمقابل اسماعیل می‌ایستم و بچهره خوب و مهربانش که صمیمیت زندگی کارگری در آن موج می‌زند خیره میشوم.

اولین پرسش را با توجه به اینکه جوابش را میدانم مطرح میکنم: از کارت راضی هستی؟ جواب مثبت است، مثل هر کارگر دیگر دوران انقلاب شاه و ملت از آنچه که به او ارزانی شده سخن میگوید، آنچه که در ۲۰ سالگی نداشت و اکنون در آستانه چهل سالگی دارد، با خودم میگویم او هم مثل دیگر همکارانش قدرشناس است او که شب را دیده و روز را باور دارد، او میگوید برای یک شیفت کار در روز ۵۰ تومان میگیرد و در پی آن از امکان افزایش دستمزدش سخن میگوید. باز متوجه میشوم که انتظارات او همپای پیشرفت کشورمان پیش میرود میخواهم از او بپرسم آیا در ۲۰ سالگی در آن روزها میتوانست از امکان افزایش دستمزدش سخن

یک تحقیق و بررسی درباره صنعت شیشه سازی در ایران و دیگر کشورهای جهان

ال پیش تا به امروز

گرمای شدید کوره ذوب شیشه فقط دست پرتوان می‌خواهد و کارگری که با امید به فرداها حتی از حرارت نهراسد

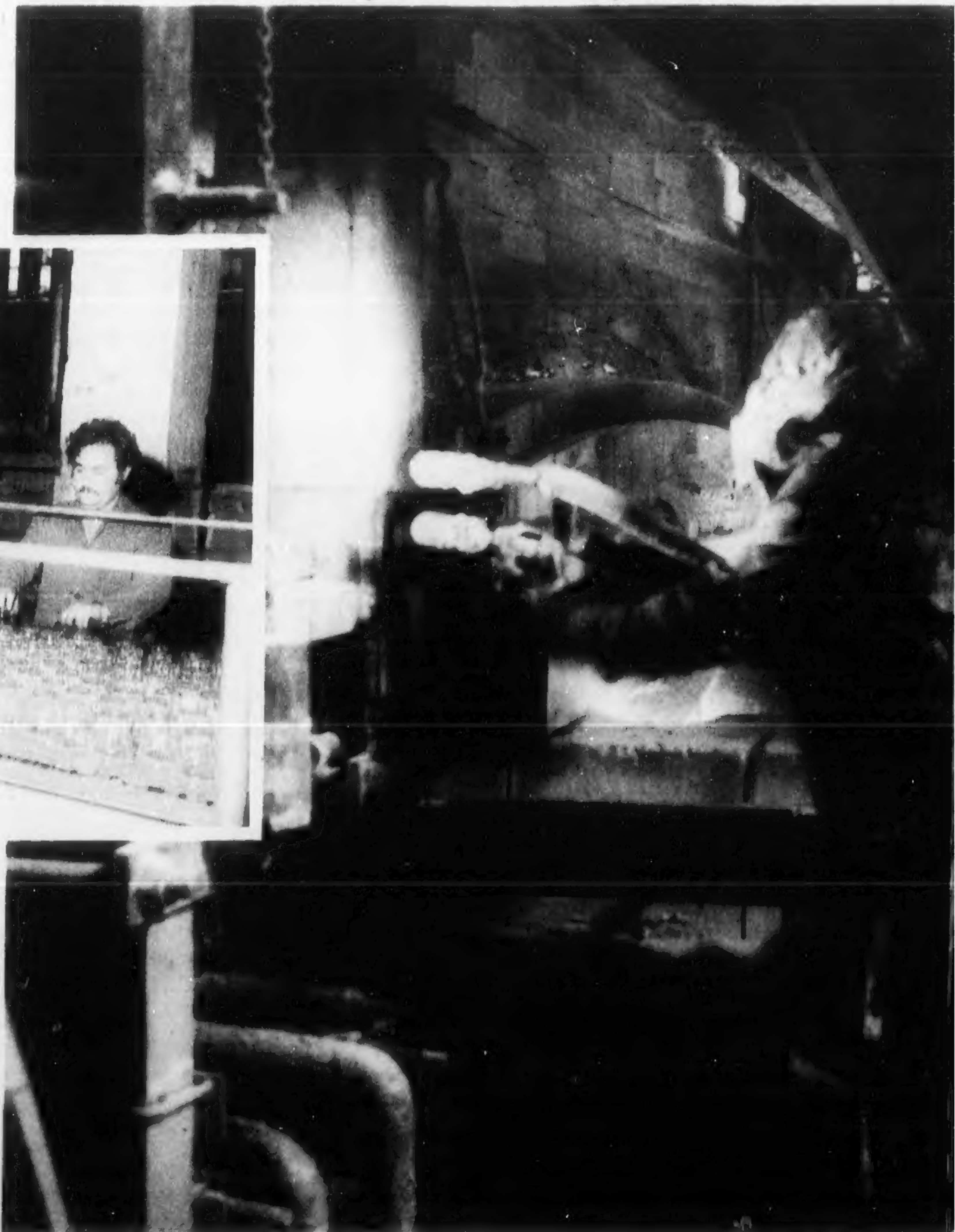

بگوید و یا به آن فکر کند، ولی خیلی زود متوجه میشوم که این جواب را بارها از همکاران او در دیگر واحدهای تولیدی شنیده‌ام و او نیز بدون تردید خواهد گفت زندگی امروزش با دیروز فرق دارد. اکنون به آینده‌اش امید بسته است نه تنها به آینده خود بلکه به آینده فرزندانش که از اصول انقلاب شاه و ملت بهره می‌برند. در پی گفتگو با او با محمد صالحی مقدم و صائبعلی تبریزی دو تن دیگر از کارگران نیز صحبت می‌کنم. همه یک چیز میگویند، سخنانی که برای

بازده کار صدها کارگر اکنون آماده بسته بندی است تا به بازار عرضه شود.

دقایقی سکرلذت آور خوشبختی را در تمام وجودم می‌دواند. تنها چیزی که میتوانم به آنها بگویم آرزوی خوشبختی بیشتر است و این که قلبشان همیشه به گرمی کوره‌ای که با آن کارمیکنند باشد و دستشان همیشه آنچه را بسازد که برآن جمله «ساخت ایران» نقش بندد.

تخصص در کار

در دیگر قسمتهای کارخانه با چندتن دیگر به گفتگو می‌نشینم. در کنار صحبت از شرکت تعاونی، سود ویژه، گسترش مالکیت صنعتی، سخن از مشکلاتی بمیان می‌آورند که خود به حل آن ایمان دارند. مثلا از اینکه فاصله خانه-

لطفا ورق بزنید

شیشه از سه هزار سال پیش تا امروز

در کارخانه های بزرگ و کوچک ما بیش از ۱۵۰۰ کارگر به صنعت شیشه سازی اشتغال دارند

محمدصالحی مقدم، کمک ذوب کارشیشه. اومیگوید که به کارش عشق می‌ورزد

شان تا کارخانه زیاد است و روزها برای رسیدن به کارخانه ،وقت زیادی ازآنهامیگیرد.

درگفتگوهای بعدی متوجه میشوم که کارگر امروز بواقع در کارش تخصص دارد چرا که همین ها خیلی بهتر از مسئولان کارخانه طرز کار کارخانه رابرایم توجیه میکنند:

دریک کارخانه شیشه و بلورسازی سیلیس و کربناتهای مختلف از یک سو وارد کوره گرم میشود و پس ازمدتی تبدیل به شیشه شده واز سوی دیگر خارج میشود شیشه‌ای که خارج میشود درمقابل هوای اطراف مقاوم نیست و خاصیت شکنندگی دارد و به همین جهت در مدت معینی سرد میشود تا نشکند و بعد قابل استفاده باشد.

شیشه‌ای که از کوره خارج میشود در یک قسمت به صورت شیشه جام درمی‌آید که درپنجره خانه‌ها ازآن استفاده میشود و در یک سوی دیگر کارخانه به ظروف شیشه‌ای تبدیل

میشود . برای رنگ کردن شیشه‌ها نیز از اکسیدهای فلزی استفاده‌میشود.

شیشه‌سازی در مراحل مختلف تحت کنترل دقیق آزمایشگاه است تا سختی خود را حفظ کندو درضمن دارای بهترین صفت یعنی شفافیت وصافی باشد. در کارخانه‌های بزرگ‌و کوچک شیشه و بلورسازی کشور ما اکنون بیشتر ازیکهزارو پانصد کارگر به کاراشتغال دارنـد و درایـن زمینه تخصص و تجـربـه اندوخته‌اند.

کارگرانی که در کارخانه‌های بزرگ درکنار کوره و ماشینهای غول‌پیکر کارمیکنند و کارگرانی که در کنار کوره‌های کوچک هنرمندانه به تکه‌های شیشه مذاب شکل میدهند ، همه درفکرعرضه محصول بهترهستند. محصولاتی که اکنون به وسیله این کارگران ساخته وعرضه میشود ، مشابه محصولات دیگر کشورهای جهان است که تا چند سال پیش به کشورما وارد میشد ، ولی اکنون به کمک ماشین و فکر خلاقه کارگر ایرانی از ورود آنها بی‌نیازیم . انواع بطری برای شیر و نوشابه‌ها ، بطریهای کوچکتر برای کارخانه‌های دارو-سازی کشورمـــان ، شیشه‌هـــای درو پنجره ساختمانها ، شیشه‌های محصولات غذائی ، شیشه های فلاسک ، لامپ ، انواع و اقسام

ظروف بلوری و دیگر محصولات بلوری و شیشه‌ای اکنون در کشورمـــان و به دست کارگران هنرمندمان‌ساخته میشود . صنعت شیشه درایران ازپیشرفت چشمگیری برخوردار شده است و درسالهای تکوین خود که مدت زیادی ازآن نمی‌گذرد ، همواره نه تنها درجهت سیاست خود کفائی کشور به جلو گام‌برداشته است ، بلکه میخواهد در بازارهای بین‌المللی رقیبی برای محصولات دیگر کشورها باشد .

اولین کارخانه

شیشه و بلورسازی به عنوان یک صنعت در کشورمان نخستین بار در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر پای گرفت و در طول سالیان دراز همپای دیگر رشته‌های صنعتی مملکت ترقی کرد،

داستان نخستین کارخانه شیشه‌سازی در کشورمان و به دنبال آن تحولاتی که دراین زمینه‌صنعتی روی داده‌بسیارجالب است.

در سالهای ۱۳۰۹ تا ۹۸ از قفقاز نوعی آب معدنی به ایران صادرمیشد که بسیارمورد تـوجـه مـردم بـود واهالی تهران وشمال و آذربایجان از آن استقبال زیادی می کردند . این آب معدنی که به «نارزان» معروف بود ، درشیشه‌های در بسته به کشورمان وارد میشد و مردم کشورمان غافل ازوجود آبهای معدنی داخلی ، ازآن مصرف‌می کردند. بعضی‌ها هم از چشمه‌های آب معدنی کشورمان مثل «آب علی» و غیره اطلاع داشتند ولی هم دسترسی به آنها مشکل بودو هم سازمانی وجود نداشت که آنها را درشیشه کرده و به فروش برساند .

اعلیحضرت رضاشاه کبیر که به اهمیت چشمه‌های معدنی ایران وبه خصوص آب علی واقف بودند فرمان دادند که یک کارخانه بطری سازی بوجود آید و آبعلی در داخل بطریهای این کارخانه برای مصرف داخلی وبی‌نیازی کشورازورود آب معدنی و همچنین برای صادر کردن به بازارخارج عرضه شود .

در پی فرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، دولت وقت بلافاصله دست به کار احداث کارخانه شد و با سفارتخانه‌های کشورهای مختلف تماس گرفت تا بتواند کارخانه‌ای وارد کشور کند.

در پی این تماسها یک صنعتکار ایتالیائی به کشورمان آمد و پس ازچندی بررسی ، اولین کارخانه شیشه‌سازی ایران را در شرق تهران بـه‌وجـود آورد

مواد مورد احتیاج کارخانه نیز از خارج واردشدو پس ازچندی اولین بطریهای کارخانه بیرون آمد ولی دربررسیها معلوم شد که بطری تولیدی این کارخانه گران تمام میشود و مقرون به صرفه نیست درضمن چون کارها در کارخانه بیشتر با دست و مواد اولیه نامرغوب و بدون تجهیزات لابراتواری انجام می‌گرفت ، محصول عرضه شده کیفیت خوبی نداشت و همین امر باعث شد که اعلیحضرت رضاشاه کبیر دستور دیگری صادر کنند تا دولت وقت هر چه زودتر کارخانه‌ای به‌وجود آورد که ازنظراقتصادی مقرون بهٔ صرفه باشد و محصولات آن هم در

بازارهای بین‌المللی قابل رقابت باشند ، این دستور با سرعت و دقت بسیار پی‌گیری شد و مسؤولان امر در بررسیهای خود متوجه شدند با احداث یک کارخانه که بتواند محصولات شیشه‌ای اعم از بطری و غیره تولید کند میشود از ورود چند قلم از کالا های وارداتی شیشه‌ای جلوگیری کرد ، به این ترتیب فعالیت برای خرید کارخانه‌ای که قادر به ساخت بطری ، حباب چراغ ، استکان ، لیوان ، شیشه و پاره‌ای دیگر از کالاهای شکستنی باشد ، آغاز شد.

به منظور خرید چنین کارخانه ای تجار و وارد کنندگان بلور و شیشه به سرپرستی مرحوم عبدالحسین نیکپور سرمایه گذاری کردند و مذاکره برای خرید کارخانه از کشور آلمان آغاز شد ولی متخصصان آلمانی وجود مواد اولیه برای بلور و شیشه سازی را لازم دانستند و اعلام کردند در صورتی کارخانه می تواند به کار آغاز کند که «سیلیس» در کشور ایران یافت

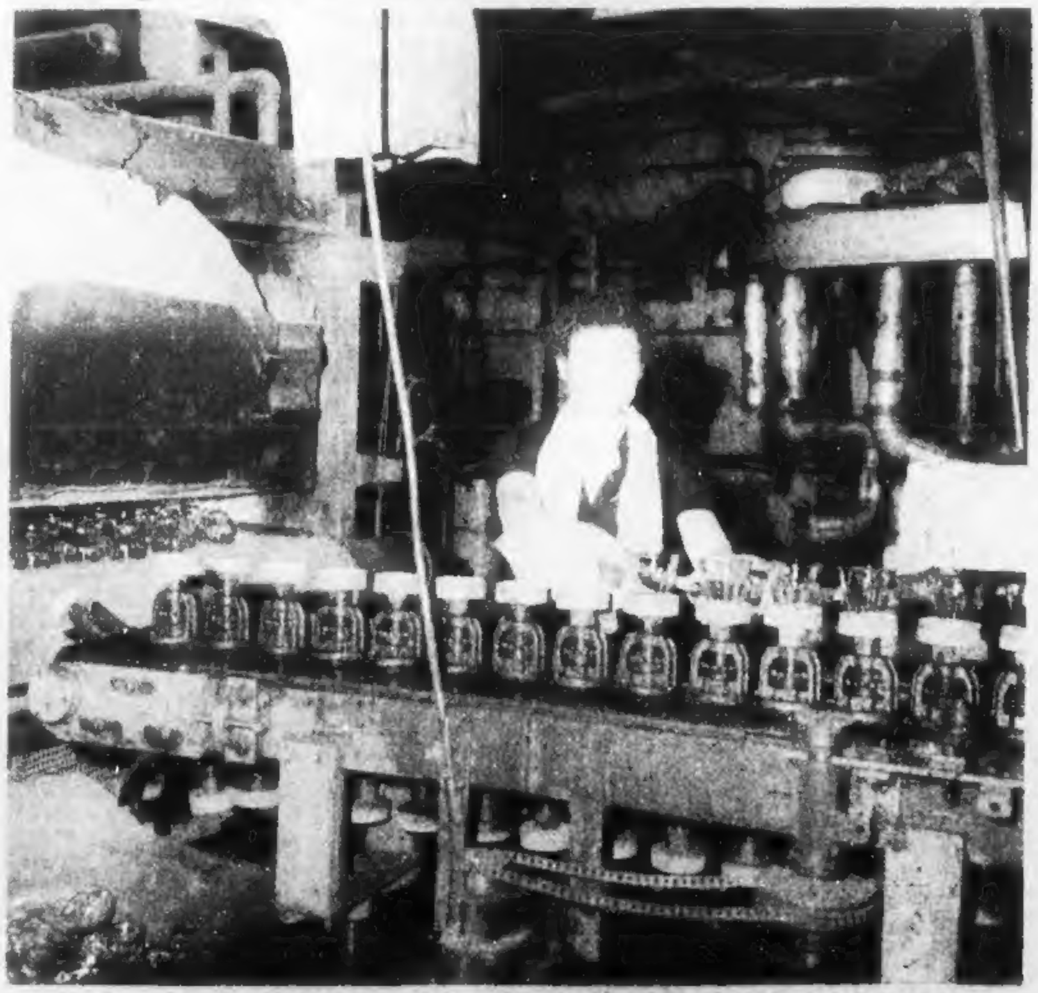

این لیوانها قبلا از خارج وارد میشد، ولی اکنون با مارک «ساخت ایران» نه تنها به بازارهای کشورمان عرضه میشود بلکه در چند کشور دیگر هم خریدار دارد

شود. به همین جهت چند نفر از متخصصان این رشته با لابراتوار مجهزی به کشور ما آمدند و پس از یک سال جستجو و کاوش در اراضی بین همدان و ملایر متوجه وجود سنگ سیلیس شدند.

پس از پیدائی سنگ سیلیس مذاکرات نهائی برای خرید کارخانه آغاز شد و به نتیجه رسید و اولین سنگ بنای کارخانه در کنار سیلوی تهران پا به گرفت و در کنار بنای کارخانه که دارای یک کوره بود ساختمان منازل کارکنان و کارگران آن هم آغاز شد.

اولین کارخانه شیشه و بلور سازی ایران به این ترتیب با کوششهای بسیار در سال ۲۴۹۸ شاهنشاهی برای افتتاح آماده شد.

اعلیحضرت رضا شاه کبیر در روز دوازدهم شهریور ماه همان سال پس از افتتاح سیلوی تهران پیاده به محل کارخانه شیشه ایران تشریف فرما شدند و این کارخانه را رسماً افتتاح فرمودند و محصولات کارخانه از همان روز با مارک ساخت ایران به بازار عرضه شد که کشور را از ورود اقلام زیادی از کالا های مشابه بی نیاز کرد. گرچه متخصصینی از چکسلواکی ، لهستان ، سوئد و دیگر کشورها در کارخانه کار میکردند و به ایرانیان آموزش می دادند ، ولی بیشتر متخصصان از کشور آلمان بودند. کارگران ایرانی در این مدت تجربیات زیادی آموختند و توانستند با راهنمائی متخصصان آلمانی محصولات خوبی به بازار عرضه کنند. کارخانه شیشه و بلور سازی می رفت تا گسترش بیشتری پیدا کند که جنگ جهانی دوم آغاز شد و با هجوم متفقین به کشورمان از ادامه کار متخصصان آلمانی جلوگیری بعمل آمد و بار صنعت جوان شیشه و بلور سازی به دوش خود ایرانیان افتاد که با زحمت بسیار به کار ادامه دادند ولی در آن سالها مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و بسته بودن راهها و عدم ورود مواد اولیه گریبانگیر کارخانه شد و سه سال بعد از آغاز جنگ یعنی سال ۲۵۰۳ کارخانه تعطیل شد که در واقع باید گفت اولین کارخانه شیشه سازی ایران در بحبوحه جنگ به بوته فراموشی سپرده شد.

با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی و ورود کالا های شیشه ای و بلوری خارجی به ایران فکر نوسازی کارخانه باردیگر نضج گرفت و تلاش برای براه انداختن کارخانه ای که مدتی خوابیده بود آغاز شد.

این بار یک کمپانی آمریکائی طرف معامله برای خرید دستگاههای جدید بود ، از این کمپانی یک کوره با سه ماشین خریداری شد و کارخانه مجدداً آغاز به کار کرد و کارگرانی که در زمان جنگ هر کدام به سوئی رفته بودند بار دیگر به سر کار خود باز گشتند و تولید کارخانه شیشه و بلورسازی آغاز شد ، ولی در این سالها با تمام تلاشی که به کار می رفت ، کارخانه از نظر اقتصادی وضع خوبی نداشت تا اینکه در سالهای ۲۵۱۰ و ۲۵۱۱ که ثبات سیاسی و اقتصادی ایران استحکام یافت ، کارخانه نیز وضع مطلوبی پیدا کرد و با کمک سازمان برنامه توانست به موجودیت خود ادامه دهد و از سال ۲۵۱۴ پیشرفت آن آغاز شد که تا امروز بلاوقفه ادامه دارد.

در کنار این کارخانه ، دولت ، بخش خصوصی متوجه شدند که نیاز به محصولات بلوری و شیشه ای روز افزون است و به این ترتیب کارخانه دیگری نیز احداث شد ، از جمله این کارخانه ها که با کمک دولت ایجاد شده است می توان از کارخانه شیشه سازی قزوین ، آبگینه ، بطری سازی و شیشه گاز نام برد و علاوه بر اینها هم اکنون در همدان نیز کارخانه‌ای در حال احداث است که بزودی محصولات خود را عرضه می کند بهر صورت با ایجاد کارخانه‌های دولتی و بخش خصوصی نه تنها ایران از واردات شیشه جام و بطری بی نیاز شد بلکه تعدادی از این کالاها به امارات ساحل خلیج فارس نیز صادر می‌شود.

تنها نوع شیشه‌ای که اکنون وارد کشور می‌شود شیشه‌های ایمنی ضخیم برای ویترینها و درهای ایمنی است که برای بی نیازی از این نوع شیشه نیز مطالعه جهت احداث کارخانه‌های بزرگ با کمک دولت به وسیله بخش خصوصی آغاز شده است و قرار است این کارخانه به زودی احداث شود بر اساس پیش بینی هائی که بعمل آمده بیست درصد محصولات این کارخانه مورد احتیاج بازارهای داخلی خواهد بود و هشتاد درصد آن به کشورهای اطراف صادر می‌شود.

ساخت کریستال

ساخت وسائل لوکس با شیشه و کریستال نیز در کشور ما سابقه دارد و اکنون چند کارگاه در تهران به ساختن چنین وسائلی اشتغال دارند از جمله می توان از مرکز صنایع دستی که ظروف بلوری و شیشه‌ای را به طریقه سنتی و با فرمهای ایرانی می‌سازد نام برد.

نا گفته نماند که ساخت ظروف کریستال در ایران ، با مشکلاتی رو برو است که مهمترین آن عدم وجود سیلیس مرغوب برای ساخت کریستال است. چند سال پیش کارخانه شیشه ایران با وارد کردن سنگ سیلیس از اروپا کوشید محصولات کریستال عرضه کند و از نظر شکل و فرم این کارخانه با ذوق و ابتکار کارگران ایرانی توانست موفقیت بسیاری بدست بیاورد ولی چون سنگ سیلیس مرغوب از خارج وارد می‌شد و گران بود از جنبه اقتصادی در این رشته نتوانست موفقیتی بدست آورد و کریستال سازی را متوقف کرد.

هنر کریستال سازی

ساخت شیشه و کریستال در دنیا سابقه زیادی دارد و تاریخچه‌ای شیرین ، و سازندگان ظروف کریستالی و شیشه‌ای قبل از اینکه کارگر شمرده شوند ، هنرمند بحساب می آیند چرا که کار و هنر را درهم آمیخته اند

آغاز شیشه گری

تاریخچه شیشه‌سازی به سه هزار سال پیش یعنی زمان فنیقی ها می رسد. قبل از آن هم شاید صنعتی بهمین نام وجود داشته ، ولی چون باستانشناسان به آثاری از آن دست نیافته اند ، آغاز کار شیشه‌گری را به سه هزار سال پیش محدود کرده‌اند. بعضی از آثار شیشه‌ای زمان فنیقی‌ها اکنون در موزه‌های بزرگ دنیا یافت می‌شود. می‌گویند صنعت شیشه گری از همان زمانها در کشور ما و چین نیز شکل گرفته است. قدیمی‌ترین سند در زمینه شیشه سازی در ایران به دوران ساسانیان باز می گردد. شیشه‌های گرد تسبیح مانند که گفته می‌شود برای زینت زنان ساخته شده است در حفاریهای باستانشناسی به دست آمده است و آنها را به زمان ساسانیان نسبت می‌دهند و این خود نشان می‌دهد که اجداد ما در این زمینه صنعتگران ماهری بوده‌اند.

ساخت ابتدائی

حدس ها و گمان‌ها در مورد چگونگی ساخت شیشه بسیار است ولی آنچه که سینه به سینه نقل شده نیز میتواند واقعیت داشته باشد:

گفته میشود چون ایرانیان در زمان قدیم به طرز ساختن شیشه از دل سنگهای سیلیسی پی بردند با وسائل ابتدائی کار شیشه سازی را آغاز کردند و در این راه ابتدا خمره‌ای از گل سرشوی ، درست می کردند و بعد سنگهای سیلیسی را در این خمره می ریختند. چون تبدیل سنگ سیلیسی به شیشه احتیاج به ترکیبات شیمیائی داشت ، از خاکستر گیاهی به نام شترخوار که در کویر می روید و دارای مقدار زیادی کربناتهای مختلف است استفاده می کردند. باین ترتیب که خاکستر را در خمره با سنگ سیلیس در می آمیختند و پس از چند روز که دور خمره را آتش میکردند ، شیشه به دست می‌آوردند. گفته می‌شود بعد از ساسانیان صنعت شیشه سازی در کشور ما برای مدتی به فراموشی سپرده شد ولی آزمایشهای پزشکی جابربن حیان و بوعلی سینا میتواند مؤید این نظریه باشد که در این دوره تاریخی و در زمان پیدایش اسلام نیز شیشه سازی در کشور ما رواج داشته ولی سخنی از آن نرفته است. بهرحال پس از این سالهای رکود اولین نمونه های شیشه سازی را در زمان صفویه می بینیم که پاره‌ای از آنها هنوز موجود است و در نوع خود به حد کمال رسیده است ولی باردیگر بعد از صفویه این صنعت زوال پیدا می کند. به گفته آگاهان در زمان قاجاریه فقط عده محدودی بودند که شیشه از نوع نامرغوب و با کیفیت و شکل بد میساختند.

این صنعتگران فن شیشه سازی را از پدران خود آموخته بودند و به پسران خود یاد میدادند. از جمله کارهای آنها شیشه هایی گل بی‌شکل بود که برای داروسازی به کار می‌رفت و همچنین غرابه های سرکه و آب‌لیمو کار این صنعتگران در مقابل اشیاء بلوری که از روسیه و دیگر کشور ها وارد می‌شد نمودی نداشت و تا آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر صنعت شیشه سازی به همین صورت بود ولی به طوری که شرح آن رفت این صنعت در زمان سلطنت سرسلسله پهلوی دوام و قوام گرفت.

رقابت با شیشه سازی

ساخت شیشه و مخصوصاً بطری در سالهای اخیر در کشور های خارجی و به دنبال آن ایران دگرگونی های بسیاری پیدا کرده است. تا چند سال پیش بیشتر ظرفها برای شیر و دارو های مختلف و غیره از شیشه ساخته میشد و رونق و اعتبار خاصی به صنعت شیشه سازی داده بود ولی اکنون پلاستیک ، کاغذ و ورقه های نازک فلزی کم کم جای شیشه را می‌گیرند و بطری اهمیت سابق خود را از دست می‌دهد. برای مثال کارخانه های شیرخشک و غیر محصولات خود را در قوطی های مقوایی یا نایلونی عرضه می کنند و پاره‌ای نوشابه هانیز در قوطی هائی با ورق نازک فلزی به بازار عرضه میشوند ، علت این امر شرایط آسان حمل و نقل و بهداشتی بودن آنهاست ، شیشه‌ای که چند بار شسته میشود از نظر بهداشتی کمتر مورد اطمینان است تا یک قوطی مقوایی و یا نایلونی که فقط یک بار مورد استفاده قرار می‌گیرد و پس از آن به دور انداخته می‌شود. با اینحال شیشه در دنیا هنوز جای ویژه‌ای دارد و استفاده از آن در آزمایشگاهها هنوز متداول است و عنصر دیگری نتوانسته جایگزین آن شود. در دیگر صنایع نیز از شیشه استفاده می‌شود و روز به روز بر مصرف آن افزوده می‌گردد. لامپهای چراغ برق در تمام دنیا از شیشه است و نمونه های آن نیز اکنون در کشور ها ساخته میشود. شیشه اتومبیلها ، هواپیماها و حتی ساختمانها نشانه اهمیت و اعتباری است که دنیای صنعتی ، برای شیشه قایل است و این که هنوز عنصر دیگری جانشین این یافته سه هزار سال پیش بشر نشده است.

رضاشاه

نوشته: منوچهر سعیدوزیری

درنقش بنیانگزار نظام ارزش

رضاشاه کبیر، درمراسم آغاز ساختمان دانشگاه تهران.

دوست عزیزم...

گویا این بحث مقدمه از رشته ... های مربوط به سلطنت اعلیحضرت ... باشد که برایتان می‌نویسم. اکنون اجازه می‌خواهم که با همین مقدمه و احتمالاً یک مقدمه دیگر (که بعداً می‌نویسم) به این قسمت از ... ها پایان داده و بقیه مقالات مربوط به تحصیل سلطنت دودمان پهلوی را به جریان‌های پس از شهریور سال ۱۳۲۰ هستی (۱۳۲۰ خورشیدی) تخصیص دهم، زیرا با توجه به مدت شانزده سال سلطنت دودمان پهلوی پیش از شهریور ۱۳۲۰ و سی و پنج سال بعد از آن (دوران آریامهر) و با درنظرگرفتن تحولات و وقایع غیرقابل تصوری که در این دوران سی‌وپنج ساله رخ داده است، چنین به نظر می‌رسد که باید شرح وقایع و خاطرات مربوط به شانزده سال پیش از شهریور ۱۳۲۰ را بتدریج به ایجاز برگزار کنم.

رضاشاه برقرارکننده ضابطه ها

مسئله اساسی این بود که ایران آنروز چنان بیمار و آشفته بود که در مقایسه با روزهای مجد و عظمت تاریخش ابداً شباهتی از روزگاران گذشته نداشت.

واقعاً معلوم نبود که اینجا ایران است و یک کشوری از کشورهای جهان است! همه چیز درهم‌وبرهم و همه‌چیز بهم‌ریخته، کسی به کسی نبود ... باصطلاح حکومت مشغول کارهای خودش بود، که البته مطلقاً شباهتی به حکومت کردن نداشت و هر کس گلیم خویش را از موج بدر می‌برد، مردم هم که مانند کلاف سردرگم اصلاً احساس ... بودن نمی‌کردند درمیان گردابی از مسائل ناساخته و در پیشاپیش آینده‌ای مبهم و تیره‌وتار دست‌وپا می‌زدند...

مثلاً ظاهر قضیه این بود که ده دوازده سال پیش از آن در مملکت انقلابی بنام انقلاب مشروطیت رخ داده، ولی عملاً اثری از آن‌همه و ایده‌آلهای مشروطیت معلوم نبود ... همان کسانی که انقلاب مشروطیت برای محدود کردن سلطه وسوار‌ی گرفتن بیرحمانه‌شان انجام گرفته بود و چندی از در فرار کرده بودند، این بار از دیوار فرود آمده و تحت‌عناوین دهان پرکن مشروطه از این ملت انتقام می‌کشیدند... پادشاه قاجار که باورش شده بود که شاه مشروطه است و نامه‌ها را بادستکش می‌گرفت و از ترس میکروب دائم بخود می‌لرزید! کارها را گویا به بهانهٔ تقسیم قدرت به قوای سه‌گانه از سر خود باز کرده بود و ایام را در خیابانهای پاریس و ... گاهی در پیچ‌وخم‌های ... شهر می‌گذراند...!

مملکت را گاهی ... مستعمره و گاهی ... دولت ... بی‌مجلسی مرکب از عناصر ... (...) در میان ... دو همسایه ... روس و انگلیس از امروز ... مروری ... استقلال و مردانگی ... و ... سهم...

و هیچگونه معیار و ضابطه‌ای در مملکت وجود نداشت...

و واقعاً آدم وقتی که به خاطر می‌آورد که یک روز در این مملکت شاهان قاجار از ترس میکروب حتی همه‌چیز را با دستکش لمس می‌کردند و نامه‌ها و عرایض را با انبر برمی‌داشتند و حالا نه تنها خود شاه هرروز از این شهر به آن شهر، از این مؤسسه به آن مؤسسه، از این کشور به آن کشور می‌رود و دائماً ... ها و مسائل ... و اعصاب خرد کن سرو کله می‌زند، حتی ... والاگوهر ایشان ... سوی مملکت ... در ... ها و روستاهای دورافتاده ... و دیگر جاها در بیمارستانها ... بیمارها ... بیمار دیگر می‌روند و ... یک ... همه بیمارها را بخود ... کرده و ... صرف عمر خویش با بیمارها و در بیمارستانها ... در ... وجدانی ... و واگیرترین بیمارها گفتگو می‌شد ... واقعاً از مقایسه این تضادهای ... انسان تعجب می‌کند... آن روز چه بوده، امروز چگونه است؟!)

بهرحال از مطلب بدور افتادم.. آنروز در مملکت هیچ‌چیز شرط هیچ چیز نبود. و رضاشاه فهمیده بود که باید در مملکت ضابطه‌های منطقی و روش‌ها و معیارهای قبول‌شده‌ای بوجود بیاید تا بتوان امیدوار بود که کارهای مملکت برمدار یک سلسله قواعد و ضوابط می‌گردد و نه براساس میل و دلخواه این خان و آن قلندر و آن گردن کلفت و آن شیخ و آن درویش و آن فلان کس و آن داش مشدی زیرگذر...!

اما آن ضابطه‌ها را از کجا باید بیاورد؟

رضاشاهی که از پشت شاهنشاهان و مردان رشید و پاکدل ایران زمین بود، نه میتوانست قواعد و اصول دوران شبانی و عقب‌افتاده‌ترین معیارهای تاریخ را بعنوان سنن ویژه ایران بپذیرد و نه رضایت میداد که ایران روحاً و جسماً (بقول بعضی‌ها!) فرنگی بشود ...و او میخواست که برروی بقایای خواب‌رفته‌ی خصلت‌های انسانی و افتخارآمیز پیشینیان ایران، بنیادهای نوینی بوجود آورد که توان

همکاری و همخوانی با معیارهای جهان پیشرفته داشته باشد... بی‌ذهنی که اصل و نسب ایرانی خود را حفظ کرده و از تازگی‌های تمدن و صنعت و دانش و آگاهی‌های دنیای خارج سر بهرهٔ وافی بگیرد.... بنیادهائی که در واقع عملاً وجود نداشتند و ریشه آنها را استعمارگران خارج و حکومتگران داخل دستی‌دستی خشکانیده و یا لامحاله نزدیک بخشکیدن کرده بودند.... کاری که اگر وطنخواهان واقعی غفلت کنند همیشه آرزوی دشمنان ایران بوده و خواهد بود.

رضاشاه می‌دانست [illegible] ساده‌ای [illegible]

بزرگ اروپائی و سرزمین‌های جهان پیشرفته [illegible] همچون حماسه‌ای در [illegible] کاروان فرهنگ‌تجدید [illegible] ایران‌زمین [illegible] خوانده می‌شود [illegible] «پویا بود هر که دانا بود» را سرلوحه [illegible].

گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ از زوایای تاریک و غم‌انگیز مکتب‌خانه‌های دورافتاده و احیاناً از زیر شولای فالگیران دوره‌گرد بدرآمده و براستی جای خود را همچون گوهر شبچراغ بر تارک فرهنگ و ادب بازسازی‌شدهٔ ایران باز یافتند...

رضاشاه دانشگاه تهران را بنیاد نهاد

در [illegible] و [illegible] دانش‌های علمی و فنی [illegible] [illegible] خود را [illegible] [illegible] [illegible] علاقه دانش‌دوستی و [illegible] [illegible] نیز از آن برخوردار بود.

بنیاد عدالت و دادگستری و لغو امتیازات غیرموجه..

رضاشاه [illegible] بی‌عدالتی را بخوبی می‌شناخت و بهنگام مسافرت‌های ماموریتی که

عنوان [illegible] دست‌آورد انقلاب مشروطیت [illegible] بلافاصله پس از [illegible] مشروطه، [illegible] واقعی [illegible]... [illegible] یکی از [illegible] گروه [illegible] آن روز [illegible] [illegible] بوده است.

یکی از [illegible] در حدود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گروه

ها و ضابطه‌های راستین...

عکسی از ششمین دسته محصلین عازم اروپا، درحضور رضاشاه کبیر، اعلیحضرت رضا شاه کبیر دراین مراسم ضمن بیاناتی فرمودند: خیلی خوشوقت هستم که دراین دوره نیز پروگرام اعزام محصل به اروپا را اجرا نموده شاهد اعزام محصلین به اروپا میباشم. راپورت‌هائی که ازمحصلین اعزامی تا حال واصل شده رضایتبخش و حاکی از این بوده است که درجریان تحصیلی خوب کار کرده‌اند. امید است این دسته نیز با همان سعی و جدیت و علاقه‌مندی کار کنند و راپورت‌های خوب و رضایتبخش ازآنها واصل شود.

یا بگیرند و از آن پس حکومت و حاکمیت حقیقی را ضوابط و معیارها در [illegible] [illegible] کنند...

فرهنگ—آموزش پرورش کارخانه‌آدم‌سازی...

... او دست به تأسیس مدارس زد، جوانان فارغ‌التحصیل مدارس ایران را باروپا و امریکا فرستاد و به‌آنها آموخت که باید رموز ترقیات خارجی‌ها را فراگیرند و بوطن بازگردند و ایرانی‌نو و جوان بسازند، و درضمن از دانش‌آموختگان موجود نیز در [illegible] [illegible] کارها را بدانها سپرد...

رضاشاه دانشمندان [illegible] و [illegible] می‌گماشت ... حاج مخبرالسلطنه هدایت، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)ها، محتشم‌السلطنه اسفندیاری‌ها، حاج‌سیدنصرالله تقوی‌ها، حتی سیدمحمد تدین‌ها و هر کسی که بوئی از دانش و فهم داشت، مورد نوازش رضاشاه قرار میگرفتند....

«دانش و صلاحیت علمی یکی از [illegible] هائی بود که [illegible] [illegible] [illegible] ارزش‌های مورد [illegible] [illegible] جای خود را بازکرد و به حق درمیان جوانان مملکت مسابقه دانش آموختن درگرفت، همچنانکه هم‌اکنون [illegible] مدارس دوران رضاشاه کبیر [illegible] [illegible] هستند.

[illegible] فردوسی [illegible] رضاشاه [illegible] [illegible] [illegible] اسلامی و قهوه‌خانه‌های [illegible] دبیرستانها و میدانهای ورزش راه یافت... خاطره برگزاری هزارهٔ فردوسی درشهر توس (مشهد) بامراسمی بس باشکوه و دل‌انگیز باحضور دانشمندان

واین حق وافتخار هرگز نخواهد مرد و هرگز به فراموشی نخواهد گرائید....

نه‌تنها در زمینه (سیویل) ویا باصطلاح کشوری وغیرنظامی، اومشعل دانش را افروخت، بلکه مدارس ابتدائی ومتوسطه‌وعالی برای نظامیان بوجود آورد.... مدارس نظام ودانشکده‌های افسری، درجای خود و بنوبه خود مجتمع‌های بسیار مجهز برای فراگیری دانش وهنر وصنعت بودند که بی‌گمان کارآئی دانش‌آموختگان آموزشگاههای نظامی از هرجهت اگر بیش از غیرنظامیان نبود، از هیچ جهت کمترازآنان نیز نبود. وبهرصورت [illegible] ارزشی گرانبهائی که رضاشاه [illegible] فکند، این بود که **«دانشمندبودن ولایق‌بودن وخدمتگزاربودن»** بعنوان معیار وضابطه‌ای [illegible] قدرت واصالت خود درجامعه شناخته شد.

رضاشاه مردی بود که از جان‌ودل برای استقرار (نظام‌ارزش‌های خوب‌وپویا) فداکاری [illegible].

واگرحمل برتعارف وخوشایندگوئی نشود، بایداعتراف کرد که اساسی‌ترین عامل محرک ومسبب انقلاب ششم‌بهمن واجرای [illegible] برنامه‌های انقلابی‌ترقیخواهانه [illegible] سطح وعمق‌دانش همه‌جانبه شاهنشاه [illegible] (ولیعهد سابق رضاشاه کبیر) میباشد... درست است که خوش‌قلبی وانساندوستی شاهنشاه آریامهر سرچشمه فیاض وخلاق این انقلاب خیرخواه بخشنده است، ولی بی‌شک زمینه‌های دانش وجهان‌بینی ووسعت اطلاعات ایشان

[illegible] محکم [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]- گری به [illegible] [illegible] از نزدیک دیده بود که [illegible] و [illegible] جامعه در ایران به وجود عدالت [illegible] [illegible] [illegible] است....

او دیده بود که [illegible] عدالت در [illegible] [illegible] [illegible] در دست کسانی است که اصولاً [illegible] [illegible] از دست بیعدالتی‌های خود آنان بلند است...

صیغه‌ای که دختر نابالغ فلان دهقان یا فلان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] روستائی [illegible] آن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] عدالت [illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] [illegible] و او خود را از [illegible] [illegible] [illegible] گرفت.

— گفتم چرا تصمیم داشتید او را در پشت میزش ترور کنید، مگر درمحل دیگر نمی‌شد؟

گفت، میخواستم [illegible] بودن او [illegible] کرده باشم و اگر او را درجای دیگری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] که درمملکت وجود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] افراد وجامعه انتظار [illegible] [illegible] حکومت داشت....

[illegible] بود که او پس از تشکیل [illegible]، [illegible] تأسیس فرهنگ و آموزش و پرورش [illegible] به ایجاد دادگستری صحیح نمود.... و [illegible] دادگستری را بعداز شهریور ۱۳۲۰، صف‌بندی گروههای باصطلاح سیاسی و نفوذ عناصر [illegible] و [illegible] از یکسو و نفوذ عمال [illegible] و سودجویان ازسوی دیگربه‌چنان عرصه اعمال غرض‌های شخصی وسیاسی مبدل ساختند که چنانچه دگرگونی بنیادی دادگستری براساس (عدل آریامهر) و تغییر روابط حقوقی افراد درقالب اصول انقلاب ششم بهمن (شاه و ملت) و پیدایش مراجع دادرسی از نوع خانه‌های انصاف و شوراهای داوری و دیگر تغییرات درروشها ودرقوانین وآئین‌های دادرسی بوجود نمیامد، اصولاً اعتماد به‌وجود عدالت و دادخواهی درمملکت امکان‌پذیر نمی‌شد.

درسایه ثبات وآرامش سرمایه‌ها درصنعت کشور بکار می‌افتد

رضاشاه کبیر، بنیان‌گزار ایران نو در بازدید از واحدهای نساجی و پارچه‌بافی، ضمن تشویق سرمایه‌گذاران و کارگران، تولیدجنس مرغوب را مورد تأکیدقرارمیدهند.

همچنانکه در [illegible] ملاحظه کردید، [illegible] و اسمی که [illegible] در [illegible] [illegible] سرپرست [illegible] [illegible] علاقه و توسعه [illegible] ایران پرداختند. و همانطور که [illegible] کردن و [illegible] بوجود [illegible] و در این [illegible] [illegible] سرپرست یافت.

چون نوبت [illegible] که از [illegible] [illegible] خود و هم

[illegible] و [illegible] صنعتی [illegible] اقتصاد [illegible] کشور را سرشار کردانید.

توجه [illegible] اساسی و اجتماعی، [illegible] علاقه‌ای بکار تجارت و صنعت داشتند [illegible] های خود را [illegible] و در شهرهای مختلف [illegible] کارخانه‌های گوناگون را [illegible] وحاصل تلاش و کوشش خود را در بازار ایران بمعرض داوری و فروش گذاشتند و [illegible]

[illegible] که در آن زمان مسیر [illegible] سرمایه‌گذاری‌های [illegible] [illegible] کشور [illegible]

[illegible] کارخانه‌ها و واحدهای [illegible] [illegible] ۱۳۱۰ [illegible] سرمایه‌داران ایرانی تأسیس شده [illegible] و مقدار تولیدات آنها از نظر [illegible] میگذرانیم.

کارخانجات ریسندگی وبافندگی پشمی.

کارخانجات ریسندگی و بافندگی که از [illegible] بخش خصوصی در این دوره از تاریخ کشورما تأسیس گردید، عبارت بودند از:

[illegible] کارخانه ریسندگی و بافندگی [illegible] در اصفهان. این کارخانه که با سرمایه‌گذاری [illegible] کارروبی‌ها تأسیس گردید، سالانه ۵۰ [illegible] ۳۰۰ هزار ذرع پارچه [illegible] ۳۰۰ هزار [illegible] در سال تولید داشت.

۲ — کارخانه شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اصفهان. این شرکت که از ابتدای

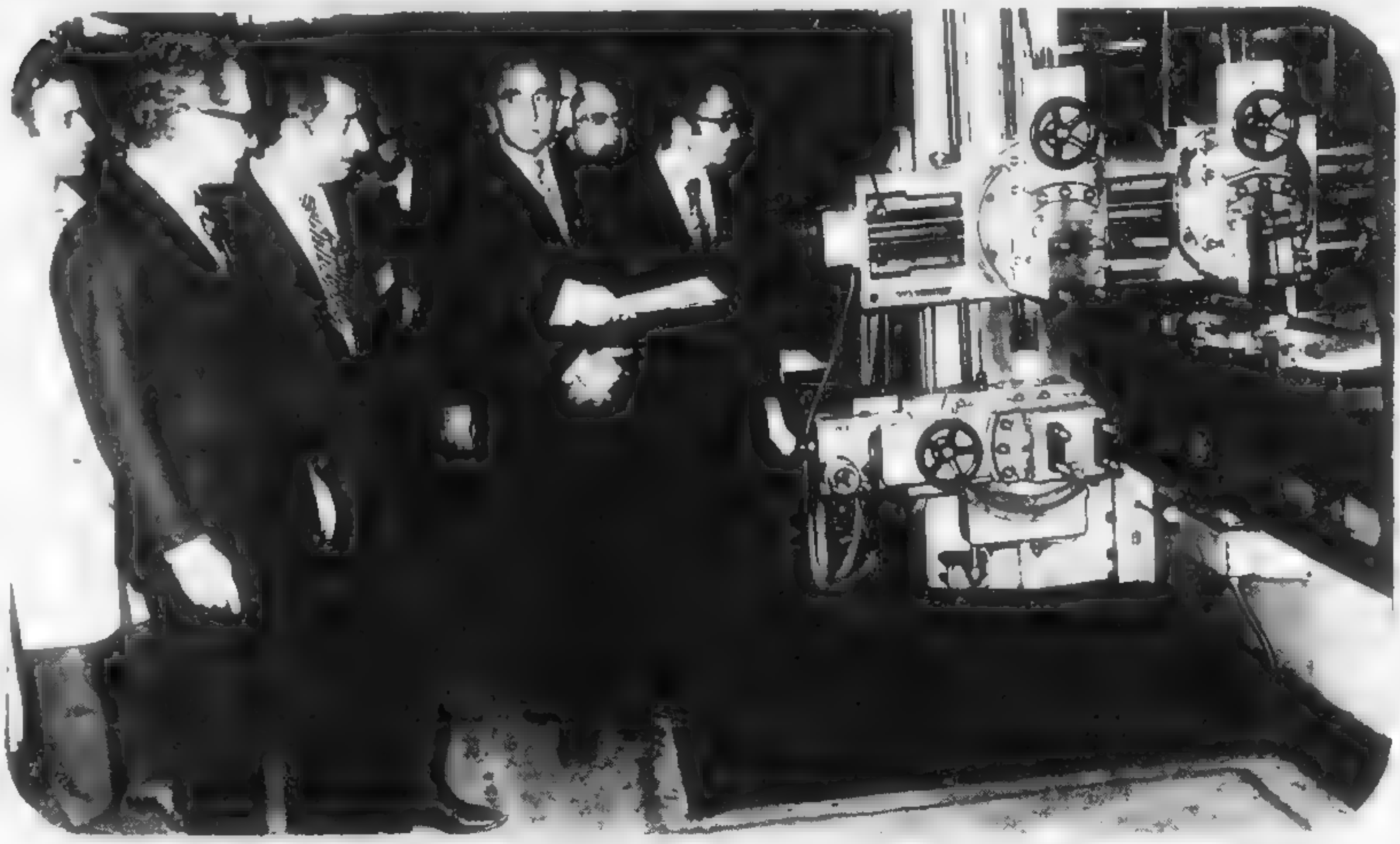

شاهنشاه آریامهر در مراسم گشایش کارخانه ماشین‌سازی تبریز ۲۵۳۱ شاهنشاهی. اکنون به برکت ثبات، امنیت، آرامش و موهبت‌هائی که در همه زمینه‌ها درسایه رهبری داهیانه شاهنشاه آریامهر نصیب کشور شده است، ایران با سرعتی شگرف درجهت صنعتی شدن کامل گام برمیدارد.

فعالیت یک کارخانه [illegible] ۲۴۹۳ شاهنشاهی [illegible] یک کارخانه [illegible] و [illegible] اوراس داد و [illegible] حدود [illegible] هزار منسوج نخی تولید می‌نمود.

۳ ـ کارخانه [illegible] که در [illegible] ایجاد شد و سالانه [illegible] منسوج [illegible] فعالیت کارخانه [illegible] واحد تولیدی بود، مضافاً اینکه کارخانه [illegible] سالانه [illegible] تولید می‌کرد.

۴ ـ در شهرستان [illegible] و [illegible] مردمان آن در کار تجارت و صنعت [illegible] دارند، کارخانه ریسندگی و بافندگی [illegible] آغاز بکار کرد و سالانه [illegible] منسوج نخی تولید و به بازار ایران عرضه میکرد.

۵ ـ در شهر کاشان [illegible] کارخانه دیگری برای تولید منسوج پشمی دایر گرد و محصولات این واحد تولیدی که سالی ۱۰۰ هزار [illegible] تولید بود، سهم مهمی در رفع احتیاجات مردم [illegible] داشت.

کارخانجات تریکوباف و جوراب بافی

از طرف سرمایه‌گذاران ایرانی به‌منظور رفع احتیاجات مردم از جهت جورابهای نخی و پشمی و همچنین پارچه‌های تریکو در شهر تهران ۹ کارخانه، تبریز ۵ کارخانه رشت و کرمانشاه ۲ کارخانه جوراب‌بافی وتریکوبافی تاسیس شد وتولیدات این کارخانه‌ها باشواهد و قرائنی که در دست است تمام احتیاجات مردم را برطرف کرد.

کارخانجات صابون سازی

از سال ۲۴۹۰ شاهنشاهی (۱۳۱۰) باین طرف کارخانجات متعددی برای تولید صابونهای مورد نیاز مردم ایجاد شد. این کارخانه‌ها عبارت‌بودند از:

۱ـ کارخانه داروگر در تهران که سالانه ۶۰ هزار کیلو صابونهای عطری و طبیعی وانواع کرم‌های بهداشتی تولید میکرد.

۲ ـ کارخانه [illegible] در [illegible] که سالانه [illegible] صابون عطری و ۳ هزار [illegible] مواد [illegible] تولید میکرد.

۳ ـ کارخانه برادران [illegible] در [illegible] تولید سالانه ۳۰ هزار کیلو صابون [illegible].

۴ ـ کارخانه برادران عطاری در [illegible] تولید سالانه ۵۰ هزار کیلو صابونهای عطری ورختشوئی تأسیس ومشغول [illegible] شدند.

کارخانجات چرمسازی

پنج کارخانه برای تولید چرم از طرف سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در شهرهای تبریز، تهران، همدان ومشهد ایجاد شد.

این کارخانه‌ها به‌ترتیب کارخانه برادران وهاب‌زاده در تبریز سالی ۳۰۰ هزار پوست گوسفندوبز را به‌چرم تبدیل میکرد. کارخانه کوروس واخوان در تهران سالی ۶۵ هزار کیلو چرم ۳ هزار تیماج و ۷۲۰ چرم گاو تولید داشت. کارخانه بهرام یگ گی در همدان سالانه ۵۰۰ خروار چرم تولید میکرد. [illegible] چرمسازی مشهد نیز باسالی ۴۶ هزار کیلو چرم نقش مؤثری در صنعت [illegible] سازی ورفع احتیاجات مردم کشور داشت.

کارخانجات کیسه وگونی‌بافی

در سال ۲۴۹۱ شاهنشاهی (۱۳۱۱ شمسی) در گیلان کارخانه‌ای به‌منظور استفاده از کنف که حد وفور دراین منطقه موجود بود، جهت تهیه گونی وکیسه‌های مخصوص حمل غلات تاسیس گردید. محصول این کارخانه باروزی جند ساعت کار سالی دو میلیون وسیصد هزار متر پارچه گونی بعرض ۱۴۵ سانتی متر بود که بعد از مدتی بافعالیتی که کارگران ومدیر این واحد تولیدی از خود نشان دادند، تولیدسالانه آن بسالی ۳ میلیون متر پارچه گونی رسید.

کارخانه کبریت‌سازی

اولین کارخانه کبریت سازی ایران در سال ۲۴۶۰ شاهنشاهی [illegible] شمسی) در تبریز تاسیس شد که [illegible] وسایل دستی کار میکرد. در سال ۲۴۸۴ شاهنشاهی (۱۳۰۴) [illegible] کارخانه ماشینی شد، وتبریز کوشش [illegible] ظرف [illegible] بعمل آمد، [illegible] جعبه کبریت به بازار ایران عرضه میکرد.

در شهر همدان وزنجان نیز کارخانه‌های کبریت‌سازی تاسیس گردید واین دو کارخانه سالانه حدود ۸۰ هزار جعبه کبریت تولید میکردند.

کارخانجات روغن کشی

به‌منظور تهیه روغن از مواد گیاهی و حیوانی ۷ کارخانه روغن کشی در شهرهای بابل، قزوین وبندرگز تاسیس شد که در کنار آن، کارخانه‌های صابون‌سازی نیز مشغول فعالیت بودند.

کارخانه لاستیک‌سازی

اولین کارخانه لاستیک‌سازی ایران در تهران تاسیس گردید. این کارخانه علاوه بروسائل لاستیکی مورد [illegible] و [illegible] هائی که در مقابل آب نفوذ ناپذیر بودند، تولید میکرد.

کارخانه تکمه سازی

درشهر تهران یک کارخانه تکمه سازی از طرف بخش خصوصی تأسیس شد که سالانه [illegible] میلیون تکمه فلزی وشاخی تهیه میکرد. این کارخانه علاوه براین، صفحه گرامافون نیز تولید وبه بازارعرضه کرد.

کارخانه بندپوتین وقیطان

اولین کارخانه بندپوتین وقیطان ایران در شهر رشت ایجاد شد که سالانه یک میلیون بند پوتین و قیطان به‌بازارعرضه میکرد.

کارخانه‌های گوناگون

درهمین ایام کارخانه‌های متعدد دیگری باتوجه به نیازهای مردم کشور تأسیس گردید که مهمترین آنها عبارت بودند از:

[illegible] چرخ‌سازی، قوطی [illegible] سازی، [illegible] سازی، فلاور [illegible]، [illegible]، توتون وسیگارت‌سازی، مشروبات الکلی، لمپوت سازی.

کارخانجات مولد برق

علاوه کارخانه‌هائی که به‌آن اشاره شد، ازطرف بخش خصوصی و دولت حدود یکصد کارخانه مولد برق در شهرهای مختلف ایران ایجاد شد، و به‌منظور تربیت افرادی که بتوانند دراین کارخانه‌ها بکار مشغول شوند، مدارسی جهت این منظور [illegible] آموزانی که علاقمند به کار دراین واحدها بودند، دایر گردید که مهمترین آنها عبارت بودند از مدارس صنعتی تهران، [illegible] و تبریز.

قوانین مربوط به کار و کارگر

بدیهی است با توجه به افزایش روزافزون کارخانه‌های تولیدی وصنعتی، اجرای قوانینی که حافظ منافع کارکنان این واحدها باشد لازم می‌نمود. چه درست به قانون و حمایت آن منوط به توسعه و گسترش کارخانه‌ها [illegible] بود و همانطور که در قسمت اول این بررسی یادآوری گردید، پس از آغاز سلطنت سلسله پهلوی وحتی چندسال بعد از آن، قوانینی که ازجهت گوناگون منافع کارگر را دربرگیرد وجود نداشت و همانطور که گفته شد درمواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون مدنی تحت عنوان اجیر [illegible] که در مورد اشخاص و کارگر هم صادق بود ولی با تشکیل اداره مستقلی بنام اداره صناعت و معادن، که در سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴ شمسی) بفرمان رضاشاه کبیر بوجود آمد، برای اولین بار از طرف این اداره آئین‌نامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی مشتمل بر ۴۶ ماده تهیه گردید و به هیأت دولت پیشنهاد شد. این آئین‌نامه در نوزدهم امرداد ماه ۲۴۹۵ شاهنشاهی (۱۳۱۵ شمسی) از تصویب هیأت دولت گذشت، در آئین‌نامه مذکور مقرراتی برای حمایت از کارگران، بخصوص درمقابل آسیب‌دیدگی و فوت ناشی از کار و همچنین تأمین بهداشت پیش‌بینی شده بود و تحت عنوان صندوق احتیاط و صرفه‌جوئی عمل می‌نمود.

کارخانجاتی که مشمول این مقررات میشدند، عبارت‌بودند از:

الف : کارخانه‌های بدون موتور که حداقل ده نفر کارگر داشته و یکی ازآنان بسن قانونی نرسیده باشد.

ب : کارخانه‌هائی که دارای موتور بودند وحداقل ۵ نفر کارگر داشته باشند.

در آئین‌نامه مزبور اداره صناعت و معادن علاوه برآئین‌نامه‌های فوق‌الذکر، آئین‌نامه مخصوصی هم برای کارگران معادن در راه‌آهن تدوین و بموقع اجرا گذارد. ضمنا در همین مدت تاسال ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ شمسی) بعضی از مؤسسات خصوصی و دولتی و یا ارتش کارگران خود را نزد مؤسسات بیمه خصوصی (که یکی دیگراز پدیده‌های اجتماعی و مؤثری بود که درعصر رضا شاه کبیر بوجود آمد) در مقابل حوادث ناشی از کار بیمه میکردند. مثلا کارخانجات سلحشات ارتش در سال ۲۴۹۹ شاهنشاهی (۱۳۱۹ شمسی) کلیه کارگران خود را درمقابل حوادث ناشی از کار نزد شرکت سهامی بیمه ایران بیمه نمود.

بهرحال این آئین نامه تنها مقررات مدون مربوط به کارگاه، کارگر و کارفرما بود که تا شهریورماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ شمسی) ازآن استفاده میشد.

از دیروز تا امروز نگاهی به زندگی کارگران اتوشوئی

۸۰۰۰ کارگر
که لباسهای من و شما را تمیز می[...]

صداقت و امانت‌داری، از خصوصیات کارگران اتوشوئی هاست...

در کشورمان گروهی از کارگران هستند که کارشان تمیز سازی و زیبا سازیست. یک لحظه فکر کنید، اگر خشک شوئیها نبودند، چه وضعی پیش می‌آمد؟

این روزها که زنان خانه‌دار، کار و گرفتاری بیشتری دارند و بسیاری از زنان در خارج از خانه کار می‌کنند، وفرصت گذشته برای تمیز کردن همه لباسها، بخصوص لباسهای روسیب، و هر جنس پارچه‌ها اغلب نوعی است که بسادگی تمیز کردن آنها مقدور نیست، اگر این کارگران با تخصص خود، لباسهای کثیف و لکه‌دار را نمی‌شستند، آیا میتوانستیم آنها را به تن کنیم و یا اگر لباس گرانقیمتی که احتیاج به رفوکاری کوچکی دارد، به وسیله این کارگران هنرمند رفو نمیشد، آیا قابل استفاده بود؟ ...

این کارگران به یاری زنان برخاسته‌اند، و کاری را که زنان ناگزیر به انجامش بودند، و چه بسا به خوبی هم انجام نمی‌شد، برعهده خود گرفته‌اند.

کارگران لباسشوئی، در گرمای تابستان کنار ماشینهای بخار که انسان را کلافه می‌کند، کارمیکنند تا لباسهای تمیز و پاکیزه به تن ما باشد و در زمستان نیز با شستن لباسهایی که فقط باید با آب شسته شود، به جنگ سرما میروند.

سیر و گشتی کنجکاوانه در خیابانهای شهرمان خیلی چیزها را روشن میکند، ازجمله اینکه اتوشوئی و خشکشوئی جزئی از زندگی ما شده، در هر خیابان حداقل دو، سه مغازه خشک شوئی دیده میشود که چند کارگر در آن مشغول کارهستند.

امانتداری

کارگران اتوشوئی‌ها در گفت‌وشنودشان با ما بیشتر از امانت‌داریشان سخن میگویند و به آن مینازند، که حق هم دارند. آنان از انواع و اقسام چیزهای قیمتی که مشتریان آنها فراموش می‌کنند هنگام تحویل‌دادن به خشکشوئی از جیب‌خود خارج کنند، و این کارگران می‌یابند و آنها را به صاحبانشان برمیگردانند. همه میگویند حرف‌زدن آنها درباره این [illegible] با یک نوع حس مردانگی همراه است و [illegible] کار خود میبرند. بازگرداندن یک انگشتری گرانقیمت به صاحبش و حتی یک [illegible] باعث غرور این کارگران زحمتکش و سرافراز است. یکی از این کارگران که از ذکر نامش خودداری میکند تا گفته‌هایش صورت تظاهر پیدا نکند، میگوید: آقا، ۲۰ سال است که درمغازه‌های اتوشوئی وخشکشوئی کارمیکنم. دراین مدت درجیب مشتریان خیلی چیزها یافته‌ام که‌اگر بازشان نمی‌گرداندم، هیچ اتفاقی نمی‌افتاد، ولی هربار

اکنون، اغلب خانواده‌ها، درهر هفته، چندین تکه ازلباسهای خود را برای خشکشوئی بـــه اتوشوئی‌ها می‌سپارند

۲۸ سال پیش فقط ۶ مغازه اتوشوئی در تهران وجود داشت و اکنون ۵۰۰ اتوشوئی در تهران فعالیت دارند...

...ی کنند

کارگران اتوشوئی، روزی ۲۰۰ تا ۶۰۰ ریال دستمزد می‌گیرند.

...مغرورانه‌ای به صاحبش داده‌ام و از رضایتی که در چهره‌اش دیده‌ام غرق لذت و شعف شده‌ام.

یک خاطره

از این کارگر میخواهم که خاطره جالبی را تعریف کند مدتی کوتاه به فکر فرو میرود و بعد میگوید: چهار سال پیش بود که در یکی

ماجرای جالب پیدا شدن یک انگشتری در جیب کت مردی، که ماهها بود موجب بدگمانی خانواده او به چند نفر، منجمله خدمتکار پیر خانه شده بود.

از مغازه‌های شمال غرب تهران کار میکردم. روزی که مشغول اتوزدن یک کت مردانه بودم، متوجه شدم که یک انگشتری زیبا در یکی از جیبهای [illegible] را برداشتم انگشتر الماس بسیار زیبائی بود. باید اضافه کنم که من [illegible] وسوسه شدم آن را به صاحبش بازگردانم، ولی بخودم نهیب زدم که باید شرافتمند بود، و فردای آن روز وقتی صاحب کت به مغازه آمد، انگشتری را به او دادم صاحب کت لحظه‌ای متعجبانه به انگشتر نگاه کرد و بعد ماجرائی را برایم شرح داد که باعث خوشحالی و غرور من شد ... مدتها بود این انگشتری گم شده بود آنها گمان نمیکردند که در جیب کتی باشد که چند ماهی در کمد لباس آویزان بوده است و به چند نفر بدگمان شده بودند که یکی از آنها زحمتکش خانه بود. ولی خوشحالی را در چهره این مرد دیدم و دریافتم که چیزی را از بابت اتهام خارج کرده‌ام، به اندازه‌ای احساس لذت و غرور به من دست داد که حد نداشت، این بهترین لحظات زندگیم بود، حتی بیشتر از لحظه‌ای که صاحب فرزندی شدم.

کارگران اتوشوئی‌ها از این گونه خاطرات زیاد دارند و اکثر آنها از بازگو کردن آنها لذت میبرند.

البته کسانی هم هستند که در بین آنها شاید چندنفری هم پیدا شوند که در مقابل مال دنیا نتوانند مقاومت کنند و چیز پرارزشی را که در جیبی به جای مانده به صاحبش بازگردانند

یک زمان در تهران فقط دو، سه دستگاه خشکشوئی بود، اما اکنون در هر خیابان، بیش از هفت، هشت خشکشوئی وجود دارد.

زندگی پربار

کارگران اتوشوئی‌ها در مقابل مشکلاتی که مطرح میکنند، از زندگی پرباری که سالهای انقلاب شاه و ملت برایشان به ارمغان آورده نیز سخن میگویند. این صحبتها همه تقریبا شبیه هم است، فرزندانشان تحصیل مجانی میکنند در دبستان تغذیه رایگان میشوند، امکانهای رفاهی بیشتر شده، درآمدشان بالا رفته .... و بالاخره در پایان گفت‌وشنودها متوجه میشویم که آنها هم با دیگر مردمان کشورمان از امکانهای رفاهی و زندگی بهتری که اصول انقلاب شاه و ملت عرضه داشته، بهره‌مندند. اگر هم تعدادی [illegible] که بیمار شوند میتوانند به پزشک مراجعه کنند و مجانی معالجه شوند ولی در حال حاضر [illegible]

لطفاً ورق بزنید

مرده بعمل آمده، بعضی از پزشکان که گفته میشود، عدهٔ آنها نادراست بیماران را سرسری معالجه‌میکنند.

تعطیل هفتگی

کارگران اتوشوئی‌ها از تعطیل روز جمعه خشنود راضی هستند. آنها میگویند: صنف آنها تنها صنفی است که از مدتها پیش به‌طور مرتب روز جمعه را تعطیل میکند وهمین امر باعث میشود که در پایان یک هفته کوشش وفعالیت، روز آرامی را یا در کنار خانواده‌شان بگذرانند ویا این که به‌گردش و تفریح بروند وبانشاط بیشتر صبح شنبه سر کارشان حاضر باشند. آنان از جنبه‌هایی که میشود راضی هستند ومیگویند: در گذشته چند مسأله اضافه کار مطرح بود ولی در این سالها در مقابل اضافه کار ضوابط تعیین شده مزد بیشتر میگیرند. بعنوان مثال، در مقابل ۴ ساعت اضافه کار درست یک مزد میگیرند، به‌این صورت که مزد روزانه‌شان دو برابر میشود. آنان همچنین قوانین موجود را حافظ منافعشان میدانند ومعتقدند که نه تنها قانون تامینی برای آنهاست، بلکه باعث شده سازش بین کارگر و کارفرما بیشتر شود و گرفتاریها ومشکلات قبلی تقریباً از میان آنان رخت بربندد.

مسکن میخواهیم

پرویز ظریفیان یکی از این کارگران است که در یک اتوشوئی در مرکز تهران بااو گفتگو میکنیم. او میگوید در مقابل ۸ ساعت کار در روز، ۹۰ تومان میگیرد ظریفیان ضمن این که از دست‌آوردهایش راضی است اضافه میکند: «یک زن ودو فرزند دارم. از هرنظر زندگی راحتی میکنیم، ولی همه‌اش دراین فکر هستم که صاحب مسکن بشوم، اگر دولت از خانه‌های ارزانقیمتی که میسازد به‌ما بدهد، چیز دیگری نمیخواهم، چون همه چیز برایم فراهم شده است.» به‌او میگویم که سرمایه‌گذاری در این زمینه شروع شده و فکر می کنم در سالهای آتی صاحب خانه میشود. در جوابم می گوید: انتظارش را دارم، چون وقتی که در چند سال تمام امکانات برایم فراهم شده باشد، این کار هم انجام می‌شود.

افزایش حقوق

او که قیافه یک کارگر واقعی را دارد، یادآور میشود که کارش را باروزی ۱۵ ریال شروع کرده‌واکنون به ۹۰ تومان رسیده است، دیگر سئوالی نمی کنم. باخودم محاسبه میکنم، افزایش حقوقی حدود دو هزار وهفتصد درصد. باخودم می‌اندیشم می‌بینم خواسته‌اش نیز چیزیست که سالها پیش درحکم یک آرزوی محال بود. اگر در سالهای قبل از انقلاب داشتن یک اتاق اجاره‌ای باعث رضایت خاطر او وهمکارانش میشد، حالا دیگر آنها خانه شخصی می‌خواهند واز تلویزیون ویخچال وکولر واحتمالا اتومبیل سخن میگویند.

مشکل‌ترین کارها

در یک مغازه اتوشویی که اکنون اکثر آنها به‌خشکشوئی تغییر نام داده‌اند، کارهایی نظیر خشکشویی کردن، ترشویی، رفوکاری، تمیز کردن جیر وچرم ولباسهای سنگدوزی شده وعروس انجام می‌گیرد وهر کدام از اینها دقت بسیار می‌خواهد. تمیز کردن لباس عروس ولباسهای سنگدوزی شده، از جمله مشکل‌ترین کار اتوشویی‌هاست ووقت زیادی از کارگران می‌گیرد. بیشتر اتوشویی‌های بزرگ تهران معمولا چنین کارهایی قبول می کنند وبرای این کار متخصص هم دارند.

یکی از کارگران متخصص می‌گفت: ناچار شده است دکمه‌های یک لباس را جدا کند وپس از تمیز شدن باحوصله ... آنها را دوباره بدوزد، ... دکمه‌ها و ... از وسائل زینتی این نوع لباسها ... به‌خانمها هستند آسیب ... .

رفوکاری لباسها هم ... از جمله ... است که وقت بسیاری می‌گیرد و متخصص ... می‌خواهد. ... لباس رفوه شده ... مثل اول ... بخواهد شد ... دوران ... از این است که بعضی از ... می‌خواهند جای رفو اصلا معلوم نشود و ... درگیریهایی نیز بوجود می‌آید.

... خشکشویی ... معمولا ...
... هستند و ...
متخصص می‌خواهند ... لباسهای ...
را باهم در ... می‌ریزند ...
... لباسهای رنگی و ...
... در مقابل بعضی از لباسها ...
مردانه ... شوی ...
صاحبان لباسهای «جین» ... اصرار ...
... باآب شسته شود. در مورد ...
مردانه که زیادی است ...

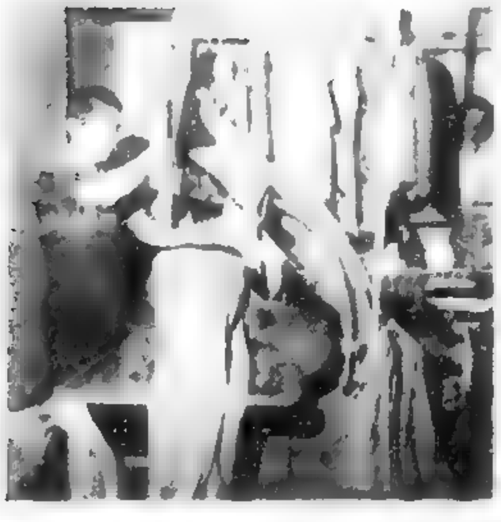

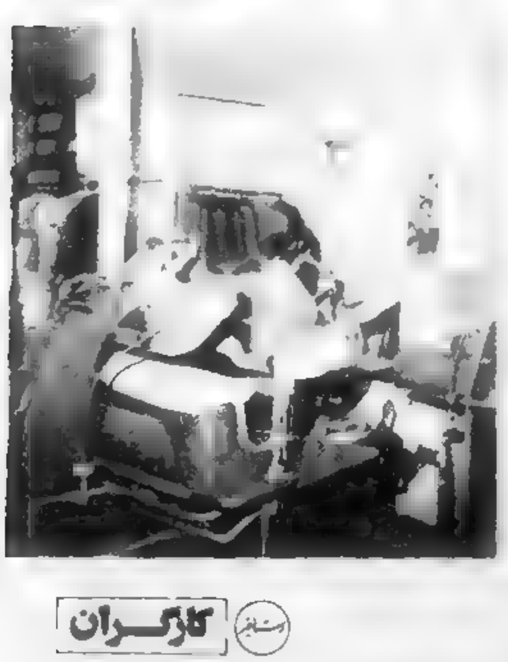

۸۰۰۰ کارگر که لباس های من وشما را تمیز می کنند

کارگران اتوشوئی، در گرمای تابستان ــ گرمائی که حتی کولر آنرا از بین نمی‌برد ــ ناگزیرند، در کنار دستگاه پرس با بخار، کار کنند...

این کارگر کار خود را با روزی ۱۵ ریال شروع کرد، و اکنون روزی ۴۰۰ ریال دستمزد دارد، یعنی حقوقش حدود دو هزار و هفتصد درصد، افزایش یافته است.

از مشتریها وقتی پیراهن را تحویل می‌دهند که یقه‌اش کاملا چرک است وهمین باعث می‌شود که کار بیشتری ببرد، اتوشویی‌ها توصیه می‌کنند برای این که یقه پیراهن زود از بین نرود، نگذارند زیاد چرک شود.

شستشوی چرم وجیر نیز تشریفات خاصی دارد واز مشکلترین کارهاست. فقط چند اتوشویی بزرگ تهران برای تمیز کردن چرم و جیر متخصص دارند وبقیه این نوع لباسها را به‌صورت امانی برای تمیز کردن به‌جای دیگری می‌دهند. برای شستشوی چرم وجیر از محلولهای شیمیائی خاصی استفاده می‌شود وتمام کارها نیز باید با دست انجام گیرد. متصدی یک مغازه کوچک اتوشویی در شرق تهران گفت:

ــ چرم وجیر را بعد از این که از مشتری تحویل گرفتیم بشخصی که با او قرارداد داریم می‌سپاریم ومزد گرفته شده را نیز به او می‌دهیم وفقط درصدی نصیب ما می‌شود واین کار را فقط به‌خاطر رضایت مشتریان می‌کنیم.

تاوان لباسها

تاوان دادن نیز در مغازه‌های اتوشویی رواج زیادی دارد، لباسی که بر اثر کوچکترین غفلت کمی می‌سوزد، دیگر برای مشتری قابل استفاده نیست ودر این گونه موارد تاوانش باید داده شود. گاهی اوقات لباس یک مشتری اشتباهاً به شخص دیگری داده می‌شود و دراین موارد نیز تاوان لباس داده می‌شود، البته تاوان را صاحب لباسشوئی می‌دهد و از کارگران چیزی گرفته نمیشود. صاحب یکی ازمغازه‌های بزرگ مرکز شهر تهران می‌گفت که درماه بطور متوسط پانصد تومان تاوان میدهد، البته او انکار نمی‌کرد که درآمدش نیز بد نیست.

بزرگترین تاوان داده شده در این ماه به وسیله یکی از لباسشویی‌های بزرگ ومعروف تهران صورت گرفت، و تاوان به یکی از زنان شیک پوش تهران داده شد که متصدی مغازه اشتباهاً لباس شب زیبا وسنگدوزی شده او را به کس دیگری تحویل داده بود. لباسشویی‌ها مثل دیگر صنف‌ها ماههای پرمشغله وماههای کسادی کار نیز دارند وهمینطور روزهای شلوغ. شلوغترین و پر کارترین روزها، یک هفته مانده به عید نوروز است و در پی آن نیمه اول فروردین ماه، که کارگران لباسشویی‌ها دراین مدت دائماً کار می‌کنند، گرچه درنیمه دوم فروردین کار نسبتاً کم می‌شود، ولی هنوز روزهای پرمشغله درپیش است و کار تا آبانماه واقعاً زیاد است. بعد از ماه آبان دوران کسادی کار شروع میشود و لباسهایی که به آنها عرضه میشود به مراتب کمتر از تابستان است.

درآغاز فصل سرما یا زمستان نیز چند روزی مغازه‌ها پر از پالتو ومانتو ودیگر لباسهای زمستانی میشود که مشتریان از گنجه ها و یا چمدانهای خود بیرون کشیده‌اند واحتیاج به شستشو یا اتو کردن دارد.

تاریخچه جالب

اتوشویی با کیفیت فعلی درمغازه‌ها تاریخچه جالبی دارد. البته هیچکس درباره اولین اتوشویی که‌در کشورما آغاز بکار کرد اطلاعی ندارد، ولی میگویند که این شغل از اروپائیها فرا گرفته شد و به کشورما آمد و پس از چندی با استقبال‌مردم روبروشد. جالب‌است به‌این نکته اشاره کنیم که درسال ۲۵۰۷ شاهنشاهی (۲۸ سال پیش) درتمام تهران فقط ۴ مغازه اتوشوئی وجود داشت که لباسها رااتوشوئی میکردند وبعد با بخار اتو میکشیدند. این مغازه‌ها تقریباً جنبه اشرافی داشتند وخانواده های‌شیکپوش تهران ازمشتریان این‌مغازه‌ها بودند. پس ازمدتی کارآنها آنقدر بالا گرفت که دیگر نمیتوانستند به خواسته های مشتریان خود برسند، و ناچار مغازه‌های اتوشویی در سطح شهر زیاد شد. همین کیفیت در دیگر شهرهای کشور مان نیز وجود داشت. درآن زمان کارآنقدر زیاد بود که مغازه‌ها شبانه روز کار میکردند و اکثر کارگران هم شبها در مغازه ها میخوابیدند.

شستشوی تمیزتر

درباره خشکشوئی ها اطلاعات دقیق‌تری در دست است. خشکشوئی نیز از آن جمله سوغاتیهای اروپا است. اولین خشکشوئی تهران ... شاه آغاز بکار کرد و به دنبال آن دیگر اتوشوئی ها تبدیل به خشکشوئی شدند. هم اکنون درتمام کشور وحتی درشهرهای کوچک مغازه های خشکشوئی کارمیکنند وتمیز کردن وشستن لباس از شکل سنتی خارج شده و به صورت مدرنتری درآمده است.

لباس در ماشینهای خشکشوئی تمیز شسته میشود و برای این کار از داروهای شیمیائی استفاده میکنند. خشکشوئی ها باعث شده‌اند که دیگر مشکلی بنام کوتاه شدن یا به قول معروف آب رفتن لباسها بوجود نیاید. درگذشته اکثر لباسها پس از شستشو کوتاه میشد و همین امر مشکلات زیادی راپدید میآورد. مثلا خیاطها قبل از دوختن پارچه توصیه میکردند که پارچه حتما باید در آب انداخته شود و پس از خشک شدن آن را میدوختند و مواردی هم که غفلت میشد، پس از چند بار شستشو کوتاه وتنگ میشد و قابل استفاده نبود. سیستم خشکشوئی این مشکل را حل کرد و شرکتهائی که لباس آماده میفروشند نیز آسوده‌تر شده است. آنها معمولا توصیه میکنند لباسها حتما باید خشکشوئی شود، تا به همان اندازه‌ی وقت خرید باقی بماند، البته در کشورهای اروپائی وآمریکائی نیز چنین است توصیه هائی مرسوم است وحتی بر روی لباسها نیز نوشته میشود که حتماً خشکشوئی شود.

تا یکساعت ونیم

سرعت کارخشکشوئی ها نیز جالب‌است درگذشته لباس باید با آب شسته میشدو بعد آن را اتومیکردند ولی اکنون لباسها پس از مدت کوتاهی قابل اتوشدن است و درصورتی که لباسی رافوراً بخواهند مغازه خشکشوئی‌حد اکثر تا یک‌ساعت‌ونیم آن را تمیز واتوشده تحویل میدهد. مغازه‌های‌خشکشوئی برای این کار پول بیشتری میگیرند ولی درپاره‌ای مواقع واقعاً مشتری خود را راضی میکنند. دراینجا باید اضافه کرد چند خشکشوئی بزرگ تهران‌حتی سرویسهایی دارند که لباس را از درخانه مشتریان تحویل میگیرند و پس ازشستشو به وسیله ماشین درخانه تحویل مشتری میدهند این واحدها حتی پرده و ملحفه نیز برای خشکشوئی تحویل میگیرند.

شستشوی مبلمان وموکت‌خانه نیز رشته‌ای از کارخشکشوئی است که تازه درکشورما رواج پیدا کرده است. کارگران این رشته معمولا بدنبال تلفن صاحبخانه وقتی را معین میکنند ومبلمان وموکت را با داروهای‌شیمیائی درجای خود تمیز میکنند.

خشکشوئی کردن صندلیهای اتومبیلها نیزازجمله کارهای‌این گروه‌است.

سندیکا و اتحادیه

کارگران لباسشوئی‌ها اکنون دارای سندیکای کارگری مستقل هستند که محل آن در خانه کارگر واقع درخیابان ابوریحان است. این سندیکا ازسال ۱۳۴۱ به خودشکل گرفت و با همت عده‌ای از کارگران قدیمی این حرفه رسمی شد و ازآن زمان دبیرسندیکا سالی یکبار انتخاب میشود.

درباره فعالیتهای سندیکایی گله از کارگران لباسشوئی‌ها زیاد است زیرا کمتر سعی میکنند تا مشکلات خود را باسندیکایشان درمیان بگذارند و با همفکری خواسته هایشان رامنعکس‌کنند. یک کارگرلباسشوئی‌وقتی واقعاً دچارمشکلی شد، به سندیکا می‌رود تا گره از کارش گشوده شود.

و پس از رفع گرفتاری، در جمع شدن مرتب و گفت‌وشنود وهمفکری باسایر همکارانش اهمال می‌کند. البته دست‌اندرکاران، کم شرکت

بقیه در صفحه ۶۶

با نیروی پایداری آشنا شویم

شاهنشاه آریامهر درباره اهمیت نیروی پایداری میفرمایند:

برای جنگ میهنی اضافه بر ارتش ملی، شرکت همگانی لازم است

تجارب حاصله از جنگ دوم جهانی و جنگهای پراکنده منطقه‌ای که پس از جنگ دوم در بسیاری از نقاط جهان مانند چین، کره، ویتنام، هند و پاکستان و خاورمیانه عربی درگرفت، این واقعیت را به ثبوت رساند که در دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور، و برای حفظ و حراست سرزمین موروثی و منابع حیاتی، همکاری و مشارکت کلیه مردم مملکت با ارتشهای منظم نیز مورد نیاز است.

شاهنشاه آریامهر در کنگره ملی بزرگداشت دهمین سال انقلاب شاه و ملت در باره اهمیت نیروی پایدار فرمودند: «برای جنگ میهنی اضافه بر ارتش ملی، شرکت همگانی لازم است» و در این جاست که میتوانیم مجسم کنیم وظیفه و هدف نیروی پایداری چیست؟ آیا دهقان آزادشده ایرانی آن موقعی که آزاد نبود و مالک زمین خودش نبود و جانش را برای وطنش میداد، امروز با وضعیتی جدید این کار را نخواهد کرد. بی‌تردید اگر در صف ارتش ملی ایران نباشد، در ده خود، در کاشانه خود و اگر لازم باشد در تشکیلات نیروی پایداری پشت تختهسنگها و گذرگاهها، در حمله به عقبه دشمن شرکت خواهد جست. آیا کارگری که خود سهمی از کارخانه دارد، برای حفظ به فقط مال خود، بلکه برای کارخانه‌ای که ایجاد کار می‌کند و به عده زیادی نان می‌دهد و به مملکت قدرت اقتصادی می‌بخشد حاضر خواهد شد که این کارخانه را دشمن اشغال کند و او برای دشمن در آنجا کار بکند؟

بی‌تردید پاسخ این پرسش منفی است. به همین منظور نیروی پایداری که همان سازمان مقاومت ملی است، در سال ۱۳۳۶ شمسی به فرمان شاهنشاه آریامهر، بزرگ ارتشتاران ایجاد و تأسیس گردید و در سال ۱۳۴۲، بنا به مقتضیات نام این سازمان به نیروی دفاع ملی تغییر یافت و سپس در سال ۱۳۴۵، ضمن تجدید نظر در سازمان و طرح و توسعه آن به نام «نیروی پایداری ملی»، نامیده شد و با همین نام از اول فروردین ۲۵۳۰ شاهنشاهی ضمیمه ژاندارمری کشور گردید و تاکنون تحت تابعیت ژاندارمری کشور به انجام وظایف محوله مشغول است.

در قانون تشکیل نیروی پایداری که مشتمل بر ۹ ماده و ۷ تبصره در دیماه ۱۳۴۷ از تصویب مجلسین گذشت و به توشیح ذات مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران رسیده است، وظیفه نیروی پایداری ملی چنین شرح داده شد:

نیروی پایداری به منظور آماده نمودن افراد کشور برای شرکت در یک روش دفاع خانه و دهکده و همکاری مؤثر آنان با نیروهای مسلح شاهنشاهی در دفاع از سرزمین ایران علیه هر متجاوز و خرابکاری تشکیل گردیده و همچنین در این قانون آمده است که کلیه اتباع دولت شاهنشاهی ایران که سن آنان حداقل ۱۸ سال تمام بوده و دارای شرایط لازم برای خدمت در نیروی پایداری باشند، میتوانند به عضویت نیروی مزبور درآیند.

ماده ۳ همین قانون می‌گوید افرادی که خدمت زیر پرچم خود را انجام داده‌اند تا زمانی که در عضویت نیروی پایداری باقی هستند، از احضار تعلیماتی در مراحل احتیاط و ذخیره معاف بوده و در هنگام بسیج نیز جزء نیروی پایداری بسیج خواهند شد. ماده ۴ همین قانون نیز یادآور شده مدت آموزش آن عده از داوطلب عضویت نیروی پایداری که در یکی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و بخشهای خصوصی مشغول انجام وظیفه می‌باشند، جزو خدمت آنان در سازمان مربوط محسوب و سازمان‌های مزبور مکلف به پرداخت کلیه حقوق و مزایای آنها در مدت آموزش، تمرینها و عملیات می‌باشد.

در ماده ۵ قانون همچنین ذکر شده به هر یک از اعضای نیروی پایداری که از وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات وابسته به دولت یا بخشهای خصوصی، دستمزد دریافت می کنند، در مدت آموزش و عملیات و تمرینها حق‌الزحمه پرداخت خواهد شد. ماده شش این قانون می‌گوید هرگاه اعضای نیروی پایداری در مدت خدمت در نیروی پایداری ضمن عملیات یا براثر حوادث و سوانح ناشی از انجام وظیفه، بیمار، معلول، فوت یا شهید شوند، با آنان یا وارث قانونی آنان طبق مقررات استخدامی و بیمه کارمندان رفتار خواهد شد.

در ماده هفت نیز تأکید شده است که اعضای نیروی پایداری در مدت آموزش و تمرینها و عملیات در زمان صلح و جنگ، از لحاظ مقررات انضباطی و کیفری تابع قوانین و مقررات ارتش شاهنشاهی خواهد بود. بدین ترتیب همانگونه که قبلا اشاره شد، نیروی پایداری در حال حاضر ضمیمه ژاندارمری کشور بوده و دارای یک ستاد مرکزی است و سازمان نیروی پایداری در کلیه استانها و شهرستانها دایر می‌باشد و مسئولین نیروی پایداری با مراجعه به دهات و قصبات و کارخانجات و ادارات مردم را از زن و مرد، نیرو جوان با مأموریت و وظایف سازمان نیروی پایداری آشنا می‌سازند و از داوطلبان واجد شرایط ثبت‌نام می‌نمایند.

آنگاه بر حسب شرایط و موقعیت اجتماعی و میزان تحصیل و وضع خدمتی و اداری به داوطلبان عضویت در نیروی پایداری مدت ۳۵ روز طبق برنامه‌ای ویژه زیر نظر مربیان ورزیده به نام گروههای رهبری، آموزش داده میشود و پس از انجام آموزش ضمن شرکت در مراسم تحلیف و ادای سوگند، به افتخار دریافت کارت عضویت نائل و جزو نیروی پایداری محسوب می‌گردند.

نقش جدید دو عامل کار و سرمایه در شرائط نوین کشور

«کارآما» بجای «کارفرما»

[illegible] که در تمام شئون [illegible] رخ داده وبویژه پیشرفتها وترقیات [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] واصطلاح [illegible]

[illegible]

[illegible] رعیت وارباب بکلی منسوخ شدو از [illegible] [illegible] دیگر نه رعیت ونه ارباب [illegible]

[illegible] ضرورت در مورد [illegible] است وآن [illegible] اصطلاح [illegible] زیرا [illegible] [illegible] روابط حقوقی ونقشی که در [illegible] کشور داشت، موقع وموضع خاصی داشت [illegible] وشرائط دیگری جانگزین آن [illegible]

[illegible]

.... کارگر ایرانی امروز حس میکند که در این مملکت یک شرافت ذاتی دارد و در آن کارخانه‌ای که کار میکند صورت اجیر ندارد، بلکه نتیجه حاصله کار هم به خودش میرسد یعنی کارخانه را تقریبا بیک‌اندازه از آن خودش میداند.

... در این امر ما میخواهیم با حترام شرافت ذاتی کارگر نشان بدهیم که وجود او قدرت بازوی او مورد استفاده استثماری نیست و اگر در جائی کار میکند فقط بعنوان مزدور جانی نیست بلکه با سهیم شدن در منافع یک‌حصه‌ای برای خودش قائل است .....

بدین ترتیب، شاهنشاه طی بیانات خود رئوس کلی و هدفهای اصلی و اساسی اصل چهارم انقلاب یعنی سهیم‌شدن کارگران در سودویژه را بیان می‌فرمایند.

این هدفها کدامند؟

۱ — شخصیت‌بخشیدن بکارگر ازطریق سهیم کردن وی درسودویژه کارگاههای تولیدی و صنعتی و دخالت‌دادن وی درامر تولید بنحوی که کاملا احساس کند که دیگر مانند گذشته اجیر نیست

۲ — افزایش قدرت خرید کارگر و در نتیجه بهبود زندگی وی

۳ — بهبود کمی و کیفی تولیدو در نتیجه افزایش حاصل‌بخشی و بهره‌وری کاربدین ترتیب ملاحظه میگردد که در شرائط جدید اقتصادی نقش کارگر بصورتی که در دوران گذشته داشته نیست و امروز دستخوش تغییرو دگرگونی کلی گردیده است و کارگر، دیگرمانند گذشته ایران یکی از عوامل تولید بدون‌آنکه کوچکترین نقش دیگری دراین زمینه داشته باشد بحساب نمی‌آید. بلکه‌وی‌بعنوان یک فرد آزاد میتواند نقشی اساسی‌تر در کارخانه‌ومحل کارخود داشته باشد.

ولی مسأله بهمین‌جا ختم نمیشودوانقلاب مسأله‌ای ایستا نیست بلکه چون جویباری خروشان پیش میرودوهرروز رهآورد جدیدی برای مردم کشور ما به‌ارمغان میاوردو بحق باید گفت که ویژگی هرانقلاب اصیلی نیز چنین است، که همواره درراه بهبود سرنوشت مردم در زمینه های اقتصادی — اجتماعی‌به پیش میرود. انقلاب ملی‌و اصیل‌ما نیزازاین ویژگی برخوردار است، زیرا نه تنها به شرکت کارگران در سود کارگاهها قناعت نمی‌کند و بسنده نیست بلکه کارگران را در سهام کارخانجات نیز شریک‌و سهیم کرده‌است شاهنشاه‌آریامهر طی‌بیانات متعددی، بدین نکته اشاره‌فرموده‌اند.

بقیه در صفحه ۹۶

لزوم توجه بیشتر به کارگران استان سیستان و بلوچستان

احداث باشگاه کارگری و ورزشی از خواسته‌های کارگران زاهدان است

نمایندگان کارگران زاهدان در گفتگو با نویسنده رستاخیز کارگران عباس برسکی
از چپ به راست: علی مثنوی — احمد احمدزاده حشمتی — غلامحسین صفارزاده

احداث شبکه برق و لوله کشی در خانه های کارگران معادن کرمان ضروری است

لازم است کارگران بومی نیز از مزایای مسکن و هزینهٔ اجاره خانه بهره‌مند شوند

نماینده کارگران معادن ذغال‌سنگ کرمان

کمکهای غیرنقدی کارگران برق زاهدان هنوز پرداخت نشده‌است

اشاره:

« کارگران استان سیستان و بلوچستان نیز بنوبه خود، مشکلاتی دارند. نمایندگان آنان که برای شرکت درسومین کنگره کارگران ایران به‌تهران آمده بودند، بهنگام ساعات تنفس کنگره، ازما خواستند که خواسته هاشان را در «رستاخیز کارگران» منعکس [illegible]. با آغوش گرم آنان را پذیرا شدیم، حرفهایشان را شنیدیم، خواستهایشان و آنچه بدنبال می‌آید ماحصل این گفت و شنودها است:

***علی مثنوی رئیس سازمان کارگران زاهدان:**

« مشکلات کارگران زاهدان و دیگر نقاط استان سیستان و بلوچستان را می توان به‌دو بخش تقسیم کرد. گروهی ازاین مشکلات از جمله مسئله مسکن و [illegible] [illegible]

زاهدان و اصولا استان سیستان و بلوچستان از نظر موقعیت جغرافیائی و خصوصیات اقلیمی وضع خاصی داردو در شمار نقاط بدآب‌وهوا محسوب می‌شوند. طبیعی است درچنین نقاطی، کارگران از تسهیلات کمتری برخوردارند.

[illegible] برای [illegible] کارگران [illegible] برای آنان مزایای خاصی درنظر [illegible] سیستان و بلوچستان [illegible] [illegible] که در منطقه طبیعی [illegible] مشکل دیگری [illegible] [illegible] کارگران [illegible] [illegible] های اجتماعی برخوردار [illegible] [illegible]

کارگران اداره راه و [illegible] زاهدان [illegible] [illegible] اجراء [illegible] [illegible] خواسته‌های کارگران [illegible] استان اقدام کنند.

*** احمد احمدزاده حشمتی نماینده کارگران قند و شکر زاهدان**

کارگران زاهدان [illegible] [illegible] استان باشگاههای کارگری و [illegible] [illegible]

بقیه در صفحه ۸۶

کار اسفالت جاده کرمان و معادن ذغال سنگ بفراموشی سپرده شده است

در جریان برگزاری سومین کنگره کارگران ایران فرصتی بدست آمد تا با نمایندگان کارگران معادن ذغال سنگ کرمان، گفتگوئی داشته باشیم. اولین موضوعی که دراین گفتگو به آن اشاره‌شد مسئله مسکن بود. «ولی‌الله شهسواری نماینده کارگران معدن باب نیزو در این مورد اظهار داشت:

« در معدن باب نیزو حدود [illegible] هزار [illegible] کار اشتغال دارند. [illegible] [illegible] هزار کارگران درخانه‌های سازمانی که توسط [illegible] اسکان داده شده‌اند و [illegible] [illegible] [illegible] خواسته‌های [illegible] [illegible]

*** مهدی امیری‌پور نماینده کارگران معدن باب‌نیزو:**

[illegible]

برای کارفرما امکان سرمایه گذاری بمنظور احداث شبکه آب و دادن انشعاب به منازل وجود ندارد لذا انتظاری هم دراین زمینه نداریم، ولی تصور نمی کنیم برق رسانی به منازل کارگران با استفاده از نیروگاه برق معدن، امری مشکل و [illegible] به صرف هزینه‌ای سنگین داشته [illegible]. [illegible] توقع و انتظار داریم مسئولین [illegible]، اقدام لازم را دراین زمینه بعمل آورند. [illegible] حاضریم با خرج خود در منازل کنتور نصب کنیم و بهای برق مصرفی خود را نیز بطور ماهانه پرداخت کنیم.

***ماشاالله پنج‌علی‌زاده نماینده کارگران معدن باب‌نیزو:**

[illegible] همکاری نمیکند و جز چند قلم از کالاها، [illegible] کالاهای مورد نیاز خود داری [illegible] [illegible] همواره مورد نظر داشته باشند.

***ولی‌الله شهسواری:**

مسکن دیگر [illegible]

بقیه در صفحه ۸۳

میزگرد رستاخیز کارگران، با شرکت استادان و دانشجویان رشته روانشناسی صنعتی

کارگر
در خانه و محیط کار با...

یک مشکل روانی در یک کارگر، میتواند باندازه چندین ساعت کار، او را افسرده و ناراحت کند.

[illegible]

> «رستاخیز کارگران»، در چند شماره پیش، میزگردی با شرکت استادان و دانشجویان رشته روانشناسی صنعتی دانشگاه فرح تشکیل داد، که مسائل مورد بحث این میزگرد، بسیار مورد توجه خوانندگان عزیز، کارگران و کارفرمایان قرار گرفت. همین استقبال موجب شد که بار دیگر جلسه میزگردی تشکیل دهیم، و پیرامون مسائل دیگری که با روانشناسی صنعتی مرتبط میشود، بحث‌های مفیدی صورت گیرد، که این گفتگوها نیز بیگمان در زمینه دلپذیر ساختن محیط کار و بهبود روابط کارگر و کارفرما تأثیری شگرف دارد.
>
> شرکت کنندگان در این میزگرد، بترتیب صحبت عبارتند از:
>
> خانم دکتر مهین زمانی، استاد
> آقای دکتر احمدی، استاد
> خانم سیدهاشمی، دانشجو
> خانم فرحناز طباطبائی، دانشجو
> خانم پروین ایزدیار، دانشجو
> خانم مهشید ترابیان، دانشجو
> خانم زهرا عسگری، دانشجو
> خانم نسترن لطیف، دانشجو
> خانم هما نجار توانا، دانشجو
> خانم پروین کیوان، دانشجو
> آقای مهندس محمدحسین کردبچه، مدیر مسئول رستاخیز کارگران
> آقای رضا طیار، استاد

دکتر مهین زمانی، استاد دانشگاه فرح —
در میزگرد اول که در دی ماه گذشته در دفتر مجله رستاخیز کارگران داشتیم درباره [illegible] صنعتی بطور کلی بحث شد.
در این میزگرد [illegible] روانشناسان صنعتی [illegible] می‌توانند مؤثر واقع شوند، [illegible] جلسه [illegible] آقای مهندس کردبچه [illegible] که این جلسه‌ها را تکرار [illegible] و [illegible] اختصاصی [illegible] زمینه خاصی صحبت [illegible] که [illegible] را مورد بررسی قرار دهیم. [illegible] دانشجویان [illegible] که در جلسه امروز مسائل مربوط به خانواده و انتخاب فرد مناسب برای شغل مناسب را موضوع بحث قرار دهیم. [illegible] اینکه مسئله خانواده را در رأس مسائل دیگر [illegible] مسائل مربوط به خانواده می‌شود و در مجموع از نظر جامعه‌شناسی هم توجه [illegible] خانواده [illegible] و محیطی [illegible] است. [illegible]

صنعتی به خوبی میداند که کارگران و کارفرمایان هم در ارتباط با مسائل خانوادگی رفتار کاملا بهنجار یا رفتار ناهنجار داشته باشند و اگر روانشناسی صنعتی بتواند محیط خانواده را بشناسد، اصولا در حل مشکلات عمومی و سازمانهای صنعتی بسیار مؤثر خواهد بود. از طرفی انتخاب حرفه برای فرد مناسب مسئله بسیار مهمی است که روبهمرفته هر کارفرما و هر کارگر این مسائل را [illegible] درگیرند. [illegible] از طرفی ارتباط با افراد خانواده [illegible] محیط کار [illegible] است. در یک کشور صنعتی اولین توجهی که می‌شود به انتخاب مدیر شایسته است، یعنی مدیر میتواند نقش مهمی در اداره امور داشته باشد. در کشورهای پیشرفته صنعتی که ما هم در این طریق گام برمیداریم همانطور که به انتخاب مدیر اهمیت داده می‌شود، به همان حد هم انتخاب روانشناس صنعتی مهم است.
یعنی روانشناس صنعتی در زمینه های مختلف عنوان مشاور در سازمانهای صنعتی دارد و بی‌تردید می‌تواند در حل مشکلات

وردی کارگران بسیار مؤثر به نظر میرسد.»

دکتر احمدی، استاد دانشگاه فرح
— [illegible] عرض کنم که در کشور ما توجه به وضع کارگر بیش از دیگر کشورهاست، چون به علت صنعتی شدن تدریجی کشور ما، هر سال عده زیادی از روستائیان به سوی شهرها هجوم می‌آورند. آنها بدنبال مزایای بیشتر از قبیل بیمه، و وسائل بهتر زندگی هستند، یا اینکه علاقه‌ای به پرداختن به کارهای صنعتی در خود احساس می کنند. نکته مهم اینکه خانواده های این افراد هم معمولا بهمراه آنها هستند.
هجوم این افراد به شهرها، مسائل جدیدی [illegible] که یک روانشناس صنعتی [illegible] مورد بررسی قرار دهد. [illegible] کارگران در [illegible] این بستها را برای رسیدن به هدف خود به کار میگیریم.
اما موضوع مهم اینکه کارگران باید به وضع خانواده خود و دشواری‌ها و درگیریهای آنها آگاه باشند. این آگاهی به روانشناسان کمک می کند تا به بهترین نحو به زندگی کارگران پی ببرند و چگونگی استعداد آنها را دریابند.
نکته مهم‌تر اینکه بررسی روانشناسان در مورد کارگران و نحوه گروه‌بندی آنها برای شغلهای مناسب کار را آسان‌تر می کند و در نتیجه بازده کار به مراتب بهتر خواهد شد.
به این علت من فکر میکنم با این سرعتی که کشور ما به سوی صنعتی شدن پیش می رود، وجود روانشناسان صنعتی در کارخانه های ما بسیار لازم به نظر میرسد.»

خانم سیدهاشمی دانشجو:
«یک مشکل روانی در یک کارگر میتواند به اندازه چندین ساعت کار، او را افسرده و ناراحت کند و این باعث میشود در بازده کار و در بهبود تأثیر بگذارد. [illegible] ناراحتیهای خانوادگی است. و [illegible] را باید در ناراحتیهای خانوادگی جستجو کنیم، یک روانشناس صنعتی میتواند با [illegible] که تهیه می کند، در این راه اثر بگذارد.
مشکلات کارگران به دو دسته تقسیم میشوند، مشکلات مادی و روحی.
مشکلات مادی را یک روانشناس میتواند با [illegible] کارفرمای کارخانه حل کند. مشکلات روحی که گاهی اوقات اثرش از نظر تأثیر در مورد بهره‌وری بیشتر است، باید مورد توجه شدید قرار گیرد.»

فرحناز طباطبائی، دانشجو:
رابطه کارگر با کارفرما خواه ناخواه در رفتار آنان بر روی هم اثر می‌گذارد، مثلا اگر کارگری احساس کند که در باره او تبعیض

شده، روانشناس صنعتی میتواند به کمک او بشتابد. روانشناس صنعتی حتی میتواند پرونده‌هائی درست کند که با دادن تشویقنامه‌ها [illegible]
مسئله دیگر [illegible] کارگران است که [illegible] آنها بتوانند رابطه نزدیکتری با هم برقرار کنند. مسئله دیگر [illegible] است که رابطه کارگران [illegible]
[illegible] کارگری [illegible] کارگر دیگر [illegible] و روانشناس میتواند بلیطهای رایگان در اختیار آنها بگذارد که به سینما بروند یا ورزشگاه و غیره، البته این کارها باعث میشود که رابطه خانواده‌های کارگری محکمتر میشود.

پروین ایزدیار، دانشجو:
همانطور که آقای دکتر احمدی هم اشاره کردند، تستهائی داریم که به وسیله آنها استعداد کارگران مورد

دانشگاه فرح

...ید آرامش داشته باشد

درمیزگرد استادان و دانشجویان رشته روانشناسی صنعتی دانشکده فرح گفته شد یک مشکل روانی در یک کارگر می تواند باندازه چندین ساعت کار او را افسرده و ناراحت کند.

بررسی قرار می‌گیرند . بی‌گمان این تستها در بازار کار بسیار مؤثر خواهند بود.

به وسیله این تستها کارفرما میتواند علت عقب افتادگی کار و روحیه کارگران را بشناسد. باید روی این تستها کار کرد تا افراد شایسته برای کار انتخاب شوند.»

دکتر احمدی : — « در روانشناسی صنعتی بحثی میشود که کارگرها در کارخانه ها یک قیموم داشته باشند و جلساتی داشته بسند و از میان خودشان تعدادی را به عنوان قیموم انتخاب بکنند حدود ۲۰ یا ۲۵ نفر که اینها حداقل در یک ماه تمام مشکلات خود را بررسی کنند و برای حل آنها مشورت نمایند.»

مهشید ترابیان ، دانشجو : روانشناس صنعتی میتواند گروههای کوچکی در کارخانه تشکیل بدهد که این گروهها مشکلات کارگران را بررسی کنند و روانشناس صنعتی باید طوری این مشکلات را به کارفرما تفهیم کند که از هر جهت به بازده تولید و بهبود کار کمک کند . حتی روانشناس صنعتی میتواند برای هر کارگر پرونده‌هائی درست کند که بتوانند تشویق نامه هائی به کارگران بدهند و اگر احیاناً تبعیضی باشد، ازبین ببرند.

مسأله دیگر همانطور که اشاره شد ، سن کارگران است که باید مورد توجه شدید قرار گیرد . تفریحات سالم را هم باید در نظر گرفت که رابطه کارگر را با کارگر زیادتر می کند.»

زهرا عسکری ، دانشجو : « باید مسئله باید توجه داشت که درخطمشی کارگرو کارمندیابی افرادی که بکار گمارده می‌شوند ، نیازهائی دارند و این نیازها باید از طرف مدیر سازمانها و کارگاهها مورد توجه قرار گیرد. کارگر باید در محل کار از امنیت و احترام شخصی برخوردار باشد. اینجا این سؤال پیش می‌آید که نیازهای سازمان را چگونه میتوان با نیازهای کارگران همگام کرد؟

در مورد همگام کردن نیازهای سازمانی با نیازهای انسانی روانشناس صنعتی نقش بزرگی دارد.»

نسترن لطیف ، دانشجو :— « یکی دیگر از مسائل مهم مسأله رفتار مدیران با کارگران است و رفتار آنها می‌تواند در بازده کار کارگران بسیار مؤثر باشد. بنظر من یک روانشناس صنعتی میتواند از افرادی که در رأس قرار دارند و کار مدیریت را بعهده گرفته‌اند ، بخواهد که مقداری مطالعه روانشناسی داشته باشد. آشنائی مدیران با مسائل روانشناسی و اینکه بدانند طرق رفتار صحیح با کارگران چگونه است ، تأثیر مهمی در حل مشکلات کارگران و پیشبرد کارها خواهد داشت.»

همانجار توانا ، دانشجو :- « یک مدیر نیز احتیاج به راهنمائی دارد . چون ممکن است مدیر هم در زمینه کار خود دچار تعارض شده باشد و نیاز داشته باشد که این تعارض را با کسی در میان بگذارد و همانطور که اشاره کردند ، یک روانشناس صنعتی میتواند به مدیر سازمان هم کمک بکند.»

پروین کیوان ، دانشجو :« مسأله نماینده کارگران هم را که رابط کارگران و کارفرمایان است ، نباید از نظر دور داشت. روانشناس صنعتی میتواند با نماینده کارگران نیز در تماس مداوم و مستقیم باشد.» کارگر را با هدفهای سازمانی که در آن بکار اشتغال دارد ، باید آشنا ساخت و این کار مسلماً در بازده کار مؤثر خواهد بود.»

آقای مهندس کردبچه ، مدیرمسؤول رستاخیز کارگران : — مطالبی که در این میزگرد عنوان شد ، بسیار جالب و ارزنده بود که شاید برای بیشتر کارگران و کارفرمایان تازگی داشت و بطور کلی این جلسه باعث شد تا عده‌ای بدانند که در دانشگاه فرح روانشناسان صنعتی تربیت می‌شوند ، و وظیفه روانشناس صنعتی تا چه حد در بهبود روابط کارگر و کارفرما مهم است. مسائلی که در این جلسه مطرح شد ، همان موضوع دلپذیر کردن محیط کار است که در کنفرانس ملی کار نیز مطرح شده است. در این کنفرانس مسأله‌ای که بیش از مسائل دیگر مورد توجه قرار گرفت و شاهنشاه نیز اوامری صادر فرموده بودند که این مسأله باید در رأس

بقیه در صفحه ۶۶

نتایج مسابقه دانش صنعتی

شماره‌های ۹ و ۱۰ مجله

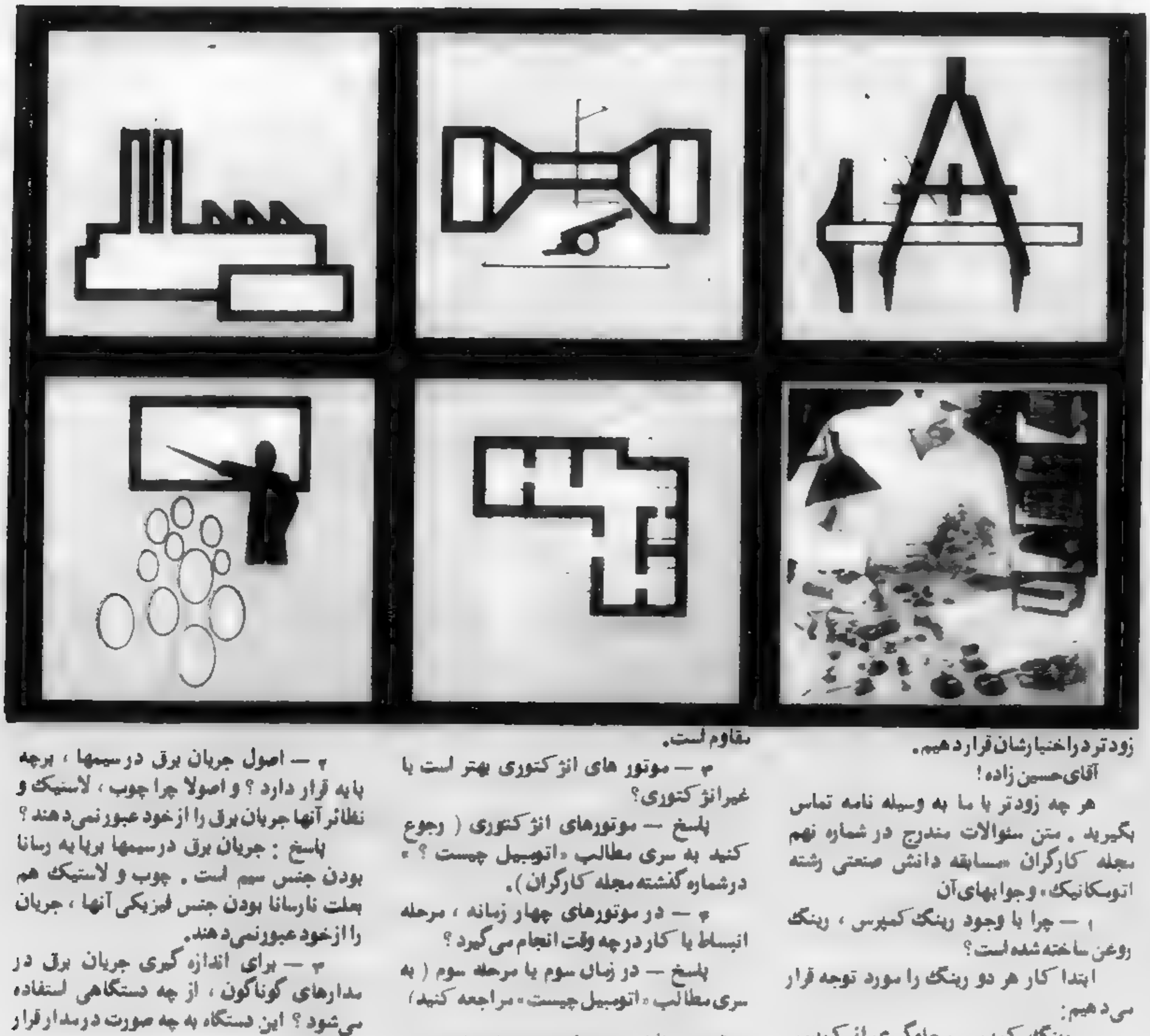

با برگزاری مسابقات دانش صنعتی درچند شمار گذشته، کارگران، هنرجویان وتکنیسین‌های علاقمند با نامه های خود، نشان دادند که برای پیشبرد هدفهای آموزشی کوشش بسیار دارند.

درطی یک ماه و نیم اخیر دست‌اندرکاران اتومکانیک، برقکار، سیم کش ساختمان و جوشکار پاسخ سؤالات مربوط به رشته‌حرفه‌ای خود را که درمجله چاپ شده بود برای ما ارسال داشتند.

بررسی این پاسخها نشان داد که اکثر دوستان و دست‌اندرکاران رشته های صنعتی و فنی نه تنها به کار خود علاقه دارند، بلکه از اطلاعات‌علمی و دیدگاه‌تئوری نیز بهرمندند.

در میان نامه هائی که از سراسر ایران به سرویس حرفه وفن مجله کارگران» رسیده، اتومکانیسین ها والکتریسین‌ها» بیش از سایرین از کار خود حرف زده‌اند که البته این نکته تاکیدی است بر دانستنیهای نسبتاً مناسب وجامع آنان در رشته خود.

همچنانکه ملاحظه کرده‌اید، سری مسابقات دانش صنعتی درابتدا، هرشماره دو گروه را در برمی‌گرفت، اما براثر استقبال کم سابقه کارگران و تکنیسین های عزیز، پس از دوشماره، مسابقه دانش صنعتی تنها یک گروه را دربرگرفت. بعبارت دیگر ازشماره یازدهم، هر بارفقط سؤالاتی پیرامون یکرشته فنی وحرفه‌ای درج شد تا «سرویس حرفه وفن» بتواند بهتر وبا فرصت کافی، نامه های ارسالی را بررسی کند و پاسخگوی آنهمه محبت وعلاقه باشد.

در این شماره بهترین پاسخی را که در زمینه رشته های‌صنعتی «اتومکانیک وبرقکاری» برای ما ارسال شده چاپ می کنیم تا همه پاسخ دهندگان اطلاع دقیق‌تری یابند و هم مورد استفاده دیگران که به آموزش بیشتر و دانش افزونتری علاقمندند، قرارگیرد.

گرچه نخستین مسابقه دانش صنعتی که در شماره نهم مجله کارگران، کارگران وتکنیسین‌های کارخانه های تولید روغن خوراکی را نیز دربرمی‌گرفت، ولی از سوی هیچیک از دست اندرکاران این رشته صنعتی، پاسخ درستی به دست ما نرسید. در رشته جوشکاری نیز پاسخ ها رسا ورضایت بخش نبوده‌است.

از میان پاسخهای رسیده، آقای «محمد حسین زاده دهنوی» هنرجوی هنرستان صنعتی مشهد با توجه به اطلاعات دقیق خود، بهترین جواب را ارسال داشته است.

از آقای «محمد حسین زاده دهنوی» خواهش می کنیم که در اولین فرصت که به تهران آمدند، در محل مجله کارگران حضوریابند تاجایزه خود رادریافت کنند.

جایزه ایشان» یک جلد کتاب اتومکانیک و ... است که امیدواریم هرچه زودتر دراختیارشان قرار دهیم.

آقای حسین زاده!

هر چه زودتر با ما به وسیله نامه تماس بگیرید. متن سئوالات مندرج در شماره نهم مجله کارگران «مسابقه دانش صنعتی رشته اتومکانیک» وجوابهای آن:

۱ — چرا با وجود رینگ کمپرس، رینگ روغن ساخته شده است؟

ابتدا کار هر دو رینگ را مورد توجه قرار می دهیم:

— رینگ کمپرس، جلوگیری از کمپرس کردن را دنبال می کند، درحالیکه رینگ روغن، روغنکاری و پاک کردن روغن را از بدنه سیلندر موجب میشود. بنابراین اگر شما از رینگ کمپرس استفاده کنید، ممکن است که موجب روغن سوزی‌شود و براثر حرارت روغن را بسوزاند. پس با وجود رینگ روغن درزیر رینگ کمپرس، روغنها تمیز شده، خطری متوجه موتورنخواهد بود.

۲ — می‌دانیم برای به حرکت درآوردن میل‌لنگ، از پیستون که از بکارافتادن موتور پدید می‌آید، استفاده می‌شود. یک پیستون مناسب، دارای چه ویژگیهایی است؟

پاسخ — یک پیستون خوب، ویژگیهای زیررا دربرمیگیرد:

الف— سبک است

ب— دربرابرگرما، مقاومت دارد.

ج— انبساط ندارد.

د— گرما را به بدنه سیلندرمنتقل می کند.

ه— در برابر خوردگی و فرسودگی و ضربه مقاوم است.

۳ — موتور های انژکتوری بهتر است یا غیرانژکتوری؟

پاسخ — موتورهای انژکتوری (رجوع کنید به سری مطالب «اتومبیل چیست؟» درشماره گذشته مجله کارگران).

۴ — در موتورهای چهار زمانه، مرحله انبساط یا کاردرچه وقت انجام می گیرد؟

پاسخ — در زمان سوم یا مرحله سوم (به سری مطالب «اتومبیل چیست» مراجعه کنید)

از میان نامه‌های رسیده مربوط به مسابقه دانش صنعتی رشته برقکاری (مندرج درشماره ده مجله)، آقای «حسنخان کاهکش» از اداره برق نیشکر هفت تپه در خوزستان بهترین پاسخ را ارسال داشته بود که به عنوان برنده در این مسابقه معرفی میشود.

از آقای حسنخان کاهکش خواهشمندیم درنزدیکترین فرصت که به تهران آمدند، در محل مجله کارگران حضور یابند تا جوایز خود را دریافت دارند. به آقای حسنخان یک جلد کتاب سیم کشی ساختمان و یک جعبه ابزار برقکاری اهدا خواهدشد.

حال به پاسخهای ارائه‌شده‌از طرف آقای کاهکش همراه‌با سؤالات توجه‌می کنیم:

۱ — یک انشعاب ساده را برروی کاغذ وبا استفاده‌ازنشانه‌های ویژه‌ادوات برقی رسم کنید

پاسخ: ۱

۲ — اصول جریان برق در سیمها، برچه پایه قرار دارد؟ و اصولا چرا چوب، لاستیک و نظائر آنها جریان برق را ازخود عبور نمی‌دهند؟

پاسخ: جریان برق در سیمها برپایه رسانا بودن جنس سیم است. چوب و لاستیک هم بعلت نارسانا بودن جنس فیزیکی آنها، جریان را ازخود عبورنمی‌دهند.

۳ — برای اندازه گیری جریان برق در مدارهای گوناگون، از چه دستگاهی استفاده می‌شود؟ این دستگاه به چه صورت درمدارقرار می‌گیرد؟

پاسخ: برای اندازه‌گیری جریان از آمپرمتر که بطور سری درمدار قرار میگیرد، استفاده می‌شود. البته نوع دیگری آمپرمتر وجود دارد که دارای حلقه کاز انبری است که آن حلقه را بدور یکی ازمدارها قرار می‌دهیم که پس از بسته شدن حلقه، شدت‌جریان رامنعکس میکند.

۴— امتیازهاو معایب لوله های «خرطومی» را نام ببرید و مناطقی که نمی‌توان از لوله خرطومی استفاده کردذ کر کنید.

پاسخ: لوله‌های خرطومی در مناطق نزدیک دریا مناسب نیستند. درمکانهای خیلی سرد و خیلی گرم نیز تا احد امکان نباید از آن‌ها استفاده کرد.

یکی ازامتیازهای لوله خرطومی، سهولت درخم‌شدن و دیرخراب شدن در داخل دیوار است.

«موفق باشید

مسابقه دانش صنعتی

تعمیر کاران تلویزیون
می توانند در مسابقه این شماره «دانش صنعتی» شرکت کنند

دست اندر کاران ساخت و تعمیر تلویزیون بارها با معایب گوناگونی که در لامپ تصویر تلویزیونها بوجود می آید مواجه شده اند.

عیب ها واشکالات لامپ تصویر به چند صورت و براثر چند عامل بوجود می آید

شما دوستان عزیز عیب ها و منابع ایجاد اینگونه ناهماهنگی ها را برای ما بنویسید و چگونه رفع و اشکال را نیز ذکر کنید تا پس از بررسی پاسخهای رسیده ، به بهترین پاسخگو جوایز ارزنده ای تعلق گیرد.

نامه های خود را حداکثر تا ۱۵ روز دیگر به آدرس «سرویس حرفه وفن مجله رستاخیز کارگران ارسال دارید.

نامه های شما رسید:

اسامی دوستان عزیزی را که برای ما نامه فرستاده اند در زیر می خوانیم . این افراد پاسخ سؤالات مسابقات دانش صنعتی در رشته های برق وفلز کاری را برای ما ارسال داشته اند که البته پس از بررسی تمام نامه ها ، همچنانکه برندگان دومسابقه اتومکانیک و سیم کشی ساختمان را اعلام کردیم ، برندگان این دو مسابقه نیز تعیین خواهد شد .

اگر سؤال یا نکته ای مجهول در ذهن دارید، برای ما بنویسید تا پاسخ آنرا ذکر کنیم البته هرنوع مقاله یا نوشته فنی حرفه ای نیز که مایل هستید بنویسید تا با نام خودتان در بخش سرویس حرفه وفن مجله چاپ شود .

* اسامی فرستندگان نامه ها:

جواد ملکشاهی نسب (تبریز)— براتعلی سلیمانی (اصفهان) حسن خان کاهکش (خوزستان)— علی شالیان (کارخانه ذوب آهن) مرتضی نادری (اصفهان) — جهانگیر قیاسی (تهران) — مهدی عطائی (اصفهان) — رضا نساجپور (اصفهان) — محمدجواد خاکسار (کاشان) محمد زمانی (اصفهان) علیرضا حیدری (کاشان) ابراهیم ابراهیمی (تهران محمدرضا فارسی (کویت) احمد نادری (یزد حسین دادخواه (کرمان) — محمد پورفهمی (تهران)— جواد علی کاروئی (شیراز) — حمید یکتا (قزوین) رسول خسروی (تهران رشید عطائیان فرد (شیراز) — حمید نیکنام (رشت) — رضا محمدزاده (رودبار) — پرویز کنانی (اصفهان)— محمدرضا وطن دوست (اصفهان)— حبیب اله کلانی ممتاز(تهران)— رضا لنباعت گر (لاهیجان) موسی شیخ زاده (اهواز) عبداله منیعی (شیراز)— کریم دادگر (تهران) — علی مشاوری (تهران) — حسین رزمی (اصفهان)— مصطفی چاتکی (لاهیجان)— پرویز یاسمن (مشهد) حسین قانع (رشت)— هرمز ماهشهری (آبادان) رسول بندیان (بهبهان) — محمد دربانی (مشهد) — اکبر بالائی (تهران) فرامرز هانی (تهران)— حسین کامبخش (رودبار) جهانگیر رادی (اهواز).

تازه های علم وصنعت

پدیده های جالب در زمینه پوشاک کودکان

در همه جای اروپا میزان رشد موالید در حال کاهش است. این موضوعی بود که در نمایشگاه بین المللی کودکان در کلن ازطرف ۸۵۳ شرکت کننده از ۲۰ کشور جهان مورد بحث قرار گرفت.

سازندگان درشکه های دستی حمل کودکان این کاهش را بطور محسوس ملاحظه کرده اند. میزان کاهش تعداد نوزادان در آلمان فدرال فی المثل ۴/۵ در ششماهه اول سال ۱۹۷۶ ، درمقایسه با مدت مشابه درسال ۱۹۷۴ ، بوده است.

در آلمان فدرال تعداد نوزادان در سال ۱۹۷۶ ، متجاوز از یک میلیون درسال ۱۹۷۵ ، حدود ۶۰۰ هزارنفر بوده است.

مطالعات و بررسیها دربسیاری از کشورهای صنعتی نشان میداد که تمایل محدود ساختن تعداد فرزندان در خانواده ها زیادتر شده ولی خانواده ها اکنون باین که کودکان آنها باید لباسهای بهتری داشته باشند اهمیت بیشتری قائلند

در نمایشگاه کلن جوانترین مانکن ها توجه زیادی را بخود جلب کردند. بنابراین تولید کنندگان لباسهای کودکان از کم شدن تعداد نوزادان چندان ناراحت نیستند و نتایج بدست آمده در نمایشگاه کلن این امر را به ثبوت رساند.

هامبورگ (د. آ. د) — یکی ازقابل توجه ترین قطعه نمایشی را که جهت نمایشگاه ۲۰۰ ساله جشن آمریکا در نظر گرفته شده بود، آمریکائی ها از هامبورگ بردند. مدل فریزیا: یک کشتی مهاجرتی تیپیک با ۱۰۶ متر درازا و ۳۲۵۰ هاپاک دانفر ۳۲۵۰ BRT که برای ۱۰۰۰ سرنشین جای دارد.

با این کشتی ازسال ۱۸۷۲ تا ۱۸۸۵ در حدود ۵۰۰۰۰ نفر از هامبورگ، اروپای قدیم را ترک گفتند کشتی فریزیا درسال ۱۸۷۲ در اسکاتلند ساخته شد قدرت موتورش ۲۸۰۰ اسب بخار است که در فاصله ۱۰ روز از هامبورگ به نیویورک میرسد مدل این کشتی در سال ۱۸۷۳ برای نمایشگاه جهانی وین ساخته شد که اکنون در موزه مربوط بتاریخ هامبورگ نگهداری میشود. آمریکائیها از هامبورگ خواسته بودند تا الگوئی از آن در هامبورگ ساخته شود که بعنوان قطعه اصلی نمایش فوق العاده مربوط به مهاجرین تاسال ۱۹۸۳ ، درموزه واشنگتن نگهداری شود.

حرفه و فن

مباحث علمی ـ صنعتی کارگران کشاورز

از: مهندس فرزان

خاک و آب مهمترین عوامل سبزیکاری

زمینی که در معرض تابش آفتاب قرار داشته باشد مناسب ترین محل برای کشت سبزی است

در شماره یازدهم مجله ،درباره چگونگی بهره‌برداری مناسب از زمین مطلبی درج شده بود . در انجا ذکر شد که عوامل کشاورزی وابستگی کاملی به نوع محصول و موقعیت زمین دارد. البته گرما و سرما نیز یکی دیگر از عوامل مهم کشت صنعتی است که باید مورد توجه دست‌اندرکاران این گونه فعالیتها قرار گیرد .

سرمای بهاره ، نوعی سرمای موثر بر گیاه است که البته این سرما در نباتات یکساله چندان زیان‌آور نیست . زیرا پس از اینکه سرما برطرف شد گیاه مجدداً رشد می کند ولی درباره نباتات دوساله مانند کرفس و اغلب نباتات ریشه‌ای که درسال کاشته می‌سود تولید برگ و ریشه نموده و درسال دوم پس از گذراندن یک دوره استراحت زمستانه در کوپر در فعالیت حیاتی بذر می دهند وجود سرمای بهاره دراوائل زندگی گیاه موجب استراحت بی‌موقع گیاه شده و بدین دلیل گیاه قبل از اینکه به اندازه کافی رشد نماید بذر می‌دهد . اثر دیگر سرما ،که باعث از بین رفتن محصول می‌شود یخ بستن زمین است در این صورت سطح خاک متورم شده و بالا می‌آید و از ریشه گیاهان جدا می‌شود و در اثر این عمل نبات قادر به جذب غذای کافی و آب نبوده و خشک می‌شود و این امر موقعی زیان‌آور است که یخ بستن و آب شدن یخ زمین چند نوبت متوالی تکرار می‌شود . بنابراین انتخاب محل و مخصوصاً انتخاب نوع بذردرمحل تعین باید باتوجه باین مطلب که آیا درمحل سرمای بهاره وجود دارد ویاخیر انجام شود .

بهترین زمین از لحاظ موقعیت برای کشت

کلیه محصولات کشاورزی بویژه کشت سبزی ، زمینی است که رو به آفتاب قرار گرفته باشد .یعنی دارای شیب زیاد نباشد ودرطرف جنوب و حتی‌المقدور در مشرق آن موانعی از قبیل تپه و یا درختان بلند و یا بناهای مرتفع واقع نشده باشند که مانع تابش نور آفتاب از اول صبح تا چند ساعت بعد ازظهر شود. درصورتیکه اگر زمین در دامنه تپه قرار داشته باشد بادرنظر گرفتن جهت‌شیب تپه باید در انتخاب نوع محصول دقت فراوان بعمل آورد . یعنی اگرشیب تپه بطرف شمال باشد بایددرآن نباتاتی را کهسایه بهسایه‌آفتاب رشد می کنند کاشت ودرصورتیکه‌شیب بطرف جنوب باشد نباتات مقاوم بتابش آفتاب راباید انتخاب کرد .

نوع خاک در انتخاب محل سبزیکاری چندان مهم و موثر نیست یعنی اگر شرایط زندگی گیاه مساعد باشد درهرنوع خاک میتوان سبزیکاری کرد زیرا هر یک از گیاهانی که بعنوان سبزی کاشته می‌شوند دارای انواع متفاوتی هستند و با یک نوع خاکسازش داشته و درآن خاک بهتر رشد ونمو می کنند و نتیجه قابل توجهی بدست می‌دهند و از طرف دیگر انواع مختلف زمین زراعتی را میتوان تغییر داد و برای هدفی خاص اصلاح کرد .

یکی دیگر از عوامل کشاورزی که در انتخاب محل سبزی کاری دارای اهمیت فراوان است وجود آب برای آبیاری و مقدار آن است . درایران و بسیاری از نقاط دیگر که حتی در تابستان باران می‌بارد چون ریزش باران بطور نامرتب است محصول سبزی و بطور کلی «صفی» یعنی کاشت تابستانه باید آبیاری شود ، بخصوص اگر گیاه مورد کاشت محصولی باشد که از برگ آن استفاده می‌شود . بنابر این دو موقع انتخاب محل باید موضوع آب مورد توجه ویژه قرار گیرد . یعنی آب به مقدار کافی و ارزان موجود باشد البته باید به این نکته توجه داشت که قیمت آب نقش مهمی را در کاشت محصول دارد . زیرا در این مورد آب به میزان زیاد لازم است و اگر قیمت آن گران تمام شود کشاورزی مقرون به صرفه نخواهد بود ..

همانطور که‌قبلا اشاره کردیم عوامل اقتصادی عبارت‌اند از نوع بهره‌برداری از زمین ،امکان تهیه کارگر درمحل و میزان دستمزد آن در فاصله محل کشت تا بازار فروش ووسایل حمل‌ونقل به مراکز مصرف .

«این بحث رادرشماره‌های آینده ادامه می‌دهیم.»

روش انقلابی در ساختمان سدهای آب

ذخیره آب با الیاف مصنوعی!

یک سد قابل حمل که شامل یک چهار— چوب فلزی پوشیده از پوسته و الیاف مصنوعی قابل انعطاف است انقلابی در روشهای سنتی سدسازی در رودخانه‌ها یا آبهای ساکن در کانالها و رودخانه‌ها بوجود آورده است.

این سدها که بنام «پورتادام» نامیده شده‌اند از امتیازهای زیاد و مهمی برخوردارند بدین‌ترتیب که ارزانترند و می‌توان آنها را با سرعت، بآسانی و با صرف نیروی کارگر بسیار کمی ساخت. بطور مثال یک سد ۶ متری را می‌توان با استفاده از ۲ کارگر کم‌تجربه درمدت یکساعت بنا کرد و یا با همان سرعت و آسانی خراب کرد بدون آنکه کوچکترین خللی در بستر آب و زمینهای اطراف آن بوجود آید.

این سدها بآسانی به نگهداری آب تا ارتفاع ۲ متری قادرند اما سازندگان آن معتقدند که امکان ارتفاع بیشتر از نظر تکنیکی وجود دارد. این سد را می‌توان بر هر نوع زمین سخت از جمله سنگ‌ریزه، ریگ، ماسه، بتون و یا گل نرم، لای ولجن و یا خاک سست بنا کرد.

اساس کا، این سدها بر تکنولوژی « هوورگراف . چهارچوب سد شامل رشته‌های ؛ رانیزه بشکل مربع مستطیل است دیگر مربوط بوده و دارای روپوشی از نا ... ست که آنرا بصورت محکمی درمیآورد.

هر رشته شامل یک پایهٔ پولادی است که در بستر آب قرارگرفته و با زاویه‌ای نسبت به رشته قرار دارد. این پایه‌ها هر رشته را بطور جداگانه قادر می‌سازند که در ارتفاع صحیحی برای میزان معینی از آب در هر نقطه از سد قرار گیرند. باضافه سطح آب در بالای سد باوجود عمق‌های مختلف آب درحد معینی قرار می‌گیرد.

بخش‌های پوسته‌ای بصورت آماده و با پهنائی برابر ۰.۶ متر وجود دارند. چون تمام ساختمان بصورت استاندارد بوده و دارای قطعات قابل تعویض است مشکلی از نظر حمل و نقل وجود ندارد. برداشتن سد براحتی انجام می‌گیرد بدین‌ترتیب که آب را از یکطرف عبور می‌دهند تا فشار در هر دوطرف مساوی شود.

مهندسین ساختمان، مقامات مربوط سازمان آب و بخشهای مختلف دولتی، دست اندرکار یافتن سیستم‌های مناسبی برای کار— بردهای مختلف سد هستند. این کوششها شامل استفاده از این نوع سدها برای آبیاری، نگهداری کانالها، رودخانه‌ها، نهرها دریاچه‌ها، کانالهای بتونی و فلزی، افزایش عمق رودخانه‌ها و نهرها برای آبیاری، ذخیره آب، بهبود وضع ماهیگیری، تعمیر یا ساختمان ستونهای پل و کنار کانالها، و استفاده‌های اضطراری مانند سیل‌گیر است.

برای استفاده از سد در آبهای ساکن، مانند کانال، سدها دورتر از فاصله موردنظر قرار می‌گیرند و آبی که در دوطرف سد انباشته شده و پمپ‌زده می‌شود براحتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنین کاری شامل لایروبی، نوسازی کناره‌ها، قرار دادن پمپ‌های فاضل‌آب یا تعمیر بخش‌های مختلف پل است که معمولا درزیر آب قرار دارند. در بعضی موارد اگر سد در رودخانه قرار گرفته باشد مسیر آب ازطریق مجزا و کانالهای بزرگ منحرف می‌شود.

برای افزایش سطح آب در رودخانه‌های کوچک و نهرها نوعی سد لوله‌ای ایجاد شده که شامل ساختمان استواری نیست. این لوله که از الیاف مصنوعی تهیه شده آب را بطور خودکار در سطح معینی قرار میدهد و در— صورتیکه آب از سطح معینی تجاوز کند خود بخود پائین می‌آید.

در اینصورت بهنگام خشکسالی آب در بالاترین سطح خود قرار می‌گیرد اما درصورتیکه با بارش ناگهانی باران آب درسطح بالائی قرار گیرد کانال دیگری برای هدایت آب‌سیل وجود دارد. سطوح آبهائی که باین‌ترتیب افزایش می‌یابند آب بیشتری برای آبیاری و دامداری، غذا و جای بیشتری برای ماهی و افزایش میزان آب در اراضی اطراف ایجاد می‌کنند، درنتیجه رشد چمن و سبزه را افزایش می‌دهند. این سیستم نیز براساس فشار هیدرولیک برای نگهداری سد بصورت محکم در بستر کانال است که مانع از عبور آب از زیر آن می‌شود. ساختمان این نوع سدها بسهولت و سرعت انجام گرفته و بغیر از یک پمپ کوچک و قابل‌حمل که برای پر کردن لوله‌ها از آب بکار می‌رود بوسیله دیگری نیاز ندارد.

کار دینام اتومبیل چگونه است؟

همچنانکه در شماره گذشته وعده دادیم ، در این شماره در باره «دینام» مطالبی را شرح می‌دهیم و به بررسی اجزا و چگونگی کار این دستگاه می‌پردازیم.

دینام ، جریان

هرگاه یک هادی خطهای نیروی مغناطیسی را قطع کند در آن ، جریانی بوجود می‌آید که به جریان « القایی » معروف است.

طرز کار این دینام ساده به ترتیبی است که یک قاب هادی بر اثر چرخش درداخل یک حوزه مغناطیسی خطهای نیرو را قطع می‌کند و در آن جریانی بوجود می‌آید که به وسیله ذغالها (جاروبکها) به خارج منتقل می‌شود. حوزه مغناطیسی به وسیله عبورجریان برق ازسیم پیچ بالشتک ها بوجود آمده است.

دینام اتومبیلها دارای دو بالشتک است که دور آن سیم پیچ شده و بر اثر عبور جریان از این سیم‌پیچ ها دو قطب آهن ربا بوجود می‌آید. برای این که بین این دو قطب خطهای نیرو برقرار شوند باید این دو قطب متفاوت باشند. به عبارت دیگر اگر یکی قطب شمال است باید دیگری قطب جنوب باشد.

تأمین جریان برق سیم‌پیچ بالشتک‌ها در اتومبیل ، توسط دینام » است. بالشتک ها ازجنس آهن بوده و مقداری ازحوزه مغناطیسی را برای مدتی درخود حفظ می‌کند.

در داخل دینام «آرمیچر » قرارمیگیرد که روی ان تعداد زیادی قاب در محلهای ویژه قرار گرفته است. انتهای سر این قابها همه در محلی به نام کلکتور (کموتاتور) جمع می‌شود.

آرمیچر ، حرکت خود را ازمیل لنگ موتور می‌گیرد (تسمه پروانه) ، باگردش آرمیچر ، قابها خطهای نیروی مغناطیسی را قطع کرده درآن جریانی بوجود می‌آید که این جریان از کموتاتور ها به وسیله زغالها به خارج انتقال داده می‌شود. زغال همیشه توسط یک فنر ویژه محکم روی کموتاتور نشسته است.

حالا ببینیم چند نوع دینام وجود دارد و اصولا دسته بندی دینامها بر چه پایه‌ای قرار دارد؟

دینام را بسته به چگونگی تغذیه سیم پیچی میدان موجود تقسیم‌بندی میکنند. در اینجا ما بشرح سه نوع متداول‌تر دینام می پردازیم :

این نوع دینامها سه ذغال دارند که دوتای آنها را ذغالهای اصلی و سومی را «جاروبک» یا ذغال سوم می‌نامند یکی از ذغالهای اصلی که قطب منفی را تشکیل میدهد به بدنه دینام وصل است. (اتصال بدنه) و دوتای دیگر نسبت به بدنه کاملا عایق‌بندی شده‌اند.

یک سر، پیچ میدان به ذغال سوم و سر دیگر میدان به بدنه وصل میشود. که البته می‌تواند یا درداخل یا از راه آفتومات بگذرد.

از این نوع دینام بیشتر در تراکتورها استفاده می‌شود و کمتر مورد توجه کارخانه های اتومبیل سازی است.

دراین دینام دوذغال بیشتر بکار نرفته است. یکی منفی و به بدنه وصل می‌شود، و ذغال دیگر مثبت است و نسبت به بدنه عایق‌بندی شده و بوسیله یک سیم جریان را به خارج انتقال می‌دهد. یک سرسیم پیچ میدان نیز به همین ذغال وصل می‌شود و سر دیگر میدان از دینام خارج شده و از راه آفتومات به بدنه وصل می‌شود.

این نوع دینام نیز دوذغال دارد. که یکی مثبت است و نسبت به بدنه کاملا عایق‌بندی شده‌و ذغال دیگرمنفی است که به بدنه وصل می‌شود.

یک‌سرسیم پیچ میدان درداخل دینام به بدنه وصل شده و سر دیگرمیدان از دینام خارج می‌شود و از راه آفتومات به ذغال مثبت متصل می‌شود

درشماره آینده پیرامون «آفتومات» بحث خواهیم کرد.

«ادامه‌دارد»

اجزای دستگاه جوش استیلن - اکسیژن

بهتر است کپسول اکسیژن با رنگ آبی از سایر کپسولهای گاز مشخص شود

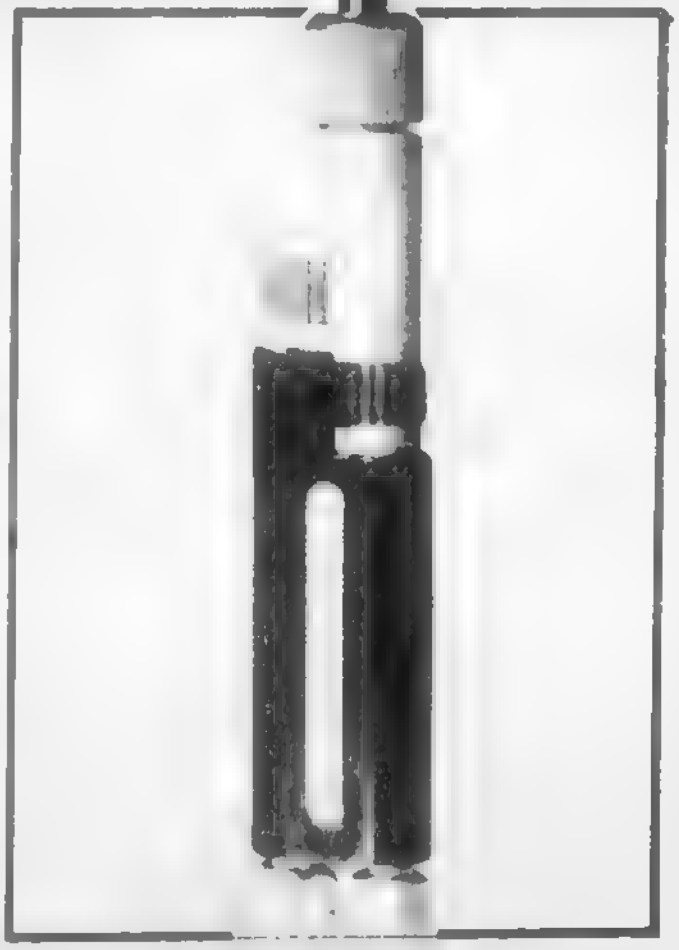

روشهای جوشکاری

درچند شماره گذشته درباره جوشکاری باگاز مطالبی ذکرشد و ضمن این مطالب جوشکاری بااستیلن بخوبی مورد توجه و بررسی قرار گرفت.

در این شماره به این بحث ادامه می‌دهیم و اجزای دستگاه جوشکاری با استیلن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

کپسول اکسیژن ، حفاظهای ویژه برای اینگونه کپسولها و تهیه و تولید گاز استیلن ، نوع کپسول استیلن و مشعلها و عوامل موضعی که هنگام کار با این دستگاه باید مورد توجه قرار گیرند ، از جمله مباحث و مطالب موضعی است که باین مسأله اختصاص یافته است. هر یک از اجزای دستگاه جوشکاری باگاز استیلن دارای ویژگیهای منحصر بفردی است که لازم است در باره آنها اطلاع کافی و کامل داشت.

کپسول اکسیژن از لوله بدون درز و از فولاد مخصوصی ساخته شده که قطر آن ۲۰۰ میلیمتر و ارتفاع آن ۱/۸ متر و وزن آن ۷۵ کیلوگرم است. گنجایش آن ۴۰ لیتر و برای سطح اتکاء بیشتر و همچنین جلوگیری از سرخوردن و غلطیدن کپسول ، یک حلقه چهارگوش به انتهای کپسول متصل شده است.

در قسمت بالای کپسول شیر اصلی ورود و خروج نصب شده که بوسیله بسته شدن کلاهک مخصوص روی آن ، از صدمات ناشی از ضربه و فشار جلوگیری میکند. فشار مجاز داخل کپسول ۱۵۰ آتمسفر است. بنابراین باتوجه به رابطه حجم و فشار میتوان همیشه مقدار اکسیژن موجود در کپسول را محاسبه کرد.

کپسول پرشده حدود ۸/۵ کیلوگرم سنگین تر از کپسول خالی است. در روی هر کپسول نام کارخانه سازنده ، شماره سری ، تاریخ ساخت ، فشار آزمایش کپسول و فشار بخار کپسول و نوع گاز حک شده است ، علاوه برآن کپسول هر پنج سال باید یکمرتبه آزمایش و کنترل شود ، در صورتیکه شیر اصلی آن باید مرتباً به موقع پر کردن آزمایش و کنترل شود.

کپسول اکسیژن را نباید بدون کلاهک مخصوص خواه در هنگام پر بودن و خواه در صورت خالی بودن حمل و نقل کرد. باید دقت شود که از زمین خوردن و ضربه های شدید و همچنین گرمای زیاد محفوظ بماند . کپسول اکسیژن و همچنین شیرهای مربوط به آن نباید باروغن و سایر مواد چربی آغشته شود . زیرا این چربی ها در مجاورت اکسیژن فوراً محترق میشوند و با گرمای زیاد میسوزند . رنگ آبی که مشخص کننده کپسول اکسیژن است باید همیشه قابل رویت باشد . اگر براثر مرور زمان رنگ کپسول از بین رفت باید تجدید رنگ شود تا با کپسول های سایر گازها اشتباه نشود.

استیلن گازی است بی رنگ که بوئی شبیه بوی سیر دارد . وزن مخصوص آن ۱/۱۷ کیلوگرم بر متر مکعب است. گاز استیلن بتهائی قابل سوختن است و هرگاه با اکسیژن و با هوا مخلوط شده باشد باشدت زیاد بصورت انفجار میسوزد وحتی اگر زیاد از حد نیز متراکم شود ، خود بخود منفجر می‌شود.

گاز استیلن از ترکیب آب با کاربید کلسیم (C_2Ca) بدست می‌آید.

برای تهیه کاربید کلسیم، آهک و کک را در کوره الکتریکی در حدود ۳۰۰۰ درجه حرارت می‌دهند دراین حرارت آهک و کک درهم آمیخته و تشکیل کاربید کلسیم را می‌دهند که بصورت مذاب است — این جسم پس ازسرد شدن کاملا سخت می‌شود که مقطع آن خاکستری رنگ است. کاربید کلسیم را که که در اصطلاح تجارتی کاربید می‌گویند در سه اندازه مختلف «ریز — متوسط — درشت» تقسیم وسپس درظرف‌های فلزی که کاملا از نفوذ هوا محفوظ است بسته‌بندی می کنند تا ببازار عرضه شود . کاربید میل ترکیبی شدیدی با آب دارد و حتی با بخار آب موجود در هوا نیز ترکیب می‌شود . و هرچه قطعات کاربید کوچکتر باشد این عمل شدیدتر است . زیرا سطح جانبی آنها با آب بیشتر در تماس است و بهمین سبب روی دستگاههای مولد گاز استیلن ذکر شده که باید چه نوع کاربید مصرف شود . کاربید را باید همیشه درجای خشک نگهداری کرد. در کارگاههای کوچک برای نگاهداری کاربید ابتدا آنها را در نفت فرو می برند و همین عمل مانع نفوذ رطوبت هوا به کاربید می شود.

این دستگاه ازیک استوانه فولادی تشکیل شده که برای جلوگیری اززنگ زدن، گالوانیزه شده است. البته حجم این دستگاه ها نسبت به گازی که تولید می کنند ، متفاوت است و بطور کلی از ظرفیت نیم کیلوگرم کاربید تا ظرفیت ۲۰ کیلوگرم کاربید و یا بیشتر ساخته میشود . این دستگاه ازسه قسمت عمده تشکیل شده است.

۱ — محل مخصوص جهت کاربید ۲ — منبع آب ۳ — محل تجمع گاز

محلی که مخصوص کاربید است بصورت دریچه‌هائی درقسمت پائین دستگاه واقع شده و در داخل آن کشوئی قرار گرفته که آنرا ازکاربید پر کرده ، و سپس دریچه را محکم بسته و شیر آب را باز می کنند . بدین ترتیب آب باراسی روی قطعات کاربید می‌ریزد وسبب تولید گاز می‌شود و در قسمت بالای استوانه جمع میشود .

این دستگاه مجهز به فشارسنج و سوپاپ اطمینان است و هرگاه فشار داخلی از حد معین تجاوز کند سوپاپ اطمینان باز شده و مقداری ازگازها را بخارج هدایت می کند . (شکل ۱ را ببینید) .

چون معمولا گاز تولید شده بعلت فعل وانفعالات شیمیائی گرم است ابتداء آنرا از داخل آب عبور می‌دهند تا خنک شود سپس از داخل فیلتری که سرراه آن قرار گرفته می‌گذرد تا ناخالصی های موجود در گاز و مخصوصا رطوبت آن که اثر نامطلوب در محل جوش باقی می‌گذارد ، برطرف شود . کاربید

بقیه در صفحه ۸۳

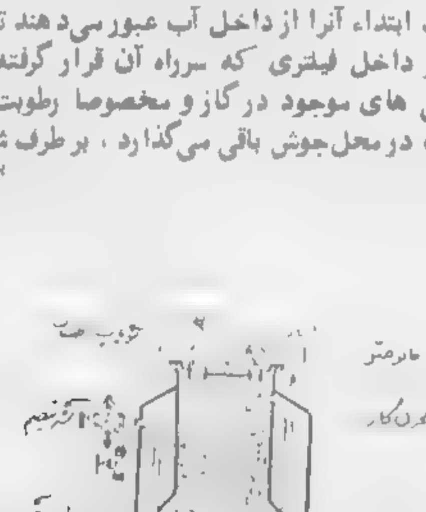

غذای سالم
چیزی است که بدن ما به آن احتیاج دارد

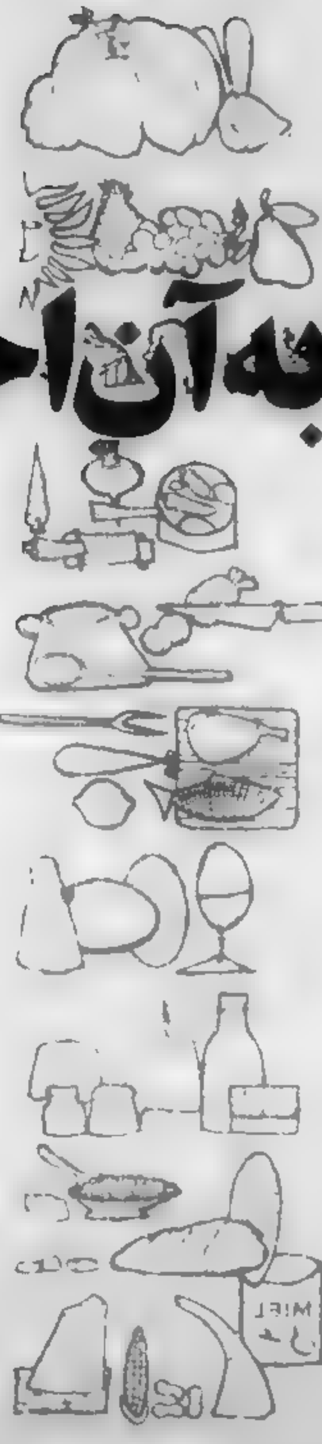

آخرین وجدیدترین اطلاعات مربوط به غذای سالم.

ویتامین ب ۶ $B\ 6$

ویتامین ب/۶ $B/6$ یا پیرلودو کسین ضد مرض جلدی خطرناک موشهاست $Antipellagre$

منابع ویتامین $B/6$ عبارتست از:
جگر،مخمر آبجو،پوست غلات.

عوارض کمبود این ویتامین در بدن:
عصبانیت تحریکات عصبی بیخوابی ضعف و بیحالی است.

ویتامین $B/6$ چه امراضی را درمان میکند:
۱ — زخمهای عضلاتی شدید و دردهای عضله فلج متشنج کم‌خونی انواع میگرن‌سقط جنین عوارض فساد و تباهی نژاد.

آسیدهای آمینه نیکوتینیک

آسیدهای آمینه نیکوتی‌نیک از موادی هستند که‌ضد امراض جلدی خطرناک انسان است.

منابع آسیدهای آمینه نیکوتی‌نیک عبارتست از:
۱ — جگر ۲ — مخمر آبجو ۳ — گوشت ۴ — ماهی ۵ — سبوس غلات ۶ — سبزیها ۷ — آسیدهای آمینه آنتی‌نیکوتینیک را میتوان در جگر انسان و همچنین در کل میکروبی روده‌ها بدست آورد.

عوارض کمبود این ویتامین در بدن عبارتست از: ۱ — بیماری خطرناک جلدی پلاگری (که بیشتر در نزد مردم جنوب اروپا که فقط از ذرت تغذیه میکنند پیدا میشود) ۲ — ورم مخاط دهان ۳ — چاک زبان ۴ — ترشی بی‌اندازهٔ عصارهٔ معده ۵ — مدفوع خونین ۶ — ورم خارش‌دار شدید پوست بدن ۷ — بیماری پوسته و پوسته و رنگین پوست ۸ — زخمهای عصبی ۹ — کم‌خونی

اسید فولیک $Acide\ folique$

آسید فولیک از عناصر رشد خونی است.

منابع این ویتامین : جگر ، مخمر آبجو ، اسفناج ، قلوه ، هویج ، غلات، سیب زمینی .

کمبود این ویتامین باعث بیماری کم‌خونی ، اختلالات گوارشی میشود.

آسید فولیک : بعضی از انواع کم‌خونی‌ها واختلالات هاضمه را برطرف میکند.

ویتامین $B/12$

ویتامین ب/۱۲ عامل ضد کم‌خونی مزمن تولید کنندهٔ آلبومین حیوانی است.

منابع این ویتامین : جگر گوشت با لتریها و همچنین در کل میکروبی روده‌ها وجود دارد.

عوارض کمبود این ویتامین : کم‌خونی مزمن وموذی است.

ویتامین ب/۱۲ کم‌خونی را درمان میکند.

ویتامین H یا بیوتین ویتامین مخصوص پوست است.

منابع آن : جگر ، مخمر آبجو ، شیر ، قلوه ، سیب زمینی ، آراشید ، نخود ، قارچ ، زردهٔ تخم‌مرغ‌وشو کلات.

ورم پوست ، کم‌خونی.

ویتامین H چه امراضی را معالجه میکند ؟
ویتامین H دورک و دمل عفونت‌های پوستی اگزمای شیرخوارگان و همچنین بیماریهائی که در اثر فساد نسل و نژاد شیوع میابد معالجه میکند.

ویتامین ث اسم دیگری دارد که بنام

بقیه در صفحه ۸۶

چند توصیه برای کارگران هتل ها و رستوران ها

راهنمائی چندجور پذیرائی ازمشتریها

ترجمه :مهدی نراقی

در پذیرائی بسبک فرانسوی ، مشتری خودش ازخویش پذیرائی میکند و همانطوریکه از نامش پیداست ، اصل این سبک پذیرائی از فرانسه است . در زمینه خوب خوردن غذا ، فرانسوی میخواهد بمیل خودش ازاو پذیرائی کنند . بنابراین سعی دارد که این کار را خود بعهده بگیرد تا بیشتر مطابق میلش انجام شود.

جاذبه و مشخصات پذیرائی فرانسوی این امکان را به مشتری میدهد که بطور آزاد از خودش پذیرائی کند و این طرز پذیرائی از مهمانان است که همیشه مورد توجه اشخاص خوش سلیقه در غذا بوده‌است.

پذیرائی به سبک فرانسوی بچند نوع تقسیم میشود و بستگی به نوع رستوران دارد . برای یک تا سه نفر ، بشقابها روی میز چیده میشوند.

غذای اصلی را در وسط میز میگذارند تا خود مشتری از آن بردارد . کارد و چنگال و قاشق و دستمال سفره در دسترس مشتری است.

غذاهای دیگر ، بسته به جائی که دارد دور غذای اصلی گذاشته میشود ، ولی در چیدن آن باید حسن ذوق وسلیقه را بکاربرد.

توصیه شده است که باید غذای اصلی را روی منبع گرم کننده‌ای گذاشت تا سرد نشود.

برای پذیرائی چهارنفرو یا بیشتر پیشخدمت رستوران باید میزگردی در اختیار داشته باشد که غذا را روی آن بگذارد و از آنجا مشتریان را پذیرائی کند و باید قبلا پی ببرد که چند نفر سر میز غذاخوری نشسته‌اند و حوله‌ای را در دست چپ گرفته و روی آن ظرفی را که محتوی غذای اصلی است بگذارد و در طرف دست چپ مهمانان قرار گیرد و از آنها پذیرائی کند و باید در این موقع کمی خم شود تا لبه ظرف غذای اصلی که روی حوله در دست چپ او قرار گرفته است ، در بالا و نزدیک بشقاب مشتری قرار گیرد و مشتری براحتی از آن برداشته و در بشقاب خود بگذارد.

و باید پیشخدمت رستوران در اینجا خیلی توجه کند که قسمت خوب غذا در طرف مشتری قرار گیرد . در ضیافت‌های مهم توصیه شده است که پذیرائی را بسبک فرانسوی انجام دهند ، زیرا باید دانست مشتریان و مهمانان در این گونه ضیافت‌ها از طبقات مختلف میباشند و دارای ذوق و سلیقه‌های گوناگون میباشند که پیشخدمت‌های پذیرائی از عادات و رسوم آنان چیزی نمیدانند.

۲ — پذیرائی بسبک انگلیسی

در پذیرائی به سبک انگلیسی پیشخدمت از مشتری پذیرائی میکند و این نوع پذیرائی برحسب یک رسم وعادت قدیم انگلیسی است که رئیس خانواده ازمهمانان پذیرائی میکند. غذاها و بشقابها در آخر میز گذاشته شده و او بشقاب هر یک از مهمانان را میدهد و از همین جا بوده است که پذیرائی بسبک انگلیسی باب شده است.

پذیرائی بسبک انگلیسیها مزایای زیادی دارد ، زیرا غذاهائی که کباب و یا گران است ، بسرعت تقسیم میشود ، ولی ابتدا این طرز پذیرائی نیاز به فکر و اندیشه دارد که پیشخدمت باید آنرا بکار گیرد.

در اینگونه پذیرائی چون مشتری امکان انتخاب غذا را ندارد ، پیشخدمت که پذیرائی میکند باید تجربه‌های دیپلماسی را بکار برد ، مخصوصاً اگر غذاها مرکب و سردرگم کننده باشند باید در تقسیم آن سیاست خاصی را بکار برد.

۳ — پذیرائی با میز گرد

پذیرائی با میز گرد بوسیله پیشخدمت رستوران انجام میشود و باید طریقه‌ای رابرای چیدن بشقابها بکاربرد که پذیرائی را در نهایت سرعت وخوبی انجام دهد.

یک منبع گرم کننده غذا برای پذیرائی با میزگرد لازم است تا غذا را روی آن بگذارند که سرد نشود و غذای اصلی را باید به مشتری قبل از سرویس نشان داد و غذا در بشقابها باید گذاشته شود که منظره آن اشتها آور باشد و بیش از اندازه هم نباید غذا در بشقاب ریخت.

اگر در پذیرائی با میزگرد پیشخدمت تنهاست ، باید گوشت را در وسط بشقاب بگذارد و دور آنرا با چیزهای دیگر تزئین وآرایش دهد . بهتر است در پذیرائی مشتریان از غذای اصلی گوشت را پیشخدمت در بشقاب مهمان بگذارد و تزیینات غذا را بعهده مشتری بگذارد تا او طبق میل و سلیقه‌اش آنرا انجام دهد.

ساعتی درمیان خانواده کوروش رضائی کارگر خشکشوئی

یک خانواده کارگری نباید دو فرزند بیشتر داشته باشد

این کارگر خشکشوئی میگوید: کارگران اصناف را هم مشمول طبقه بندی مشاغل و بازنشستگی کنید

آقای کوروش رضائی، بیست وپنج ساله، کارگر خشک‌شوئی تا کلاس ششم ابتدائی درس خوانده است. کار را با حقوقی معادل روزانه پنج ریال شروع کرده و این مبلغ امروز به سی وسه تومان افزایش پیدا کرده است. او ازدواج کرده و حاصل ازدواجش دخترك هشتماهه‌ای بنام «سحر» است که مانند فروغ دل انگیز سحری، زندگی کوروش رضائی و همسرش را روشنی بخشیده است.

خانه رضائی درخیابان قصرالدشت است.

حدود ساعت ده صبح است و هوا رو به گرمی میرود که با خبرنگار عکاس مجله، راهی خانه کوروش رضائی میشویم. همسرش چهره‌ای دوستداشتنی و آفتاب‌سوخته دارد. دختر هشت ماهه‌اش کودکانه میخندد و چالهای صورت کپلش نمایان میشود. عفت رضائی، خانم خانواده، خیلی تمیز و مرتب لباس پوشیده و آرایش ملایمی کرده است، زن وشوهر باگرمی به استقبالمان می‌آیند و با لبخند به اتاق راهنمائیمان میکنند.

این دو نیز مانند همه ایرانیان میهمان‌نواز، مشغول پذیرائی میشوند. یک فنجان چای داغ مینوشیم، وگفتگوی خود را آغاز میکنیم.

سوابق کاری

کوروش رضائی مورد سئوال قرار میگیرد. پرسش ها را بدینگونه مطرح می کنم:

— در ابتدا به چه کاری پرداختید و حقوق روزانه شما چه مبلغ بوده است؟

کوروش پاسخ می‌دهد:

— بعد از اینکه تصدیق کلاس ششم ابتدائی راگرفتم، در یک لباسشوئی با حقوقی روزانه پنج ریال و به‌عنوان پادو مشغول به کار شدم. از ابتدا در خشکشوئی کار میکردم و امروز هم در یک خشکشوئی، با دستگاه پرس بخار کار میکنم وحقوق روزانه‌ام سی وسه تومان است.

درددل های کاری...

از کوروش رضائی راجع به محیط کار و درد دل هایش میپرسم، جواب میدهد: کار ما طوری است که مردم بیشتر از سایر کارگرها با ما سروکار دارند و بهمین جهت، ساعات کار ما بیش از دیگر کارگران است، و بهمین جهت بیشتر نیاز به استراحت داریم، درحالیکه کمتر برایمان مقدور است، چون اگر سر کار حاضر نشویم، دستمزد نمیگیریم.

دیگر اینکه ضابطه‌ای در این کار نیست. منکه چهارده سال است کار میکنم، با کسی که بعد از گذراندن یک کلاس پنج ماهه استخدام میشود، حقوق مساوی میگیریم.

زن خانواده صحبت می کند...

خانم عفت رضائی و «سحر» دخترش، چنان مشغول بازی وخنده هستند که من هم به‌نشاط میآیم. او را مخاطب قرار میدهم و میپرسم: در اوقاتی که شوهرتان به سر کار میرود، چه میکنید؟ جواب این است: به بچه‌داری و خانه‌داری مشغول هستم. خودتان میدانید که نگاهداری بچه چقدر مشکل است. باید مراقبش بود که بخودش صدمه نزند. از طرفی باید مراقب غذایش هم بود. خلاصه من هیچ وقت بیکاری برایم باقی نمی‌ماند.

ماجرای آشنائی وازدواج

از کورش رضائی درباره آشنائی و ازدواج باهمسرش میپرسم، میگوید: خانه عفت در همسایگی مغازه خشک‌شوئی ما بود. عفت لباسهایش را به آنجا میاورد ومن چنان تحت‌تاثیر شخصیت و نجابتش قرار گرفته بودم که کم کم احساس میکردم عاشقش میشوم. ولی جرأت نداشتم این را بخودش بگویم. از پدرومادرم خواستم بخواستگاریش بروند وبعد معلوم شد که عفت هم از من خوشش می‌آید. مراسم «بله بران» بزودی انجام گرفت و خلاصه با مهریه‌ای معادل بیست‌هزار تومان که برایش تعیین کردند، پای سفره عقد نشستیم.

چند اولاد میخواهید؟

از خانم عفت رضائی میپرسم که خیال دارد چند بچه داشته باشد، جواب میدهد: دو تا، یک پسر یک دختر، ولی اگر دومی پسر نشد، هرگز بطمع داشتن اولاد پسر، دوباره حامله نمیشوم. میدانید، امکانات ما اجازه نمیدهد که بیش از دو اولاد داشته باشیم. همینکه میتوانیم بوضع مطلوبی آنها را بزرگ کنیم، خودش خوب است. اصولا بنظر من داشتن دو فرزند کافیست. یک خانواده کارگری نباید دو فرزند بیشتر داشته باشد. گرچه برای دیگر خانواده‌ها هم دوفرزند بیشتر درست نیست.

خبرنگار رستاخیز کارگران، در کنار خانواده کوروش رضائی

تفریحات خانواده

درباره تفریحات خانواده که حرف بمیان می‌آید، کورش رضائی جواب میدهد. ماچون پول زیادی نداریم، بهمین جهت نمیتوانیم زیاد تفریح کنیم. تنها تفریح ما، رفتن به سینما هاست و تلویزیون تماشا کردن واز اول برنامه آن تا به آخر را میبینیم. البته اگر من زود از سر کار برگشته باشم.

مالک یا مستاجر؟

از کورش رضائی میپرسم که این خانه متعلق بخودش است، میگوید: خیر، من در اینجا اتاق اجاره کرده‌ام وماهانه تقریباً نصف حقوقم را بابت کرایه خانه میدهم. میبینید که جای ما خیلی تنگ است. این روزها خیلی بدنبال اتاق بزرگتر هستیم، ولی اجاره‌خانه بالاست.

آرزوهای خانواده

درباره آرزوهای خانواده سؤال میکنم. خانم عفت رضائی بلافاصله جواب میدهد: بزرگترین آرزویم این است که خانه از خودم داشته باشم. اگر خانه‌ای ازخودمان داشته باشیم زندگی بنظرم خیلی خوشحال کننده است. آنوقت میتوانم با فراغت خیال، از بچه وشوهرم مراقبت های لازم را بکنم.

اختلافات خانوادگی

از کورش رضائی درباره اختلافات خانواده میپرسم میگوید: تنها اختلاف ما بخاطر بچه است، میدانید، زنم سر بچه داد میزند. بگذریم از اینکه گاهگاهی حق را به او

بقیه درصفحه ۶۶

از مرگ تا زندگی

این داستان که خانم «ارنستین شومان هینک» علی‌رغم گرسنگی، بی‌کاری، بدبختی و ناامیدی چگونه به اوج شهرت و سعادت و ثروت رسید و نامش در ردیف برجسته ترین خوانندگان هنرمند اپرا ثبت شد، داستانی بس شیرین و اعجاب آور است و قدرت و توان بشری را در مبارزه با مصائب نشان میدهد و ثابت می‌کند که انسان می‌تواند در پناه صبر و اراده از تنگ ترین گذرگاه‌ها عبور کند و به قله آسایش و سعادت برسد.

مبارزه او برای رسیدن به موفقیت و فرار از چنگال تیره روزی بسیار سخت و دردناک بود. او از خدمتکاری در خانه‌ها و فروشندگی در مغازه‌های کوچک وحقیر، ازگرسنگی و برهنگی، و بی خانمانی، با نیرویی مافوق انسانی گذشت و سرگذشت او نخست در تاریخچه زندگانی زنان کارگر و سپس در زندگانی زنان هنرمند آنچنان تکه و ممتاز است که از روی آن در هالیوود فیلمی تهیه شد که در شمار پرفروش ترین فیلم‌های سال قرار گرفت. او در اوج جوانی سعی کرد خودش را بکشد و برای انجام این عمل فجیع ترین نقشه‌ها را تهیه کرد. ازدوجش یک تراژدی دردناک بود و شوهرش که مردی عاطل و بی کاره بود اورا پس از چند سال با چهار کودک گریان تنها گذاشت و بدون توجه به آتیه‌ای که انتظار آن موجودات بدبخت را می کشید به دنبال سرنوشت خود رفت. از شوهر قروض زیادی نیز باقی مانده بود و برطبق قوانین آن زمان آلمان، زن به عنوان همسر، مسئولیت پرداخت قروض شوهر را داشت. به این ترتیب به زودی طلب کاران به دولت شکایت کردند و کلانتر تمام اثاثه آن خانه را به جز یک صندلی و یک تخت خواب ضبط کرد و قرار براین شد به محض این که ارنستین کاری بیابد، درماه مقداری از دستمزد خود را درازای بقیه قروض شوهر بپردازد. در آن زمان آخرین فرزند ارنستین تازه به دنیا آمده بود و زن به غیر از کودک نوزاد سه کودک کمتر از ده سال نیز در خانه داشت و عفریت بدبختی از هرطرف پنجه های مهیبش را در گلوی او فرو برده بود. اشخاص همواره در چنین شرائطی روحیه خود را می‌بازند و خود را یکسره به نابودی میسپارند، وارنستین نیز یکی از همین اشخاص بود و جز پناه بردن به مرگ راه دیگری را دربرابر خود نمی یافت. غافل ازآن که سرنوشت زیر و بم های فراوان دارد و تنها کسی به ساحل آرامش و نیک بختی می‌رسد که قدرت مبارزه با این امواج سهمگین و عذاب دهنده را داشته باشد.

ارنستین شومان‌هینگ که در زمان ما عنوان بزرگ‌ترین و سرشناس ترین خواننده اپرا را دارد، دریکی از روزهای گرم و خفه تابستان سال ۱۸۶۱ در شهرک لیبن درنزدیکی پراگ به دنیا آمد. هم مادر و هم پدرش با کارگری روزگار می گذراندند و با توجه به وضع رقت بار کارگران در آن زمان به آسانی می‌توان محیط پرورشی او را در نظر مجسم ساخت. او پیوسته در رؤیای یک غذای لذیذ، یا یک لباس نو بسر میبرد و زندگی در خیالش مجموعه‌ای از ناکامی ها و آرزو های انجام ناشده می‌بود. مادر که درمزرعه کارمی کرد روزها او و خواهر و برادرش را درخانه رها می کرد و تنها امید آنان به پیرزن مهربان همسایه بود که گاه ظرفی ازشیر گرم برای آنها می‌آورد و با نان کلوچه‌ای درجیبشان می‌گذاشت و پدر نیز که میخواره بود نیمه شب ها در خانه دیده میشد و معمولا اواخرشب با فریادهای مستانه او کودکان از وحشت خود را به خواب می زدند و از جنب‌وجوش و حرکت باز می‌ایستادند. تنها سرگرمی ارنستین درآن روزها زمزمه ترانه هائی بود که از زبان جوان های همسایه می‌آموخت و به این کارچنان علاقه‌ای نشان میداد که کلمات را بدون دانستن معنای آنها از حفظ می کرد و در بازی های کودکانه نقش آوازه خوان دهکده را برعهده میگرفت. وقتی که ده سال بیشتر نداشت تدریس در خانه را بعد از بیست و شش ماه بعد به ناچاری در مزرعه یکی از ثروتمندان به کار پرداخت و از آن کار نیز پس ازچندماه به خدمتکاری پناه برد. او در آن زمان بسیار لاغر و نحیف بود. و هنگامی که با پاهای برهنه برای آوردن آب به چشمه می‌رفت، حالت جوجه کبوتر غم زده‌ای را داشت که مادرش را گم کرده باشد.

ارنستین در چهارده سالگی با کارگری بیست و دو ساله ازدواج کرد. این همانطور که گفتیم ازدواجش به ناکامی گرائید و کمی قبل از تولد ششمین فرزندش، شوهرش را از دست داد و در کشاکشی که با طلب کاران شوهر و کارفرمایان داشت آنچنان عقل خود را گم کرد که وحشتناک‌ترین تصمیمات بشری را گرفت. خود و بچه هایش گرسنه و برهنه بودند. به خاطر وجود کودک شیرخواری که در زیر پستانش قرار داشت، نه درهیچ خانه، و نه درهیچ مزرعه‌ای به او کار داده نمی‌شد. درخانه اثاثه‌ای وجود نداشت تا با فروش آن سدجوع کودکان تأمین شود. صاحب خانه نیز برای کرایه اش هجوم میاورد و آن مادر دردمند را با وجود شش بچه به بیرون راندن ازخانه تهدیدمی کرد. درچنین شرائطی ارنستین که همه درها را به روی خود بسته می دید، به فکر کشتن خود و فرزندانش افتاد. اما به جای این کار آنچنان با سرنوشت ظالمی که به طرف او هجوم آورده بود، جنگید تا این که سرانجام در مقام بزرگ‌ترین آوازه خوان دنیا درآمد. آوازه خوانی که شاید هنوزنظیرش درجهان اپرا بوجود نیامده باشد.

در کتابی که «دیل کارنگی» نویسنده معروف آمریکایی از زندگی این زن بزرگ نوشته است، صحنه‌ای از زندگی اورا این چنین توصیف می کند:

ارنستین شومان هینک» چند ماه قبل از مرگ مرا به شام به خانه‌اش در شیکاگو دعوت کرد و قول داد که شام را بادست های خودش برای من تهیه کند و دراین باره گفت: اگر شما به من بگوئید که خواننده بزرگی هستم، خیلی خوشحال می‌شوم، ولی اگر با من شام بخورید و بگوئید ارنستین این بهترین شامی بود که در تمام عمرم خوردم، درشمار بهترین دوستان من درخواهید آمد و دوستیمان تا پایان عمر برقرار می‌ماند...... او درآن شب به من گفت یکی ازرازهای موفقیت او درمقام خوانندگی این است که مردم را بسیاردوست می‌دارد و به سلیقه آن ها احترام می‌گذارد، واین را نیز ازایمانی که به خداوند و به فرامین مذهبی دارد، آموخته است...... او هرشب ساعتی ازوقت خود را صرف خواندن کتاب مذهبی می کند و روزی چند بارمراسم شکرگزاری را به جا می آورد واین را نیز از روزهای سخت و تلخ زندگی آموخته است. چون به‌قول

خود او تنها قدرت خداوندی است که می‌تواند یک زن کارگر ناامید را از نهایت سیه روزی و اندوه به قله شادمانی و شهرت جهانی برساند.

او آن شب به من گفت: دردها و ناکامی های زندگی ذوق هنری اورا به کمال رسانید و باعث شد به مقام خوانندگی برسد. چون تنها از راه ناکامی ومحرومیت است که حس دلسوزی — فهم و آگاهی واحساس انسانی تقویت می‌شود و نیروهای نهفته بشری ازخواب بیدار می‌گردد. رنج‌هایی که او در دوران خدمتکاری و کارگری در مزارع کشید، به صدای او آنچنان حالتی داد که به هنگام آوازخوانی میلیون‌ها شنونده را به گریه می‌انداخت و شما هم اگر او را به هنگام خواندن آوازهای مذهبی می‌دیدید و صدای آسمانیش را می‌شنیدید، بدون شک ازجهان مادی به دنیای دیگری پرمی کشیدید و چشمانتان از اشک مالا مال می‌شد. آن شب بعد از صرف شام من که به خوبی ازمیزان علاقه «ارنستین شومان پینک» نسبت به بچه‌ها آگاه بودم، سر انجام صحبت را به حساس‌ترین قسمت زندگی او کشاندم و از او پرسیدم چرا در جوانی به خیال کشتن خود و بچه‌هایش افتاده بوده است. و این داستانی است که ارنستین در جواب من حکایت کرد: در آن زمان من گرسنه، بیمار و ناامید بودم. به هرجایی هم برای کار مراجعه می کردم جواب رد می‌شنیدم. چرا که هیچ کس حاضر نبود به زنی که یک کودک شیرخوار و پنج کودک خردسال را به همراه داشت، کار بدهد. به این ترتیب همه درها به رویم بسته بود و دیگر به آینده هیچ امیدی نداشتم. بچه‌هایم گرسنه و برهنه بودند و وقتی که به آن‌ها نگاه میکردم، از دیدن دور نمای آینده‌ای که انتظارشان را می کشید، آنچنان به لرزه درمی‌آمدم که با خودم فکرمی کردم مرگ برای آن‌ها خیلی بهتر اززندگی است. وآن وقت بود که پس از تلاشی دردناک و عذاب‌آور تصمیم گرفتم خود و بچه‌ها را به زیر ترن پرتاب کنم. نقشه‌ام را به طور کامل کشیده بودم. ساعت ورود ترن را به خوبی می‌دانستم. بچه‌ها گریه کنان ازدامنم آویزان شده بودند و روی پاهایم تکان می‌خوردند. صدای سوت ترن را می‌شنیدم و در چند قدمی خط آهن ایستاده بودم. کمی خم شدم تا بچه‌ها را به هم نزدیک‌تر کنم. دیگر تا لحظه فاجعه چند دقیقه بیشتر باقی نمانده بود و به زودی همه ما در زیر چرخهای ترن رهسپار دنیای دیگری می‌شدیم.

تصمیم داشتم اول بچه‌ها و بعد خودم را به روی ریل پرتاب کنم، ولی از آنجا که لطف خداوندی شامل حالم بود، یک دفعه یکی از کوچک ترین دخترهایم خودش را روی پاهایم انداخت و درحالی که می‌گریست فریاد کشید «ماما، من تو رو دوست دارم. هوا خیلی سرده، خواهش می کنم ما رو به خونه برگردون».

و آن صدای وحشت زده بچه‌گانه به طور ناگهانی عقل مرا سر جایش برگرداند. با سرعت بچه‌ها را به راه انداختم و به اتاق سرد و خالی و غم زده‌مان بازگشتیم. سرا سر روحم ازشرم و خجلت سرشار بود وبغض گلویم رافشار می‌داد. در گوشه اتاق به زانو درآمدم و درحالی که با صدای بلند گریه می کردم، با خدا به راز و نیاز پرداختم و در آن لحظه بود که با شخصیت گذشته‌ام، شخصیت ذلیل وحقیر زنی که درعشق و ازدواج ومادری شکست خورده بود، وداع گفتم وتصمیم گرفتم قسمت دوم زندگانیم را با روحیه تازه‌ای آغاز کنم.

بعد از این تاریخ ارنستین که سماجت بیشتری یافته بود، در مغازه‌ای به کار فروشندگی مشغول شد و تصمیم گرفت روزی چند ساعت ازوقت خود را نیز صرف تعلیم آواز کند. او برای این کار ازخوردن شام خود داری می‌ورزید و پول آن را صرف پرداخت هزینه کلاس می کرد. از عجایب زندگی این زن یکی روبرو شدن او با رئیس اپرای سلطنتی وین است... او که بعد ازچند سال تعلیم سرانجام با مقاومت و سماجت، خود را به آنجا رسانده بود، این شانس را به دست آورد که درحضورآن مرد بزرگ آوازبخواند.

اما بعد ازتمام شدن آواز او، مدیر اپرا خانه سری با یأس تکان داد و گفت او هرگز خواننده نخواهد شد. چون نه صدای خوبی دارد و نه چهره و اندام قابل توجهی، و به او نصیحت کرد به خانه برگردد و به همان شغل فروشندگی ادامه بدهد وازجاه‌طلبی دست بردارد.

ولی زنی که زمانی دست رد به سینه مرگ گذاشته بود، بیدی نبود که با این بادها بلرزد.

او آنچنان با مشکلات و موانع جنگید، تا سرانجام برای اولین بار در «درسلان» به روی صحنه آمد و ازآنجا به لندن رفت و هنگامی که در کاونت گاردن لندن آواز خواند، هزاران نفر صدای او را تحسین کردند و برایش آینده روشنی را پیش بینی کردند. بعدها وقتی که «ارنستین شومان پینک» به شهرت جهانی رسید، در راه اجرای برنامه‌های خود سرانجام به خواست سرنوشت به اپرا خانه وین رسید و پیر مردی که ازسال‌ها پیش مقام ریاست اپراخانه را داشت، به او خوش آمد گفت و به دنبال آن اضافه کرد: خیلی عجیبه خانم پینک! چهره شما خیلی به نظرمن آشنا میاد. ممکنه بگین ما قبلا کجا هم دیگر را دیده‌ایم؟

وارنستین شومان پینک که تبسم مرموزی بر لب داشت، جواب داد: کجا من رو دیدید؟! همین جا، چه طوریادتون نمیاد.

وبعدوقتی همه‌چیز رابرای پیرمرد تعریف کرد، دهان او ازحیرت باز ماند.

ارنستین شومان پینک که از مقام کارگری در اتریش، در آمریکا به شهرت جهانی رسید، در هفتاد و یک سالگی آخرین برنامه خداحافظی را در «مترو پولتین» اجرا کرد و دو سال بعد، در سال ۱۹۳۷ در کالیفرنیا برای همیشه دیدگانش را فرو بست. او نمونه صبر و مقاومت و بردباری بشری است وزندگانیش برای کلیه کارگران جهان درسی بزرگ وارزشمند است.

لوزه سوم چیست؟

قبل از هر چیز باید دانست که وجود لوزه سوم در دوران کودکی ابتلا به یک بیماری نیست چون معمولا سطح داخلی گلو و حنجره کودکان از یک حلقهٔ لنفاوی پوشیده شده و در حقیقت یک دائره وسیع سلولهای محافظ را تشکیل داده که از ورود میکرب جلوگیری کند بمحض پیدایش یک گریپ یا سرماخوردگی حلقه لنفاوی متورم و پرخون می‌شود و لوزه سوم که در قسمت خلفی (عقب) بینی و بالای دهان قرار گرفته متورم می‌شود.

*** علائم بیماری**

این تورم که معمولا با تب و «آبریزش» شدید همراه است. اغلب علائمی شبیه به علائم گریپ معمولی دارد و چون از طرفی راه را بر تنفس کودک بسته است کودک شبها بدخواب می‌شود و خرخر می کند و پوشش خود را کنار می‌زند و نفسش تنگ می‌شود و با سربالش خود را پس می‌زند. علاوه براین دندانها را نیز بهم می‌فشارد و اغلب با دهان باز نفس می کشد. بطور کلی کلیهٔ علائمی را که مادران بروجود انگل نسبت می‌دهند ممکن است در این حال بظهور برسند. از طرف دیگر چون تورم لوزه سوم با ترشحات چرکی و مخاطی همراه است و کودک معمولا نمی‌تواند آنها را تف کند ورود اخلاط ومیکربهای موجود در آن مزاج سالم کودک را بهم می‌زند و او را به ناتوانی و گاهی اختلال مزاج می‌کشاند.

لوزه سوم چون در سر راه سوراخ اتصال گوش (شیپور استاش) به بینی قرار دارد تورم آن اغلب سبب می‌شود که میکرب بگوش راه یابد و در این حال یک گوش درد شدید چرکی یا غیرچرکی بروز می کند و در حال بهبودی نیز اغلب سبب سنگینی گوش وناراحتی های تنفس در کودک می‌شود.

کودکانی که لوزه سوم متورم و چرکی دارند همواره در معرض ابتلاء به گریپ قرار دارند وگریپشان معمولا طولانی تر است. آبریزش بینی و ترشحات آن همیشه آنها را آزار میدهد و چون معمولا ترشحات گلو و حنجره آنها را نیز آلوده می کند اغلب به تک سرفه های خشک دچار میشوند وما دربهبود سعی دارد این عارضه را باصرف شربتهای سینه معمولی برطرف سازد.

آیا لوزه سوم کودکان را باید عمل کرد؟

***لوزه سوم در کودکان ساکن شهر**

نخست باید درنظر گرفت که لوزه سوم در همه کودکان وجود دارد و اگر دربهداشت و سلامتی آنها دقت شود که بسرماخوردگی های متوالی گرفتار نشوند و آنرین های پی درپی سبب تورم و ناراحتی آن نشوند بتدریج که برسن کودک افزوده میشود لوزه سوم نیز روبه تحلیل می رود تا در دوران بلوغ کاملا ازبین میرود. درصورتی که تورم های پی درپی وگریپ های متوالی سبب بزرگی وتورم لوزه سوم می‌شود وآنرا چرکی می کند همیشه پس از ابتلاء بیکسرخک یا مخملک لوزه سوم کودک متورم میشود وترشحات بینی چرکین شده وحتی گوش درد بروز می کند واین عارضه تا بحدی او را آزار می دهد که کودک همیشه در اینحال رنجور وناتوان است. این دسته از کودکان معمولا به بزرگی غدد لنفاوی گردن نیز گرفتارند در محیط آلوده شهر که همیشه هوا به هزاران دسته میکروب و گردوخاک آلوده است ترشحات چرکی بینی شان شدیدتر ومزاحم تر است در صورتیکه اگرچند صباحی در هوای آزاد وتمیز کوهستان زندگی کنند بتدریج عوارض تورم لوزه ها روبه بهبود میرود تا آنجا که ترشحات چرکی بینی کاملا قطع می‌شود وهوای تمیز کوهستان وزندگی درجوار آن ازهرجهت بنفع این دسته ازبیماران کوچک است وپادر باید برای درمان این بیماری سعی کند محیط زندگی شهرنشینی کودک را حداقل برای مدت معینی تغییر دهد تا با مداوای عادی بیماری بتدریج روبه بهبود رود.

***آیا لوزه سوم را باید عمل کرد؟**

چون لوزه سوم غده کوچکی است که در سر راه بینی وحلق وگوش قرار گرفته چرك کردن وفاسد شدن آن ازطرفی سبب سنگینی گوش و گاهی تورم گوش وپارگی پرده خارجی گوش میشود وازسوی دیگر ترشحات چرکی ومتوالی ایجاد می کند که بی شک مقداری از راه بینی بخارج دفع ومقداری از راه حلق وارد دستگاه تنفس وحتی معده کودك می‌شود واین امر باعث بهم خوردن نظم عمومی بدن وناراحتیهای بعدی می‌شود که تورم وفساد آن حائز اهمیت فراوان است وبمحض بروز عارضه چرکی باید آنرا حذف کرد وبدن را ازشرعوارض وناراحتیهای آن یکباره راحت ساخت. لوزه سوم چرکی و فاسد علاوه براینکه از نظر انجام عمل حیاتی در بدن نقش مهمی ندارد سبب میشود که چرك دائماً در مجاری تنفس وتغذیه وارد شود و کودك را بیازارد وبنابراین برداشتن آن بصلاح سلامتی کودك است.

*** درچه سنی باید لوزه سوم چرکی را عمل کرد؟**

تشخیص چرکین شدن وفساد لوزه سوم خود دلیل بزرگ برداشتن آن است ودراین حال مسلماً این عمل روز وساعت معین نخواهد داشت وحتی این عمل را درباره نوزادان نیز می‌توان بدون ناراحتی انجام داد. نوزادی که بعلت تورم وبزرگی لوزه سوم نمی‌تواند پستان مادر یا شیر دوش را بمکد و کودك دوساله که بعلت فساد لوزه سوم همه روزه گرفتار گوش درد وعوارض پر درد وسر آنست باید عمل شود و مسلماً تأخیر هرچه بیشتر باشد بزیان او تمام میشود. البته باید سعی کرد عمل در فصل مناسبی انجام شود که سردی هوا سبب ایجاد ناراحتی‌ها وعوارض جدید نشود وبنابراین مسلماً انتخاب فصول گرم برای عمل بهتر و مناسب‌تر است ولی اگر بحکم اجبار عمل در زمستان هم انجام گرفت فقط کافی است مدت بیشتری کودك را در منزل بستری ساخت تا عوارض بعدی بروز نکنند.

چون محل عمل خود راه ورود میکربهای مختلف است، بهتر است در مواقعیکه بیماریهای مخصوص فلج کودکان شایع است از عمل فوری آن خودداری کرد و با تزریق واکسن ضد فلج کودك را درمقابل این بیماری مصون ساخت وبعد به عمل جراحی وبرداشتن آن پرداخت.

***اثرات ثمربخش**

وجود لوزه سوم چرکی که در سر راه تنفس کودك واقع است علاوه براینکه مانع تنفس عادی او می‌شود چون در سر راه تشکیلات صورت نیز واقع شده است مسلماً در تغییر صدای کودك نیز اثر بدی دارد ومعمولا ایندسته از کودکان تو دماغی حرف می‌زنند واگر درنظر نظر بگیریم که تنفس خوب وکافی چقدر در روحیه واخلاق ومخصوصاً رشد کودك اثر دارد، اثرات زیان‌آور لوزه چرکی درمورد رشد قوای بدنی وروحی کودك بخوبی آشکار می‌شود. این دسته از کودکان معمولا بعلت عدم تنفس کافی رشدشان خوب نیست واز حیث قوای فکری وروحی نیز عقب‌تر هستند و معمولا پس از جراحی روز بروز رشدشان بهتر وتنفس آنها راحت‌تر ودر نتیجه قوای فکری وروحیشان نیز کاملتر می‌شود.

آیا ویتامین (آ) باعث بلندی قد میشود؟

بلندی و کوتاهی قد تابع دوعامل است.

اول ارث. دوم تغذیه

ارث. که بر تمام نوامیس طبیعت وخلقت آدمی حکمفرما است سبب می‌شود که فرزندی بلندقد یا کوتاه قدشود و یا فرزند دیگر خوشروئی وزیبائی را از مادرخود به ارث ببرد.

بالاخره کلیه صفات انسانی اعم ازظاهری و باطنی بصورت مخصوص از والدین بارث میرسد ولی البته نه چنانست که کلیه میراث‌های پدرومادر بی کم وزیاد درهمه فرزندان بظهور برسدو یافرزندان فقط از پدرومادر خود ارث ببرند ممکن است هریک از صفات پدرومادر یا دائی وخاله وعمه وعمو واعقاب دیگر در فرزندی پیدا شود مثلا اگر یک کودک بلندی قدرا ازپدر بزرگ و چشمان درشت را از خاله و بینی متوسط را ازمادر و بالاخره سایر خواص ظاهری و باطنی را از هریک از اعقاب خود بارث ببرد باین دلیل است که از پدر بلندقد همیشه فرزند بلندقد متولد نمی‌شودو یا از یک مادر کوتاه قد همیشه فرزند کوتاه بوجود نمی‌آید.

عامل دوم که بیشتر منظور نظر است عامل تغذیه است. زیرا تغذیه اثرات بسیار درخشان درمورد سلامت نسل آدمی و حتی بلندی قامت او دارد بطوری که درسالهای اخیر تغذیه خوب وکافی سبب شده است که دوسانتی‌متر برطول قدمردم سوئد افزوده شودو این خود بخوبی می‌نمایاند که با تغذیه کافی جبران کوتاهی قد بخوبی میسر است. مسلم است که این تغذیه باید از دوران کودکی شروع شودو بویژه در دوران بلوغ نیز ادامه یابد وگرنه تغذیه پس از بلوغ که انتهای استخوان‌های طویل بسته شده و دیگر امکانی برای افزایش طول وجود ندارد

پزشک کارگر

عارضه خشکی دهان

خشکی دهان عارضه‌ای‌است که بهنگام ابتلاء به بعضی از بیماریها ظاهرمی‌شود.

در بیماری قند علاوه برآنکه میزان ادرار افزایش می‌یابدو گرسنگی شدید عارض‌می‌شود احساس عطش‌فراوان نیز به بیمار دست‌می‌دهد و دهان بیمار بشدت خشک‌می‌شود.این علائم در مجموع وجود بیماری قند را ثابت‌می‌کند. در تب‌و اسهال‌های شدید به علت‌آنکه بیمار مقدار زیادی آب بدن خود را از دست‌می‌دهد دهانش بشدت خشک‌می‌شود.بعضی ازداروها برروی اعصاب غدد بزاق (آب‌دهان) اثر می‌گذارندو از ترشح بزاق (آب‌دهان)جلوگیری می‌کنند (آتروپین یا بلادون).

گاهی ترس ، اعصاب‌غدد بزاق راتحریک می‌کندو مانع ترشح بزاق میشودبهمین‌دلیل بهنگام ترس ناگهـانی دهان بشدت خشک می‌شود.

درسن پیری بعلت مرگ سلولهای‌ترشحی خشکی دهان عارض می‌شود.دهان‌شویه‌و مخلوط گلیسرین‌وآب بمقدار مساوی بااضافـه کردن‌قدری آب‌لیمو خشکی دهان را موقتاً برطرف می‌سازد.

***افزایش آب دهان**

افزایش آب دهـان بهنگام استعمـال دخانیات مخصوصاً جویدن برگ توتون پدید می‌آید ، زیرا نیکوتین‌موجود درتنباکواعصاب ترشح بزاق را زیاد می‌کند. افزایش بزاق‌در استوماتیت‌ها ، انگل‌های روده ، بیماری‌دریاو بیماریهای معده‌نیز بروزمی‌کند.

بی‌ثمر خواهد بود.

***مصرف مواد پروتئینی**

منظور از تغذیه کافی مصرف مقدارلازم مواد پروتئینی (مواد ازت‌دار) ، قندی‌و املاح و ویتامین‌های‌مختلف است‌ومسلم است هریک از مواد یادشده به تنهائی اثرویژه‌ای در مورد رشد سلولهای بدن‌و حفظ سلامت‌و تعادل آنها داردو مثلا بدون‌مصرف مواد ازت‌دار (مانند گوشت) که سازندهٔ جسم‌سلول زنده است‌امکان رشد میسر نیست‌و یا کمبود موادویتامینی از هرنوع سبب سوء تغذیه نسوج مختلف‌وتأخیر رشد عمومی بدن می‌شودولی در بین‌ویتامین‌ها ویتامین A (آ) که ویتامین رشد ونمو بشمار می‌رود ارزش خاصی دارد.

ویتامین A (آ) علاوه برآنکه عامل رشد و نمواست به تغذیه نسوج کمک‌می‌کندو سلولهای بدن‌را شاداب‌ترو سالم‌ترنگه‌میدارد وجـودش بـرای سلامتـــی مخـاط‌ها نیز لازم است بویژه کمبود آن بتدریج سبب کمتر تغذیه شدن قرنیه چشم و سیاهی آن می‌شود که درمراحل اولیه تولیدشب کوری‌و کم کم بیماررا بکلی کورمی کند.

وجود ویتامین (آ) سبب می‌شود که پوست بدن و مخاط ها درمقابل عفونت‌های مختلف دفاع بهتری انجام دهند و از اینرو این ویتامین بطور غیرمستقیم در دفاع بدن در برابر بیماریهای میکربی اثر مطلوب دارد.

منبع اصلی ویتامین (آ) درچیست ؟

ویتامین A درطبیعت به دو صورت وجود دارد اول به صورت ویتامین (آ) موجود در غذاهای معمولی بدین معنی که در اغلب روغن‌ها مانند کره ، روغن زیتون و مخصوصاً روغن‌ماهی مقدار زیاد ویتامین (آ) موجود است وانسان بامصرف این دسته ازمواد غذائی می‌تواند کمبود ویتامین بدن خود را جبران کند.

نوع دوم وجود ویتامین (آ) بصورت کارتن است که در بعضی‌نباتات و حبوبات مخصوص بویژه هویج یافت می‌شود اصولا گفته می‌شود تمام میوه‌های سبز و زرد دارای ویتامین (آ) بصورت کارتن‌اند.

شیریکی ازمنابع بزرگ ویتامین (آ) است که درآن ویتامین (آ) بصورت عادی ومعمولی و نیز بصورت کارتن موجود است کارتن سازنده ویتامین (آ) است و عمل سازندگی در بدن صورت می‌گیرد.

ماهی‌های مختلف مخصوصا ماهی‌های چرب مقدار زیادی ویتامین (آ) دارند خوشبختانه دود دادن ماهی و یا شور کرد آن ویتامین (آ) را ازبین نمی‌برد.

نخم‌مرغ غذای بسیار مناسبی است که منبع بزرگ ویتامین (آ) بشمار میرود

زیرنظر شاهرخ بوسترد

صفحه خودمون

خاطره‌ای از رضاشاه کبیر...

سهم خود من فقط دو متر چلوار است

شبهای عیدنوروز ، شاهنشاه کبیر من را احضار میفرمودند و مطابق صورتیکه تقدیم پیشگاهشان میکردم ، عیدی مستخدمین جزء دربار را بوسیله من مرحمت میفرمودند.

شب عید سال ۱۳۱۸ بود. من حسب‌الامر وطبق معمول شرفیاب شدم . بمناسبتی که اکنون جای تشریح و بیان آن نیست ، گفتگوی «ملک داری» پیش آمد . من عرض کردم خداوند باعلیحضرت همایونی باندازه یک مملکت ملک داده است .

اعلیحضرت همینکه این سخن را شنیدند ، درحالی که آثار تفکر و تاثر در چهرهشان دیده میشد ازجا برخاستند ، چند قدمی در اتاق راه رفتند. سپس مرا مخاطب قرار داده فرمودند: من خیال میکردم اگر دیگران اطلاع ندارند چرا من درصدد خرید ملک و ملکداری برآمدم شماها که مثل پیراهن تن من هستید میدانید و به آنها که نمیدانند حالی میکنید.

حالا فهمیدم حتی نزدیکان منهم بی اطلاع هستند.»

سپس کمی مکث کرده وآنگاه فرمودند : «هیچ‌میدانی کشور سوئیس که یک کشور کوچکی است زراعت و صناعت آنهم چندان اهمیت ندارد ، از بسیاری دول بزرگ غنی‌تر است و از تصدق سرسیاحان و مسافرین بیگانه است که این کشور آنقدر دولتمند وتوانگر است ، که میتواند روی پای خود بایستد ؟ چرا باید مملکت من که هرگوشه‌اش یک سوئیس است ، از اینگونه عایدات نداشته باشد ؟ چرا نباید کاری کرد که سیاحان و جهانگردان خارجی به ایران بیایند و در کشورما پول خرج کنند؟

مدتها کشور ما در دنیا مثل یک کشور عقب مانده معرفی شده بود. خارجیها کشورمارا این طورشناخته بودند که سرزمینی است که در آن امنیت نیست، راه نیست ، واتباع خارجی در آن تامین ندارند . برای اینکه به این وضع نامطلوب خاتمه بدهم و اوضاع این مملکت را اصلاح کنم‌اول‌امنیت‌درسراسر کشور برقرار نمودم. سپس اقدامات اساسی دیگر را درزمینه تحولات آغاز نمودم. لباسها را یکسان و به شکل ملل مترقی درآوردم . وقتیکه این اشکالات اولیه برطرف شد ، بویژه آنکه امنیت برقرار گردید ، در زمینه جلب سیاحان خارجی مسئله تامین مسکن بمیان آمد که اگرمسافری قدم به ایران میگذاشت و مثلا میخواست مازندران‌وجنگل‌های خرم ومرغزار های سرسبز ایران را ببیند ، کجا منزل کند.

درصددبرآمدم مالکین بزرگ را وادار کنم که دهات خود را آباد کنند .برای روستائیان خانه بسازند .متاسفانه نتیجه‌ای از این کار نگرفتم و دیدم این مردم نمیخواهند مازندران را که بهشت ایران است وشاید کمتر نظیر آن دردنیا باشد ، آباد کنند . درصدد برآمدم خود مالک شوم و ملک داری وراه وروسوم آبادانی را بمردم یاد بدهم و چون دلم میخواست خارجیهائی که به ایران می‌آیند ،مناظر خوب ببینند و با یک مردم متمدن وزندگی آبرومندی روبرو شوند ، ابتدا سعی کردم املاک مجاور راه آهن را خریداری کنم وآباد نمایم . نقاط زیبا وقشنگی‌را که مناسب بود مانند رامسر و بابلسر انتخاب کردم و دستور دادم درآنجا مهمانخانه های با شکوهی بسازند .برای ساختمان آنها از هیچ چیزمضایقه نکردم و برای اداره این مهمانخانه‌ها سوئیس متخصص و «سترهتل» آوردم . تو خودت میدانی این مهمانخانه ها نه تنها نفعی برای‌من ندارد، بلکه هرسال‌مبلغی هم زیان‌دارد. ولی من اینکارها را برای منفعت نکردم ونفعی هم نمیخواهم و دلیل آنهم این زندگی ساده من است که مثل سرباز زندگی میکنم و ازهر گونه تجمل و تفننی بیزارم. میدیدم سایرممالک کنار دریاها حمام دارند، کسی بفکر این نیست حمام دریائی درست کند .من این کاررا کردم. من امروز هم پادشاهم هم مهمانخانه‌چی ، هم زارع، هم کارخانه‌دار. این کارها بمن چه مربوط استمن پادشاهم مارا چه به این کارها، ولی چکنم مردم این مملکت فکر اینجور کارها نیستند . ثروتمندان ما اگر امروزصبح هزار تومان برای کاری بدهند تا عصر انتظار دارند دو هزار تومان پس بگیرند من برای آبادی مملکت، برای آبروی ایران دست به اینکار زدم و بدون اینکه دیناری از عایدات آنرا صرف خود نمایم ، همه را اختصاص بتوسعه همین عملیات دادم.»

در اینجا یکبار دیگر اعلیحضرت سکوت کردند. پس ازآن نگاه‌تندی بمن نمودندوسؤال فرمودند : پدر تومرد ، همراه خودش چیزی برد ؟

اگر متمول بوده دو ذرع چلوار، اگرفقیر بوده دوذرع کرباس. من هم خودم همچنین دوذرع چلوار را میبرم . این املاک و کارخانجات و هتلها برای مملکت باقی خواهدماند واینها آبرو وحیثیت ملت را حفظ خواهد کرد.»

این خاطره را آقای مجید اکبری- کارگر کارخانه اتومبیل سازی ناسیونال برای ما فرستاده‌اند و درنامه ایکه همراه این خاطره برای‌مجله «رستاخیز کارگران» ارسال داشته‌اند یادآورشده‌اند که خاطره مذکور را از کتاب خاطرات رضاشاه کبیر نقل کرده‌اند.

چرا درخت برگ دارد؟

چنانکه میدانیم برگ درخت ، نورخورشید، منجمله اشعه قرمز را جذب می کند و برنگ سبز درمیآید . نورخورشید دارای انرژی است و در برگ به مصرف میرسد . مقداری از این انرژی برای گرم کردن برگ درخت و درنتیجه تبخیر مقداری ازآب موجود درآن مصرف میشود . این عمل باعث می شود که شیره درخت از ریشه بطرف تنه ، شاخه و برگ درخت جریان یابد .

برگ دارای ذرات ریزگرد بنام کلروفیل یا کلروپلاست میباشد که بعلت داشتن ماده سبزینه کلروفیل بر روی اسید کربنیک و آب موجود در برگ عمل نموده واز ترکیب آنها قند ایجاد می کند . گاز اسید کربنیک همیشه به میزان کمي در هوا موجوداست و از طریق هزاران‌منفذ ریزبرگ داخل برگ می‌شود. عمل تبخیر بوسیله منفذ های ریزانجام‌می‌گیرد.

هرگاه هوا خشک باشد ، این منفذ ها بسته میشود ومانع کاهش آب موجود در برگ شده ، در نتیجه برگ درخت از پژمرده شدن حفظ می‌شود.

فرستنده‌ابراهیم‌سیادتی کارگرمکانیک‌اهواز

سرگذشت صیاد

صیادی دام گسترده بود که چندمرغ جهت گذران زندگی روزانه عایله اش بگیرد . هنگامی که مرغان بطرف دام میآمدند ، سه مرد مزاحم که نزدیک دام بودند ، برسر کلمه خنثی بحث و منازعت می نمودند که امکان داشت بعلت داد وقال آنان ، مرغان پرواز کنند. صیاد بطرف آن سه مرد رفت و التماس کرد وگفت : « صدا نکنید که مرغان پروازمی کنند. »

آن سه مرد مزاحم بطورجدی گفتند « قول میدهی هر چندمرغ صید کردی ، سه تای آنرا به ما بدهی ؟ »صیاد گفت اگرسه مرغ گرفتم ، چه میشود ؟ گفتند باید بما بدهی. صیاد لاعلاج قبول کرد . اتفاقاً سه مرغ صید نمود وآن سه مرد مزاحم هرسه مرغ را گرفتند .صیاد چون‌این حال را دید ، گفت : « حالا که بطوراجبارمرغان را از من گرفتید ، پس این داد وقال برسر چه بود ؟ » گفتند بحث کلمه خنثی داشتیم. صیاد پرسید : خنثی یعنی چه ؟ گفتند: « یعنی نه نرونه ماده. » صیاد دست خالی به طرف منزلش رفت وموضوع را به زنش گفت وباشکم گرسنه خوابیدند. صبح زود صیاد دام را برداشت و رفت به دریا وتور ماهیگیری را به دریا افکند که ماهی بگیرد ، بلکه جبران روز گذشته شود . ماهی عجیب و غریبی بدام افتاد . همینکه صیاد ماهی قشنگ را دید ، گفت مستحق این ماهی حاکم شهر است و ماهی را برد به حاکم داد . حاکم استخری داشت که همه نوع ماهی در آن بود ، ولی قشنگی این ماهی بهترازماهیانیکه داشت بود . حاکم ازاین هدیه خوشش آمد و هزاردینار باو داد . وزیرش گفت : قربان ، اگر بخواهید برای یک‌چیزجزئی هزاردینار بدهید، هرآئینه خزانه تهی خواهد شد. بهترآن است که پانصد دینار آنرا پس بگیرید.

حاکم گفت : بهانه نیست . وزیر گفت از صیاد بپرسید این ماهی نر است یا ماده. اگرگفت نر است ، بگوئید من ماده میخواهم . اگر گفت ماده‌است، جواب‌دهید‌من نرمیخواهم.

حاکم صیاد را خواند و گفت این ماهی نر است یاماده؟ صیاد همان کلمه خنثی را که آن سه مرد مزاحم به او آموخته بودند ، بیاد آورد و گفت : قربان ، این ماهی خنثی است . حاکم به وزیرگفت هر کس را رزقی معین است و کم و زیاد نمیتوان کرد.

حاکم را ازجواب‌صیاد خوش آمد ومبلغ دیگری اضافه به صیاد داد و صیاد به خوشحالی بطرف‌منزلش رفت‌وبه خانواده‌اش گفت : رزاق کس دیگری‌است...

فرستنده‌ازبهبهان: احمداکبرزاده
کارگرسازمان‌آب

درباره آرزو گفته اند

* آرزو ، بزرگترین امید رحمت برای پیروان من است . اگر آرزو نبود هیچ مادری بفرزند خود شیر نمیداد و هیچ باغبانی نهال نمیکاشت.

حضرت محمد «ص»

*آرزوهای پاك ومشروع ، انسان را به جمال و کمال انسانی میرساند.

حضرت علی «ع»

*از دست دادن آرزوهای پوچ ، موفقیت بزرگ زندگی است.

«شکسپیر»

*مردان موفق ، مرهون آرزوهای عالی خویش هستند.

«رونکی»

*آرزو ، آخرین چیزی است که دست ازسر انسان برمیدارد.

«ناپلئون»

*اگر آرزو نبود ، جهان بزرگ قوام و نظامی نداشت.

«ولتر»

*آرزو ، سرچشمه شوقها وشادمانیهاست. وه که چه شیرین است ولذت بخش.

«نیچه»

*اگر آرزو نبود ، زندگی برای بشر درحکم دوزخ عذاب بود.

«بایرون»

*آرزو ، سرابی است که اگر ناپدید گردد ، همه ازتشنگی خواهیم مرد.

«اسکاروایلد»

*آرزو ، شمعی است که همه پروانه وار گرد آن میگردیم....

«میلتون»

فرستنده : علی دانش راد ، کارگرشرکت سهامی رنگ سازی گیلان

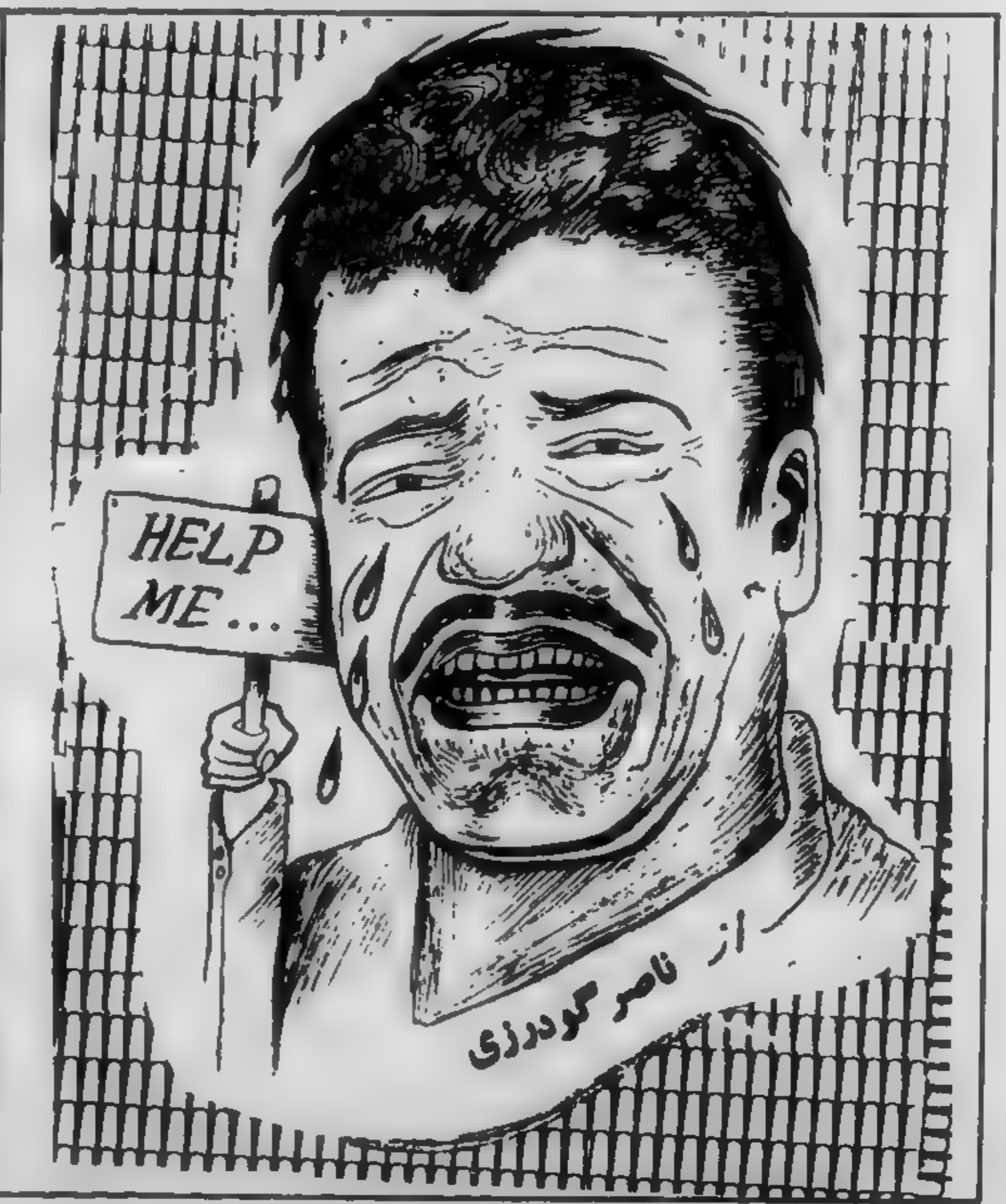

آقای ناصر گودرزی کارگرخیاط ، اصفهانی که تا کنون چندین کاریکاتور برای ما فرستاده اند این بار با دیدن فیلم «نقص فنی» تحت تأثیر وحدت در این فیلم قرار گرفته و حق همشهری هنرمندش راچنین ادا کرده است.

برگه

مردی با دماغ خون‌آلود وارد کلانتری شد و نفس زنان سراغ افسرنگهبان را گرفت، وقتی او را باتاق افسر نگهبان بردند وافسر نگهبان بازجوئیش پرداخت، چنین گفت:

— قربان در خیابان قدم می‌زدم که مردی ناشناس بی‌خودوبیجهت با من گلاویز شد و دماغم راگازگرفت.

افسرنگهبان که از دماغ خون‌آلود مرد بر سر رقت‌آمده بود، با دلسوزی دلگرم کننده‌ای ازاو پرسید:

— باوجودیکه ردپائی از ضارب در دست نیست، برای اینکه کمکی بتو کرده باشم بگو ببینم اگرطرف را به بینی می‌شناسی ؟

مرد درحالیکه جیبهای شلوار خود را می کاوید با اطمینان جوابداد:

— بله قربان، یک‌گوشش را بعنوان برگه کنده‌ام و در جیب شلوارمه.

حسین دانش زاد کارگرتراکتورسازی تبریز

آن چهار که هیچگاه باز نمیگردد

۱- زمان از دست رفته

۲- کلام گفته شده.

۳- تقدیر جاری گشته.

۴- خبر رها شده.

آن چهار که نیک است:

۱- راستی در وقت غضب.

۲- بخشش در زمان تنگدستی.

۳- عفو در حال قدرت.

۴- خوش قولی در حال گرفتاری.

فرستنده: ام کلثوم سعادت- کارگرشرکت ترانس پیک تهران

جرم کوچک

مردی را بازداشت کرده و بکلانتری بردند افسرنگهبان پرسید:

—شما را به چه علت بازداشت کرده اند؟

— من از قلک برادر کوچکترم پول دزدیدم.

افسر گفت:

— اینکه گناه بزرگی نیست ... اگر اینطور است شما آزاد هستید و می توانید بروید.

همینکه جوان از در کلانتری بیرون رفت، پاسبانی که او را دستگیر کرده بود، خودش را باتاق افسرنگهبان رساند ووقتی فهمید او به چه بهانه‌ای آزاد کرده است، گفت:

— درست گفته قربان، ولی آخر برادر او رئیس صندوق بانک است!

رشت: ن- بهادرنژاد مستخدم بانک

— ببینم شخصی روسراغ داری که اسرارمو بهش بگم و کمی سبک بشم؟

— رازدار که خیر ، ولی اگر میخوای اسرار تو یکروزه توشهر منتشر بشه ، بیا سراغ مادرزنم.

فرستنده حمزه موسوی

درباره اندیشه گفته اند

* همشان وبزرگی انسان دراین است که اندیشه می کند.

«پاسکال»

سرنوشت خود را با اندیشه تعیین کنید. خود را بدست هوسها نسپارید که به گمراهیتان خواهد کشاند.

«گاندی»

* درتنی نحیف ممکن است اندیشه‌ای بزرگ مسکن گیرد.

«بودا»

*سراپای انسان عظمت است ، زیرا انسان نیروی عقل وامید و محبت دارد.

«؟»

*امیال بسیار افکار و اندیشه ها را مسموم میکند

«افلاطون»

*من میخواهم ارباب وفرمانروای روح واندیشه خود باشم ، تا بتوانم ناخدای کشتی سرنوشتم شوم.

امرسون

* بجسم من بزرگ کسی است که بتواند بسان احساس واندیشه خودسدی ایجاد کند.

«ناپلئون»

* درباره هرچه که میخواهی بگوئی فکر کن ، ولی هرچه فکرمیکنی نگو.

«؟»

* برای زندگی بهتر اندیشه بکنید ، ولی نگرانی بخود راه ندهید و غصه نخورید.

«دیل کارنگی»

فرستنده : ام کلثوم سعادت- کارگرشرکت ترانس پیک تهران

چهار چهار از بزرگان

آن چهار که آدمی را به مقصود نزدیکتر کند

۱- همنشینی با بزرگان

۲- مشورت با اندیشمندان

۳- اجتناب از بی‌دوستان

۴- یاری خواستن از درویشان

آن چهار که پشت مرد رامی‌شکند:

۱- دشمن بسیار

۲- فرزند بیش

۳- وام بی‌شمار

۴- زن ناسازگار

از سخنان بزرگان

دوستان تو این سه نفر هستند:

۱- دوست تو.

۲- دوست دوست تو.

۳- دشمن دشمن تو.

... و دشمنان تو نیز این سه نفر هستند:

۱- دشمن تو.

۲- دوست دشمن تو.

۳- دشمن دوست تو.

فرستنده: ام کلثوم سعادت- تهران

لطیفه

دبیر تعلیمات دینی که برای شاگردانش از روزقیامت صحبت میکرد ، گفت:

—درآن روز زمین میلرزد و دهان باز می کند زمین و آسمان بهم می خورد . همه مردگان از خواب ابدی بیدار میشوند.

درهمین وقت یکی ازشاگردان پرسید:

—ببخشید آقا ، آن روز مدرسه ما هم تعطیل است ؟!

فرستنده سیدحسین فاطمی کارگر کارخانه روغن نباتی اصفهان

در آتش بیم و امید میسوزم

تنظیم از: شمع

... که ... سه خواهرم ... دلسوزی هستند، جوانی خوب ... و ... کرده ... بود. درست ... که در آن روز ... از ... مشکل ... همه ... مهمان بودند و ... می ... که ... است ...

موضوع به خواهر بزرگم مربوط است که ... دختری ... و ... بود. زیبایی ... و ... از ... وجودش ... و توجه ... انگیز ... بود ... که ... چهره ... اصولا هر سه خواهرم زیبا بودند و بهمین علت ... خانه ... بود. آن روز دو تا ... برای خواستگاری ... آمده بودند ... دختران خانه تنها او بود که ... و ... از مهمانان پذیرائی می کرد، اما دو خواهر دیگرم ... در اتاق ... مدرسه را انجام می دادند.

من که نزدیک به یکساعت در ... پذیرائی و ... مهمانان روی زانو ... نشسته بودم، سرانجام از فرط خستگی از جا برخاستم و به نزد خواهرهایم رفتم ... بود که ... وارد اتاق شد و ... به خواهر دومم که نگاهش در آلبوم ... خیره شده بود، گفت:

مامان هم با این خواستگارها ... را درآورده است.

... به جواب داد:

بالاخره رحم کرد که مادر زن نشد.

... این عبارت از دهان او خارج شده بود که یکباره ... نگاهشان را بین دو ... و ... رنگ ... را به دندان گرفت و بی آنکه حرفی بزند از اتاق خارج شد.

پس از مدتی ... و ... معمول ... شروع ... شامم را خوردم و خوابیدم. صبح روز بعد که از بستر برخاستم ماجرای روز گذشته را فراموش کرده بودم. اما آنچه که همچنان در ذهنم باقی بود، گفته ... و ... سنگینی ... بود. مدتها از این جریان گذشت و زندگی به سیر عادی خود ادامه می داد تا اینکه پدرم بیمار شد و چند روز پس از بستری شدنش پری و مامان وی را به بیمارستان بردند. غیبت ناگهانی پدر اثر ... در وجودم ایجاد کرده بود و من احساس می کردم که غم و رنجی نامعلوم خاطرم را

با این بدن چه کنم؟

(شمع) کارگران

آزرده می کند . شاید بهمین سبب بود که یک روز بی‌هیچ دلیل و انگیزه‌یی گریه را سردادم و و ناخودآگاه به بهانه‌جویی پرداختم . رفتارم آنچنان غیرعادی بود که بالاخره توجه مامان را جلب کرد و او این حالت را ناشی ازدوری پدرم دانست و مرا عصر همانروز به بیمارستان برد . پدر، بقدری ضعیف و تکیده شده بود که من در لحظات اول دیدار مطلقاً او را نشناختم . اما هنگامی که لبهای رنگ‌باخته‌اش را ازهم گشود و با اشاره دست مرا به طرف خویش خواند فوراً شناختمش و بی‌اختیار بسویش دویدم . لیکن آنچنان شوکه شده بودم که تا واپسین دم دیدار نتوانستم حتی یک کلمه حرف بزنم . این آخرین ملاقات من و بابا بود . زیرا چند روز بعد خانهٔ ما غرق در ماتم شد و بی‌تابی خواهرانم آغازگردید .

با مرگ پدر وضع زندگی کاملا دگرگون شد. آنهمه صلح و آرامش و دوستی جای خود را به قهر و مجادله بخشید . مامان مانند ببری خشمگین خواهرهایم را به باد کتک می‌گرفت و من با اینکه کودکی دبستانی شده بودم، با وجود این نمی‌توانستم منشاء وعلت این جنگ و دعوای بی‌پایان را بیابم .

عجیب‌تر ازهمه اینکه پس ازچندی مراوده و معاشرت بستگان پدرم بکلی با ما قطع شد . بطوری که جسته و گریخته ازمباحثات مامان و خواهرهامی‌شنیدم، یگانه بوجود آمدن این وضع مادرم بود .

هرچه بزرگترمی‌شدم به مسایل عجیب تری پی‌می‌بردم . به این معنی که معلوم شد مامان با شوهر کردن دخترها جداً مخالفت می کند و در زمان حیات پدرم نیز با او باعث بهم‌خوردن ازدواج‌های احتمالی پری و مستانه شده بود . در تمامی جنگ‌وجدل‌ها پری خطاب به مامان‌می‌گفت :

— من دست تورا بهتر از خودت خوانده‌ام . تو بقول خودت می‌خواهی ما را بدبخت کنی . اما یادت باشه که ما سه نفر با تمام وجود مبارزه می کنیم .

حتی یکبار اضافه کرد که :

— مادرم هرشب به خواب من می‌آید و با التماس سفارش می کند که مواظب خودم و خواهرهایم باشم .من به او قول داده‌ام که هرگزتسلیم خواست‌های تونشوم .

مسأله جنگ و دعوا درخانهٔ ما مسأله‌یی عادی شده بود و من حالا دیگر مانند روزهای اولیه از درگیری آنها به وحشت و هراس نمی‌افتادم . از این روزی که متوجه شدم، یکباره همه‌چیز تغییر کرد و میان مامان و دخترها صلح و آشتی برقرار شد با تمامی وجود غرق در حیرت و شگفتی شدم . عجیب‌تــر اینکه می‌دیدم و اواخر شب با دل‌وجانی سرشارشوق ونشاط به خانه برمی گردند.

تا اینکه پس از بازگشت از مدرسه متوجه شدم که درخانهٔ ما جنب‌وجوش عجیبی برپا شده است و چنین می‌نماید که بچه‌ها در تدارک برگزاری مهمانی مهمی هستند . روی همین اصل ماوقع را از خواهر کوچکم پرسیدم، و او با شیطنت وموذیگری تمام، چشمکی زد وگفت:

— دارد عروسی می‌شود !

عروسی کی ؟

— پری .

پس ازآن بلافاصله افزود :

— می‌گویند که داماد خیلی خوشگل و پولداراست .

حدود ساعت ۹ شب درخانه به صدا درآمد و متعاقبش مامان ازمستانه خواست درمنزل را بازکند. بعد ازچند لحظه مادرو پری نیز بطرف درکوچه رفتند و آنگاه صدای چند مرد فضای خانه را پرکرد . من کنجکاوانه بطرف آنها می‌رفتم که یکباره مامان جلورویم ظاهر شد و با لحنی محکم‌آمیز گفت :

— فوراً از اینجا برو و هرگز هم جلو چشم مهمانها نیا .فهمیدی ؟

من که همیشه [illegible] بوده‌ام از وی اطاعت کردم، بی‌هیچ اعتراضی سر به زیر و [illegible] کرده و بطرف اتاق خودم رفتم . با اینکه ماجری بظاهر عادی می‌نمود، اما صدایی [illegible] و مرموز بمن می‌گفت که حقیقت واقعه چیز دیگری است . مضافاً به اینکه وقتی فرزانه خواهر کوچکم وارد اتاق شد استنباط کردم که او نیز به عللی افسرده وغمگین است . چنین بنظر می‌رسید که کوهی ازغم را در دل نهفته دارد و از بیم مامان توان بازگو کردنش را نمی یابد . من آنشب غرق در دریایی از پرسش وچراهای گوناگون به خواب رفتم.

پس ازآن ماجراها آنچنان تدریجی و [illegible] شده می‌گذشت که هیچ چیز نمی‌توانست برای چندلحظه مرا بخود مشغول دارد. بطوری‌که وقتی آمد وشدمردان ناشناس به خانه ما فزونی گرفت و هرشب گروه جدیدی با عناوین مختلف مهمان ما می‌شدند، من تصور می کردم که وقوع این حوادث عادی است و زندگی همهٔ انسانها بهمین ترتیب می‌گذرد . [illegible] یکشب ازصدای فریادهای پی‌درپی و کوبنده‌یی از خواب بیدارشدم و بلافاصله صدای مستانه راشناختم .منشاء صدا یکی ازاتاقهای طبقه دوم بود . هنگامی که از تخت پائین جستم تا خود را به بالا برسانم، متوجه شدم که فرزانه وحشت‌زده و لرزان کنار تخت خویش ایستاده است . وی به مجرد دیدن من با شتاب بطرفم دوید وملتمسانه گفت :

— نه، نروامیرجان . نرو مامان بدش‌می‌آید.

اما من بی‌توجه به اخطاراو ازاتاق خارج شدم و ازپله‌ها بالا رفتم . به محض اینکه به کنار پاگرد راهرو رسیدم، ناگهان مامان را دیدم که خشم‌آلوده و متغیر رودررویم ایستاده است . او همچنان که خیره بمن می‌نگریست با لحنی لبریزازغیظ وعتاب گفت :

برگرد، گمشوبروتوی اتاقت !

من برای نخستین بار بی‌توجه به تأکید او چشم درچشمش دوختم وگفتم :

- چه‌خبرشده ؟

چیزی نیست — خواب دیده و ترسیده . گفتم برگرد بروتوی اتاقت . من ناگزیر به اتاقم برگشتم، اما هرگز نتوانستم عذراو را که ظاهراً عادی می‌نمود بپذیرم . صبح که ازخواب بیدار شدم و برای صرف صبحانه حرکت کردم یکباره فرزانه را دیدم که با چشمانی اشک‌آلوده وارد اتاق شد وخطاب بمن گفت:

امیر، پری‌خون‌مهر کرد و رفت.

[illegible]؟

— نمی‌دانم . فقط دیدم یک‌چمدان کوچک دستش بود . توخواب بودی که او پیشانیت را بوسید و رفت . می‌خواهم بگویم که مامان خیلی عصبانی است . مبادا حرفی بزنی که وضع بدتر شود .

موقعی به آنها پیوستم، قیافه‌ها همان بود که در ذهنم ساخته بودم . مامان عصبانی و خشمگین بود ومستانه خسته و آزرده و بغض کرده بنظر می‌آمد . با اینکه بنا بر توصیه فرزانه لب ازهم‌گشودم، معهذا احساس کردم به مرحله‌یی رسیده‌ام که دیگر نمی‌توانم شاهد اینهمه ماجرای غیرعادی و رسوایی‌برانگیز و [illegible] . حالا نزدیک به چهارده [illegible] می‌گذشت و من [illegible] خود را [illegible] . [illegible] نوشت [illegible] همهٔ خواهرانم را [illegible] . همچنان که [illegible] درگرداب فساد و بدنامی غوطه‌ورساخت . من تردید نداشتم که فریادهای دیشب مستانه تنها بمنظور دفاع از حیثیت و شرفش بود . [illegible] او تا کی می‌توانست مقاومت کند و در برابرخواست‌های پلید وچندش آورمردان هرزه و هوسجو تسلیم نشود؟ هجوم این افکارازیک سو، و ناتوانی من در برابرمامان ازسوی دیگر، باعث شد که من [illegible] برای فرار از اینهمه دردورنج و عذاب بیابم . به این معنی که بیشتر ساعات روز را بدور از مدرسه و همراه با دوستان جدیدی که یافته بودم، می‌گذراندم . این معاشرت‌ها تدریجاً راه [illegible] نابابی را برویم باز کرد و سرانجام پس از [illegible] و هرزگی و باده‌گساری به مواد مخدر معتاد شدم . حالا دیگر خانه در نظرم به هتلی میمانست که تنها پذیرای ساعات آخرشبم بود . هرچند که بسیاری ازشبها را درخارج ازمنزل می‌گذراندم یک‌روز صبح که خمار و خسته از خواب برخاستم، متوجه شدم که مستانه نیز رفته است. برسراین‌واقعه برای نخستین باربا مامان بگومگو کردم و کارمان به جدل و دعوا کشید ضمناً آنچه از این برخورد فهمیدم، این بود که او شدیداً خودباخته و بیچاره و ناتوان شده است . بی‌شک وی از این رنج می‌برد که می‌دید دو سرمایهٔ اصلی خود را از دست داده، بی‌آنکه بتواند وجودبی‌ارزش خود را عرضه کند.

بهرحال، [illegible] به مرفین نیازمند بودم . مشاجره با مادر را قطع کردم و از منزل خارج‌شدم . نزدیک بیک‌ماه شب و روزم در یکی از بیغوله‌های خیابان جمشیدگذشت . هزینه روزانه‌ام را با قمار و دله‌دزدی تأمین می کردم، تااینکه‌شبی یکی ازبچه‌ها گفت:

امروز دوتا از مأمورها دنبال تــو می‌گشتند . گویا محمودریزه‌وعباس‌گیرافتاده و تورالوداده‌اند .

من بمجرد شنیدن این حرف، درنگ راجایز ندیدم و ازآنجا خارج شدم . باشتابی که ازوجود متلاشی شده‌ام بعید می‌نمود به خانه رفتم . مامان در لحظات اول از پذیرفتنم خودداری می کرد، لیکن سرانجام به این شرط که صبح زود خانه را ترک کنم، رضاداد که وارد شوم و درگوشه‌یی به استراحت بپردازم . من که مدتها بود ازاثر استعمال [illegible] و قرص‌های خواب‌آور در چرت‌ومستی بسر می‌بردم، [illegible] سربربالش گذارم، گوشه اتاق چمباتمه زدم وغرق در خواب و بیداری شدم. شب از نیمه گذشته بود که احساس کردم درخانه بازوبسته شد. باتمامی بی‌حالی از جابرخاستم وبا کنجکاوی به صداهایی که [illegible] می‌شد، گوش دادم . [illegible] صاحب صدا مردی است که به‌طبقه بالا می‌رود. هرچند که وقوع [illegible] حوادث درخانه ماواز نظرمن عادی بود، باوجود این من‌ناخودآگاه تصمیم گرفتم از پله‌ها بالا روم. بااحتیاط خودم را به‌پشت [illegible] رساندم وبه‌آرامی کناردرنشستم بعداز مدتی صداهای [illegible] درگوشم پیچید. [illegible] می‌آمد که زنی می کوشد [illegible] و [illegible] خود را از مهلکه‌یی نجات دهد. وقتی کاملا دقیق شدم، صدای فرزانه را شناختم. [illegible] او بود که داشت از خود دفاع می‌کرد. دریک لحظه چهره یاری‌طلب‌پری ومستانه دربرابر چشمانم مجسم شد و من بی‌اختیار لگدی به‌دراتاق زدم وداخل شدم. بمحض ورود همراه بافریاد کوبنده وجگرخراش بطرف مرد هجوم بردم . او بلادرنگ حالت دفاعی بخودگرفت، اما فوراً عزم خود را تغییر دادوبسرعت ازاتاق گریخت. من بقصد تعقیب او بطرف دراتاق برگشتم که یکباره مادرم را در حالی‌که کاردی بزرگ وبرنده دردست داشت، سینه به‌سینه خود دیدم. در نخستین برخورد باور نمی کردم که‌او عزم کشتن مرا داشته باشد، لیکن هنگامی که کارد را بالا برد تا با یک‌ضربه برسینهٔ من بنشاند، باتمامی قوا مچش راگرفتم و کارد را از دستش خارج کردم، همه‌چیز در چندثانیه اتفاق افتاد. فریادمامان وفرزانه وصدای سقوط پیکرسنگین مادرم همزمان خانه را به‌لرزش درآورد. من تنها توانستم بفهمم که‌مامان بااولین ضربه کارد کشته شده‌است. باپی‌بردن به‌این واقعیت وحشتناک بی‌هیچ تردیدوتأمل ازخانه گریختم.

چندین روز در خیابانهای شهر، میان خماری ودرماندگی دربدربودم تااینکه بدون هدف راهی جنوب‌شدم. ازاینکه چندین روز را بدون استعمال‌سواد مخدر سر کرده بودم، خیلی‌زود سلامت‌خود را بازیافتم. از این‌رو به‌آسانی توانستم خودم را بیکی‌ازامارت‌نشین‌های خلیج‌فارس برسانم. اینک بیش از ۵ سال است که در این سامان بسر می‌برم، [illegible] که تمامی لحظاتش همراه بابیم وامیداست. ضمناً بااینکه مادر را از هر لحاظ مستوجب‌مرگ می‌دانم،معهذا وجداناً ازاینکه من باعث قطع رشتهٔ حیاتش شده‌ام پریشانم وهیچ دلیلی نمی‌تواند مرا قانع‌سازد که‌دراین کار،حق‌بامن بوده‌است.

روزی که

اکبرآقای ما آدم پرمایه‌ایست. توی جامعه کارگری بزرگ شده، ولی باین تنها قانع نیست. او حادثه ساز زندگیست و از پای نیفتادنی، آرام و قرار ندارد و بهمین جهت هربار وارد ماجرائی میشود و اینبار اکبرآقا، طفلکی هیپی شده... حالا چرا معلوم نیست...!

محمدعلی عرفی نژاد

اکبر آقا دولا شده بود داخل موتور یک ماشین هشت سیلندر آمریکائی و داشت شمع ها را یکی یکی عوض میکرد و برای خودش زیر لب آواز میخواند.

بروبچه ها در گوشه و کنار تعمیرگاه بزرگ مشغول کار بودند ولی اکبر آقا توی دنیای خودش بود. شمع هارا که عوض کرد رفت سر پلاتین، هنوز آنرا باز نکرده بود که با صدای بوق شیپوری یک ماشین که پشت سرش زده شد یک ذرع از جا پرید و با عصبانیت برگشت طرف یک مینی ماینر کوچک فسقلی که راننده‌اش بوق زده بود. اکبر آقا با ناراحتی رفت جلو و دستش را گذاشت لب پنجره ماشین و با عصبانیت گفت:

— مرد حسابی خیال کردی تو جاده هراز داری بوق میزنی. در ثانی با این بوق که تو داری کوههای جاده هراز حق دارن بریزن پائین.

پسرک که پشت فرمان نشسته بود خنده آرامی کرد و گفت:

— رفیق، بوقه دیگه! منکه اختراعش نکردم. دست گذاشتم روش صدا کرد.

اکبرآقا خنده‌اش گرفت:

— خیلی خوب، حالا چیکار داری؟ چرا نرفتی دفتر.

پسرک موهای بلندش را پشت سرش رها کرد و گفت:

— ای بابا، فقط ماشینم ریپ میزنه، یه هواگیری میخواد، کارتش رو خودت بنویس. زندگی امروز که باین چیزهاش نمیارزه. حیف نیست آدم بجای فکر کردن به آسایش و طبیعت و زندگی خودش رو درگیر دفتر و دستک بکنه؟!

اکبر آقا نگاهی به اطراف انداخت و بعد آچار را دست به دست کرد و گفت:

—خوب در کاپوت رو باز کن، ببینم چشه.

پسرک دسته کاپوت را کشید و در را باز کرد. اکبر آقا همانطور که داشت هواگیری میکرد رفت توی فکر...

— راست هم میگه ها. آدم تو این زندگی چه بدبختی هائی که بدست خودش درست نمی کنه.

هواگیری تمام شد. اکبرآقا کارت را نوشت و گفت:

—خودت ببر دفتر

پسرک کارت را گرفت. نگاهی بی اعتنا به آن انداخت و بعد به اکبر آقا خیره شد.

— تو چیکار میکنی؟، منظورم اینه که زندگی رو چه جوری می بینی؟

اکبرآقا بر و بر باو خیره شد و جواب داد:

منظورت چیه؟ خوب. مثل همه زندگی میکنم.

— بدبش همینه دیگه، اینه که میخوای مثل همه زندگی کنی.

— خوب مگه قرار بود مثل کی زندگی کنم؟!.

—مثل خودت. ببین خودت چی میخوای، از زندگیت چی میخوای؟

اکبرآقا آچار را گذاشت روی طاق ماشین و دستش را با لنگ پاک کرد.

— خوب من همیشه دلم خواسته یه زندگی خوب داشته باشم. با آدم های خوب رابطه برقرار کنم و زندگی رو خوب ببینم.

—الان خوب می بینی؟

— ای... بدك نیست. روزها کار میکنم. بعد از تعطیل کارگاه هم با بر و بچه ها میریم سینما و یا میریم خونه می نشینیم پای صحبت خان‌دائی و مادرم.

—دیگه چی؟

—دیگه هیچی!

پسرك دستش را جلو آورد و با اکبر آقا دست داد و اکبرآقا با ناراحتی گفت:

— دستت روغنی شد.

— چه عیب داره، دستم از یه رفیق روغنی شده، این محبته.

یک چیزی ریخت توی دل اکبرآقا که لرزید. حرف پسرك خیلی عارفانه بود و با ناآرامی گفت:

—چی میخوای بگی؟

— اینکه زندگی آنقدر شیرینه که آدم فکرش رو هم نمیتونه بکنه. چرا نمیای تو جمع ما.

—جمع شما؟! چه جمعی؟

— جمع آدم های مهربون، راضی و با محبت. جمع آدمائی که زندگی رو سخت نمی گیرن، اگه بارون بیاد خوش بحالمون و اگر آفتاب گرم باشه باز هم خوشحال میشیم. بهترین غذاها و بدترین غذاها برامون فرقی نمی کنه.

اکبرآقا با شادی کودکانه ای خندید و دوباره با او دست داد:

—بدم نمیاد زندگی رو از این پنجره نگاه کنم.

— پس قدمت مبارك رفیق. امروز عصر میام دنبالت.

— که کجا بریم؟

— بریم به شهر هفت بهشت بی کلید، به شهر بی دروازه خوشبختی...

اسم من جواد... تو...؟

—اکبر... بهم میگن اکبرآقا

—صفاتو اکبرآقا.

جواد نشست پشت ماشین کوچکش و با کارت رفت طرف دفتر و اکبرآقا در دنیائی از رؤیا فرو رفت. آچار بدستش سنگینی می کرد. با خودش اندیشید:

—من چیکار میکنم، با با موتور ماشین ور میرم، با تو خونه‌م. شدم مرغ خونگی. من به بهشت میخوام، به شهر هفت بهشت بی کلید، چقدر قشنگه...

***

نزدیکی های ساعت پنج بود که صدای بوق شیپوری مینی ماینر جواد بگوش رسید. اکبر آقا لباسش را عوض کرده بود. نگاهی در آینه به خودش انداخت و بعد براه افتاد رسید کنار اتومبیل و بعد آرام سوار شد.... جواد بصورت اکبرآقا نگاه کرد. دنده را چاق کرد و راه افتاد وسط های راه با خنده گفت:

—هیچ فکر نکردی چرا من خواستم با تو قاطی بشم؟.

اکبرآقا دست کرد به جیبش که سیگار در بیاورد ولی جواد پیشدستی کرد و یک سیگار پیچیده باو تعارف کرد. سیگار روشن شد و دود آن داخل اتومبیل را پر کرد و اکبرآقا گفت:

— نه فکر نکردم. راستش من توزندگیم دنبال هر کاری که بگی رفتم. خوب اینم یا تفریحه و یا یه آزمایش توزندگی...!

جواد سیگاری هم خودش روشن کرد و گفت:

—من زیاد علاقه ندارم با کسی قاطی بشم، ولی امروز که تورو دیدم، با اون حالت عصبانی که میخواستی بزنی دندانهای منو بریزی با خودم گفتم اکبرآقا باید بیاد تو جمع ما. درسته بما میگن هیپی، ولی زندگی درویشی رو دوست داریم.

اکبرآقا با شادی گفت:

— میمیرم برای زندگی درویشی. خان‌دائی خودمنم درویشه.

— خوب، پس چه بهتر!

چند لحظه بعد جواد نزدیک یک خانه بزرگ در بالای شهر اتومبیل را نگه داشت. شب کم کم از راه میرسید. اکبرآقا و جواد از اتومبیل پیاده شدند. دور تا دور درخت بود و جواد به طرف در ساختمان رفت. اکبرآقا محو و مدهوش ایستاد. جواد زنگ زد، در باز شد و با هم داخل شدند، بوی گلهای رز و نسترن هوش از سر او برده بود.

داخل باغ نزدیک استخر عده ای روی زمین زیر درخت ها و روی مخده‌ها ولو شده بودند و صدای موزیک آرامی که سبک هندی داشت بگوش میرسید. اکبرآقا نگاهی به سر و وضع خودش کرد و جواد که متوجه شده بود گفت:

— برادر اینجا کسی با لباس تو کاری ندارم آنچه مطرحه زندگی و خوبیهای اونه، بریم جلو.

وقتی به جمع رسیدند چند نفری بآندو خیره شدند وجواد با خوشحالی گفت:

— بچه ها، یه رفیق نازنین با خودم آوردم، دست کم نگیرینش، یه کارگر روشنفکره، یک مهندسه.

و همه دست زدند، اکبر آقا قرمز شده بود و با سر تشکر کرد. جواد جائی لب استخر برای او درست کرد و نشستند. یکی از جوانها که صورتش زیر انبوه ریش و گیسو پنهان شده بود آرام سه‌تار میزد و دیگران از خود بیخود شده و سیگارهای مخصوص می کشیدند. همه چیز برای اکبر آقا جالب بود. در این وقت دختری که یک روبان مشکی روی پیشانیش بسته بود آمد نزدیک اکبر آقا نشست و آرام دستش را روی دست او کشید.

—چه طوری رفیق؟ خوش اومدی.

اکبر آقا خودش را جمع و جور کرد، سورمورش شده بود.

—خوبم خانم

—خانم چیه، اسم من «می می» ست

—خوبم می‌می....

—ها بارك الله، درست شد.

اکبرآقا هاج وواج گفت:

—شما هیپی هستین؟

—هیپی؟ هیپی چیه؟

—چه میدونم، حالت اونارو داری؟

— من راحتم. فقط راحت، غمی هم ندارم. اگر اسمش هیپی بازیه خوب هیپی هستم— حالا چی میخوای برات بیارم، مشروب میخوری؟

—ای...:

— خوب بلند شو برو سر اون تغار گلی، سوش مشروب ریختن.

اکبرآقا با تعجب گفت:

—مشروب تو تغار؟!.

—خوب آره دیگه..

—با با چه کارهائی شما میکنین،

—راحت باش رفیق.

در این وقت آهنگ تندتر شد و همه شروع کردند به رقصیدن و دخترك دست اکبر آقا رو گرفت و گفت:

—خیلی خوب بلند شو برقصیم.

—چی؟. واسه یه مرد افت داره؟

—چی‌چی رو افت داره، راحت باش.

اکبر آقا با نگرانی بلند شد و با «می‌می» شروع کرد به رقصیدن، نمیدانست چه جوری باید برقصد با رنگ خارجی یا با کرم می رقصید، ولی هیچ کس توجهی به اشتباه رقصیدن او نداشت...

کبرآقا «هیپی» شد

چند ساعتی گذشته بود، اکبر آقا حالت بهوع داشت. سیگارهای مخصوصی که باو داده بودند و مشروب و تکان‌های فراوان حالش را بهم زده بود.

لب استخر نشست و چند بار دست و

صورتش را با آب استخر شست، ولی حالش خوب نمیشد. همه چیز جلوی چشمش تار شده بود. رفتار پسرها و دخترها برایش عجیب بود. در همین وقت صدای «می‌می» او را بخود آورد که:

— کجای کاری اکبرآقا!

اکبرآقا برگشت به «می‌می» نگاه کرد..

— ای بد نیستم، ولی اینها همه زن و شوهر هستن.

— کی‌ها؟ ..

— این جماعتو میگم.

— زن و شوهر. یعنی چی. تو مرام ما از این خبرها نیست.

اکبرآقا یکدفعه ازجا پرید:

— چی میگی آبجی، مگه میشه؟ اینها با هم نامحرمن!

— نامحرم دیگه چیه، چرا اینقدر امّلی فکرمیکنی؟ راحت باش.

اکبرآقا با عصبانیت داد زد

— چی چی رو راحت باشم! خجالت داره پدر و مادرها تون چی میگن

— اونا با ما کاری ندارن.

— مگر شماها علف هرزهستین!

همه برگشته بودند و به اکبرآقا نگاه می کردند. وجواد امد جلو...

— اکبرآقا قرار نبود سر و صدا راه بندازی.

— چی چی رو سر و صدا راه نندازم، این چه جور زندگیه. هفت بهشت بی کلید همینه. منو آوردی زندگی جدیدی بهم نشون بدی!

دراین وقت دوتا ازهیپی های جوان امدند جلوو گفتند:

— گورت رو گم کن واز اینجا برو بیرون. تو ازما نیستی.

واکبرآقا که بغض کرده بود فریاد کرد:

— معلومه که نیستم. اون شماها هستین که باید گورتونو گم کنین.

ودست انداخت یکی ازهیپی ها را هـــل داد توی استخر. که جواد عصبانی بطرف اکبر هجوم آورد و اکبر یک جا خالی داد و جواد هم افتاد توی استخر، جنگ مغلوبه شد. همه به اکبرآقا حمله کردند و لحظه ای بعد اکبرآقا با دیگران افتاده بود توی استخر و در وسط آب بزن بزن می کرد. بعد از لحظه ای دید که همه دارند یکدیگر را میزنند. آرام آمد لب استخر و دید که «می‌می» نشسته و برای او دست میزند. اکبرآقا آمد بیرون، خیس آب شده بود، نگاهی به «می‌می» انداخت و بعد گفت:

— دلم براتون میسوزه.

«می‌می» با دلخوری گفت:

— منم دلم برای خودم میسوزه، خوب چی میشه کرد رفیق، تو یه کار خوب داری، زندگی داری، با چیز های راحت خوشحال میشی... ما باید خوشحالی رو بوجود بیاوریم.

بعد دست کرد روبان سرش را به اکبرآقا داد:

— بیا اینم یادگاری....

اکبرآقا خندید. آمد طرف در، برگشت و توی استخر را نگاه کرد که همه داشتند مثل حشرات درهم می لولیدند. توی سرش سر و صدای عجیبی بود مثل اینکه داشتند لای موهای او شنا می کردند. آمد بیرون، نسیم میخورد روی لباسهای خیسش و او بی اعتناء توی خیابان و در سکوت براه افتاد.. چند رهگذر آخر های شب با خنده بلو خیره شدند و اکبرآقا درحالیکه حالت هیپی ها را بخود گرفته بود گفت:

— چیه؟ تا حالا هیپی ندیده بودین...؟

نوشته: «شاخه نبات»

[illegible]

لبخندی در آینه زندگی

به او بودم.

دکتر سرفه‌ای کرد و چهره دوست‌داشتنی بهرام باطنین سرفه اونا پدید شد. و من باز به اتاق بیمارستان بازگشتم وصدای دکتر را شنیدم که میگفت: «میدونم کارگر هستید و کار میکنید ومیتونم بفهمم با وضعی که براتون پیش اومده ادامه دادن به کار و رفتن به میان مردم چقدر سخته، ولی بهتون نصیحت میکنم یک کمی به خدا روی بیارین و از نیروی ایمان وتلقین به نفس کمک بگیرین وسعی کنین به آنچه اتفاق افتاده تسلیم بشین و مخصوصا بهتون نصیحت میکنم با روحیه خوب از بیمارستان به خونه برین چون مادرتون خیلی ناراحته واگر شما رو ناراحت ببینه، حتما خیلی نگران تر میشه..»

ولی قبول حادثه ای آنچنان دردناک چطور امکان داشت. درحالی که با خشم به چهره دکتر خیره شده بودم، به نگاه‌هائی که در آخرین دیدار درچشمان بهرام دیده بودم، فکر میکردم. آن شب او با آن نگاهها زیباترین غزل عاشقانه را برای من خوانده بود و آن شعری که درسکوت خوانده شده بود، آنچنان شیرین و لطیف بود که پس ازرفتن او دلم میخواست از شادی بال دربیاورم، دراتاق‌های خانه برقصم، ازگردن مادر پیرم آویزان شوم، خواهر کوچکم را درآغوش بگیرم و به همه بگویم «بالاخره موفق شده و بهرام جوان و زیبا و ثروتمند را در دام عشق اسیر کرده»

راستی اگر آن شب پس از تعطیل فروشگاه بجای قبول دعوت احسان، پسرعمه‌ام که برای خرید آمده بود، مثل هرشب با اتوبوسی به خانه بازمیگشتم، بازهم آن حادثه اتفاق می‌افتاد و من امروز هم مثل گذشته سالم و زیبا بودم و میتوانستم روزی برای مرد محبوبم زن کاملی بشوم؟ دکتر که گویا افکارمن را میخواند دو مرتبه کف دستهایم سخت بوی‌هم رفتند. شاید انتظارشنیدن این خبر را نداشتید. من تا امروز همه کوششم را به کار بردم تا شمارو نجات بدم، ولی حالا که دیگه دارید از بیمارستان مرخص میشوید، مجبورم حقیقت را بهتان بگویم. به هرحال شما خیلی جوونید و با کمک دکترها و آدم‌هایی که دوستتون دارند...»

درحالی که اندوه همه ذهنم را سیاه میکرد و ناامیدی با هیجانی خشم‌آلود در درونم میجوشید، بناگاه حرف دکتر را بریدم و گفتم: «آه دکتر، لازم نیست آنقدر به خودتون فشار بیارین.... کاری است شده وگذشته اززحمت‌هائی که برام کشیدین، خیلی متشکرم.... موفق باشین.»

دکتر نگاه تلخ و غمگینی داشت و من میدانستم که درخیال خود من را دختر حق‌نشناسی میداند، چون هیچ بعید نبود به جای بازگشتن با یک پای لنگ به خانه، ماه ها در بیمارستان میخوابیدم.

وباشاید دیگرهرگز ازبیمارستان بازنمیگشتم. ولی با این وجود هرچه میکردم کوچک ترین احساسی از خوشحالی را در خود نمی یافتم و کسی دردلم با صدای بلند زار زار می گریست. چمدانم را بسته بودم ومیدانستم مادرم بزودی برای بردنم می آید و تنها کاری که برایم باقی می‌ماند، این بود که ژاکتم را بپوشم وخود را برای روبروشدن با دنیای خارج آماده کنم، ولی قبل ازهمه این کارها، بهتر بود اشک هایی را که مانند باران ازچشم هایم میریخت پاک میکردم. گریه کردن جلوی مادرم کار درستی نبود. مادر بیچاره وقتی که سر کار رفته بودم، روحیه تازه ای پیدا کرده بود و حالا باید کاری میکردم که انگار هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده است....

اما هنوز به خودم نیامده بودم که بناگاه صدای مادر را که میگفت «چطوری دخترم؟ شنیدم. اصلا صدای پای مادر را نشنیده بودم و دیگر برای پاک کردن اشکهایم خیلی دیر بود، چون او یکدفعه با ناآرامی گفت: —«خداجون مرگم بده داری گریه میکنی؟ ... چیزی شده، چرا اینقدر ناشکری میکنی. برو خدا روشکر کن که ازاین بدترنشد. پاشوعزیزم، پاشو احسان جلوی مریض خونه منتظرمونه.»

— «احسان؟ احسان اینجا چی کار میکنه؟»

«بیچاره امروز از کارخونه مرخصی گرفته تا بتونه به ما برسه و تو رو به خونه برسونه.. واقعاً که پسر خوبیه. شیر مادرحلالش باشه. نمیدونی ازاین که باعث اون تصادف شده چقدر ناراحته. همه اش راه میره و به خودش فحش میده. هرچند که توی این شهر روزی هزارتا از این تصادف ها میشه و اون بیچاره هیچ گناهی نداره. بد بیاره دیگه .... به هرحال عزیزم با احسان مهربون باش و دیگه کاری نکن که خجالتش بیشتربشه...

من همان طوری که لنگ لنگان در کنار مادر بیمارستان را ترک میکردم، به این که از سرزنش کردن مردم هیچ کاری بر نمی آید و به این که آن چه در کتاب سرنوشت انسان آمده است خواهد شد و هنگامیکه حادثه‌ای اتفاق افتاد دیگر هیچ عاملی آن را تغییر نخواهد داد، فکرمیکردم.

احسان که در کنار اتومبیل تصادفیش ایستاده بود، حالت رقت باری داشت من با یک نگاه فهمیدم انتظارشنیدن تلخ ترین کلمات را ازمن دارد. چون درتمام دفعاتی هم که در بیمارستان به ملاقاتم آمده بود، روی خوشی به او نشان نداده وحتی چند بار با خشونت او را از اتاقم بیرون کرده بودم وحق هم داشتم. چون درتمامی آن لحظات تلخ وسیاه فقط انتظار دیدن بهرام را میکشیدم، مردی که از صمیم قلب دوستش میداشتم.

درصورتیکه او حتی یک بارهم به عیادتم نیامده وفقط به مادرم پیغام داده بود که چون از محیط بیمارستان خوشش نمی آید. ترجیح میدهد مراحل گذشته پس از مرخص شدن از بیمارستان درخونه ببیند. احسان همان طور که در اتومبیل را باز میکرد، با صدای عجیبی پرسید: —«پریرو، حالت بهتره؟»

درحالی که با زحمت پای لنگم را در اتومبیل جای دادم، لب پائینم را گزیدم و با صدایی که برای خودم هم غریبه بود، جواب دادم: «آه، هیچ وقت به این خوبی نبودم.»

مادر درحالی که خودش را در کنارمن جابجا میکرد، با خوش حالی گفت: «دخترم دیگه ازخرشیطون پیاده شده و داره دختر خوبی میشه. این جوری همه کار ها خیلی زودتر از اونچه که قراره درست بشه، درست میشه... قول میدم تا دو سه ماه دیگه پات با ورزش هائی که دکترمیگفت، خوب خوب بشه».

من با صدایی که سعی میکردم کاملا طبیعی باشه، ولی در گوش خودم طنین خشونت‌آمیزی داشت، گفتم: —«آره، دکتر همین یک ساعت پیش به خودم هم گفت حداکثرتایکماه یک ماه و نیم دیگه پام درست میشه و بازمثل سابق راه میرم». احسان برگشت و به من نگاه کرد. چشم هایش از حیرت پر بود. اما من تصمیم داشتم به این بازی که تازه شروع کرده بودم، ادامه بدهم. چه کسی حقیقت را از بیمارستان میپرسید؟ آیا ممکن بود بهرام روزی به دیدن طبیب معالج من برود وحقیقت را از او بخواهد؟ نه.. به هیچ وجه. من فقط با چند دروغ میتوانستم بهرام را برای خودم نگاه دارم ومانع ازدست رفتن اوبشوم. عده‌ای ازدختر ها با عشق کور میشوند و حتی به خودشان هم دروغ میگویند، اما من با وجود عشق شدیدی که به بهرام داشتم، حقیقت را به خوبی میدانستم وآن این بود که او به هیچ وجه حاضر نبود تمام عمرش را صرف یک دختر معلول بکند. به خاطر او از همه دخترهای سالم دیگر بگذرد، مخصوصاً که من پولی نداشتم. و یک دختر ناقص اگر پول هم نداشته باشد و مجبور باشد با پای لنگ تمام روزونیمی ازشب را به فروشندگی در یک فروشگاه بگذراند، به هیچ وجه نمیتواند تاجر زاده ای مانند بهرام را در کنارخود داشته باشد ولی اگر میتوانستم قبل از روبرو شدن با حقیقت او را چنان دردام عشق اسیر کنم که دیگر قدرت فرار ازآن دام را نداشته باشد، شاید به آرزویم میرسیدم.

شاید او دیگر لنگی پایم را نمیدید مرا به دخترهای دیگر ترجیح میداد و روزی با من عروسی میکرد. آنچنان در افکار کودکانه‌ام دست و پا میزدم که تشخیص نمیدادم دارم دست مادر رافشارمیدهم تا بالاخره به حرف‌آمدو گفت —«چی کارمیکنی پریرو؟ ... دستم رو سوراخ کردی...» و بعد با حیرت به من خیره شد. بدون‌شک دختری که به آینده اش امیدوار بود، هیچ وقت چهره مضطرب و دردآلود مرا نداشت، اما بارخودم را جمع کردم وشروع کردم به این که بزرگترین بازی زندگیم را ادامه بدهم. بازی ای که مرا به بزرگترین بدبختی ها میکشاند، ولی درآن زمان از اینکه دارم چه کار میکنم، کاملا بیخبر بودم و نمیدانستم دارم به کجا میروم. مو های بلندم را ازروی شانه ام کنارزدم و گفتم —«خدا میدونه چقدر گرسنه مه... مادر دلم واسه غذاهات لک زده.»

چهره مادر دیدنی بود. انگار هرچه میکرد نمیتوانست تغییر معجزه آسائی را که در من بوجود آمده باور کند. او با همان حال گفت - «برات خورشت بادمجون میپزم. خوشت میاد؟ باید بعد از این با میتونی خوب غذا بخوری واسه این که خیلی لاغر شدی.

یک دفعه قلبم تیر کشید... چون یاد یکی ازحرفهای بهرام افتادم که میگفت —«هیچ وقت نذارچاق بشی. چون هیکلت خیلی قشنگ و متناسبه، درست مثل یک نی نی میمونی، ظریف و بلندولاغر.» و به خودم گفتم: «نه عزیزم، هیچ وقت نمیذارم چاق بشم... و خودم رو همون طور که تو دوست داری نگه میدارم.

و نیم ساعت بعد، وقتی مادر در آشپزخانه گفت که احسان را هم برای شام نگاه داشته است یک کمی توی هم رفتم. البته این تنها کاری بود که مادرمیتوانست درقبال مهربانی اوبکند. ولی من اصلا حوصله نشست و برخاست با او را نداشتم وهمه اش دلم میخواست ازچشم هایش که ازمدتی پیش ازآن تصادف ازرازی گفته ای پر بود، فرار کنم. مادر که متوجه اخم های به هم کشیده من شده بود گفت —«برو یک کمی باهاش صحبت کن. اون خیلی واسه تو غصه خورده ومیدونی که واقعاً از ته قلب دوستت داره.»

درحالی که لب پائینم رامیگزیدم، گفتم: —«مادر، من واحسان با هم بزرگ شدیم ومثل خواهرو برادرمیمونیم. یادته وقتی بچه بودیم چون چندسال ازمن بزرگ تربود، چه کتکهایی به من میزد؟ خوب، با این وضع من چطورمیتونم با چشم عشق و عاشقی به او نگاه کنم و دلم میخواد شما هم این فکر ها رو به کلی ازسرت بیرون کنی.»

مادر همون طور که بشقاب ها را پاک میکرد، سرش را با غصه تکان داد و با صدای آهسته ای گفت: —«احسان پسرخیلی خوبیه و شوهرخیلی خوبی هم میشه. کاش تو یک کمی او رو دوست داشتی. اون وقت من دیگه هیچ غصه ای نداشتم و خیالم از طرف تو راحت میشد.»

نفس بلندی کشیدم وگفتم: «ولی مادرمن قبل ازاین که این بلا بسرم بیاد بهت گفته بودم که از بهرام ....» و در این جا بناگاه حرفم را بریدم. اصلا فایده آن اعتراف به مادرچه بود؟ من که میدانستم مادر فوراً مثال «کبوتر با کبوتر باز با باز» را می آورد و سعی میکند بمن بفهماند هر کس باید با هم طبقه خودش عروسی کند، دیگرچه اصراری داشتم که بازآن موضوع رامطرح کنم. مگرمادرچند بار با صراحت نگفته بود که «از رفت وآمد این پسره به خونه مون اصلا خوشم نمی یاد. اون لقمه ای نیست که از گلوی ما پائین بره و گلومون رومیگیره» وحالا همان طور که به چشم های مادر نگاه‌میکردم،

بقیه در صفحه ۷۱

فروش به افراد غیر عضو در شرکتهای تعاونی

از: حسین سالکی

پس چند راه اسان وجود دارد که شرکت میتواند میزان سرمایه خود بیافزاید وآن اینکه در آخر سال بجای پرداخت مازاد برگشتی بصورت پول نقد سهم یا سهام بیشتری در اختیار اعضاء خود قرار دهد ویا اینکه میزان مازاد دریافتی بجای‌پرداخت پول بآنها جنس وکالا بدهد تا مبادا دیناری ازآن پول درخارج از محیط شرکت حیف ومیل شود. پس باین ترتیب شرکت تعاونی ازاین راه میتواند بمیزان سرمایه خود افزوده ودر راه توسعه اقتصادی‌مصرفی بنفع اعضاء گام های بزرگتری بردارد.

هرچقدر شرکت تعاونی سرمایه بیشتر داشته باشد وبطور صحیح اداره شود وتوسعه آن بادور اندیشی وطبق برنامه پیش‌بینی شده همراه باشد طی چد سال خواهد توانست تعداد زیادی از کالاهای‌مصرفی اعضاء را خود تولید کرده وناگزیر نشود بنجل‌های سایر تولید کنندگان را باعضاء خود بفروشد. این همان برنامه‌ایست که تعدادی از سازمانهای تعاونی مملکت پیشرفته اجرا کرده‌اند که بعدها درباره‌آن‌سخن خواهیم گفت.

افلاطون میگوید: «اینکه مدینه فاضله یا نظیر آن وجود دارد یا نه ونیز درآینده ممکن است بوجود بیاید یا خیر، اهمیت چندانی ندارد. اما مهم این است که جامعه انسانی برای رستگاری خود اصول آنرا رعایت کند.»

بهنگام عبور از خیابانها گاهی نگاه شما بمغازه‌ای می‌افتد که تابلوئی بر سردر آن آویخته ویا بانئون‌های الوان نوشته شده: «شرکت تعاونی مصرف» ونیز بلافاصله نگاه شما بانوشته‌ای برخورد می کند که عابران را دعوت بخرید میکند: «خرید برای عموم آزاد است». بااندکی دقت بنظر میرسد که فروشگاه‌هائی از این دست باید بامشکلاتی مواجه باشند، چرا که هرکس که باشرکت تعاونی آشنائی اندکی داشته باشد، میداند که عده‌ای باید دور هم گرد آیند وباموافقت یکدیگر سرمایه‌ای رویهم بگذارند واساسنامه‌ای تهیه کنند وشرکت تعاونی تشکیل دهند. این شرکت فقط برای تأمین احتیاجات مصرفی کسانی تأسیس شده ومیشود که عضویت آنرا پذیرفته ویاخرید سهم یا سهام شرکت، سرمایه وهزینه‌های آنرا تأمین می کنند ودر اداره امور آن نیز باید همکاری وهمفکری داشته باشند.

در عین حال فلسفه واصول شرکتهای تعاونی در تعریف وتعیین خطمشی اداو آن تاکید می کند که شرکت تعاونی یک سازمان انتفاعی وسود ده نیست. ضمناً شرکت تعاونی بنا به‌طبیعت کمک متقابل آن بامؤسسات خیریه که براساس دستگیری و کمک یکجانبه بوجود می‌آیند، تفاوت دارد.

گذشته از این وجود حتی یک فروشگاه ساده که دارای تابلوی تعاونی باشد، بدانمعنی است که عده‌ای از مردم بامطالعه وتصمیم قبلی مصمم به‌همکاری بایکدیگر شده و بدینوسیله در رفع مشکلات اقتصادی واجتماعی باهم تشریک مساعی میکنند. تأسیس فروشگاه تعاونی اگر بااصول صحیح، یا بهتر بگوئیم باهمان اصول تعاونی اداره شود بخش ناچیز وکوچکی از فکر وفلسفه اجتماعی و اخلاقی است که باید تحقق پذیرد.

وقتی از غیر انتفاعی بودن شرکتهای تعاونی بحث میشود فلسفه اخلاقی آن که عبارت از دوری جستن از سودجوئی است، بذهن میرسد. همچنین آموزش این فلسفه و طرزفکر مربوط به‌آن بسایر افراد بخاطر آن است که مردم راه ورسم زندگی صحیح را بیاموزند و در راه نیل به‌عدالت اجتماعی که بدون رعایت حقوق یکدیگر تحقق نخواهد پذیرفت، قدمهای مؤثری بردارند.

باتوجه باینکه شرکت تعاونی صرفنظر از هرنوعی که میتواند باشد بمنظور برآوردن نیاز مشترك اعضاء ورفع گرفتاری آنان تأسیس میشود، آیا سایر افراد میتوانند بدون آنکه کمترین زحمت عضویت وشرکت در جلسات مجامع عمومی وسایر نشست‌ها وتأمین سرمایه آن را بخود راه دهند، از خدمات شرکت تعاونی استفاده برند؟

گفتیم که هدف بنیانگذاران نهضت تعاونی دستیابی بعدالت اقتصادی یا بنا بقولی دیگر، دست یافتن باقتصاد دموکراتیک است. باین ترتیب آیا معدودی شرکت تعاونی بامعدودی اعضاء در مقایسه باقدرت اقتصادی بخش انتفاعی می‌توانندمبارزه کنند؟...

پس راه منطقی مبارزه باین ترتیب‌است که طبقه کم‌درآمد، مخصوصاً مصرف کننده‌ها که در قالب شرکتهای تعاونی گرد می‌آیند، باید برکیفیت‌وکمیت کارو تلاش خود بیافزایند، باین معنی که کوشش کلیه شرکتهای تعاونی مصروف بدان شودتاتوجه هرچه بیشترمردم را بعضویت‌وگرویدن بصف اعضاء شرکتهای تعاونی جلب کنند. یعنی اگر شرکت‌تعاونی واقعاً خدمتی برای عضو خود صورت میدهد که افراد غیرعضوهم میخواهند ازاین خدمت برخوردار شوندحداقل یکی‌ازدورویه زیررا درپیش گیرند:

درآن فروشگاه تعاونی که خریدمیکنند عضوشوندودرمقابل خدمتی که‌شرکت‌تعاونی بآنها میکند تعهدات‌ولو کوچک‌و ناچیزی‌را بعهده گرفته وانجام دهندو یا باعده‌ای ازدوستان وآشنایان وافراد قبیل یاهمکاران اداری و صنفی خود دست یگانگی‌وهمکاری دادمو به تشکیل شرکت‌تعاونی تازه‌ای اقدام کنند.

تشویق‌و ترغیب مردم از راه دعوت و آگهی بخرید از فلان فروشگاه تعاونی نمیتواند از نظر خدمت اقتصادی‌و یا اجتماعی به‌افراد چندان سودمند باشد، مگراینکه بحکم اخلاق و نزاکت‌و اصل تعاونی مازاد خرید هرفردغیر عضو راازهمان ابتداء سال محاسبه‌و درحساب ویژه خریدارغیرعضوبمانند سایراعضاء نگهداری کردمو درآخر سال باو بازگردانند. این‌عمل حداقل دوفایده را درپیش خواهد داشت. اگر قصدو غرض مدیران شرکتهای تعاونی‌مصرف که باافراد غیر عضوو عموم مردم دادوستد میکنند، اشاعه‌و ترویج فکرو اقتصاد تعاونی در جامعه باشدو غایت مطلوبشان مبارزه منطقی باواسطه‌گری‌و محدود کردن انگیزه انتفاع شخصی‌و فردی باشد، بادرپیش گرفتن روش یادشده هم حقوق اعضاء را ملحوظو محترم شمردمو هم جنبه‌های اخلاقی‌و اقتصادتعاونی را بمردم غیر عضو نمایانده‌اند. در عین‌حال عملا بمردم می‌آموزند که برای عضویت در نهضت تعاونی درمملکت اقدام کنند.

شرکتهای تعاونی‌میتوانند روزنه امیدی را پدید آورند، بشرط آنکه همین شرکتهای تعاونی‌هوشمندانه عمل کنندو با تدبیر، طرح موفقیت‌آمیزی رادرکنار همین خریدوفروش بریزند تادرآینده بتوانند‌به‌هدف‌های خود، یعنی بی‌نیازساختن اعضای خود ازبخش اقتصاد انتفاعی، دست یابند.

اگر شرکت تعاونی ارزش اضافی کالای مورد دادوستد را بافراد غیر عضو پس‌بدهد، بیشتر درراه اصلی هدف خود گام برداشته است. زیرا هدف نهضت تعاونی، دراصل علیه سود-جوئی است‌پرداخت مازاد برگشتی بافراد غیر عضو نه تنهایک امر مفیدو اجتماعی است، بلکه طرح وسیعی برای گسترش نهضت‌تعاونی و همگام ساختن تدریجی‌افراد جامعه در راه هدف‌های مورد نظر نهضت تعاونی‌است.

دست‌اندرکاران شرکتهای تعاونی کشور ما سهم بزرگی را درپی سازی جامعه فردا بعهده دارند که‌امید است‌همگی درانجام این رسالت توفیق کامل داشته باشند.

*حرکت، نه‌سکون

نهضت انسانی تعاون میبایست هیچگاه دچار سکون‌و خمودی نباشد و پیوسته کوشش و تحرک داشته باشد. عناصر تعاونی باید عملا و به نحوی قابل لمس نارسائیها و ضعفهای بخش انتفاعی را به طبقه مصرف کننده و تولید کنندگان مواد غذائی و کشاورزی بنمایانند. شرکتهای تعاونی باید خود را بصورت سنگرهای اقتصادی و اجتماعی درآورند و ستون اتکای مصرف کنندگان قرار گیرند. طبقه مصرف کننده باید مفید بودن این شرکتها را بـرای العین مشاهده و احساس کنند. شرکتهای تعاونی با روشهای علمی وفنی خاص خود میتوانند علیه اجحاف‌های بخش انتفاعی به تلاش برخیزند.

افزایش سطح آگاهی اعضاء در درجه اول میتواند شرکت را از هر گونه تزلزل و رکودی بدورنگهداشته وواداشتن اعضاء به دعوت مردم غیر عضو به عضویت شرکت میتواند شرکت را به قلمرو تازه و وسیعتری ازنیروی انسانی بکشاند که دراین مرحله تازه بتوان گروه زیادی را به سوی نهضت جلب کرد و هم برای گسترش داد و ستد تعاونی و تأمین سرمایه و مبانی محکم اقتصادجمعی میدان وسیع تری بدست آورد.

هر چه سازمانهای تعاونی دراین راه پیشرفت کنند، نه تنها به استحکام قدرتهای مادی ومعنوی خود توفیق خواهند یافت، بلکه بهمان اندازه‌مصرف کننده را ازاقتصاد انتفاعی بدورخواهندداشت.

*تابلوی‌مصرف‌چیست؟

تابلو یا پلاك را میتوان راهنما یا وسیله‌ای دانست که افرادی را که بدنبال یافتن جا و محل ویژه‌ای هستند، بدرون‌آن‌راهنمائی کند.

تابلوی یک‌مغازه کفاشی یا پارچه فروشی میگوید دراینجا کفش و پارچه میفروشند. این تابلو ممکن است یک نوشته معمولی و ساده باشد، یا بانئون‌های الوان تزئین گردیده و با خاموش و روشن شدن خود، چشمها را خیره و تماشای رهگذران را نسبت به جلوه‌های خود برانگیزد.

آیا چنین تابلوی زیبائی میتواند بهمان اندازه توقع و رضایت خریداران و مشتریان را برآورده سازد؟ نقش و نگارهای خیره کننده بیرون‌و درون مغازه ونئونهای چشمک زن‌آن اگر خیلی چشمگیر باشد، میتواند مشتری و خریدار را تحت‌تأثیرقرارداده وچشمهای اورا بفریبد واو را بداخل مغازه بکشاند، اما وقتی مشتری نتوانست کفش مورد نظر خود را که محکم، بادوام، خوشدوخت و از لحاظ قیمت مناسب باشد بیابد، پس وجود چنان تابلوئی با همه هزینه‌ای که برای ساختن و تهیه آن مصرف شده، برای صاحبش نفع وعایدی نداشته و برای مشتریان راهنمای درستی نیست و درحکم آن عطارمشک‌فروش است.

در دنیای امروز اگر چه زرق و برق‌ها و تبلیغات ممکنست گروهی ازمردم را به کالائی جلب کند، اما این امر درمورد تمام مردم صادق نیست.

درباره شرکتهای تعاونی باما مکاتبه کنید

مجله «رستاخیز کارگران» از خوانندگان عزیز خود که درشرکتهای تعاونی مصرف واعتبار مسکن کارگاه خودعضویت دارند، می‌خواهد چنانچه مشکلات ومسائلی لازم به طرح و راهنمائی در مورد این شرکت‌ها که درآن عضو هستند دارند، بوسیله نامه با بخش تعاونی مجله درمیان بگذارند تا آنان را دراین باره راهنمائی کنیم.

شماره چهاردهم دوشنبه دهم
خرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

کارگران

روزنامه رستاخیز

ویژه هشتمین کنفرانس ملی کار

وزیر کار و امور اجتماعی در هشتمین کنفرانس ملی کار

توسعه سریع برنامه‌های عمرانی مسئله تحرک نیروی انسانی را بدنبال داشت

آقای امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی در نخستین روز برپایی هشتمین کنفرانس ملی کار

*** درسال گذشته بیش از ۵۰ هزار تحرک منطقی نیروی انسانی صورت گرفته است.**

وزیر کار و امور اجتماعی در هشتمین کنفرانس ملی کار با تشکر از حضور آقای نخست‌وزیر و دیگر وزیران کابینه گفت:

بار دیگر برای کنفرانس ملی کار و کلیه شرکت کنندگان در این کنفرانس افتخار بزرگی بدست آمد که رهبر بزرگ ایران اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر با پیام الهام بخش و سازنده‌ای هشتمین کنفرانس ملی کار را افتتاح فرمودند. سپاس بیکران کارفرمایان و کارگران کشور و مسئولان دولتی شرکت کننده در کنفرانس ملی کار را پیشگاه پیشوای عالیقدر ایران عزیز تقدیم مینماید.

کنفرانس ملی کار که در اجرای اوامر مطاع شاهنشاه آریامهر و پیام ملوکانه در سال ۲۵۲۸ و مقارن با پنجاهمین سالگرد سازمان بین‌المللی کار تاسیس شده که در خلال آن مسائل کارگری کشور مورد بحث و نقد قرار میگیرد و در پایان کار کنفرانس توصیه هائی درجهت بهبود نظام روابط کار و نیروی انسانی بدولت ارائه میشود.

وزیر کار افزود باید به یقین به این واقعیت اشاره کنم که این گفت و شنود های سه جانبه در استقرار تفاهم و دوستی بیشتر بین گروههای کارگر — کارفرما و دولت در زمینه مسائل کارگری نقش عمده و بسیار معتبری را داشته است و به نمایندگان این گروهها فرصت داده تا با کمال بی‌نظری و عدالت مسائل راموشکافی کنند و راه حلهای مختلف را مورد ارزیابی قرار دهند.

کارگران و کارفرمایان کشور نه تنها از این طریق فرصتی برای تحلیل بیطرفانه روابط خویش و آثار این روابط در مجموعه نظام تولید بدست آورده‌اند بلکه توانسته‌اند راه صحیحی را برای انعکاس خواستها و نظرات خود در مجموع هدفهای برنامه های عمرانی کشور پیدا کنند.

وزیر کار در ادامه سخنان خود افزود در سال بزرگداشت پنجاه سال سلطنت پهلوی در زمینه مسائل کارگری سه واقعه مهم قابل توجه است.

که سومین کنگره کارگران ایران و شرفیابی نمایندگان کارگران بحضور شاهنشاه آریامهر. و تلگرام الهام بخش وافتخار آفرین رهبر خردمندمان در پاسخ تلگرام کارگران کشور

در این تلگرام شاهنشاه آریامهر «امر و مقرر فرمودند ابلاغ شود که انگیزه کار برای عموم کارگران وطن پرست کشور که بزرگترین عامل تولیدی هستند باید یک نوع انگیزه فردی و افتخار شخصی و ملی باشد و با مجاهدت هرچه تمامتر با پیشرفت سطح مهارت فنی تولیدات صنعتی خود را قابل رقابت با سایر ممالک پیشرفته جهان سازند تا بخواست خداوند متعال با تضمین مشارکت هر چه بیشتر آنان در افزایش محصولات ارتقاء روز افزون سطح زندگی برای قاطبه افراد ملت تامین گردد.

دومین واقعه مهم برگزاری هشتمین کنفرانس ملی کار است و سومین واقعه مهم اجلاس وزرای کار ناحیه آسیا استکه در ۲۸ شهریور در تهران تشکیل خواهد شد. که به بحث در باره آموزش و تحرک نیروی انسانی و انگیزه های ارتقاء سطح بهره‌وری خواهد پرداخت وزیر کار اضافه کرد جامعه ایران با برخورداری از رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر امروز حساسترین و دقیق‌ترین مراحل تکامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را میگذراند. بعداز گذشت از فراز و نشیب‌های بسیار و تفوق بر موانع و مشکلات و فراهم

آوردن مهمترین زیر بناها، طی سریع مراحل تکامل صنعتی و ایجاد فاصله بسیار با همه جوامع درحال رشد و با گروهی از جوامع صنعتی و در حالیکه فقر و بیکاری و تحقق هدفهای اجتماعی و انسانی توسعه صنعتی بزرگترین معضل دنیای کنونی است و در کنفرانس جهانی اشتغال که در خرداد ماه سال جاری در ژنو تشکیل میشود مهمترین مساله جوامع کنونی دنیای معاصر یعنی پیدا کردن راه‌حل برای ایجاد کار برای ۳۳ میلیون بیکار و ۲۸۳ میلیون کم کار جهان مطرح است.

لیکن در کشور ما زیر پرچم رهبری و هدایت سردار و فرمانده بزرگمان سخنی از این مسائل و معضلات در میان نیست. کار بقدر کافی اعتلای مقام یافته و شرافت و حقوق کارگر و نیروی مولد کشور در حد مطلوب محفوظ و مصون است.

بنابراین در حالیکه منابع انسانی جامعه مشخص و مهلت برای رسیدن به مرحله تمدن بزرگ و نیل به درجه مطلوب رفاه و عدالت اجتماعی محدود است و توفیق در مراحل آتی تکامل صنعتی منوط و موکول به ورود موفقیت آمیز در صحنه رقابت های بین‌المللی است تنها و مهمترین راه پیروزی افزایش کمی و کیفی بهره وری است.

بقیه در صفحه ۴۹

منوچهر گنجی، رئیس هشتمین کنفرانس ملی کار:

پیشرفتهای کارگر ایرانی، بدون موضع گیریهای خصمانه بین گروههای مختلف بدست آمده است

مهمترین دگرگونی در زندگی کارگران ما، اعتماد به نفس و آگاهی و شعوری است که کارگر ایرانی به نیروی سازنده و خلاق خویش پیدا کرده است

آقای دکتر منوچهر گنجی، استاد دانشگاه و رئیس هشتمین کنفرانس ملی کار، در نخستین جلسه کنفرانس، طی سخنان مشروحی مسائل کار را از دیدگاههای گوناگون مورد بررسی قرارداد.

منوچهر گنجی گفت:

هشتمین کنفرانس ملی کار را در زمانی برگزار میکنیم که ملت ایران پنجاهمین سال شاهنشاهی پرشکوه پهلوی را با سرفرازی و غرور فراوان گرامی میدارد. این بزرگداشت بما فرصت میدهد تحولاتی را که طی نیم قرن گذشته بویژه سالهای بعد از انقلاب در زندگی مادی و فکری جامعه ایرانی صورت گرفته است باختصار با هم مرور کنیم:

رضا شاه کبیر زمانی زمام امور کشور را بدست گرفت و دودمان پهلوی را تأسیس نمود که اختلال وازهم پاشیدگی سیاسی واقتصادی و اجتماعی ایران، و نفوذ استعماری روسیه و انگلستان معنی ومفهومی برای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورما باقی نگذاشته بود. در چنین اوضاع و احوالی اسفناك بود که او با ایجاد تمرکز سیاسی لازم شرایط اجتماعی رشد اقتصادی را فراهم کرد. رضاشاه کبیر با بصیرتی که داشت اهمیت خاصی برای نقش دولتها در صنعتی شدن کشورهای کمتر توسعه یافته قائل بود و بدین منظور اهرم دولت را به عامل اساسی رشد اقتصادی و صنعتی کشور تبدیل نمود. ایجاد راه‌آهن سرتاسری و جاده‌های جدید از جمله اقدامات مهمی بود که در زنده‌ساختن اقتصاد ایران نقش حیاتی داشت. همزمان با نوسازی اقتصادی برنامه نوآوری فرهنگی وسیعی آغاز شد. کشف حجاب، ساختمان اولین دانشگاه و مؤسسات فرهنگی و آموزشی متعدد از جمله دستآوردهای فرهنگی این دوران است.

تصرف ایران توسط متفقین پیشرفتها و ثبات این دوران را متوقف ساخت. پس از خروج نیروهای نظامی همسایه شمالی از کشور، که در پرتو فرماندهی خردمندانه و رهبری قاطع و توانای شاهنشاه آریامهر و مبارزات مردم رشید آذربایجان و ارتش شاهنشاهی انجام گرفت، کشورما برای مدت چند سال صحنه تاخت و تاز و فعالیتهای آشکار و غیر آشکار عمال ایرانی نمای بیگانه بود. بالاخره در سال ۲۵۱۲ شاهنشاهی با تحکیم و تثبیت ملی حکومت سلطنتی اغتشاش و اختلال این دوران سپری میشود. شاهنشاه سالهای ۲۵۱۲ الی ۲۵۲۰ شاهنشاهی را به‌آماده کردن شرایط زیر بنائی و رو بنائی یك انقلاب همه جانبه اساسی ملی در جهت تأمین حقوق حقه آحاد ملت ایران اختصاص میدهد. در کتاب انقلاب سفید در مورد انقلاب شاه و ملت شاهنشاه میفرمایند:

ما انقلابی را انجام دادیم که .... بدخواه هیچکس نبود و در عوض خیرخواه همه کس بود. هدف آن تنها یک چیز بود و آن این بود که حق را آنطور که خواسته خداوند است بمردم بدهیم و در این راه از هیچ قدرتی بجز خداوند نهراسیم.

آنچه اصالت این انقلاب را باعث میشد این بود که این حق بجای اینکه در انحصار عده محدودی باشد بهمه افراد ملت داده شد، و این همان چیزی بود که بزرگترین بشر دوستان جهان در هر عصری خواستار آن بوده‌اند. چهارده قرن پیش حضرت علی علیه‌السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر بدو توصیه فرمود: همیشه کاری کن که عدل شامل خاص وعام گردد، و در این راه رضای اکثریت را مقدم‌دار، زیرا که نارضائی عامه خرسندی خاصه را بی اثر کند. درصورتیکه ناخرسندی خاصگان در برابر رضایت و خشنودی عمومی موجب رضایی سوابسته، یعنی عموماً ... بسند عده‌ای محدود را راضی سازند، و برعکس خوشنودی این عده عرفاً خواه‌ناخواه بسی از عدم رضای عمومی را بگیرد.

... برای کشور و ملت ما چاره‌ای جز این نبود که اگر بخواهد در زمره ممالک زنده و مترقی و مستقل جهان باقی بماند، شالوده اجتماعی کهن را زیر و رو کند و آینده خویش را براساس اجتماع تازه‌ای که با مقتضیات و احتیاجات دنیای امروز هماهنگی داشته باشد پی‌ریزی نماید.

اساسی‌ترین دگرگونیهای این دوره را در زمینه‌های کارگری میتوان به‌ترتیب زیر یادآور شد:

از نظر کمیت ــ فعالیتهای اقتصادی کشور ما در پنجاه سال پیش محدود به چند کارگاه فردی و خانوادگی بود و اصولا کارگر بعنوان عامل تولید معنا و مفهومی نداشت. امروزه بعد از پنجاه‌سال بهره‌گیری از صنایع بزرگ وسنگین چون فولاد، مس، ذوب‌آهن، پتروشیمی اتومبیل سازی، لوازم الکترونیکی و برق، چوب‌بری، صنایع غذائی و صنایع ساختمانی کشورما میرود تا از مزایای یك اقتصاد صنعتی بنحو مطلوب برخوردار گردد. بنحویکه اگر هفده سال قبل برگردیم تولید ملی ما در زمینه بهره‌گیری از بخش صنعتی از حدود ۵۰.۲ میلیارد ریال در سال ۲۵۲۵ شاهنشاهی به ۴۴۷۱ میلیارد ریال رقم پیش‌بینی شده برای سال جاری یعنی حدود ۹ برابر افزایش یافته است. تعداد کارگران که بخش بسیار کوچکی از جمعیت فعال را تشکیل میدادند چه بطور مطلق و چه بطور نسبی افزایش یافته است تا آنجا که اکنون بیش از یک چهارم جمعیت فعال ایران در کارهای صنعتی و ساختمانی اشتغال دارند. این نیروی عظیم با وجود پیشرفت تکنولوژی و ماشینی‌شدن کارها بسرعت روبه‌افزایش است و بخوبی نمایان میسازد که ایران با شتاب بسوی صنعتی شدن گام برمیدارد وطی سالهای آینده از یک جامعه سنتی بصورت یك جامعه کاملا صنعتی درخواهد آمد. میدانیم که با وجود افزایش روزافزون کارگران و نیروی آماده بکار، نیاز به کارگر در سرتاسر رشته های صنعتی وجود دارد و کشور ما برخلاف بسیاری از جوامع صنعتی و

بقیه در صفحه ۵۰

کارگر در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی

سناتورطاهرضیائی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع ومعادن:

پیشرفت صنعت و تکنولوژی کشور ما به «بهره وری» بیشتری نیاز دارد

سناتورطاهرضیائی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن درهشتمین کنفرانس ملی کار با اشاره به موفقیت کنفرانسهای ملی کار در گذشته گفت:

سالیکه گذشت ، یعنی درفاصله هفتمین و هشتمین کنفرانس ملی کار در سایه ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی کم سابقه ایکه ازبرکات رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر نصیب کشور بود ضمن اینکه از رشد اقتصادی بسیار درخشان وغرور آفرینی برخوردار بودهایم گامهای بلند و مؤثری نیز در امر بهبود شرائط زندگی و تأمین رفاه بیشتر اجتماعی خصوصاً برای طبقه کارگر برداشته شده که بتصدیق همه در دنیا کم سابقه و در کشورهای مشابه بی‌نظیر بوده است تصویب واجرای قانون تأمین اجتماعی واجرای صمیمانه اصل ۱۳ انقلاب‌شاه وملت در زمینه گسترش مالکیت صنعتی واگذاری سهام کارخانجات بکارگران را میتوان بعنوان اهم اقدامات انجام‌شده درسال گذشته یادآورشد.

با اجرای قانون بسیار جامع و مترقی تأمین اجتماعی ازمردادماه‌سال گذشته نه تنها دامنه شمول خدمات رفاهی و درمانی وسعت یافت و اکثر نزدیک باتفاق هموطنان ما اعم از کارگران ، کارمندان ، پیشه‌وران ، صاحبان مشاغل آزاد ، دهقانان ، مدیران و صاحبان صنایع و سایر گروهها از تولد تا مرگ در زیر پوشش یک نظام تأمینی پیشرفته و مطمئن مورد کمک‌وحمایت قرارگرفتند، بلکه درقانون‌جدید حقوق ومزایائی بمراتب بیشتر ازآنچه درقانون قبلی برای بیمه‌شدگان منظورشده‌بود، پیش بینی گردید.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران افزود : افزایش میزان انواع مستمریها و ترمیم‌سالانه آن براساس افزایش هزینه زندگی، تقلیل سابقه پرداخت حق بیمه در مورد بازنشستگی وفوت بیمه‌شده ، حذف ۹۰ روزسابقه پرداخت حق بیمه بعنوان شرط استحقاق استفاده از درمان، برخورداری بازنشستگان ازخدمات و کمکهای درمانی و حقوق و مزایای چشم‌گیرو بسیارارزنده دیگری که درقانون جدید تأمین اجتماعی برای بیمه‌شدگان منظور شده ودر بسیاری از کشورها، کارگران وزحمتکشان باوجود سالها تلاش ومبارزه هنوز بکمتر از آنهم دسترسی نیافته‌اند نشانه عنایت ومراحم خاص رهبرعالیقدرمملکت وتوجه هیئت محترم دولت به‌تأمین رفاه وآسایش عموم افراد ملت خصوصا کارگران شریف وگروههای زحمتکش جامعه ماست.

باغرور وسربلندی بایدقبول وادعان کرد کشور ماطی پنجاه سال سلطنت پربرکت وشکوفان دودمان پهلوی بیش‌از تمامی طول تاریخ خود به‌پیشرفت وترقی نائل‌آمده است. آنچه‌شده وآنچه داریم در این دوران بالنسبه کوتاه ولی‌درخشان، پرتلاش وسازنده صورت گرفته که بدون تردید قبل‌از هرچیز مرهون‌درایت، علاقه، اراده، وطن‌پرستی، پشتکارو از خودگذشتگی اعلیحضرت رضاشاه کبیر وشاهنشاه آریامهر فرزندخلف وبرومندآن بزرگمرد تاریخ است.

طاهرضیائی درقسمتی دیگرازسخنان خود گفت : فرصت مغتنمی است تااز زاویه منافع ومصالح مشترك باوضاع واحوال صنعتی کشورخود بنگریم ودوستانه وصمیمانه اعتراف کنیم سطح بهره‌وری درصنایع مادرحدمطلوب ورضایت‌بخشی‌نیست وآموزش حرفه‌ای و اعتلای مهارتها باهمه اقدامات ومجاهداتی که‌درسالهای اخیر بعمل‌آمده ویا حق‌شناسی مورد تقدیر وتائید ماست آنچنانکه پیشرفت صنعت وتکنولوژی در عصرماطلب میکند کافی نبوده است وبهمین‌دلیل وبخاطرهمین کمبود ارتقاء سطح بهره‌وری و آموزش حرفه‌ای در دستور کار این کنفرانس قرارگرفته و سازمان کمک و راهنمائی کارشناسان و مقامات مسؤل دولتی به بررسی وچاره‌جوئی واداشته است.

درسال جاری ملت حق‌شناس و بیداردل ایران با سربلندی و افتخار در راه بزرگداشت پنجاه‌سال سلطنت دودمان پهلوی از هیچگونه تجلیل و احترامی باین سلسله جلیل که درخشانترین صفحات تاریخ ما را بخشمات، صفحات تاریخ ما را بخشمات، فداکاریها و اقدامات درخشان خود تخصیص داده است فروگذار نخواهد کرد . بخش خصوصی نیز با احساس غرور و شادمانی سهم خود در این بزرگداشت مشارکت خواهد نمود و یقین دارم کارگران شریف نیز با احساس حق‌شناسی واخلاص دراداي احترام و تجلیل ازنیم‌قرن سلطنت پربرکت و سازنده پادشاهان پهلوی کوتاهی نخواهند کرد . با اینوصف پیشنهاد می کنم علاوه برآنچه درابراز سپاسگزاری و شادمانی در این‌خصوص معمول خواهیم داشت،سال جاری راکه مقارن باسالگرد پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی است در روابط صنعتی و پیشرفت اقتصادی خود نقطه‌عطفی تلقی نموده بکوشیم تا از این پس فصل جدید و درخشانی در توسعه و ترقی کشوربگشائیم.

بیاد داشته باشیم بی‌نیاز کردن مملکت از از محصولات صنعتی بیگانه و ترقی اقتصاد و صنعت در ایران از آرزوهای بزرگ سردودمان پهلوی بود و دراین راه از بذل هیچگونه تلاش و کوشش کوتاهی نفرمود . اگر طی مدت شانزده سال پادشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر با سرمایه‌گذاریهای دولتی کارخانجات مختلفی درگوشه‌وکنار مملکت بوجود آمد و راه صنعتی‌شدن کشور هموارشد واگر آن شاهنشاه بزرگ با فراهم آوردن کلیه تسهیلات ممکن سرمایه‌داران داخلی را به سرمایه‌گذاریهای صنعتی‌تشویق می‌فرمود، بخاطر همین عشق و علاقه به رشد و ترقی صنعت درداخل مملکت و بی‌نیازی ازمحصولات بیگانه بود . امروز نیز فرزند برومند سردودمان پهلوی شاهنشاه‌آریامهر جز این نمی‌اندیشند که با اجرای طرحهای عظیم رشد و توسعه مملکت درمقیاس و سطحی هرچه عالیتر تحقق‌پذیر و با پیشرفت صنعت، ارتقاء سطح بهره‌وری، بالابردن، کارآئی و انضباط درصنایع، تعالی مهارتها و آشنائی با تکنولوژی معاصر توسعه اقتصادی بنحوی صورت پذیرد که از مرز خود تمامی بگذرد و محصولات صنعتی ایران بیش ازپیش به بازارهای‌جهان راه‌یابد.

بکوشیم تا آرزوهای درخشان و والای پهلوی اول و نیات عالی و بلند پهلوی دوم را با کار وکوشش دسته‌جمعی و هم‌آهنگ تحقق بخشیم.

بزرگترین ثروت هر کشور، نیروی کار آن است

بقیه‌ازصفحه ۵

نمی‌توانست در زمینه‌ی آفریننده‌ای بکار گرفته شود ، بلکه بطور کلی، وجود خارجی هم نداشت تا اینکه با شروع شاهنشاهی پهلوی بهمراه تحولات و دگرگونیها در تمام زمینه ها ، امکان تولد و رشد سریع این (بزرگترین ثروت ملی) نیز فراهم گردید ، امروزه ، درحالی که در بستر هموار وگسترده انقلاب ، زمینه‌های روحی و معنوی وملی برای افزایش بهره‌وری مهیاست ، و بهنگامی که در پرتو رستاخیز ملت ایران ، راه برای مشارکت همه جانبه و سازنده کلیه افراد این مرزو بوم ، ازجمله کارگران ایرانی ، در فعالیتهای مملکتی هموار شده است ، باید حتی لحظه‌ای را از دست‌ندهیم ، و تجهیز کارگران کشوررا به دانش ومهارتهای لازم ، بمنظور ارتقاء سطح بهره‌وری آنان ، مورد توجه خاص قراردهیم.

نخست‌وزیر سپس به‌اقداماتی که دراین زمینه صورت گرفته پرداختند و اظهار داشتند : گرچه برای حل مشکل کمبود نیروی انسانی ، خصوصا درفعالیتهای زیربنائی ، تلاش‌وسیع و پیگیری آغازشده که‌این تلاش هنوز کم‌است‌و باید این تلاش به جهاد مبدل شود . وبا استفاده از روشهای ابتکاری ، ومتناسب با خصوصیات جامعهٔ ایرانی ، این نارسائی تا حدودی مرتفع شده است، اما با توجه به تجارب گرانبهائی که بدست آورده‌ایم ، دگرگونی در روشها و ابزار تولید ، و بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین وجدیدترین وسائل ونحوه‌تولید، ونیز دگرگونی کمی‌وکیفی درمهارتهائی که به کارگران آموخته میشود ، ضروری می‌نماید، بخصوص که تفاهم وصلح و صمیمیت حاکم بروابط کار ، و تشکل و یکپارچگی کارگران ، محیط اجتماعی روابط صنعتی را ، برای دستیابی باین خواست ملی‌مهم واساسی ،مساعدترساخته است.

آقای هویدا افزودند: منافع مشترك کارگرو کارفرما با بهره‌گیری کارگران ایران ازسود ویژه کارگاهها از طرف دیگر ، و مهمتر از همه ، مشارکت و سهیم شدن کارگران در مالکیت واحدهای تولیدی وصنعتی ، محیط کارجامعه ما را ازهرجهت مطلوب و دلپذیرساخته است ، دراین شرائط ، و بهنگامی که رستاخیز ملت ایران زمینه را برای مشارکت گسترده تمام گروههای جامعه ، درزندگی سیاسی ، اقتصادی ، واجتماعی کشور، هموارساخته‌است،وظیفه فرد فرد ما ، ازجمله کارگران ، یعنی « بازوی مولد جامعه » ، است — که با بالا بردن مستمر سطح مهارت و بهره‌وری خود ، و درتحلیل نهائی با تولید بیشترو بهتر، رسالتی را که دراین دوران باشکوه واستثنائی تاریخ ایران برعهده‌دارند ، بانجام رسانند ، زیرا ، برای اینکه به پیشرفت بیشتر دست یابیم ، و از رفاه افزونتر برخوردار شویم ، باید کاربهتروسازنده‌تر را ، که لازمه آن کسب مهارت است ، یک وظیفه تردید ناپذیر ملی تلقی کنیم.

کارگر در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی

فرج الله ابکاری رئیس سازمان کارگران:

اصول انقلاب تکیه گاه تزلزل ناپذیر جامعه ایران است

رئیس سازمان کارگران ایران در نخستین جلسه هشتمین کنفرانس ملی کار مقارن برگزاری این کنفرانس با پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را فرصتی دیگر برای بررسی موفقیتهای کارگران خواند ،و طی سخنان خود گفت :

پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی همواره برای ملت ایران بخصوص کارگران منشاء خیر و برکت بوده است . یک سند کارگری مربوط در حدود ۵۰ سال قبل در دست میباشد که نمایشگر اندیشه خلاق رضاشاه کبیر در جهت حمایت از گروههای زحمتکش بوده است و متن این سند در سال ۱۹۲۳ ،میلادی درمجله سازمان بین المللی کار بچاپ رسید .دراین سند فرمانی است که ازجانب سردار سپه نخست - وزیر ، وزیر جنگ و فرمانده کل قوا به والی کرمان و بلوچستان در مورد رفاه و بهداشت و ساعات کار کارگران قالی باف صادر شده است. متن این سند میرساند که درآن زمانیکه کارگران کشورهای تازه صنعتی شده جهان برای تقلیل ساعات کار و بهداشت ورفاه خود درمجادله و اعتصاب با کارفرمایان بودند ، پیشوای اندیشمند ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر با یک فرمان ساعات کار را به ۸ ساعت تقلیل دادند و برای بهداشت و رفاه کارگران فرمانی صادر کردند.

رئیس سازمان کارگران افزود : امروز با گذشت نیم قرن شاهنشاهی پهلوی کارگر ایرانی از مترقی‌ترین قوانین کار که شرایط کارش برمبنای عدالت اجتماعی و صلح کار پی‌ریزی شده و رفاه و آسایش مطلق برخوردار است و بهمین جهت است که ملت ایران ودر پیشاپیش آنها کارگران ، شاهنشاهی پهلوی را ارج میگذارند.

نظام شاهنشاهی با ۲۵۰۰ سال سابقه درخشان وافتخار آفرین راز جاودانگی ملت ما قانون اساسی خون بهای زنان ومردان آزاده و فداکار این مرز وبوم ومنشور انقلاب تکیه‌گاه تزلزل ناپذیر وپیشرفتهای انقلابی جامعه ما و رهگشای دوران مجد وعظمت ورفاه وخوشبختی این سرزمین است و بهمین علت است که هر ایرانی جان خود را از سرصدق وصفا شیفته حراست و پاسداری ازشاهنشاهی ایران قرارداده ونیز هم نظام شاهنشاهی را ضامن استقلال وتمامیت ارضی ایران وحفظ قومیت وعظمت ملیت خود میداند وشاه را ظل الله وسایه خدا ومنبع فیض و برکت میشناسد.بدون شک کارگران کشورما که در حقیقت یکی از اساسی‌ترین اهرمهای انقلاب محسوب میشوند ، با برخورداری از اصول انقلابی سود سهیم کردن در منافع کارگاهها ومشارکت در مالکیت واحدهای تولیدی صنعتی [illegible] در ویهبود بوئید) [illegible]

[illegible]

[illegible] عامل منبعث ازشرایط تلاش [illegible] برنامه‌های آموزشی خود را در جهت اشتغال تام موازی باصنایع [illegible] پیشرفته دقیقا دنبال مینماید.

حیدرخانبابائی نماینده کارگران:

برخورداری از سود ویژه وگسترش مالکیت صنعتی علاقه کارگر را به صنایع کشور روزبروز بیشتر میکند

حیدرخانبابائی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت ملی نفت ایران طی سخنان پرشوری که با احساس آکنده ازمهر و صفا و صمیمیت بیان داشت به بررسی اوضاع اجتماعی کشورمان پیش ازآغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر پرداخت و نکاتی را بازگفت.

حیدرخانبابائی که از سوی کارگران سخن میگفت اظهار داشت:

[illegible] امیدی به تجدید حیات ایران سرمست و یکی از [illegible] در اقصی نقاط کشور سدهای بیشماری برای ذخیره حیاتی‌ترین ماده زندگی بشری ساخته شد . شبکه برق سراسری از کرانه‌های ارس تا دورافتاده‌ترین نقاط خلیج فارس را در بر گرفت رشد اعجازآور اقتصادی ایران باعث حیرت جهانیان شد . کارگری که روزگاری اجیر کارفرما بود ، کارگری که در زندگی فقط زنده‌ماندن به خاطر استثمارشدن میدانست تا جیب کارفرما را پربر سازد به همت والای شاهنشاه عظیم‌الشأن درمالکیت کارخانجات شریک‌شد. برخورداری کارگران از ۲۰٪ سود ویژه کارخانجات مدرت مالی وعلاقمندی کارگر را به صنایع و کشور افزون‌ترساخت وخلاصه اصول ۱۷ گانه انقلاب هریک به تنهائی تحولی عظیم در زندگی تمام قشرهای اجتماعی کشور پدیدار ساخت و ما اکنون امیدوار و قوی به دنبال رهبر خویش به سوی دروازه‌های طلائی تمدن بزرگ به سوی بازگشت به دوران افتخارات کوروش و داریوش گام برمیداریم .

کارگر در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی

خسرو پاکباز، استاد دانشگاه:

سال ۱۳۴۱ برای مردم ما، به‌عنوان مقطع مشخصی از تاریخ بشمار می‌رود

آقای خسرو پاکباز استاد دانشگاه تحت عنوان کارگر در پنجاه‌سال شاهنشاهی پهلوی ضمن سخنرانی مشروحی که ایراد کرد گفت:

برای توجیه بهتر مطلب را زیر دواصل تجزیه و تحلیل میکنم:

اصل اول — اینکه چطور بدون هیچگونه امکانات مساعدو وسائل لازم و منحصراً در اثر همت و میهن‌پرستی و سجایای اخلاقی سر دودمان سلسله پهلوی این کشوربسوی توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی گام برداشت تا اینکه امروز کارگر عصر رستاخیز ایران درچنین مقام رفیع از نظر اقتصادی وسیاسی و اجتماعی قرار گیرد که البته تردیدی نیست که آنهم حاصل پی‌گیری و اقدامات داهیانه و مکمل‌و ابتکاری و تلاشهای‌مستمر رهبر کبیرو اندیشمند انقلاب ایران بوده‌است.

اصل دوم — اینکه اگر این‌ملت و بویژه کارگران آن که نیروی مولد وخلاق اقتصاد ایران میباشند توانستند باوجود این رهبران و برخورداری از چنین شیوه رهبری باین‌حد از ترقی و تعالی برسند مسلماً باید قبول کنیم که شرایط فعلی خلق‌الساعه نبوده و بآسانی بدست نیامده بلکه حاصل فداکاریها و ایثار نفس و کوششهای مستدام بوده است و بدیهی است که با داشتن چنین‌امکانات ومحیط مساعد بازهم این‌ملت میتواند وشایسته‌است که بارتقاء مادی و معنوی بیشتری دسترسی یابد.

ناطق سپس به‌ویژگیها و تحولات اقتصاد ایران درپنجاه‌سال‌اخیراشاره کردو گفت:

سال ۱۳۴۱ برای مردم این سرزمین بعنوان مقطع مشخصی از تاریخ بشمار میرود زیرا درششم‌بهمن این سال بنا باراده ملوکانه و تائیدملت ایران پس ازقرون واعصارمتمادی فئودالیزم ارضی و رابطه‌تولیدی مالک و زارع درکشورما منسوخ شد و بواسطه اینکه تمامی هدف و محتوای آن تأمین عدالت اجتماعی و

اقتصادی و بهبود معشت و زندگی کشاورزان و کـــارگـــران درسود ویژه کارخانجات آنـــانرا نیـــز مـــورد حمـــایـــت وپوشش قرارداد. گواینکه دراین انقلاب جهات اقتصادی از اولویت و امتیاز خاصی برخوردار بود ولی‌درعین‌حال متضمن جنبه‌های اجتماعی وسیاسی‌هم بود.

ناطق آنگاه بقوانینی که درعصر پهلوی برای رفاه کارگران بتصویب رسیده است اشاره و درباره مقام و موقع اجتماعی کارگر در پنجاه سال‌شاهنشاهی پهلوی گفت:

کارگران ایران ازنظر رفاه اجتماعی درتمام دوران سلطنت دودمان پهلوی مورد حمایت مداوم ومؤثر بوده‌اند که قسمتی‌ازآن که مربوط بزمان اعلیحضرت فقید بود بیان شد اما بعد ازآن اولین اقدام وسیع وهمه‌جانبه تأسیس صندوق تعاون کارگران‌بود که پس ازتغییراتی که در مقررات و حدود مسؤولیتهای این صندوق بعمل آمد سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران تأسیس شد که پس‌ازاصلاحـــات و تجدیدنظرهائی که در قانون بیمه‌های اجتماعی بدفعات بعمل آمد بالاخره امروز بصورت یک‌واحد بسیارمؤثررفاهی با وابستگی بوزارت رفاه اجتماعی درآمده که بامر تأمین اجتماعی کارگران میهن‌ما اشتغال دارد.

مصطفی‌فرمان‌آرا:

بفرمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر مقررات بسیاری برای رفاه حال کارگران وضع گردید

مصطفی‌فرمان آرا یکی دیگر ازسخنرانان نخستین روزبرپائی هشتمین کنفرانس‌ملی کار بود که با عنوان خورشیدی که درتاریکی‌ایران درخشید، به بحث درباره وضع کارگران در گذشته پرداخت وگفت:

باطلیعه سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر نخستین قانون بنام حمایت ازحقوق صنفی‌طبقه زحمتکش ازمجلس شورای ملی گذشت وازآن پس به سبب‌امنیت وثبات وتعمیم اقتصاد کشورکارگاههای صنعتی‌زیادی در ایران تأسیس‌شد که‌اهم آن: کارخانه‌های ریسندگی وبافندگی، چرمسازی، کبریت‌سازی، روغن سازی، بلورسازی، اسلحه‌سازی، سیمان، صابون‌سازی، دخانیات بوده‌است وهمانطور که‌میدانید خیلی اقدامات مهم دیگری در همین دوران صورت‌گرفت که از نظر افزایش تعداد کارگران اهمیت بسزائی داشت مانند ایجاد راه‌آهن سراسری وتأسیسات وابسته به‌آن، شبکه راههای شوسه وساختمانهای دولتی که همموجب جذب کارگر ومجتمع شدن آنان درکانونهای کارگری گردید و بمرور ازطریق مراجع‌مربوطه بفرمان‌اعلیحضرت رضاشاه کبیر مقرراتی برای ترفیه‌حال کارگران مثل ایجاد صندوق احتیاط کارگران راهها پرداخت مقرری به‌مصدومین، تعیین وپرداخت مقرری به‌خانواده کارگرانی که براثرحادثه درحین انجام وظیفه تلف میشدند، پرداخت مستمری به‌ورثه کارگران متوفی وضع گردید.

خلاصه تاآنجا که مربوط به‌نجات‌طبقه کارگراز فقر وبینوائی وتأمین نسبی زندگی مادی ومعنوی آنان بود این سردار بزرگ تاریخ پهلوی مضایقه نکرد زیرا هیچوقت از اندوه وملال طبقه‌محروم کشور آسوده نبود.

سپس در زمان سلطنت شاهنشاه آریامهر با تأسیس‌وزارت کار یک‌نظام ارتباطی و هم‌بستگی بین کارگر وکارفرما از طریق وضع وانشاء قوانین مفید ومتحول ایجادگردید وایران از بنیانگزاران سازمان بین‌المللی کار قرارگرفت ووزارت کار بفرمان شاهنشاه مجموعهٔ مقاوله‌نامه‌ها وتوصیه‌نامه‌ها ودیگر موازین ومقررات ومتون تنظیمی سازمان را راهنمای سودمندی در تدوین مقررات مربوط به‌شرایط کار در ایران قرارداد وباولویت هائی‌مثل بیمه بازنشستگی، کمک‌عائله‌مندی، بیمه حوادث ناشی ازکار،بیماریهای حرفه‌ای، بیمه‌بیماریهای خانواده‌بلافصل کارگر، کمک ازدواج،غرامت دستمزد ایام بیکاری ومزایای متعدد دیگر دست یافت وهراندازه که توسعه اقتصادی کشور افزون گردید راه‌گشائی‌بیشتری برای طبقه کارگر پیدا شد تاجائیکه بفرمان شهریار بزرگ ایران که حامی طبقه مولده زحمتکش بوده‌اند کارگران در سود کارخانجات هم شریک شدند واز برکت انقلاب شاه وملت از آن پس کارگر در حقیقت ازصورت طبقه‌ای خارج شد وجزو ارکان فعال وسازنده صنایع کشورگردید.

سرانجام وقایع ورویدادها بود که انقلاب صنعتی پس‌ازسالیان اثرات خودرا ظاهرساخت. تشکیلات کارگری کم کم وسعت یافت و توقعات کارگران به‌مرور افزون گردید بطوریکه هم‌اکنون در سراسر کشور ۷۶۷ سندیکا و ۱۸ اتحادیه کارگری بوجودآمده که‌اجتماع افراد آن در برگزاری سومین کنگره کارگران نمودار وحدت‌وهمبستگی آنان در شناخت مسائل ملی ودرك واقعیتها وآمادگی در راه تجدید بنای‌اقتصادی واجتماعی‌مملکـــت میباشد.

اجتماع امروزکارگران در سازمانهای کارگری وشرکت‌آنان در مسائل عمومی نشانه‌این است که‌امروز سطح معرفت و بینائی کارگران بالا رفته‌است. اگردرگذشته راندمان کار کارخانجات از جهت ضعف نیروی کار همواره رو به افول وزوال بود بخاطر عدم تأمین زندگی کارگر وقهر وابهام مسائل‌مربوط به‌روابط کارگر وکارفرما ونیروی سوم یعنی (تشکیلاتهای کارگری) بود.

اشتغال‌فکری کارگران درابتلائات‌شخصی جائی در مغزآنها برای تفکر،تلاش، کارآئی وحفظ وبقای کارگاه از طریق همکاری و بهترآموزی باقی نگذارده بود.اما امروز که براستی میتوان‌گفت طبقه کارگراز هرجهت رفاه، مصونیت، آتیه،امید دارد. درکارگاه که‌هست فکرش محدودبه حدود وثغور کارش میباشد مثلا اگر زنش یابچه‌اش مریض شود دیگر مسأله پزشک، ماما، پول، تعطیل کارش بخاطر علاج‌یابی‌مطرح نیست وهمه‌چیز بی‌حضور ودخالت او برای رفاه وآسایش خانواده‌اش بیش‌ازهرکس دیگر آماده‌است. همانطور که خوشبختانه اکثریت‌آنها وقوف دارند باید برای افزایش بهروری از لحاظ کمی‌وکیفی تلاش کنند زیرا خود میدانند که توسعه اقتصادی کشور بدون‌تلاش وسعی بیشترآنها بیهوده است. محوومظاهرعقب‌ماندگی وپیشبرد صنایع که‌آرزوی مشترك شاه ومردم ایران است باافزایش کار، کار، کارمیسراست وبس.

درهشتمین کنفرانس‌ملی کار

بقیه ازصفحه ٤

فریدون ناصری معاون نیروی انسانی وزارت کار و اموراجتماعی به بحث و تبادل نظر درآموزش‌و تربیت وتحرک‌نیروی انسانی پرداختند ونکاتی را یاد آورشدند و با توجه به این موضوع که اولویت آموزش کامل مشخص است لزوم کوشش وتکاپوی هرچه بیشتر دراین مورد را متذکر شدند. «دلپذیر کردن محیط کار» موضوع دیگر دستور کار کنفرانس بود که در چهارمین وآخرین روزبرپائی هشتمین کنفرانس ملی کارمورد مداقه قرارگرفت. دراین روزنیز امیر حسن فرزانه مدیر عامل بنیاد صنعتی اسفراین - جمشید بهدین مدیر کل بازرسی کار- یوسف بهرادسپوری نماینده کارگر ونیز دکتر سعید نوند نماینده کارفرما — پرویز خرسندی مدیر کل روابط کارهریک بطورمشروح دراین زمینه و بوجود آوردن شرایط مناسب درمحیط کار سخن گفتند. همچنین کمیسیونهای فنی در چهار کمیته جداگانه در موضوعاتی چون دلپذیر کردن محیط کار— آموزش وتربیت و تحرک نیروی کار— انگیزه‌های ارتقاء سطح بهروری — وقطعنامه، در طول برگزاری کنفرانس درجلسات عصر خود به بحث وتبادل نظردرموضوعات مربوط بخود پرداختند.

در این کمیته‌ها نمایندگان کارگر — کارفرما—دولت و استادان دانشگاه شرکت داشتند. لازم بیاد آوری است که کمیته قطعنامه دو روزتشکل از رؤسای کمیتـــه‌های سه‌گانه دیگرتشکیل شد.

وبالاخره هشتمین کنفرانس ملی کارعصر چهارشنبه بیست ونهم اردیبهشت ماه گذشته در جلسه عمومی خود پس از نتیجه گیری از مذاکرات وتبادل نظرها وتصویب قطعنامه‌و اعلام نظرات وتصمیمات کنفرانس وهمچنین سخنان وزیر کارواموراجتماعی ونایب رئیس کارگری کنفرانس —نائب رئیس کارفرمایی کنفرانس و رئیس کنفرانس و نواختن سلام شاهنشاهی کارخودراپایان‌داد.

انگیزه های ارتقاء سطح بهره وری

بیژن خرم معاون سازمان مدیریت صنعتی:

«کار» بزرگترین وسیله دست یابی به استعداد است

* عبادت درصورتیکه نتیجه آن کمک بــه بهزیستی دیگــر انسانها باشد بزرگتریــن فضیلت ها است.

بهره‌وری و ارتقاء سطح آن از جمله مسائلی بود که در هشتمین کنفرانس ملی کار مورد بحث و تبادل نظر کارشناسان قرار گرفت و شرکت کنندگان در کنفرانس به لحاظ اهمیت آن هریک در این مسئله اظهار نظر کردند. بدون تردید افزایش سطح بهره‌وری مورد نظر است و بارها مورد تاکید قرار گرفته، اما اینکه چگونه میتوان به این مهم دست یافت و اصولا چه روشهایی باید مد نظر قرار گیرد، خود سخن دیگری است. از این جهت و با این دید که برای دست‌یافتن به «بهره‌وری» چه مسائلی باید مورد توجه قرار گیرد آقای بیژن خرم معاون سازمان مدیریت صنعتی که در جریان هشتمین کنفرانس ملی کار با عنوان کردن مطالب بسیار جامع در این موضوع شناخت خود را از مسئله نشان داد،

بمسئله آموزش در امر بهره‌وری اشاره داشت، و اینکه آموزش از چه مرحله‌ای بایستی شروع بشود، گفت: «معمولا وقتی به آموزش اشاره میشود این مسئله را دنبال دارد که کاردانی‌های فنی فرد خواه کارگر یا کارفرما را بتوانیم افزایش دهیم. لیکن بنظر من این کافی نیست، و تمام اطلاعات و دانشی که در فرد هست نمی‌تواند بازگو کننده این نکته باشد که این فرد درآینده در برخورد با مشکلات و مسائل چگونه رفتار خواهد کرد. آنچه که فوق‌العاده مهم جلوه میکند، روحیه عواطف و انگیزه‌های فرد میباشد. اینها هستند که در نهایت معین میکنند که فرد با آنچه که دارد چه خواهد کرد. در این زمینه، آموزش بیشتر باید جنبه پرورشی داشته باشد، یک نوع آموزشی عاطفی و اخلاقی لازم است و این باید در سرتاسر کشور صورت بگیرد همه به‌آن در هــــر شغل و مقام احتیاج داریم. تحقیقات نشان میدهد که هرزمان توسعه اقتصادی بوجود میاید عواملی

بیژن خرم معاون سازمان مدیریت صنعتی هنگام برگزاری هشتمین کنفرانس ملی کار در گفتگو با محمد جعفر فتحی‌زاده دبیر روزنامه رستاخیز کارگران

را به همراه داشته است. ما سی سال قبل را که نگاه بکنیم، می‌بینیم که تفکر و مشغله و نگرانیها و شوق ساختن و پیشرفت کردن و موفق شدن در ادبیات و اشعار و آنچه که مردم یک جامعه از آن تغذیه میکنند منتشر شده است و معمولا این سرمایه‌گذاری عاطفی در آینده به یک انفجار اقتصادی منجر میشود. در این کار و در این زمینه مدیریت بسیار دست تنها است. نباید فقط به او اکتفا بکنیم. زندگی سازمانی فرد جزئی از کل حیات او است. باین ترتیب لازم است تمام این نهادهای اجتماعی برای بیدار کردن این روحیه به‌فرد که با دیگران ارتباط پیدا میکنند، مجهز باشند و همکاری بکنند. این از خانواده میتواند شروع بشود. در مدرسه میتواند ادامه پیدا بکند و بعد در داخل آن کلیه کسانی که بنحوی در ارشاد مردم و افکار عمومی تاثیر دارند، میتوانند یک نقش مهم را ایفاء کنند، از جمله وسائل ارتباط جمعی و غیره. به‌این ترتیب باید از بچه‌ها شروع بکنیم، به کل جامعه ناظر باشیم، و از تمام ابعاد مختلف یک حمله همه‌جانبه بــرای برانگیختن روحیه بوجود بیاوریم.

گسترش مالکیت صنعتی بعنوان یکی از انگیزه‌های بهره‌وری مورد تائید قرار گرفت.

آقای بیژن خرم که ارتباط این اصل را با موضوع بهره‌وری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

معاون سازمان مدیریت صنعتی در پاسخ اظهار داشت: مسلم است که این یک مرحله مقدم‌تر و جلوتری است برآنچه که من انگیزه روانی بهره‌وری میگویم، ولی مسلماً این عامل بصورت یک احساس، تعلق کردن و حقیقتاً خود را سهیم دیدن در سرنوشت یک مؤسسه. ایجاد یک نوع همدلی و ایجاد وحدت هدف اشتراک منافع میسازد. فکر میکنم از این طریق بوضوح میتوان دید که این اصل چقدر میتواند مهم باشد.

تقویت معنوی و بازشناسی درون اساس و بنیاد دیگری در جهت افزایش بهره‌وری عنوان شد، ولی چگونه این کار میبایستی صورت گیرد و ابزارهای کار چگونه است، سؤال بعدی ما از آقای بیژن خرم بود.

معاون سازمان مدیریت صنعتی اظهار داشت: یک‌نوع مغزشوئی عمومی از غرب سرچشمه گرفت. بدین ترتیب که انگیزه انسان را در هر کاری صرفاً اقتصادی تعبیر کردند و فکر کردند که سوخت و محرک کلیه رفتار آدمی پول است. ودر این زمینه باصطلاح «بی‌مایه فطیره» این طرز تفکر یک رواج و شیوع بین‌المللی شدید پیدا کرده. جامعه ما اکنون در یک بحران اخلاقی در این زمینه بسر میبرد. چون غایت تلاش همه افراد این است که بتوانند در حداقل مدت زمان میلیونر بشوند. واین را از هر راه و بهر طریقی توجیه میکنند. این آن جامعهٔ ایده‌آلی که ما در فکرش هستیم نخواهد بود. مسلماً اقتصادیات و رفاه بی‌نهایت مهم است. ولی این غایت زندگی نیست. بلکه این تنها فرصتی است که انسان آزاد میشود تا بسوی آنچه که عمیقاً برای او معنی‌دار است برود. این انگیزه‌هاست که ما آنها را اصلی و اصیل میدانیم. برای بهسازی نظام سازمانی فرد و جامعه. در این زمینه فرهنگ و میراث فرهنگی گذشته ما بسیار غنی است و «کار» راحتی عبادت تلقی می کنند و کار بزرگترین وسیله‌ایست که انسان از طریق آن میتواند به‌آنچه که استعداد دارد دست یابد. پس پاداش کار میتواند روانی باشد. پاداش کار میتواند خیلی فراتر و عالی‌تر و مهم‌تر و نیرومندتر از پاداشهای اقتصادی و مادی باشد. در این زمینه هست که ما احتیاج به یک‌نوع رستاخیز فرهنگی و یک بازآموزی ارزشهائی را که در گذشته داشتیم داریم زیرا در برخورد با فرهنگ غرب کردیم که آنها را فراموش بکنیم. خوشبختانه در این زمینه بسیار غنی هستیم و آنچه که لازم است اینکه به‌نحوی این ارزشها به‌خورد افراد داده بشود و افراد در این زمینه اعتقادات تازه‌ای پیدا کنند و خلاصه یک میثاق اخلاقی روانی در کل جامعه بوجود آید. در این جهت که کمک کردن به بهتر شدن جامعه انسانی فی‌نفسه و در حد خود بهترین پاداشها است.

افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه برنامه‌هــا طی چندسال اخیر تنگنای نیروی انسانی و متعاقب آن مسئله بهره‌وری را مطرح کرد. اگرچه مسئله بهره‌وری در هرصورت میتوانست مطرح باشد ولی آیا میتوان افزایش سطح بهره‌وری را با توسعه برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری مرتبط دانست؟

در این مورد آقای بیژن خرم گفت: از لحاظ اضطرار ممکن است یک چنین وضعی بوجود بیاید. مسلماً شرایط تأثیر میگذارد لیکــن علی‌الاصول ما این را میدانیم که بشر تمنیات بسیار و گوناگون دارد، در حالیکه امکانات بسیار محدود است و مادام که چنین تضادی وجود دارد، بشر احتیاج دارد که حداکثر استفاده ممکن را از فرصتها و امکانات محدود بکند. برای اینکه هرچه بیشتر بتواند توقعات متنوع و روزافزون خود را برآورده سازد درنتیجه مادام که سفینه زمین محدود است و مادام که منابع کمیاب است بشر نیازمند به این است که به‌نحوی بهره‌وری خود را در تأمین نیازهای متنوع خود افزایش بدهد. از این نقطه‌نظر بهره‌وری یک‌نیاز جهانی و یک نیاز جاودانی است. ولی آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد متأسفانه تعریف صحیحی از بهره‌وری مورد نظر قرار نگرفته. غالباً این مسئله را بصورت نسبتی بین ستاده‌ها و داده‌ها در نظر میگیریم و در این زمینه خیال میکنیم هرچه هست مصرف‌شدنی است و من‌جمله فایده انسان در این است که نیروی انسانی را میشود بصورت نیروی اسب تلقی کرد و آدم را میشود در راه تولید مصرف کرد

بقیه در صفحه ۴۹

صمد سعیدی نماینده کارگران:

برای ارتقاء بهره وری مدیریت از سرمایه گذاری باید جدا شود

اعمال مدیریت صحیح وتوجه کارفرمایان به خواست مشروع کارگران مهمترین عامل در ارتقاء سطح بهره وری است

ارتقاء سطح بهره وری عنوان وسخنرانیهای دومین روز هشتمین کنفرانس ملی کار بود. آقای صمد سعیدی نماینده کارگر که در این موضوع سخن میگفت، ضمن اشاره به اهمیت ارتقاء سطح بهره وری یادآورشد:

بهره وری را از چه راه و به چه وسیله میتوانیم بدست آوریم. آیا افزودن به ساعات کار و تشدید مقررات مربوط بآن میتواند ما را به هدف برساند؟ مسلماً خیر، و صریحا اعلام میدارم که اعمال مدیریت صحیح و توجه بخواسته ها و نظرات مشروع کارگران از طرف مدیریت، مهمترین عامل در بهره وری و ارتقاء سطح آن است. وی سپس با اشاره به این نکته که تقویت روحیه کارگر در این امر تاثیر فوق العاده ای دارد، یادآور شد وظیفه هر دو گروه کارفرما و کارگر است که با رفع کلیه مشکلات و موانع گامهای مشترك و مؤثری در اینمورد بردارند. در غیر اینصورت ما نمیتوانیم جوابگوی نیازهای آتی و آینده کشور خود باشیم. وی اضافه کرد متأسفانه هنوز در بعضی از کارگاهها و کارخانجات مدیریت از سرمایه گذاری تفکیک نشده و اعمال این سیاست یعنی تمرکز مدیریت در دست سرمایه گذار مضراتی ببار آورده است که غیرقابل انکار است. زیرا علم اقتصاد امروز ثابت کرده است که یک سرمایه گذار شخصاً نمیتواند مدیر خوبی باشد و باید سرمایه از مدیریت تفکیک و کسانی در کارگاهها و کارخانجات بمدیریت گمارده شوند که دارای تحصیلات کافی و تجربه مناسب و دارای احساس مسؤولیت باشند تا با اعمال مدیریت صحیح و ایجاد حس همکاری و حسن تفاهم با کارگران آنان را برای ارتقاء سطح بهره وری کار مهیا و آماده سازنده این آرزوی نهائی فرداً فرد ما کارگران میباشد که بتوانیم وظایفی را که درقبال کشور عزیزمان ایران و شاهنشاه آریامهر برای اعتلا صنعت و ارتقاء سطح بهره وری کار داریم شرافتمندانه انجام و دینی را که بر عهده داریم ادا سازیم. اینجا دست دوستی و تفاهم ما کارگران بسوی کارفرمایان محترم دراز و از آنها صمیمانه میخواهیم که بموازات افزایش مهارت از طرف کارگران و همکاری آنها با کارفرمایان برای ارتقاء سطح بهره وری، کارفرمایان نیز سهم خود با اعمال مدیریت صحیح و آماده نمودن مواد اولیه مرغوب موجبات ارتقاء کمی و کیفی بهره وری را فراهم سازند.

توسعه سریع برنامه های عمرانی مسئله تحرک

بقیه از صفحه ۴۳

وزیر کار و امور اجتماعی اضافه کرد درحالیکه جامعترین مشوق های موجود برای افزایش بهره وری در اصول چهارم و سیزدهم انقلاب شاه وملت پیش بینی شده است باید با ارزیابی دقیق اصالت وفلسفه وجودی این دو اصل مهم که اساساً موقعیت و مقام کاملا جدیدی برای یک کارگر شاغل در واحد تولیدی وصنعتی ایجاد کرده است و مطلوب تر کردن روش مدیریت و ابزار و روش تولید و استمرار آموزش فنی وحرفه ای و بازآموزی های لازم وتوسعه مذاکرات سازنده وخلاق دوجانبه بین سازمانهای کارگری و کارفرمائی از همه راه ها وچاره ها برای افزایش بهره وری استفاده کرد و فقط با همین طریق است که میتوان با استفاده جامع از زیربنای مهیا شده درچارچوب اصول انقلاب شاه وملت سطح رفاه و سعادت قاطبه مردم کشور و توزیع عادلانه درآمد ها را به حداعلای لازم ارتقاء داد.

درحالیکه زمینه های ملی ومیهنی و روحی درجامعه یکپارچه و همبسته ایران برای تلاش بیشتر و اعتلای مقام کشور در تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر مهیا است، تعمیم و توسعه آموزش و پرورش مطلوب و مرتبط با موقع خاص ایران عامل بسیار مهمی برای افزایش کمی وکیفی قابلیت تولید منابع انسانی کشور بشمار می آید و نیروی کار کشور را آماده خواهد ساخت تا به خواست ملی و میهنی خود یعنی پاسخ به ندای فرمانده بزرگ ایران مقتدر و نیرومند ومالاً کار و تلاش بیشتر و تولید بهتر وفراوانتر جامه عمل بپوشاند.

بنابراین لازم است باردیگر نیازهای کشور به توسعه و تعمیم آموزش در سطوح مختلف و بدون التباس بی چون و چرا از الگوهای صادراتی و با رعایت دقیق الزامات ومقتضیات محیط توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران مورد ارزیابی قرارگیرد و در زمینه های فنی وحرفه ای چاره ها و تدابیر عملی در سطوح مختلف ارائه شود.

توسعه سریع برنامه های عمرانی در کلیه مناطق کشور مساله تحرك نیروی انسانی را بدنبال داشته است. درحالیکه تحرك نیروی انسانی بین بخشهای مختلف تولیدی و مناطق گوناگون کشور بسیار ضروری و اجتناب ناپذیر است و عامل موثری است برای نیل به هدفهای جامعیت رفاه و تفاهم اجتماعی و فرهنگی، باید این تحرك تحت نظم صحیح قرارگیرد بطوریکه هدفهای سایر بخشهای تولیدی و برنامه های عمرانی بعضی از مناطق کشور را مختل و متوقف نسازد و ازسرگردانی های معلول حرکت های خود بخودی اجتناب شود. درحال حاضر تحرك غیرمنطقی بین بخشهای روستائی وشهری وفعالیت های کشاورزی وصنعتی بیشتر مصداق دارد.

مراکز کاریابی و اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری نزدیک خانه های فرهنگ روستائی وزارت تعاون و امور روستاها طرح مشترکی را برای منطقی کردن این تحرك تنظیم وشروع به اجرا کرده اند و درسال ۲۵۳۴ شاهنشاهی بیش از ۵۰ هزار تحرك منطقی نیروی انسانی با مباشرت این مراکز انجام گرفته است و درسال جاری با توسعه مراکز مذکور وگسترش همکاری مشترك وزارت تعاون و امور روستاها و وزارت کار وامور اجتماعی تحرك نیروی انسانی نظم بیشتری پیدا خواهد کرد.

جابجائی نیروی انسانی از یک فعالیت اقتصادی به فعالیت اقتصادی دیگر نیز باید تحت نظم صحیح درآید و لازم است ترتیبی داده شود تا صرفاً برای مزد بیشتر ازمیزان استحقاق، کارگری از یک واحد اقتصادی به واحد اقتصادی دیگر حرکت نکند.

بااحترام کامل به اصل آزادی انتخاب شغلی باید ازطریق همکاری مدیران فعالیت های اقتصادی و سازمانهای کارگری و کارفرمائی ترتیبی مهیا گردد تا این جابجائی ها تا حدیکه برای اعتلای مرتبه و نشان اجتماعی کارگر ایرانی ضرور است انجام گیرد و در این باره نظم مطلوبی مستقرشود.

دلپذیر بودن محیط کار درجای خود عامل موثری است درجهت افزایش بهره وری و ارتقاء سطح رفاه وآسایش نیروی کار کشور.

بقیه «کار» بزرگترین وسیله دست یابی به استعداد است

وسازمان سالم، سازمانی است که بتواند درحداقل زمان آدم را به اسکناس تبدیل نکند. این مراد وغایت مانیست، روشهای مختلف و فرمولهای مختلف بهروری عواقب مختلفی رابرای جامعه، وبرای فرد دربلندمدت ایجاد میکند وخیلی مهم است که ما نسبت به این عوامل هوشیار باشیم وتعریف آن را از بهره وری طوری تنظیم بکنیم که در نهایت آن نتایجی رابدست بدهد که ما جستجو میکردیم. ولی مسلماً درکوتاهمدت ارزش داده وبازداده فرمول خوبی است، وبهره وری را افزایش میدهد واگر ماتتوانیم رشد ورضایت سازمانی تأمین بکنیم دربلندمدت همه چیزی را که بدست آورده ایم، ازدست میدهیم.

در پایان این گفتگو از بیژن خرم معاون سازمان مدیریت صنعتی خواستیم که باتوجه به مطالب گفته شده چه روشی را برای افزایش سطح بهره وری پیشنهاد میکنید.

آقای بیژن خرم گفت: احساس من این است که افزایش بهره وری درواقع از عوامل ومتغیرات فوق العاده مفصل و گوناگون، سرچشمه میگیرد. برای افزایش آن ماباید تمام عواملی راکه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در نهایت به نیروی سازندگی آدمی منجر میشود، در نظر بگیریم و در این زمینه احتیاج داریم که بدانیم تمام عوامل بهم وابسته وپیوسته هستند وغافل شدن از هرکدام ممکن است که عواملی دیگر را ازکار بیاندازد. این یک دیدهمه جانبه لازم دارد، یک دیدکلی تر احتیاج دارد وباید بایک تفکر فلسفی درباره مدینه فاضله ومراد ما از جامعه ایده آل شروع بشود واحتیاج به این دارد که شقوق مختلفی که مابوسیله آن، بهره وری را تعریف میکنیم واندازه گیری میکنیم قبلا کاملامقایسه بشود وعواقب آن مورد نظرقرارگیرد. در این صورت نظر من این است که دیدهمه جانبه دراین مورد لازم داریم ولی احساس من این است آنچه که فوق العاده مهم است وبسیار بحرانی وتمایل فوق العاده دارد که ازآن غافل بمانیم ایجاد یک رستاخیز اخلاقی، معنوی وفرهنگی است. در درون ماوایجاد یکشوق استدر آدمی برای کمک کردن به محیط در جهت افزایش و اعتلای کیفیت زندگی ورهاشدن وآزادشدن از این طرزتفکر که غایت هرفرد وهرسازمانی فقط گرفتن واستثمار کردن محیط است. وپیوستن به این عقیده که دادن همان اندازه لذت بخش است که گرفتن.

عبادت در صورتیکه نتیجه آن کمک به بهزیستی دیگر انسانها باشد بزرگترین فضیلت ها است و در این زمینه ماباید به این ادراك در نهایت برسیم که هیچ چیز باارزش تر از ایثار کردن نیست.

دیگر در ایران کارفرما و کارگر جدا ازیکدیگر وجود نخواهد داشت

بقیه از صفحه ۵۵

شده در ایجاد آن محیط خاص کاری مورد نظر را شناخت. چون نیازهای برآورده نشده و اصولا نیازهر محیط کاری ازنظرانسانی با محیط کاری دیگر فرق میکند. کارگر کلابی و کارخانه ای در زمینت نیازهاشی با کارگر و کارخانه ای زابل ازنظر مطبوع تر نمودن محیط کار کاملا متفاوت است. گرچه که حتی هدف از هر دو کارخانه ایجاد یک محصول واحد باشد. باید دانست که نیازهای برآورده نشده درمحیط های کار ایجاد تنش میکند وتنش در پرتو فرهنگ و محیط مبدل به خواست میگردد. این خواستها بصورت داعیه های مثبت ومنفی تجلی میکنند تا سبب بروز اعمال و حرکاتی خاص گردند که مثبت بودن این اعمال و حرکات خاص محیط کار را مطبوع تر و منفی بودن اعمال و حرکات خاص محیط کار را نامطلوب تر مینماید.

وی در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت:

این واقعیت باعث خوشبختی جامعه ایرانی است که در تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر ما دارای آنچنان محیط های کاری شده ایم که کارگران آن هر روز بیشتر نیازهای ثانویه خود را برآورده میکنند و مدتها است که با سرعتی عجیب ازمرزهای این دو نیاز گذشته و در تهیه برآوردن نیازهای ثانویه پیش میروند.

بدون شک با فروش سهام کارخانه ها و واحد های تولیدی که به امر شاهنشاه صورت گرفته، دیگر در ایران کارفرما و کارگر جدا از یکدیگر وجود نخواهد داشت.

ما اکنون دارای برنامه ای هستیم که بموجب آن کارخانه ها ۴۹ درصد سهام خود را به کارگران واگذار میکنند. ازاین رو کارگران و خرده مالکان در صف پیشین جنبش انقلابی، قرار دارند و موفقیت این برنامه تنها بعلت وجود رابطه ویژه ای است که میان شاه و ملت وجود دارد.

کاظم خسروشاهی، ازطرف کارفرمایان:

پیشنهاد برای ارتقاء سطح بهره وری

من سعی کرده‌ام مطالب خود را در محدوده تصمیم گیری واحدها مؤسسه نگهدارم و چون بهره‌وری را یک مفهوم پیچیده‌ای میدانم که خیلی ازعوامل درآن مؤثر هستند.

عوامل ارتقاء سطح بهره‌وری

۱ — عامل اجتماعی:

mayo میگوید کارگران دورهم جمع میشوند و گروها دسته‌های غیررسمی تشکیل میدهد تا خلائی را که در زندگی احساس میکنند پرنمایند. این خلاء در نتیجه احتیاج اساسی انسان به زندگی اجتماعی و دوست‌یابی است که سازمان صنعتی جدید به آن توجهی ندارد. سازمانهای بزرگ امروزی نارضایتی و بی تفاوتی ایجاد کرده و انسان احساس بیگانگی برای همه مینماید. مبادله پول در مقابل کار است. کار تقسیم شده و یکنواخت که منزلت انسانی را از بین برده و آنرا مسخ کرده است. نتیجه این نوع روابط کار ستیزه‌جوئی و کشمکش است.

نسخه mayo برای رفع این مشکل اینست که میگوید ارتباطات را بهتر سازید تا دلها بهم نزدیکتر شده و راه پیدا کنند. سرپرستی را بعهده کسی بگذارید که احترام گذاشتن بدیگران جزء طبیعت آنها باشد.

۲ — عامل شیوه سرپرستی:

Bensislikert مترجم مطالعات دانشگاه میشیگان در بررسی علل انگیزه توجه خاصی به شیوه سرپرستی کرده و ارتباط آنرا با بهره‌وری در کار تعیین میکند. مطالعات مکتب میشیگان نشان میدهد که دو نوع شیوه سرپرستی وجود دارد:

در نوع اول سرپرست توجه به نتیجه کار دارد.

در نوع دوم سرپرست توجه به شخص کارگر دارد و کنترل و ارزیاب کننده و اندازه‌گیرنده نتیجه کار شخص کارگر است.

میزان اثر بهره‌وری این دوشیوه سرپرستی در کارگروهی کارگران متفاوت است و مطالعات نشان میدهد که در بسیاری موارد نه همه موارد شیوه سرپرستی که بیشتر به شخص توجه دارد بهره‌وری کار را زیادتر میسازد.

۳ — عامل روانی:

در مطالعات روانشناسان خدمات روانی پتزبورگ fredricK Herzberg و همکارانش عوامل انگیزش را از عوامل بهداشتی کار جدا کرده‌اند. این محققین معتقدند که عوامل انگیزش اثر روی طرز کار و بهره‌وری میگذارد ولی عوامل بهداشتی در بهتر کردن طرز کار و بهره‌وری اثری نداشته بلکه وجود آن عوامل مانع ضررهائی میگردد که روحیه نامساعد در کار بیاورد.

حقوق خوب — تأمین در کار — شرایط کار برای گروه مهندسین عوامل بهداشتی هستند و انگیزه واقعی کار برای آنها بهرمندی از فرصتهائی است که بتوانند در کارشان خبرویت پیدا کنند و مسئولیتهای سنگین‌تری را بعهده بگیرند.

۴ — عامل سازمانی:

Chrts Argris اثرات سازمانی را در انگیزه افراد مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گیریهای ارزنده‌ای کرده است. بنظر او ساخت سازمانی — رهبری دستوری — کنترلهای مدیریت مثل بودجه — سیستم پاداش و زمان سنجی اثرات زیادی بر روی رفتار وطرز کار افراد میگذارد.

۵ — عامل فلسفه مدیریت:

بالاخره میرسیم به مک گریگور و مطالعات او روی فلسفه‌های مدیریت.

مطالعات مک‌گریگور نشان میدهد که برداشت مدیران و پیش‌فرضهای آنها از طبیعت انسانی و سازمان و طرز کار افراد در سازمان فلسفه مدیریت اشخاص را تعیین میکند.

خلاصه ونتیجه این بحثها اینست که انگیزه کار و افزایش بهره‌وری از جنبه‌های مختلف قابل مطالعه و بررسی است و هیچکدام به تنهائی جواب کافی به سئوال اصلی ما نمیدهد.

توصیه من به هیئتهای مدیره و مدیران عامل مؤسسات اینست که یک الگوی بهره‌وری کار برای هر واحد خود کفا ایجاد کنند و تغییرات میزان آنرا با توجه بمطالبی که بیان شده است مرتباً بررسی و ارزیابی نموده و مدیران و مسئولین مؤسسه را راهنمائی نمایند.

توصیه من به وزارت کار که تا کنون بعنوان نماینده کارگر عمل کرده است اینست که در تجدید نظر قانون کار کلمه کارفرما را در قانون اصلاح نموده و نقش جدید خود را تصریح نماید.

توصیه من بدولت اینست که از شاهنشاه استدعا گردد یک دفتر عالی بهره‌وری زیرنظر شورای اقتصاد ایجاد گردد و شورا در تصمیمات خود توجه به بررسیهای این دفتر و ارزیابی تصمیمات از لحاظ افزایش یا کاهش بهره‌وری درمؤسسات نماید.

دکتر کیقبادی:

داشتن غرور وشوق دست یابی به‌هر کاری راممکن میسازد

دکتر پرویز کیقبادی در دومین روز برپائی هشتمین کنفرانس ملی کار از سوی کارفرما، به بحث درباره بهره‌وری وعلل اهمیت به‌این موضوع پس ازجنگ دوم جهانی پرداخت وگفت:

درکشاورزی سعی‌میشود با کود — آیش — بذربهتر — آبیاری‌بموقع واستفاده از نیروی انسانی صحیح ازمقدارمعین زمین وآب‌محصول بیشتری برداشت نمایند تاخواربار جهانی دچار قحطی‌وکمیابی نشود وحتی زمینهای غیرقابل کشت رابه کشت‌زارتبدیل نمایند.

بطوریکه مشاهده میشود بهره‌وری چه در کشاورزی وچه در صنایع به‌عوامل مختلفی مربوط است واز طرف دیگر هم دولتهای توسعه یافته ازطریق توسعه اقتصادی هم کشورهای عقب‌مانده جملگی در صدد ترقی بهره‌وری هستند یکی بمنظور افزایش تولیدات ملی و تأمین استاندارد زندگی بهتر ومرفه‌تر ودیگری بمنظور مبارزه باقحطی و کمیابی، پس بهره‌وری موردتوجه ممالک پیشرفته وعقب‌مانده ومورد نظرممالک‌فقیروغنی است.

دکتر کیقبادی سپس باتأکید برسه‌نکته مدیریت — تکنولوژی و کارگفت:

یکی‌از وظائف مدیریت صرفه‌جوئی در منابع است که‌مدیر نه تنها در این مورد رسالتی نسبت به‌نسل حاضر باید درخوداحساس نماید بلکه در پیشگاه نسل‌های آینده باید این‌رسالت را کاملا حس نموده ومورد‌توجه قرار دهد..

عامل دیگری که در بهره‌وری فوق‌العاده مؤثر است تکنولوژی است. این تکنولوژی که ماحصل آن استفاده از تکنیک برتر و بهتری است‌هم‌در صنایع وهم‌درکشاورزی مصداق دارد. تکنولوژی جدیدتولید اعم از تولیدات کشاورزی ویاصنعتی ومعدنی روزبروز مورد سنجش وآزمایش بوده وپی‌جوی یافتن شیوه‌های جدیدهستند. متأسفانه درکشورما به تکنولوژی وارتقاء واستفاده ازآن کمترتوجه میشود یکی‌از علل‌گرانی قیمتساختمان نسبت بسایر ممالک‌همین عدم توجه بـه تکنولوژی است.

ونکته سوم بهره‌وری کاراست، کارگر با مهارت وسرعت تولید بیشتر میتواند در جهت ارتقاءبهره‌وری کمک‌مؤثری باشد وهمچنین باافزایش تولید ومرغوبیت کالا، کارگرمیتواند درآمد بیشتری تحصیل نماید وازرفاه مادی وزندگی بهتر برخوردار شود. حال به‌بینیم عامل کارتابع‌چه متغیرهائی است.

دکتر کیقبادی در قسمتی‌دیگر ازسخنان خود اظهارداشت:

راجع به‌هریک ازانواع مشوقها وانگیزه‌ها نیز نظراتی‌است‌گروهی مشوقهای کاری و گروهی مشوقهای معنوی را عنوان نموده‌اند ولی‌آنچه مسلم‌است مشوق در بین‌ملل مختلف یکی نیست، بخصوص شوق‌های معنوی با فرهنگ وسنت مرتبط است. از همین لحاظ برای یافتن مشوق‌های کار دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی به تحقیق آزمایشی مبادرت نموده.

این نکته را باید تذکر داد که شواهد عدیده‌موجوداست که‌اگر شخص به انجام کاری شایق بوده احساس غرور نماید تا سرحدامکان از مجاهدت وتلاش فروگذار نمی‌نماید که نمونه‌آن عملیات کوه نوردان و اسکی‌بازان است که به‌مرحله اعجاب واعجاز میرسد.

بقیه پیشرفت‌های کارگر ایرانی، بدون‌موضع گیری‌های بین گروههای مختلف بدست آمده‌است

روبه‌توسعه، با مسئله بیکاری مواجه نیست.

۲ — ازنظر کیفیت کار و نوع فعالیت‌های صنعتی — تحولات اخیر بسیار بنیادی‌تر و چشمگیرتراست. کارگرایرانی که تاگذشته‌ای نه چندان دور فعالیتش منحصر به کارهای دستی و چند صنعت ماشینی ساده و ابتدائی بود اکنون در دهها رشته صنعتی پیچیده و تکامل یافته ازقبیل اتومبیل‌سازی، صنایع پتروشیمی و صنایع الکترونیک فعالیت دارد. به‌بیان دیگر نسبت کارگران نیمه‌ماهر وماهر در همه‌رشته‌ها افزایش بسیار یافته و کارگر ایرانی استعداد و شایستگی خویش را درفراگرفتن انواع مهارتها و کاربرد پیچیده‌ترین ماشینها به‌اثبات رسانده است.

۳ — ازنظر اعتلا حقوق فردی — چه ازنظر حقوق مدنی وسیاسی وچه ازنظرحقوق‌اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، پیشرفتهای کارگر ایرانی باگذشته بهیچوجه قابل‌قیاس نیست. علاوهبر قوانین حاکم بر روابط بین کارگر و کارفرما و بالاخص اصول چهارم، سیزدهم، پانزدهم، شانزدهم وهفدهم انقلاب‌شاه‌وملت که‌درجهت توزیع عادلانه درآمد ملی است مناسبات قدرت را در درون جامعه ما دگرگون ساخته و به‌نقش و منزلت اجتماعی کارگران والائی ویژه‌ای بخشیده‌است.

۴ — اما مهمترین دگرگونی در زندگی ما اعتماد به‌نفس و آگاهی و شعوری است که کارگر ایرانی به نیروی سازنده و خلاق خویش پیدا کرده است. امروزدرجامعه کارگری ایران اثری ازاحساس کوچکی وعقده‌حقارت نمیتوان یافت زیرا کارگران ما نیز مانند دیگرگروههای جامعه بخوبی دریافته‌اند که با برخورداری از حمایت بیدریغ رهبر عالیقدر ایران میتوانند به مقام رفیعی که شایسته یک انسان شریف و زحمتکش است دست یابند و با مشارکت در فعالیتهای ثمربخش و تولیدی از یک زندگی سالم بهرمندگردند.

واقعیت انکارناپذیری که بر عظمت این دگرگونیها می‌افزاید آنست که پیشرفتهای کارگر ایرانی بدون موضع‌گیری خصمانه بین گروههای مختلف و به عبارت روشنتر بدون پیکارهای طبقاتی بدست آمده است. نقش یک رهبری حکیمانه وروشن‌فکر ازیک‌سوی ومیراث مشترک فرهنگی‌ما که بنابرماهیت خود مهمترین عامل بازدارنده در برابر ستیزه‌جوئی و پیکار بین افراد ملت‌است ازسوی دیگر تحولات درعین حال انقلابی و بدون خشونت را امکان‌پذیر ساخته‌است.

آنچه در این کنفرانس باید بیش از هر موضوع مورد عنایت قرارگیرد رسالت تاریخی است که در این دوران جهش و سازندگی، کارگران ما بعهده دارند. هدفهای مقدس فرمانده بزرگ انقلاب در جهت تبدیل ایران به یک کشور نیرومند صنعتی و افزایش مبادلات و ارتباطات بین المللی ایجاب می کند که کارگران، سرمایه‌گذاران و مدیران ما تلاشهای خود را با نقش منطقه‌ای و جهانی ایران‌طی سالهای آینده‌هماهنگ‌سازند.

انگیزه های ارتقاء سطح بهره وری

تقی هنرورشجاعی:

ارتقاء کارگر از طبقه شغلی اش به طبقه یی بالاتر، از انگیزه های مؤثر ارتقاء بهره وری است

در بحث و بررسی انگیزه‌های ارتقاء سطح بهره‌وری، تقی هنرورشجاعی مدیر کل دفتر بهره‌وری وزارت کار و امور اجتماعی برای افزایش بازده تولید دو روش را مورد نظر قرار داد نخست افزایش کاربردعوامل تولید و بعد برمیزان کارآئی عوامل تولید افزوده‌شود.

مدیر کل بهره‌وری وزارت کار اضافه کرد: بنابراین این مرحله نخست که د رمسؤلیت مدیریت واحدهای تولیدی میباشد « لستاندارد-گذاری» است. در کارخانه‌ای که یک واحد مهندسی صنعتی وجود ندارد تا نیت عقلانی کردن تولید را بجامه عمل در آورد سخن از «انگیزه‌های ارتقاء بهره‌وری» تلـلی یا بجا است. این نکته برشأن تدابیر مدیریت بعنوان‌شرط اساسی اثر کرد تلاش کارگران در راه ارتقاء بهره‌وری تأکیدمی کند.

بهرتقدیر مطالعاتی که راجع به انگیزه‌ها (incentives) در کشورهای صنعتی بعمل آمده چنان وسعت و اهمیت یافته است که‌فصل .ویـنی‌ در علم اقتصاد بنام « اقتصاد انگیزه‌ها» (Fconomicsof incentives) گشوده اسـ.

وی افزود: البته همانطور که اشاره شد «انگیزه‌ها» به انگیزه‌های مالی محدود نمیشوند ولی باعتقاد اکثر متخصصان و دست اندر کاران این فن، مهمترین انگیزه‌ها همانا انگیزه‌های مالی می‌باشند. بررسیهائی که دراختیار سازمان بین‌المللی کار قرار گرفته است این اعتقاد را بوجود آورده‌است که «روشهای پرداخت حسب نتایج کار غالباً موجب افزایش بهره‌وری گردیده است». اقتصاددان بزرگ «پوهوریل» (Pohorill) معتقد است که «در هر جامعه بهترین راه افزایش بهره‌وری سیستمی ازمزد است که در آن مزدها مستقیماً با کار و نتایج کار ارتباط دادهشوند».

البته باید خاطرنشان کرد که وضع خاص کارگران در هر کشوری، یکی از عواملی است که معلوم میدارد چه تدابیری می‌توانند بعنوان «انگیزه» وی در ارتقاء بهره‌وری مؤثر افتند. مثلا در جامعه‌ای که کارگران ازمزایای تأمین اجتماعی بعنوان یکی از الزامات دولت، برخوردارند نمی‌توان بعنوان مثال «مستمری بیماری» را ازطرف کارخانه بعنوان انگیزه بکار برد. بالعکس اگر در کشوری مثلا یکی از حادترین نیازهای کارگران، امر مسکن آنان باشد واحد تولیدی می‌تواند با تشکیل صندوقی برای اعطاء وام مسکن و اولویت قائل شدن برای کارگرانی که در راه افزایش بهره‌وری کوشش می کنند از این تدبیر به صورت یک انگیزه قاطع استفاده کند.

یکی از مهمترین انگیزه‌های مالی، سهیم کردن کارگران درسود کارگاهها لست که چون در خور آن می‌باشد که موضوع یک کنفرانس قرار گیرد و روشها و نتایج سودمند آن بر همگان آشکار لست در این گفتار از بحث درمورد آن، خودداری می کنیم.

همچنین امکان ارتقاء کارگر از طبقه شغلی‌اش به طبقه‌یی بالاتر که در نتیجه هم شأن کار و هم مزد وی را بالا می‌برد یکی از انگیزه‌های مؤثرشناخته‌شده‌است.

منظور داشتن سهام کارخانه برای کارگران در ازاء افزایش بهره‌وری کار آنان، یکی ازشیوه‌هایی است که واحدهای تولیدی کشورهای صنعتی به عنوان انگیزه تجربه کرده‌اند.

وی افزود: اعطای سهام کارخانه، همانطور که گفته شد منظور داشتن سهام کارخانه در ازاء افزایش بهره‌وری کارگران، یکی از تدابیر و انگیزه‌های بسیار مؤثر در امر ارتقاء بهره‌وری است زیرا اساساً اندیشه «صاحب سهم کردن» کارگر بجاره‌اندیشی برای ارتقاء بهره‌وری می‌باشد. این انگیزه را به دو صورت میتوان پیاده کرد:

اعطای وام بدون بهرهٔ درازمدت جهت خرید سهام از سوی کارخانه به کارگر که کارگر با افزایش بهره‌وری کارش در آتیه این وام را بپردازد. و سپس اعطای سهام در ازاء افزایش بهره‌وری.

این سیستمها بر بنیاد یک «صندوق سهام مختص به افزایش بهره‌وری» مبتنی هستند. در هر کارخانه، میزان معینی از سهام به این صندوق اختصاص می‌یابد که به تناسب بهره‌وری کارگران در آخر هر سال تعدادی از سهام مذکور به آنان تعلق می‌یابد یا تعلق آن قطعی میشود. برای کارفرمایان و کارگران و به منظور تقویت این صندوق، مقرراتی مبنی بر معافیت سود این سهام ازمالیات وضع می گردد. خوشبختانه در ایران بسال ۲۵۳۴ این انگیزه به صورت اصل سیزدهم ممرر گردید با این تفاوت که اعطای وام جهت خرید سهام ازطرف دولت صورت میگیرد.

در برخی از کشورها سهم کارگران از سود واحد تولیدی‌راتماماً به صورت نقدی و مستقیم به آنان نمی‌پردازند بلکه صندوقهای مختلفی تحت عنوان صندوقهای انگیزه‌ها ایجاد نموده‌اند مانند «صندوق امور اجتماعی کارگران» «صندوق پاداش وانعام» و «صندوق خانه‌سازی» وجوه واریزشده در «صندوق خانه سازی» را میتوان ازمالیات معاف داشت و به منظور تهیه مسکن برای کارگران درمؤسسات اعتباری که وام مسکن می‌دهند تودیع نمود. دولت نیز می‌تواند مقادیری معادل یا بنسبتی معین با وجوه واریزی بدین حسابها کمک کند.

مدیر کل بهره‌وری وزارت کار و امور اجتماعی در قسمتی دیگر از سخنان خود به روشهای پرداخت مزد حسب نتایج کار پرداخت وگفت:

مطالعات گسترده و تجارب عملی‌چشمگیری در زمینه این روشها به عمل آمده است ازجمله سازمان بین‌المللی کار یکی از نشریات خود را تحت همین عنوان به تحلیل شیوه‌های برقراری رابطه میان مزد و بهره‌وری اختصاص داده است. ازآنجا که بحث درمورد این روشها جنبه کاملا تکنیکی و اختصاصی دارد که کماً و کیفاً متناسب با گفتار حاضر که یک نظر کلی در باب انگیزه هاست نمی‌باشد از بسط کلام دراین مورد اجتناب ورزیده‌و تنها اشاره‌می کنیم که خصیصه مشترک همه این روشها این است که مزد کارگران مستقیماً با نتیجه کارشان مرتبط باشد. این روشها به‌طور کلی به دوطبقه عمده قابل تقسیمند.

۱ روش کارمزدی

۲ روش زمان کارلستاندارد

در طبقه نخست به میزان تولید کارگر، مبنای محاسبه دریافتی وی قرار میگیرد و در طبقه دوم از روشها برای هر واحد کار، زمان معینی به صورت لستاندارد در نظر گرفته میشود که چنانچه کارگر در همان مدت زمان یا زمان کمتر، کا را انجام داد، به تناسب بهره‌وری‌اش ازمزد متناسب استفاده‌خواهد کرد.

قراردادهای بهره‌وری نکته دیگری بود که مورد بحث قرار گرفت وگفته شد:

گرچه همه سیستمهای انگیزه‌ای در معنی و هدف عام خود سیستمهای بهره‌وری هستند معهذا در دهه های اخیر، کشورهای‌بسیاری، قراردادهای بهره‌وری کار را ترویج و در انعقاد واجرای آن کوشش نموده‌اند.

از «قرارداد بهره‌وری» دراین معنای خاص خود تعاریف متعددی به عمل آمده ولی آنچه در همه این تعاریف مشترک است اینستکه مضمون و روح قرارداد بهره‌وری را تعهد کارگر برای ایجاد تغییراتی درسازمان کار تشکیل می‌دهد که مابه‌الازای آن، افزایش مزد وی درقبال انجام این تعهد است. به این ترتیب، «قرارداد بهره‌وری» به معنای خاص خود، نظر برتغییرشیوه‌های انجام کاردارد.

علی خاقانی نماینده کارگر:

توسعه و گسترش مدارس حرفه‌ای وفنی نیروی انسانی صنایع را تأمین میکند

آقای علی‌خاقانی که از سوی کارگران درموضوع آموزش و تربیت و تحرک نیروی انسانی‌سخن میگفت، اظهارداشت:

در جهان پرتحرک امروز آموزش آغاز و انتهای اکثر مشکلات لست وقتی صحبت از گرایش مملکتی به صنعتی‌شدن میرود آغاز آن آموزش است و این مشکل در نهایت با آموزش پایان میگیرد این برهان را اگربتمام مظاهر تمدن امروز تسری دهیم می بینیم که آموزش در همه حال راه‌گشای همه معادلات و اکثر مجهولات است.

وی افزود آنکه بعلت آموزش اجتماعی دیدی وسیع تر دارد خود طالب فراگیری درس تازه است من آموزش را درمسئله کارگری و از این بهتر درخصوص آموزش فنی خلاصه میکنم. آموزش‌فنی گرچه خدمتی همسایه زندگی بشر

آقای خاقانی سپس با اشاره به رشد سریع صنایع کشور و درنتیجه مطرح شدن کادرفنی ماهرومتخصص گفت:

اگر چندسال قبل دانش‌آموزان مدارس فنی را عدهٔ انگشت‌شمار تشکیل میدادند امروزه درب هر هنرستانی صف طویل از داوطلبین ایستاده‌اند و برای ورود به هنرستانها کنکور گذاشته اند اقدام عالی شاهنشاه‌آریامهر دائر به مجانی بودن بی‌قیدوشرط مدارس‌فنی و حرفه‌ای گامی بود بزرگ که نوجوانان را بطرف هنرستانها سوق داد ولی همانطورکه قبلا یادآور شدم متاسفانه بعلت محدودیت این مدارس بسیاری از نوجوانان هنوز هم از ورود به هنرستانها و

آموختن حرفه وفنی بازماندند. تقویت وگسترش مدارس موجود فنی و حرفه‌ای هماهنگ نمودن سیستم آموزش در اینگونه مدارس و تلـیـ

بقیه درصفحه ۵۲

معاون سازمان برنامه و بودجه:

برای جلوگیری از جابجائی غیرمنطقی

تجدید نظر کلی در امر آموزش لازم است

* در روستاها موجبات آموزش حرفه‌ای وفنی بایستی فراهم شود
* کارفرمایان بایستی با پدیده های جدید مدیریت آشنا باشند

در سومین روز برپائی هشتمین کنفرانس ملی کار آقای دکتر شاپور راسخ معاون هماهنگی و نظارت سازمان برنامه و بودجه با بحثی علمی مسئله آموزش و تربیت و تحرک نیروی انسانی را مورد بررسی قرار داد.

معاون سازمان برنامه و بودجه [illegible] ... خود را به [illegible] ... برای [illegible] لازم [illegible] ... که [illegible] مورد بررسی و توجه قرار [illegible] ... [illegible] و دشواری ادامه [illegible] دارد.

باتوجه به مصاحب آقای دکتر راسخ که به‌مسئله تحرک وآموزش اختصاص داشت آقای راسخ معاون سازمان برنامه‌و بودجه در پاسخ این سؤال رستاخیز کارگران که چگونه آموزش را برای تنظیم بهتر نقل‌وانتقالات کارگری مورد استفاده قرار بدهیم ، وچه بکنیم که‌آموزش موجب پیوند صحیح‌تر و نیرومندتر فرد باجامعه محل خودش بشود ، بطوریکه روستاها دریک مدت کوتاه از جمعیت‌فعال روستائی خالی نشودوافراد تحصیلکرده روستاها تمایل به گریز از روستاو هجوم به شهرها پیدا نکند و [illegible] اجتماعی درمحیط روستا پدید نیاید و [illegible] ... هجوم [illegible] ... گفت:

[illegible] ... در محتوای آموزش [illegible] ... پیوند [illegible] فرد [illegible] محیط خودش و جامعه خودش بشود ، و [illegible] دیگر محتوای آموزش در ارتباط با نیازهای محلی طرح‌ریزی بشود . بطوریکه فرزند روستائی [illegible] روستائی بتواند حرفه‌هائی را تعلیم بگیرد که آن حرفه در محیط روستا برای او درآمد [illegible] و زندگی تأمین بکند و [illegible] به مهاجرت نداشته باشد .

آقای دکتر راسخ اضافه کرد [illegible] است که [illegible] درآمدهای [illegible] در شرایط موجود و همچنین [illegible] های صنعتی افرادی را از روستا به شهرها جذب‌میکند . ولی باید این آهنگ هجوم از روستا به شهر تعدیل شود . مسلما جمعیت شهری بطورطبیعی افزایش پیدا خواهد کرد و نسبت شاغلان در صنعت بطورطبیعی [illegible] . ولی نبایستی این امر [illegible] و [illegible] ...

سؤال [illegible] ...

آقای دکتر شاپور راسخ معاون سازمان برنامه وبودجه در گفتگو بارستاخیز کارگران عوامل جا بجائی نیروی انسانی را مورد بحث‌قرارداد.

در مورد آموزش چه راه حلهای کوتاه [illegible] و [illegible] را پیشنهاد میکنید و اصولا سازمان برنامه دراین مورد چه نقشی خواهد داشت؟

آقای راسخ معاون سازمان برنامه و بودجه اظهارداشت :

اتخاذ تصمیم فوری [illegible] ممکن [illegible] ، چرا که تجدیدنظر در برنامه‌های آموزش رسمی و مدرسه‌ای لازم است و این مسئله نیز احتیاج به زمان دارد، ولی انتظار میرود که [illegible] وزارت کار و اموراجتماعی از طریق [illegible] به آموزشهای حرفه‌ای و فنی و کشاورزی کوتاهمدت و آموزشهای بسیار [illegible] جوانان روستا را که تمایل بسیاری جهت مهاجرت به‌شهرها دارند، حرفه بیشتری آموخت [illegible] روستائی را توسعه داد . این برنامه‌ای [illegible] که وزارت تعاون و امور روستاها مجری آن است . بطوریکه [illegible] علاوه بر فعالیتهای کشاورزی [illegible] از تکنیکهای نوین [illegible] و [illegible] ...

[illegible] سود و [illegible] محصولات [illegible] ... کالاهای صنعتی [illegible] خود [illegible] است [illegible] دادن قدرت خرید روستائیان و [illegible] درآمد روستائیان [illegible] برای صنعتی که در روستاها [illegible] میشود موجبات آموزش حرفه‌ای وفنی آن [illegible] در همان روستا فراهم شود و این کاری است که بوسیله واحدهای [illegible] آموزش حرفه‌ای وفنی که وزارت کار دنبال می‌کند، می‌توان به نتیجه رسیدالبته در برنامه عمرانی [illegible] سازمان‌برنامه با همکاری همه دستگاههای مسؤول در امر آموزش مشغول انجام بررسی و تفکر هستیم و امیدوارم که جزئیات این مطالب دراختیارعامه قراربگیرد.

آموزش برای تعلیم کارگران مورد تأیید است اما کارفرمایان نیز محتاج به آموزش هستند تا ازاین‌طریق بتوان نظم منطقی جابجائی نیروی کار را حفظ کرد . دراین مورد نظر معاون سازمان‌برنامه و بودجه را جویا شدیم .آقای راسخ درپاسخ گفت : درمورد کارگراین مطلب مسلم است که آموزش رابیک دوره محدود نمی‌توان اکتفا کرد، بلکه آموزش باید بصورت [illegible] و [illegible] در [illegible] مراحل [illegible] زندگی [illegible] برای تکامل و افزایش مهارت و [illegible] کارگر با محیط کار انجام داد . اما درمورد کارفرما از منظور آشنا کردن کارفرما با فنون مدیریت است مسلما مطلبی است که‌مورد توجه بوده و هست و سازمان مدیریت صنعتی مقداری از کوشش خود را در جهت آشنا کردن کارفرمایان در سطوح مختلف با فنون مدیریت و کارگردانی معطوف داشته، ولی آنچه که در اینجا مهم و مورد توجه است اینکه کارفرمایان باید در آموزش کارگران خود سهم سزائی داشته باشند . [illegible] دیگر موجباتی فراهم شود که کارفرما [illegible] ...

[illegible] کارگر را [illegible] صندوق [illegible] ، بلکه [illegible] بانواقص این صندوق، قسمتی از امر آموزش را باتخصص مقداری از این دو درصد خود بعهده بگیرد. مثلا اگر کارفرمایان نساج با دورهم جمع شوند ویک مدرسه نساجی برای تأمین نیازهای صنایع خودشان ترتیب بدهند، یا دوره‌های آموزشی کوتاهمدت برای آگاهی کارگران خود جهت کاهش دادن بضایعات محصولات خودشان برقرار کنند، بازده کار [illegible] میرسد چه ازنظر کیفیت وچه ازنظر [illegible] که مسلماً در جهت خودشان خواهد بود. بنابراین نتیجه میگیریم که امر آموزش اختصاص بطبقه وگروه بخصوصی ندارد، بلکه همه به‌آن‌برای همیشه احتیاج داریم.

آموزش وتحرك مورد بحث قرار گرفت وسئوال شد آیا رابطه‌ای بین این دو عامل وجود دارد؟

معاون سازمان برنامه وبودجه اظهارداشت: آموزش را باید طوری انجام بدهیم که یک تحرك منظم را در مملکت تشویق بکند و جابجائی‌های بی‌رویه ونظم گسل را ازطریق آموزش منطبق بانیازهای محلی تعدیل بکند. آموزش مسلما خود عامل تحرك است.رابطه بین این دو وجود دارد، ولی همانطور که گفته شد منطق واصول نبایستی هیچگاه فراموش شود.

بقیه توسعه وگسترش مدارس حرفه‌ای

از دوران [illegible] ولی توجه بامر آموزش فنی باتوسعه علوم وفنون ازاوائل قرن‌بیستم‌میلادی شکل گرفت وامروزه [illegible] صنایع و امکانات خارق العاده صنعتی باوج خود رسیده‌است.

آموزش فنی شکل نوینی از زمان طلوع سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر آغاز شد [illegible] رضاشاه کبیر [illegible] پیشرفتهای آینده صنایع کشور را درنظرگرفته برای [illegible] کادر فنی و مدیران لایق جوانان کشور را جهت فراگرفتن علم و صنعت به کشورهای اروپائی اعزام داشتند که دیدیم این جوانان پس‌از مراجعت بکشور در ایجاد ایران نوین وصنایع نوپا ازجمله احداث راه‌آهن سرتاسری ایران و درسایر رشته‌ها و امور نیز خدمات شایانی بکشورعزیزایران انجام دادند.

مدارس جدید منضم با ایجاد صنایع جدید میتواند احتیاجات صنایع را به کارگرماهر تا حدودی مرتفع سازد. نظارت و کمک معقول به آموزشگاههای آزاد حرفه و فن نیز میتواند برای مشکل تامین کادرفنی صنایع مفید باشد.وزارت کار و اموراجتماعی و موسسات وابسته باین وزارتخانه گرچه اقدامات چشم‌گیری انجام داده‌اند ولی بازجوابگوی نیازصنایع نیستند و بدلیل ضعف بودجه و امکانات نمیتوانند باشند و با علاقه که درمسئولان وزارت کاروامور— اجتماعی برای رفع این مشکلات وجود دارد آینده امیدبخش را نوید میدهد که همه ما آرزومندیم در اقداماتیکه در پیش گرفته‌اند موفق وپیروز گردند.

آموزش وتربیت وتحرک نیروی انسانی

دکترناصری معاون وزارت کار وامور اجتماعی

تجدید مهارت وباز آموزی واحیاء آموخته ها باید مورد توجه قرار گیرد

* آموزشهای کوتاه مدت در شرایط کنونی بهترین روش است.
* نبایستی از شیوه آموزش استاد شاگردی غافل شویم

آموزش وتربیت وتحرك نیروی انسانی عنوان موضوع سومین روز بررسی هشتمین کنفرانس ملی کار را بخود اختصاص داد و مطلعین وکارشناسان دراین خصوص سخن گفتند. ازجمله دکتر فریدون ناصری معاون نیروی انسانی وزارت کار وامور اجتماعی به‌بحث درباره همبستگی نظام بازار کار و نظام آموزش وپرورش وآموزش کوتاه مدت وآموزش ضمن کار پرداخت وگفت:

همه دراین باب اتفاق نظر داشتند که کارگر ارجمند وشریف ایرانی درساخت زیر بنای این اقتصاد شکوفان نقشها ومسئولیت‌های سازنده ومتنوعی را بعهده گرفته واز پس ارتقاء همه آنها نیز بخوبی برآمده‌است.

و سرمایه‌گذار ایرانی نیز با برخورداری از زیست در یک فضای آرام وسالم ومستعد برای سازندگی، تاآنجا که توانش یاری کرده خلاق وسازنده بوده‌است.

در حالیکه افزایش بهره‌وری از جانب این دو گروه بعنوان یک انگیزه ملی ومیهنی واخلاقی‌مورد توجه است وزمینه های فرهنگی‌ اقتصادی وسیاسی نیز برای افزایش بهره‌وری مهیا است دقت وظرافت وباریکی دراین جا است که این کارگر شایسته وقدرشناس چگونه می‌تواند به‌این خواست قلبی وملی ومیهنی خود پاسخ بدهد وراه رسیدن به‌دروازه‌های تمدن بزرگ راتسهیل کند.

واین «توان» را بکارگر نتوان داد مگر باآرایش او بزیور مهارت ودانش واین آرایش در شرایط موجود مهمترین کلید برای پیروزی دراین راه‌است.

دکتر ناصری در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت:

اگر چه مدتها است زمینه آشتی وارتباط نظام بازار کار ونظام آموزش وپرورش فراهم آمده است‌ولی هنوزیکی دربی‌خبری ازدیگری بسر می‌برد امروز مهمترین محصولی را که تولید می کنیم همین منابع انسانی است که

ازمدرسه‌ها ومراکزآموزشی راهی بازار کار میشوند. اینها باید بتوانند دراین شرائط کاملا جدید اقتصادی واجتماعی نقشی بعهده بگیرند واز پس ایفاء آن بدرستی برآیند و احساس بیگانگی نکنند.

وی افزود: دراین شرائط خاص وپراز دگرگونی که برآوردهای نیاز نیروی انسانی در بلند مدت گویا وهدایت کننده نیست آموزشها باید تا آنجا که مقدوراست کوتاه وپرانعطاف باشد. بطوریکه فرد بسرعت بتواند مهارت پایه را تحصیل کند وحرفه را بیاموزد وآگاه در یکی از راههائی که بازار کار بسویش میگشاید‌وانتظارش را تأمین میسازد گام بردارد.

معاون نیروی انسانی وزارت کار باتأکید برآموزش ضمن کاریادآورشد

یکی از بزرگترین دشواریهای مربوط به‌آموزش نیروی انسانی مساله تجدید مهارت است. منابع انسانی کماکان مهمترین منبع ثروت جامعه هستند علی‌رغم برخورداری از تجارب بسیار، بعلت کهنگی مهارت وروش کار، آنها بدون‌دلیل باطل شده‌اند ویا میروند تابسرحد بطلان برسند.

بجای آنکه آنها بدست فراموشی سپرده شوند ومنابع انسانی جوان‌تر وجدید بکار گرفته شوند لازم است بقدر کافی به‌مساله تجدید مهارت وبازآموزی واحیاء این منابع ارزنده توجه‌شود.

محمدرضاامین، مدیرعامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران:

هدف از آموزش صنعتی، کمک به پیشرفت فرد در جامعه، افزایش سطح بهره‌وری واحدهای صنعتی ورسیدن به‌استقلال صنعتی است

با اجرای اصول سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها وگسترش مالکیت‌صنعتی که تحت رهبری خردمندانه و دوراندیشانه شاهنشاه آریامهر تحقق یافت زمینه های لازم برای پیشرفت صنعت کشور آنچنان فراهم شده است که اینك کارکنان و صاحبان سهام واحدهای صنعتی دریك‌جبهه وهمگام میکوشند تا دررشد سریع اقتصاد کشور نقش مفید و مؤثر داشته باشند. مشکل مؤسسات صنعتی امروز کشورما دیگرتأمین سرمایه ومواد اولیه نیست بلکه نیروی انسانی متخصص است که بتواند حداکثر استفاده را از سرمایه و منابع بدست آورد. تأمین نیروی انسانی متخصص برای طرحهای صنعتی تنها ازطریق آموزش میتواند صورت‌گیرد لیکن نباید از نظر دورداشت که برنامه آموزشی دفعتاً و یکباره نمیتواند بمورد اجراء درآید و احتیاج به برنامه‌ریزی دقیق و مداوم دارد.

تداوم آموزش صنعتی ازآنجهت مثمرثمر و مؤثر است که در شرایط سخت بازار کار و یا درمراحل کاربرد پیشرفتهای تکنولوژی اجرای برنامه‌های آموزشی‌نجات دهنده مؤسسات صنعتی از خطر کمبود نیروی انسانی متخصص و یا احتمالا پیشگیری ازعاطل شدن‌متخصصین دراثر بوجودآمدن پدیده‌های نومیباشد.

هدف ازآموزش صنعتی کمک به پیشرفت فرد درجامعه، افزایش سطح بهره‌وری واحدهای صنعتی‌و رسیدن به استقلال‌صنعتی‌است. بنابراین هدف اصلی از یك طرف شامل ارضاء و اغناء خواسته‌های انسانی فرد و ازطرف دیگر شامل کاربرد مطلوب نیروی انسانی بمنظور بهبود اقتصاد کشور و ایجاد تکنولوژی ملی است. در بعضی ازجوامع و سیستم‌های اقتصادی این اهداف بجای آنکه مکمل یکدیگر باشند متضاد بوده و در نتیجه اموزش صنعتی شرایطی را در محیط کار ایجاد میکند که نه رضایت فرد حاصل ونه‌واحد صنعتی به‌اقتصادی‌سالم‌نایل‌میگردد. خوشبختانه درجامعه ایران دراثر انقلاب شاه و ملت اینگونه تضادها دیگر وجود ندارد و اموزش صنعتی میتواند براساس سیاست مستقل ملی و در پرتو اصول ارشادی حزب رستاخیز ملت ایران برای نیل به هدفهای عالی کشور نقش مؤثری را ایفاءنماید. از اینرو آموزش صنعتی باید درجهت افزایش اطلاعات حرفه ای فرد وآگاهی وی به نظام‌صنعتی وهمچنین استفاده معقول از تکنولوژی پیشرفته اعمال شود تا نتیجه مطلوب‌حاصل‌گردد.

درباره نحوه استفاده از تکنولوژی یا انتقال تکنولوژی طی سالهای گذشته نظریات ومباحث مختلف چه درسازمان ملل متحد و چه درمحافل علمی و دانشگاهی مطرح گردیده و هم‌اکنون نیز درمذاکرات بین کشورهای صنعتی پیشرفته وکشورهائیکه در حال صنعتی‌شدن هستند این موضوع مورد بحث وگفتگومیباشد. دراینجا بمسائل مختلف که از طرف کارشناسان مطرح میشود وارد نمیشوم وفقط باذکراینکه مقصود از انتقال‌تکنولوژی تنها آشنائی‌باروش بهره‌برداری ازماشین نیست وبلکه منظورطرح و تولید‌ماشین ایجاد صنعت است اکتفا میکنم. آموزش صنعتی در این زمینه باید در جهت پرورش و تقویت قدرت درك و خلاقیت فرد بکوشد تا فرد نه‌تنها بتواند بطراحی و مهندسی درمحیط خود بپردازد بلکه ازطریق تحقیق به پدیده‌های جدید نیز دست یابد. استقلال صنعتی با ایجاد تکنولوژی ملی آسان بدست نخواهد آمد ولی اطمینان دارم که باکار وکوشش نیروی جوان کشور تحت ارشاد رهبر خردمند ایران این آرزوی ملی عملی وامکان‌پذیرخواهدبود.

نویسندگان «رستاخیز کارگران» درجریان برگزاری هشتمین کنفرانس ملی کار، مصاحبه ها وگفتگوهائی با شخصیت‌های شرکت کننده در کنفرانس بعمل آورده‌اند، که چاپ آن دراین شماره، بعلت تراکم مطالب میسر نشد و درشماره آینده منتشر خواهیم کرد.

جمشید بهدین مدیر کل بازرسی کار:

تاکنون ۹۵٦ کمیته حفاظت در کارگاههای کشور تشکیل شده است

جنبه‌های مختلف دلپذیر کردن محیط کار اساس سخنان آقای بهدین مدیر کل بازرسی کار بود. وی با اشاره به تحولات صنعتی و پیشرفت‌های همه‌جانبه یادآور شد:

همراه با سیاست توسعه صنعتی یک سیاست اجتماعی مبتنی بر ایجاد حسن روابط بین کارگر و کارفرما و برقراری یک محیط سالم و مطمئن به مرحله اجرا درآمد و برای تأمین ایمنی و بهسازی محیط اهداف صنعتی بهینه پیشگیری از حوادث را توجه آورد.

موضوع حفاظت صنعتی و پیشگیری از حوادث احتمالی ناشی از کار از مسائل بسیار

مهم حیات صنعتی و اقتصادی کشورها در عصر حاضر بوده و همراه با پیشرفتهای سریع صنایع و توسعه ماشینیسم لزوم آن روز بروز با شدت و اهمیت بیشتری محسوس است. زیرا هرروز حوادث متعددی در کارخانجات و کارگاههای سراسر کشور بوقوع میپیوندد و سرعت ماشینها و نیز بی‌احتیاطی، عده‌ای از کارگران را در معرض خطر از کارافتادگی و حتی نابودی قرار میدهد. این حوادث علاوه بر آثار و عواقب دردناك وشومیکه برای کارگران وخانواده‌های آنان ببار میآورد موجب زیانهای مادی جبران ناپذیری گردیده و بالنتیجه لطمه فراوانی باقتصاد و شکوه کشور وارد میسازد. چه از کارافتادن و یا بیکاری یک کارگر موجب اتلاف نیروی کار و بی‌مصرف و معطل ماندن و صدمه دیدن ماشین و کارگاه میگردد و بدینطریق میتوان دریافت که حوادث کار چه زیانهای مادی و معنوی جبران ناپذیری ببار میآورد.

وی افزود: امروز بخوبی میتوان از خطرات جانی و مالی در کارگاههای تولیدی پیشگیری نمود. سوانح صنعتی خسارتهای متعددی ببار میآورند مانند از دست رفتن مرد کار و هزینه‌های پزشکی و خسارتهای وقفه در کار و غیره، کارگران و کارفرمایان با این حقایق کاملا آشنا هستند. درواقع یکی از فواید قابل توجه برنامه حفاظت ازدیاد تولید و کاهش زیانهای کار است و این خود میتواند بهترین مشوق کارگران و کارفرمایان در اجرای مقررات حفاظتی باشد.

از طرف دیگر ازدیاد قدرت خرید کارگران و بهبود شرایط کارگاه که از هدفهای سندیکاهای کارگری است تا اندازه‌ای به موفقیت برنامه حفاظتی بستگی دارد. علاوه براین برخی از شرایط نامناسب کار همان شرایطی هستند که موجب حوادث گوناگون میشوند و برای پیشگیری از بروز سوانح باید بترمیم این شرایط پرداخت. بهمین ترتیب مقصود کارفرما نیز که ازدیاد تولید و کاهش هزینه است تا اندازه‌ای از راه جلوگیری از حوادث و خسارتها تأمین میشود. و می‌بینیم که این خود زمینه‌ای است برای همکاری کارگر و کارفرما.

سندیکاهای کارگری و کارفرمائی هریک به‌ملاحظه منافع صنفی خود هدفشان کاهش حوادث است و این پدیده را میتوان همکاری کارگر و کارفرما برای حفاظت نامید.

بمنظور تأمین هدفهای فوق درجهت حفظ نیروی انسانی شاغل و حراست سرمایه‌هائیکه در جهت بالابردن سطح تولیدات کشور بکار رفته‌اند و بمنظور تقلیل حوادث و بیماریهای حرفه‌ای ناشی از کار درصنایع عمده‌ایکه میزان حوادث آنها بسیار زیاد است و تأمین شرایطی که بتوان در صنایع مزبور با همکاری نزدیک کارگران و کارفرمایان به‌پیشرفت بیشتر حفاظت و بهداشت کمک کرد اداره بازرسی کار و حفاظت فنی

بمنظور تامین محیط سالم در ورعایت اصول ایمنی وبهبود وضع حفاظتی کارخانجات وکارگاههای سراسر کشور تعداد ۶۳۵۸۷ مورد بازرسی عمومی از کارخانجات صورت گرفته است. همچنین تعداد ۵۶۵۰ مورد درخواست تعطیل کارگاهها یاقسمت‌هائی که از کارگاهها ویا دستگاههائیکه از طرف بازرسان کار خطرناك تشخیص داده شده برلساس ماده . ۵ قانون کار ازمقامات قضائی بعمل آمده‌است.

بمنظور رسیدگی بحوادث ناشی از کار و بررسی وتجزیه وتحلیل حوادث وبالاخره پیدا نمودن طرق پیشگیری از وقوع حوادث مشابه اداره کل بازرسی کار ازتیرماه ۱۳۴۲، اقدام به‌ایجاد سرویس نگهبانی شبانه‌روزی در مرکز نموده واز آن تاریخ تابحال فقط در مرکز به۵۵۸۹ مورد حوادث ناشی از کار رسیدگی وجهت پیشگیری از حوادث مشابه دستورالعملهائی تهیه ومنتشر نموده ودراین زمینه بامقامات قضائی وانتظامی وسازمان تأمین خدمات درمانی همکاریهای لازم بعمل آورده‌است.

مدیر کل بازرسی کار در زمینه آشنائی بیشتر کارگران وصاحبان صنایع بامسائل حفاظتی وبهداشتی گفت:

۱ — بمنظور افزایش سطح معلومات حفاظتی وبهداشتی کارگران و کارفرمایان دستورالعملهائی در چهار چوب مطالب زیر تهیه وتدوین ومنتشر گردیده‌است،

کار سالم وبی‌خطر بادستگاه مته برقی- کارسالم وبی‌خطر بادستگاه تراش — کارسالم و بی‌خطر بادستگاههای جوشکاری — تدابیر حفاظتی جهت پیشگیری از حوادث در خانه— طرز کارارابه‌های موتوری در محیط کارگاه— پیشگیری ازحوادث در کارگاههای ساختمانی- روشنائی صحیح در کارگاهها- مسمومیت باسرب وطرق پیشگیری از آن— سروصدا در کارگاهها— ایمنی درمعادن— تهیه مقاله‌ای درمورد حفاظت وبهداشت صنعت قالیبافی که درانسیکلوپدی بهداشت جهانی درج شده‌است.

وی افزود: مهمترین وظیفه کمیته حفاظت عبارتست ازعلاقمند نمودن افراد بامر حفاظت وتقلیل حوادث ناشی از کارمیباشد. همکاری مدیران وکارکنان وکارگرانیکه درامر تولید مستقیماً شرکت دارند در زمینه مسائل حفاظتی از هرلحاظ مفید ومؤثر بوده ومتقابلا ازمیزان حوادث ناشی از کارمیکاهد تاکنون تعداد ۹۵۶ کمیته حفاظت در کارگاههای سراسر کشور تشکیل یافته وصورتجلسات مربوط مرتباً مورد بررسی وتجزیه وتحلیل قرار گرفته و در هر مورد مسئولین مربوط مورد راهنمائی وارشاد قرار گرفته‌اند— دراین زمینه برای راهنمائی هرچه بیشتر مسئولین کارگاهها و سرپرستان قسمتها و کارگران در جهت بهبود وضع حفاظتی وبهداشتی کارگاهها برنامه هائی برای‌سال جاری در نظر گرفته شده است ودرسال گذشته نیز برای اولین بار سمینار مسئولین کمیته‌های حفاظت کارگاههای استان خوزستان در اهواز تشکیل گردید که خوشبختانه مورد استقبال کارفرمایان و کارگران قرار گرفته واثرات نیکوئی داشته است.

امیرحسن فرزانه مدیرعامل بنیاد صنعتی اسفراین:

آسان شدن «کار» بمعنی یکنواخت و خسته کننده شدن «کار» نیست

«دلپذیر کردن محیط کار» موضوع آخرین روزبرپائی هشتمین کنفرانس‌ملی کاربود.

امیرحسن فرزانه مدیرعامل بنیاد صنعتی اسفراین از گروه کارآما با تأکید بر پیام شاهنشاه‌آریامهر خطاب به هشتمین کنفرانس ملی کار درباره موضوع فراغت در زمان کار اظهار داشت کار بدون فراغت و فراغت بدون کارمعنی ندارد و این دومکمل یکدیگرند.

برای اینکه اهمیت موضوع بیشتر مورد تأکید قرار گیرد، آقای حسن فرزانه بعقیده یک دانشمند انگلیسی که ملاك ثروت اجتماعی را اوقات فراغت دانسته، اشاره کرد و گفت طبق تحقیقی که بعمل آمده، ۲۰ درصد دنیا بکار تحقیق باید مشغول شوند و این دانشمند معتقد است که اوقات کار در کشورهای‌صنعتی به ۱۲ ساعت در هفته تقلیل پیدا خواهد کرد وبقیه آن اوقات‌فراغت است.

آقای فرزانه اضافه کرد: دریکی ازتوصیه‌های سازمان بین‌المللی کار آمده است که اتوماسیون، کاررا یکنواخت کرده و کارگر خسته میشود. عقیده من دراین خصوص این است که رسالت تکنولوژی براین مبنا است که انسان را سرور وآقای ماشین کند و آسان شدن کار بمعنی این نیست که کار یکنواخت و خسته کننده شود. کارگری که امروز کار بدنی میکند تکنولوژی او را وادار میکند که جای کار بدنی ازمغز خود استفاده کند. اگرما ابتدائی‌ترین‌شکل تکنولوژی را درنظر بگیریم که ما ابزارخشنی سروکار داشت، می‌بینیم که اکنون ماشین این کاررا انجام میدهد و براثر تکامل آن است که رفته رفته کار بدنی کم وبر کارفکری افزوده میشود.

تعلیم وتربیت رسالت مهمی دارد باممداری ازخستگی کاررا بکاهد ومحیط را دلپذیر کند. در تحقیقات یونسکو مشخص شده است که وظیفه تعلیم وتربیت درجهان امروزاین نیست که معلم به شاگرد چیزی یاد بدهد، بلکه باید شاگرد را بفکر کردن وادار ساخت. این مهم است که شیوه فکر کردن را یاد بدهیم که کارگر خود را در هنگام کار با ماشین، عاطل و باطل نداند.

زندگی روزانه و کارخلاق خود زیبا است. پس کار کردن خود منشاء زیبائی است. ما شاید نتوانیم تصور کنیم که وقتی کارمیکنیم چه حرکات و اعمال زیبائی انجام میدهیم، ولی دو عمل باید در کار انجام شود که کار زیبا شود. نخست آنکه اراده داشته باشیم، یعنی بدانیم که با اراده نتیجه مطلوب حاصل خواهد شد. ولی گاهی ما رفاه را با آسایش و تن‌آسائی اشتباه میکنیم. حرکت باید معنی داشته باشد. پس عزم و اراده ومعنی دار بودن «کار» بسیار با اهمیت است. کارگر باید بداند که «کار» را خوب می‌شناسد به رموز آن آگاه است.

آقای فرزانه سپس اطمینان شغلی را مورد بحث قرارداد و گفت:

— با وجود بیمه وانواع بیمه ها هرفرد باید اطمینان شغلی داشته باشد و این موضوع باید با خوش‌آیند بودن شغل هم‌آهنگ باشد، یعنی کسی که از کاری خوشش نمیآید کار برای او «زیبا» نخواهد بود.

مدیر عامل بنیاد صنعتی اسفراین سپس با اشاره به‌لزوم مدیریت صحیح یادآور شد که یکی از هدفهای ما باید این باشد که تفاوت بین کاربدنی و کارفکری را ازبین ببریم و این دو را توأم سازیم.

دکتر سعید نژند:

دیگر در ایران کارفرما و کارگر جدا از یکدیگر وجود نخواهد داشت

شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید به بهترین نحو ممکن مفهوم محیط کار مطبوع را با جملات زیر برای کارگر و کارفرما تشریح کردند.

«امروزه هر کارفرما باید بداند که کار در یک محیط جبر و اکراه و وجود یک حالت سوء ظن و بی اعتمادی متقابل، نه برای او فایده‌ای دارد و نه برای کارگران و اگر بایستی کار مثبتی صورت گیرد چنین کاری فقط در یک محیط صمیمیت و همکاری و اعتماد متقابل امکان پذیر است...»

دکتر سعید نژند آنگاه اظهار داشت:

چنین بنظر میرسد که علم‌شناخت و کوشش در مطبوع نمودن محیط کار که بیشتر مبتنی برروابط انسانی است اگر بتوان آن را علم نامید هنوز جنبه علمیت پیدا نکرده است و اصول آن، اگر بتوان برای آن اصولی در نظر گرفت استحکامی پیدا ننموده و برای نظام محیط کار نظام ثابتی تدوین نشده است و قالب واحدی را نمی‌توان برای آن معین نمود. نگرشها در باره روابط فرد و محیط کار در دومقوله رده بندی می‌شود:

یکی مدیریت اقتصادی و دیگری رفتار انسانی. از نظر مدیریت اقتصادی همه افراد درمحیط های کار، انسان اقتصادی تلقی میشوند و زیر تاثیرانگیزه های مادی همچون حقوق و دستمزد، پاداش و شرائط مطلوب برای تأمین سود به کوشش می پردازند. حال آنکه در محیط کار از نقطه نظر روابط انسانی، نیروی انسانی خوب کسی است که روحیه‌ای نیرومند وخاطری شاد وخرسند داشته باشد.

وی افزود: مطالعه تجربیات گوناگون این نکته را به اثبات رسانیده است که هیچ یک از این دو روش نمی‌تواند به تنهائی هدف های مورد نظر یک محیط کاری مطبوع را پاسخگو باشد و این بخاطر خصوصیات انسانی یک کارگر و یا یک کارفرما است.

برای برخورداری از محیط کار مطبوع مطلوب میبایست در درجه اول روابط انسانی، نری برمحیط کار حکم فرما نمود و بدین منظور میبایست عوامل رضایت و یا عوامل عدم رضایت کارکنان را از محیط کار آنان بطور کامل شناخت. پس ازشناخت این عوامل میبایست در جهت نزدیک نمودن هدفهای کارگر و کارفرماگام برداشت زیرا که اگر بتوانیم کاری بکنیم که کارکنان یک واحد تولیدی به هدف واحد بهمان نظر بنگرند که روسا و مدیران کارخانه برآن می‌نگرند برای تلاش و علاقه آنها بکار نمیتوان حدی قائل شد. رسیدن به چنین هدفی طبعاً به ایجاد یک محیط کاری مطبوع تر نیاز دارد و مهم ترین رکن ایجاد چنین محیطی برقراری روابط انسانی بهتربین کارگرو کارفرما میباشد.

در ایجاد روابط انسانی این چنین طبعاً دولت بعنوان عامل تنظیم کننده در روابط صنعتی مورد قبول کارگر و کارفرما میباشد. اقدامات، خط مشی و قوانین دولت در رشد و بدست آوردن یک محیط مطلوب‌تر کاری بسیار مهم است ورل واسطه را در این فعل وانفعال که نتیجه اش شکوفائی صنعتی است بازی مینماید.

روابط انسانی صحیح بمنظور مطبوع تر نمودن محیط کار برشالوده توجه به شخصیت آدمی و عزت نفس و بزرگداشت شان انسان قرار دارد. در همه مکتب های اخلاقی به ارزش جاه ومنزلت آدمی توجه شده است. لذا کارفرما و کارگر و یا بهتر بگوییم کارگر کارفرما و کارفرما (زیرا که با توجه به سهیم شدن کارگر در کارخانه‌ها در تحت رهبری و ارشاد شاهنشاه آریامهر کارگر ایرانی به کارگر کارفرما تبدیل شده است) با رعایت روشهای منطقی میبایست به بررسی و موشکافی در روحیات و خلقیات یکدیگر، شیوه راستین رفتار با یکدیگر را دریابند و بر کوشش های یکدیگر ارج نهند. این روش هر دو طرف را نیرومند میسازد و کارآئی را افزایش میدهد.

توجه به روحیه کارگران و کارکنان نیز یکی از مهمترین مسائل در ایجاد فضائی مطبوع درمحیط کارگاهی است. روحیه عبارت است از شیوه اندیشه و نحوه برداشت افراد و گروه های کارگران از محیط کارشان و نیز کوشش و همکاری و میل و رغبتی که کارکنان برای رسیدن به هدف های کارگاه و مدیریت آن از خود نشان میدهند. کارکنان و کارگرانی که دارای روحیه خوب هستند از کار و سمت و کارگاهی که در آن فعالیت می کنند خشنودند. روحیه خوب فقط تابعی از متغیر حقوق و دستمزد گزاف نمی‌باشد، بلکه عوامل مؤثر در روحیه کارگران یک محیط کار به درستی و هماهنگی سرپرستی، خشنودی از نوع کار، خشنودی از هدف های کارخانه، یگانگی و جوشش با همکاران، خشنودی نسبی از میزان درآمد، حقوق ودستمزد و تندرستی جسمی وسلامتی روان در محیط کار بستگی دارد.. زیرا تجربه نشان داده است که روحیه حاکم بر محیط کار وطبعاً کارآئی ناشی از آن و بدست آوردن برآیند های مطلوب ناشی از همکاری گروهی بین کارکنان از یکسو و کارکنان و کارفرما از سوی دیگر است.

دکتر نژند افزود: محیط کار اگر میخواهد مطبوع تر شود میبایست علاوه بر استفاده از اصول تکنولوژی و بازرگانی عامل مهم‌تر دیگری را نیز درنظر بگیرد که عبارتست از عامل روابط انسانی. برای مثال دادن استراحت چند دقیقه ای به کارگران نه تنها کارخانه را مختل نمی‌نماید بلکه به بالابردن تولید منجر می‌شود و ازطرف دیگر، تفاهم کارگر دربرآوردن خواست کارفرما برای تولید بیشتر وفوق العاده در مواقعی که بازارها با کمبود مواجه است کارفرما را به برآوردن حوائج کارگر راغب مینماید وتفاهم بیشتری درجهت ایجاد محیط مطبوع تر کار بوجود میآید.

البته در اجتماعات آزاد مانند ایران انتخاب محل کار امری است اختیاری و کارفرما نیز در انتخاب وطرد داوطلبان کار مختار است. لیکن قدرمسلم آن است که مدیر و کارفرما برای انجام هدف خود به کارگر و کارمند نیازمند است. دیگران نیز برای امرار معاش، دریافت مزد و حفظ موقعیت اجتماعی خود به کار کردن نیازمند هستند. بطوریکه مشاهده میشود در اینجا مفهوم اشتراک منافع یکسان بودن هدفها نیست. در حقیقت مسئله بسیار مهم برای برخورداری از یک محیط کار مطبوع این است که از یکطرف بین کارفرما و کارگر و ازطرف دیگر درمیان خود کارگران نوعی مصالح متقابل بوجود بیاید و این مصالح متقابل دائماً تقویت گردد.

وی سپس اضافه کرد: برای مطبوع تر نمودن محیط کار میبایست حتماً نیازهای برآورده

بقیه از صفحه ۴۹

یوسف بهزادشاپوری:

دلپذیر کردن محیط کار از وظایف حساس مدیریت صحیح است

یوسف بهزادشاپوری از گروه کارگر ضمن ابراز خوشحالی از گنجانده‌شدن موضوع دلپذیر کردن محیط کار در دستور کار هشتمین کنفرانس ملی کار یادآور شد.

برای کسانیکه تازه وارد محیط کار میگردند ممکن است در اوایل ورود دارای دید ساده و انتظارات محدودی داشته باشند ولی هرچه بر طول مدت کار افزوده می‌گردد دید این قبیل کارگران نیز تغییر یافته به حد کمال میرسد این وظیفه مدیریت است که با درک صحیح انتظارات کارگران محیط کار را برای آنها دلپذیرتر گردانند.

این انتظارات نه مفرط است و نه واهی — کارگرمیل دارد که درمحیط کارش ازآسودگی خیالی و روانی برخوردار باشد — کارگر انتظار دارد که درمحیط کار از جنگ اعصاب خبری نباشد و او عاری از هرگونه ناراحتی به انجام وظیفه بپردازد — علاقه کارگر بر این است که درمحیط کار با او به مانند یک انسان واقعی ومتساوی الحقوق ازطرف مدیریت کارگاه رفتار گردد.

دلپذیر کردن محیط کار را نباید سرسری و کوتاه بینانه تلقی کرد. بلکه یکی از وظایف حساس مدیریت صحیح و حساب شده هر کارگاه دلپذیر کردن محیط آن کارگاه برای کارگر است.

کارگر صبح که به طرف کارگاه و کارخانه عزیمت می‌نماید باید محیط آن کارگاه طوری باشد که او را با عشق و علاقه به طرف خود بکشاند نه با اکراه و تحمل ناراحتی روانی و اختلال اعصاب باشد. برای ایجاد چنین محیط سالم کارگاهی آقایان کارفرمایان نیاز به تحمل ضرر و زیان مادی و یا مشقات دیگری ندارند بلکه فقط تفکر و اتخاذ روش صحیح مدیریت و گماردن مدیران لایق و کارآزموده در کارگاهها و کارخانجات میتواند این نتیجه را بدست دهد.

وی افزود: اگر در کارگاه کارگر را نظیر ماشین آلات تولید و عاری از فکر و اندیشه به حساب آوریم و به احساسات او وقعی نگذاریم هیچ‌گاه نتیجه مطلوب از کار خود بدست نخواهیم آورد.

باید درمحیط کار وضعی بوجود آید که کارگر برای رسیدن به آنجا و شروع کار از خود شتاب نشان دهد نه اینکه کارگاه را مانند زندان به حساب آورده و فقط به فکر گذراندن وقت درآن باشد.

کارگران دارای احساسات رقیق و عاطفهٔ سرشار انسانی هستند هر کس که یک قدم به طرف راحتی و آسایش او بردارد وی نیز ده قدم به طرف اضافه تولید و تکثیر درآمد کارفرما برمیدارد و هیچ‌گاه خود را بی‌نیاز از همکاری و حسن تفاهم کارفرمایان به خصوص مدیران کارگاهها نمیداند.

پرویز خرسندی مدیر کل روابط کار:

از جمله عواملی که موجب رضایت کارگر از محیط کار میشود، رعایت ساعات قانونی کار است

پرویز خرسندی مدیر کل روابط کار در هشتمین کنفرانس ملی کار، با اشاره به روابط کار و کارگر در گذشته و چگونگی بازار کار گفت.

[illegible] کارگر کسی است که کار خود را در برابر دریافت دستمزد در اختیار کارفرما قرار میدهد وبدستور کارفرما کار می کند از لحاظ حقوقی دراین رابطه نوعی تبعیت از دستورات کارفرما برای انجام کار برای کارگر پیش‌بینی شده است بنابراین کارگر بهرحال باید تابع نظام ومقرراتی باشد. کارفرما سرمایه‌گذاری کرده وباانگیزه تولید برای سود امکانات تخصصی ومالی خود را بکارانداخته که مآلا تولید هر کارگاه جزئی از تولید ملی وثروت ملی است وجود انضباط منطقی بین کارگر و کارفرما ضرورت تولید بیشتر بهتر است بدون وجود انضباط، نیروی کار نمیتواند تولید بهتر داشته باشد، کارفرما نیز بعنوان یک مدیر وظیفه دارد درارتباط با کارگر روابطی شایسته ومنطقی برقرار کند.

مقتضیات ونیازهای جامعه در حال پیشرفت ایران این ضرورت را در بردارد که دو عامل کار وسرمایه وبهتر گفته شود کارگر و کارفرما محیط مناسبی برای تولید ایجاد کنند تاامکان رشد اقتصادی وصنعتی واجتماعی از طریق استفاده کامل از ظرفیت واحدهای تولیدی حاصل گردد.

هیچ سازمانی نمی‌تواند تنها باقدرت اجرائی وتوانائی مالی کارفرما ومدیر اداره شود صداقت و کوشش کلیه افراد شاغل برای پیشرفت کارگاه لازم است باید در کارگاه روحیه مثبت بین عوامل انسانی برقرار و وضعی ایجاد کرد که کارگر قادرباشد بدون خستگی جسمی وعاطفی وظایف خود را انجام دهد و کارفرما نیز محیطی بر اساس اعتماد وصداقت متقابل باداره امور کارگاه معمول دارند.

وی افزود: منظور از دلپذیر کردن محیط کار اتخاذ تدابیر وروشهائی است که کارگر در امنیت وبارضایت خاطر حداکثر بهره‌وری را در محیط کار داشته باشد وطبیعی است شناسائی این تدابیر وروشها باید در محدوده روابط کار وبعبارتی روابط انسانی قرارگیرد.

برای روابط کار معانی ومفاهیم متعددی آورده شده از جمله به‌مجموع روابطی اطلاق میشود که بمناسبت اشتغال بین کارگرو کارفرما برقرار میشود مهمترین روابط، روابط تولیدی-روابط قانونی ومهمتر از آنها روابط انسانی است.

هدف روابط انسانی کار در کارگاه عبارت است از اینکه حسن روابط بین کارگران و کارفرما بمنظور حصول بحداکثر کارآئی در قالب صحیح استفاده از نیروی کار بصورت شناسائی رفتار واعمال وارزشها وشخصیت کارگران برقرار گردد.

یک شیوه [illegible] صحیح [illegible] کارگر

را تقلیل داده است در عوض فشارهای روحی بیشتری عاید کارگر کرده است ضرورت دارد به عامل روانشناسی درزمینه شناخت خصوصیات انسانی وروابط کار توجه‌شود.

وی افزود:

ازعواملی که موجب رضایت خاطر کارگر ازمحیط‌میگردد رعایت ساعات کارقانونی است. تعیین ساعات کاردرحدمنطقی وتوانائی انسانی میتواند ازمیزان حوادث واتلاف وقت — غیبت بعلت بیماری ویاترك کارو غیره بکاهد. همچنین تهویه مناسب — حرارت مطبوع — رطوبت مناسب هوا وروشنائی درحدود مناسب و کاهش سروصدا وارتعاش موجب فزونی رضایت کارگر ازکار می‌گردد صداهای نامنظم ومنقطع برای کارگران ناخوشایند و مزاحم است و موجب عکس‌العمل روحی و درنتیجه کاهش تولید میگردد. تحقیقات نشان‌میدهد وقتی دستگاههای محافظ صدا را در ماشینهای پر صدا نصب کنند بازده کارگران بحدود قابل توجهی اضافه‌میگردد انطباق ماشین با انسان نیزباید مورد توجه قرار گیرد یعنی در نصب ماشین و تدارك ابزار و انتخاب و آماده کردن جایگاه سعی شود کار با حداکثر سهولت و حداقل زحمت انجام‌گیرد. بهرحال کارگر را باید برای همکاری و تولید بهتر آماده کرد استخدام کارگر و وی را درون محلی بنام کارگاه رها کردن معمولا نتیجه مطلوبی عاید کارگاه نمیکند لازم است کارگر را درتمام زمینه‌ها آموزش داد واطمینان حاصل کرد که کارگر بمحیط کارو نوع کار خود آشنائی پیدا کرده است وطرز استفاده ازوسائل ایمنی را میداند و بتدریج احساس اعتماد و صمیمیت و وفاداری را در وی بنحو شایسته‌ای بارز کرد.

وی درقسمتی دیگر ازسخنان خودگفت:

وظیفه کارفرما است که با استفاده از انگیزه‌های‌گوناگون ومناسب کارگر را وادارد که حداکثر کوشش و فعالیت را در تولید بهتر و ارائه خدمات بیشتر درکارگاه داشته باشد نیروی کار ازعوامل پرارزش تولید است کار‌فرمای شایسته و لایق میتواند کارگاه را بصورت مطلوب اداره کند و برعکس کارفرمائی که اداره نیروی کار را نمی‌داند کارگاه را بحال تشنج و آشوب نگه میدارد استفاده از روشهای مناسب ایجاد انگیزه در بهبود تولید و اداره امور کارگاه نتایج رضایت‌بخشی داشته است.

بطور کلی دو روش در ترغیب کارگران بکوشش و فعالیت معمول است روش منفی و روش مثبت.

روش منفی — استفاده از انگیزه عبارت است از بکاربردن وسایلی که کارگر از ناچاری وترس کار را انجام دهد مانند ترس ازجریمه — اخراج ونظایرآن.

روش مثبت — برعکس روش‌منفی که کارگر دراثرامکان تحصیل مزد ومزایای‌بیشتر وظایف خود را بدرستی انجام میدهد وحداقل برای وصول بهدفهای شخصی و منافع خود کوشش وفعالیت‌میکند.

بقیه کلمه «کارفرما»، تبدیل به کارآماشد

به موسسه تولیدی دیگر را پیش بینی و اعمال نمایند بطوریکه حاجتی نیروی انسانی درجهت افزایش مهارت و حفظ منزلت و ترقی نیروی کار [illegible] و تحقق هدفهای برنامه های توسعه اقتصادی واجتماعی انجام پذیرد و فعالیتهای موسسات تولیدی را مختل نسازد.

۲۱ — وزارت کاروامور اجتماعی وسازمان برنامه و بودجه گزارش وضع موجود تعلیمات فنی و حرفه‌ای درسراسر کشوررا همراه با پیشنهادهای مشخصی برای توسعه فنی و فنی تعلیمات فنی و حرفه‌ای برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز کشور در کوتاه مدت و میان مدت تهیه و به نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی کشورعرضه دارند.

۲۲ — وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری واحدهای تولیدی‌خدماتی و صنعتی به طور مستمر اطلاعات و آمار کافی در باره تعداد ومشخصات وعلل حوادث کارجمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و زیانهای فردی و جمعی معلول این حوادث را اندازه‌گیری نماید تا بر اساس این اطلاعات و آمار نقایص وخطرات‌محیط کارمرتفع گردد.

۲۳ — به منظورشناخت ماهیت حوادث وخطرات محیط کارو راههای اجتناب از آنها پژوهشهای مورد نیاز توسط وزارت کارو امور اجتماعی وسایرمؤسسات پژوهشی انجام گیرد و وابستگی لازم‌معمول‌شود.

۲۴ — هنگام استقرار واحدهای تولیدی مسئولان این واحد ها باید از عرضه کنندگان مواد و ماشین‌آلات بخواهند تا کلیه اطلاعات مربوط به خطرات احتمالی و عوارض‌ناشی از استفاده ازاین وسایل و مواد و روش جلوگیری ازآن را ارائه نمایند. بازرسی کار وزارت کار و اموراجتماعی دراین باره نظارت دقیق اعمال خواهد کرد.

۲۵ —مقررات دقیق تروجامع‌تری درجهت ضرورت پیش‌بینی‌های حفاظتی و بهداشتی در واحدهای تولیدی توسط سازمانهای ذیربط تدوین شود به طوری که کلیه کارگران مکلف به استفاده ازوسایل استحفاظی و رعایت دستور-های حفاظتی باشند و کارآمایان متعهد باشند وسایل استحفاظی وتدابیرلازم را مهیاسازند.

۲۶ — به منظورشناخت آثارمحیط کار برسلامت کارگران به خصوص مشاغلی که احتمال بروز بیماریهای حرفه‌ای در آن میرود لازم است متناوبا وضع بهداشتی و سلامت کارگران توسط وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی و مراکز بهداشت کار مورد کنترل و بررسی قرارگیرد. درکارهائیکه امرواگیروجود ندارد هرچه زودتر نسبت به تأسیس آنها طبق آئینامه اقدام‌شود.

۲۷ — نسبت به تعمیم کمیته‌های‌حفاظت در کارگاهها وهمچنین نتیجه بخش‌ترشدن کار این کمیته ها اقدام لازم ازطرف وزارت کارو امور اجتماعی و کارآمایان مربوط معمول‌گردد و ازاین طریق و اعمال سایر روشهای مطلوب سطح دانش کارگران واحدهای تولیدی در زمینه حفاظت صنعتی و بهداشت محیط کار ارتقاء یابد.

۲۸ — به منظور نظارت دررعایت مقررات و استانداردهای حفاظتی و بهداشتی شبکه بازرسی کاروزارت کارواموراجتماعی تجهیز و تقویت‌شود و مدرسه عالی حفاظت و بهداشت کار هرچه زودترمتخصصین مورد نیازرا تربیت ودراختیاروزارت کارو امور اجتماعی وجامعه صنعتی قراردهد.

۲۹ — به منظور تعمیم اصول حفاظت و بهداشت کار لازم است مطالب مربوط به حفاظت و بهداشت کار در برنامه‌های درس مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای کشور منظور گردد.

۳۰ — به منظورتحکیم هرچه بیشترمبانی تفاهم و همکاری درواحدهای تولیدی و بهبود شرایط کار و تولید و استقرار انضباط و نظم مطلوب در محیط کار و حداکثر استفاده از خلاقیت کارگران‌وزارت کارواموراجتماعی‌از طریق استقرار شوراهای دوجانبه امکانات و زمینه‌های انجام مذاکرات دسته‌جمعی بین کارگران و کارآمایان‌راتوسعه دهد.

۳۱ — ازآنجا که شناخت ارزش و منزلت کار کارگران برای جامعه در اعتلای مقام اجتماعی این گروه و ارتقاء‌شان و منزلت فردی واجتماعی و دلبستگی آنها به کارآثارفراوان دارد، وزارت آموزش و پرورش و وزارت اطلاعات وجهانگردی وسازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران از طریق وسائل ارتباط جمعی و محتوای برنامه‌های درسی و آموزشی نقش سازنده این گروه ازمردم کشوررا به طور صحیح ومنطقی به جامعه‌معرفی کنند.

۳۲ — برای گذراندن اوقات فراغت کارگران باید تسهیلات لازم در محیط کارو در خارج از محیط کار فراهم شود به طوری که اوقات فراغت مطبوع ومکمل اوقات کار باشد و بر خلاقیت و توانائی کارگر بیافزاید و وابستگی وی را به محیط کارو کارمازنده تحکیم نماید. اجرای این امر در داخل و جنب کارگاه به عهده کارآمایان‌است.

۳۳ — وزارت کار و امور اجتماعی مفاد این قطعنامه را به اطلاع وزارتخانه ها و سازمان‌های مربوطه می‌رساند و دبیرخانه کنفرانس گزارش اجرای موارد فوق را به نهمین کنفرانس‌ملی کارتسلیم نماید.

قطعنامه هشتمین کنفرانس ملی کار:

کلمه «کارفرما»، تبدیل به «کارآما» شد

هشتمین کنفرانس ملی کار پس از چهار روز بحث و بررسی در سه موضوع دستور کار در روز چهار شنبه بیست‌ونهم اردیبهشتماه سال جاری با صدور قطعنامه‌ای مبتنی بر ۳۳ ماده بکار خود پایان داد.

هشتمین کنفرانس ملی کار از بیست‌و-ششم تا بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی با شرکت نمایندگان دولت، کار-فرمایان و کارگران و کارشناسان مسائل کارگری در وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل گردید.

پیام حکیمانه شاهنشاه آریامهر در جلسات عمومی و کمیسیونهای فنی رهنمود شرکت-کنندگان بود و کنفرانس بدینوسیله مراتب حق‌شناسی و سپاس بی‌پایان خود را به پیشگاه مبارک ملوکانه تقدیم میدارد.

با الهام از پیام شاهنشاه مبنی بر اینکه جامعه نوین ایران میبایست همواره پیشاپیش تحولات قدم بردارد تا راه گشای این تحولات باشد نه دنباله‌رو آنها و تأکید شاهنشاه در مورد توجه به اهمیت کیفیت کار.

نظر به ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از شتاب روزافزون در آهنگ صنعتی شدن کشور.

با عنایت به نقش منطقه‌ای و جهانی ایران طی سالهای آینده در اقتصاد بین المللی و لزوم رقابت پذیر ساختن تولیدات صنعتی کشور در بازارهای جهانی.

نظر به لزوم ارتقاء سطح بهره‌وری در کلیه فعالیتهای صنعتی و بالا بردن وجدان کار و حس انضباط فردی و اجتماعی.

با توجه به اهمیت آموزش فنی و حرفه‌ای در افزایش مهارت کارگران و ... آشنائی هرچه بیشتر مدیران و کارفرمایان با اصول علمی مدیریت.

نظر به تأثیر قاطع دلپذیر ساختن محیط کار در تقویت روحیه کارگران و در هماهنگ ساختن روابط انسانی با ارزشهای بشردوستانه میراث فرهنگی ایران و با توجه به ضرورت ارتقاء سطح زندگی و رفاه کارگران ایرانی و برخورداری طبقه کارگر از حداکثر شرافت و حشمت انسانی با توجه به بررسیها و توصیه‌های کمیته سه‌گانه کنفرانس تصمیمات خود را بشرح اعلام میدارد:

۱ — نظر به لزوم انطباق عناوین ... در همه فعالیتها با مقتضیات عصر انقلاب توصیه میشود کلمه «کارفرما» که یادآور دوران امتیازات طبقاتی است به کلمه «کارآما» که متناسب با همکاری صمیمانه بین گروهها در نظام جدید تولید است تبدیل شود و قوانین و مقررات موجود بهمین ترتیب اصلاح گردد.

۲ — بمنظور بالا بردن سطح آگاهی کارگران در زمینه سیاستها، برنامه‌ها، مسائل و مشکلات ملی و محلی و حرفه‌ای و تقویت و تفهیم فضیلت کار و ازمیان برداشتن هرگونه توقع اجروپاداش و مزیت بدون قبول زحمت، حزب رستاخیز ملت ایران در زمینه‌ها برنامه‌های آموزشی گسترده‌ای تهیه کند و بطور مستمر از طریق کانونهای حزبی بموقع اجرا گذارد.

۳ — در اجرای منویات مقدس شاهنشاه آریامهر و پیامهای روشنگرانه معظم‌له که در هفتمین و هشتمین کنفرانس ملی کار در مورد ارتقاء سطح بهره‌وری و مدیریت و کفایت بنحو مؤکد ابراز فرموده‌اند سازمان سه جانبه‌ای بنام سازمان توسعه و سنجش بهره‌وری وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل گردد:

وظایف این سازمان بقرار زیر خواهد بود:

(۱) — تدوین سیاستهای لازم جهت ارتقاء سطح بهره‌وری

(۲) — سنجش بهره‌وری در سطح واحدهای تولیدی و آمارگیری بهره‌وری در سطح صنایع و خدمات.

(۳) — پیشنهاد تدابیر عملی به وزارت کار و امور اجتماعی جهت ایجاد رابطه میان:

الف — افزایش بهره‌وری و افزایش مزد.

ب — بهره‌وری و سهیم کردن کارگران در منافع واحدهای تولیدی و صنعتی.

ج — بهره‌وری و انگیزه‌های رفاهی از قبیل تهیه مسکن سازمانی و فراهم ساختن تسهیلات لازم از طرف دولت و کارفرمایان در جهت توسعه هرچه بیشتر شرکتهای تعاونی بخصوص تعاونیهای مصرف کارگری

(۴) — آموزش کوتاه‌مدت مدیران صنایع جهت ارتقاء کارآئی مدیریت.

(۵) — ایجاد گفت‌وشنود بین کارآمایان کارگران درمورد عواملی که درداخل یا خارج از محیط کار در سطح بهره‌وری مؤثر میباشند.

(۶) — همکاری و کمک به کارآمایان و کارگران در تأسیس واحدهای بهره‌وری در مؤسسات تولیدی و صنعتی و انعقاد قراردادهای بهره‌وری

(۷) — تعیین عواملی که درداخل کارگاه و محیط کار موجب افزایش و یا کاهش بهره‌وری میگردند.

(۸) — تعیین اینکه چه عواملی از خارج کارگاه (از قبیل دیوانسالاری و همکاری‌نا کافی از طرف سازمانهای دیگر) در پائین آمدن سطح بهره‌وری موثرند.

(۹) — کسب اطلاعات لازم درمورد سیاستها و انگیزه‌های بهره‌وری در کشورهای دیگر و استفاده از این سیاستها بنحوی‌که مناسب با ویژه‌گیهای جامعه ما باشد.

۴ — سازمان توسعه و سنجش بهره‌وری نتایج بررسی‌های خود را درمورد عوامل مثبت ومنفی مؤثر در بهره‌وری به شورای اقتصاد ارائه خواهد نمود.

شورای اقتصاد تصمیمات و خط‌مشی‌های لازم را جهت ارتقاء بهره‌وری ورفع موانع موجود، به وزارتخانه یا سازمان مسؤول ابلاغ و پیگیری خواهد کرد.

۵ — در اجرای اوامر شاهانه در زمینه جهاد ملی باسوادی اجرای برنامه‌های سوادآموزی کارگران که که در تحرک نیروی کار و تسهیل آموزش حرفه‌ای کارگران تأثیر بسزا دارد مورد توجه خاص قرار گیرد و برنامه‌های مربوط را طی زمینه هرچه زودتر ازطرف ... ملی پیکار جهانی باسوادی تهیه گردد و با همکاری وزارتخانه‌ها مربوط و سازمانهای کارگری و کارآمائی مورد اجرا گذاشته شود.

۶ — مراکز آموزش فنی وحرفه‌ای در جوار کارخانه‌ها بمنظور گسترش تعلیمات فنی و حرفه‌ای وافزایش مهارت وسطح دانش فنی و بازآموزی وتجدید مهارت کارگران با همکاری دولت ومدیران صنایع توسعه یابد.

۷ — بمنظور نیل به مرحله خود کفائی ازنظر تأمین منابع انسانی مورد نیاز کشور رابطه دورنگر و منطقی واصولی بین مجموع سرمایه گذاریهای عمرانی برحسب نوع ومنطقه وبالاگرایشهای اقتصادی وسرمایه گذاریهای مربوط به تجهیز منابع انسانی مخصوصا برای مشاغل تخصصی و فنی وحرفه‌ای برقرار باشد. دراین خصوص طرح اجرائی توسط سازمان برنامه وبودجه بامشارکت وزارت علوم وآموزش عالی — وزارت کار وامور اجتماعی — وزارت آموزش وپرورش وبازرگانی وصنایع ومعادن ایران وسازمان کارگران ایران بابرنامه زمان بندی مشخص تهیه وقبل ازتشکیل نهمین کنفرانس ملی کار به دولت ارائه شود.

۸ — بمنظور حداکثر استفاده ممکن از تسهیلات وامکانات کلیه مؤسسات آموزش فنی وحرفه‌ای کشور در کلیه سطوح واستقرار تعادل بین عرضه وتقاضای نیروی کار و تعیین مشی‌های اجرائی کوتاه مدت وبلندمدت و استقرار هماهنگی مطلوب بین این موسسات شورائی زیرنظر

نخست‌وزیر و مرکب از وزیر مشاور ورئیس سازمان برنامه و بودجه ووزرای علوم وآموزش عالی — آموزش وپرورش و کار وامور اجتماعی وصنایع ومعادن تشکیل شود.

۹ — برای آماده ساختن دیپلمه‌های دوره متوسطه وجذب آنها در بازار کار وزارت کار وامور اجتماعی باهمکاری سازمان برنامه و بودجه دوره‌های تعلیمات حرفه‌ای کوتاه مدت خاص تشکیل داده ودر نقاط مختلف مملکت بموقع اجرا گذارد.

بقیه در صفحه ۵۸

تشکیل سازمانی سه جانبه بنام سازمان توسعه و سنجش بهره‌وری خواسته شد.

دکتر توسلی رئیس کمیته قطعنامه

روزنامه رستاخیز

کارگران

ویژه هشتمین کنفرانس ملی کار

تلگرام به پیشگاه شاهنشاه آریامهر

در پایان کار هشتمین کنفرانس ملی کار شرکت کنندگان در کنفرانس تلگرامی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر مخابره کردند.

متن تلگرام معروضه به پیشگاه شاهنشاه آریامهر:

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
کاخ نیاوران
شاهنشاها

در این هنگام که جلسات هشتمین کنفرانس ملی کار پایان میپذیرد جاننثار شاهنشاه آریامهر افتخار دارد به شرفعرض مبارک برساند که در تمام مدت کنفرانس نمایندگان کارگران و کارآمایان و مسؤولان سازمانهای دولتی و کارشناسان مسائل کارگری با اشتیاق فراوان در جلسات عمومی و کمیسیونهای فنی آن شرکت کردند و با الهام از منویات مبارک ملوکانه در محیطی مشحون از صداقت و صراحت و صمیمیت مذاکرات و تبادل نظرهای همه جانبه و پرثمری را انجام دادند. قطعنامه کنفرانس نیز که متن آن جداگانه بشرفعرض شاهانه میرسد ملهم از پیام حکیمانه شاهنشاه و با دقت فراوان تهیه شده و باتفاق آراء به تصویب رسیده است. در اجرای منویات مبارک شاهنشاه آریامهر کمیته‌های مربوط به کنفرانس در تمام سال با وزارت کار و امور اجتماعی در اجرای مفاد قطعنامه همکاری خواهند داشت.

ضمن تقدیم مراتب سپاس بیکران و حقشناسی خود و کلیه شرکت کنندگان در کنفرانس نسبت به عنایات خاص فرمانده توانا و رهبر گرانقدر ملت ایران در ایجاد شرایط رشد و توسعه روزافزون اقتصاد کشور و تأمین عدالت اجتماعی و رفاه برای فرد فرد ملت ایران بویژه کارگران به پیشگاه مبارک، سلامت و شوکت جاویدان فرمانده خردمند ملت ایران را از خداوند بزرگ مسئلت مینماید.

جان نثار شاهنشاه آریامهر
منوچهر گنجی
رئیس هشتمین کنفرانس ملی کار

بقیه کلمه «کارفرما» تبدیل به «کارآما» شد

۱۰ – نظر به اینکه سنجش دقیق نیازهای بازار کار و برنامه‌ریزی آموزشی [illegible] تعلیمات فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های [illegible] [illegible] موجود [illegible] وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری سازمان برنامه و بودجه، وزارت آموزش و پرورش، وزارت صنایع و معادن، وزارت علوم و آموزش عالی و دیگر موسسات دولتی و خصوصی، ترتیبی [illegible] را هرچه زودتر تدوین نماید.

۱۱ – با توجه به نیازهای [illegible] و استخدامی [illegible] موسسات تعلیمات فنی و حرفه‌ای که [illegible] توسعه سریع این موسسات و [illegible] مورد نیاز آنها است وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارائی و سازمان برنامه و بودجه اقدامات همه جانبه‌ای در جهت [illegible] این مقررات [illegible] موسسات مذکور به عمل آورد.

۱۲ – با توجه به اهمیت [illegible] مشارکت زنان در فعالیت اقتصادی و در جهت رفع کمبود بازار کار از نظر نیروی انسانی، وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش با همکاری سازمان زنان و سایر سازمانهای ذیربط برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت دقیقی به منظور تشویق و ترغیب زنان برای آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال تهیه [illegible] و موقع اجرا گذارند. و از طریق توسعه و گسترش مهدهای کودک در جوار کارخانه‌ها جذب بیشتر زنان و استمرار استقبال آنان در واحدهای تولیدی و صنعتی تسهیل شود.

۱۳ – نظر به اینکه اداره بهتر صنایع موجود مستلزم داشتن تعداد بیشتری مدیران و سرپرستان با تجربه و آشنا به رموز صنعتی و کاربرد مدیریت صحیح و منطقی نیروی انسانی است وزارت صنایع و معادن و وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و موسسات آموزشی ذیربط برنامه آموزش مدیران و سرپرستان را توسعه دهند.

۱۴ – سازمان برنامه و بودجه در برنامه ششم عمرانی کشور اعتبارات کافی به تعلیمات فنی و حرفه‌ای اختصاص دهد و از هم اکنون مقدمات توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای را متناسب با نیازهای برنامه فراهم سازد.

۱۵ – وزارت آموزش و پرورش ضمن تجدید نظر در برنامه مدارس ابتدائی، راهنمائی، متوسطه و هنرستانها [illegible]

[illegible] این برنامه‌ها شامل مجموعه‌ای از [illegible] و [illegible] کارگاهی [illegible] احتیاجات جامعه و [illegible] کشور مربوط گردد.

۱۶ – با توجه به ضرورت [illegible] علمی مسائل مربوط به کار و اشتغال و توسعه صنایع کشور موسسه کار و تأمین اجتماعی در زمینه تحقیقات مربوط به کار و [illegible] فعالیت خود را گسترش دهد.

۱۷ – با توجه به اهمیت مسائل مربوط به [illegible] فنی و [illegible] تعلیمات فنی و حرفه‌ای [illegible] احتیاجات کشور و لزوم آگاهی از نظرات مدیران صنایع و کارگران در [illegible] امور مربوط به این موسسات و [illegible] توصیه میشود از نمایندگان سازمانهای کارگری و مدیران صنایع نیز برای شرکت در کنفرانسهای ارزشیابی انقلاب آموزشی کشور دعوت بعمل آید.

۱۸ – در جهت کاهش نیاز کشور به متخصصان خارجی و جایگزینی متخصصان ایرانی به جای متخصصان [illegible] مدیران صنایع از طریق اجرا برنامه‌های کارآموزی در داخل و خارج کشور و [illegible] امکانات همه جانبه برای آموزش همکاران ایرانی متخصصان خارجی، اقدامات لازم را معمول دارند.

۱۹ – به منظور توسعه و جهت دادن به حرکت نیروی کار و کاهش [illegible] در سطح روستاها از نظر جذب نیروی انسانی و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز طرحهای عمرانی، برنامه جامعی توسط وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه‌های کشاورزی و منابع طبیعی و تعاون و امور روستاها صنایع و معادن تنظیم و اجرا شود. در این خصوص توصیه میشود که برای ایجاد واحدهای صنعتی خاص در جوار روستاها و مناطق کشاورزی [illegible] ویژه‌ای در نظر گرفته شود تا از این طریق [illegible] همگام با توسعه برنامه‌های کشاورزی و [illegible] امکان [illegible] اشتغال [illegible] کشاورزان و استمرار کار در [illegible] فراهم سازند.

۲۰ – اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و سازمان کارگران ایران با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی روشهای اجرائی خاصی برای [illegible] جابجائی نیروی انسانی از یک موسسه تولیدی

بقیه در صفحه ۵۶

آخرین جلسه هشتمین کنفرانس ملی کار به هنگام قرائت قطعنامه

بحثی در مورد قانون کار

تعطیلات و مرخصی ها

مدت کار

این متن قانون کار در ابتدای امر بود ولی بعداً قانون مذکور در سال ۱۳۴۲ بشرح زیر اصلاح گردید: « هر کارگر پس از دوازده ماه کار حق دوازده روز مرخصی با دریافت مزد خواهد داشت. چنانچه استفاده از مرخصی به سال بعد موکول گردد، استفاده از مرخصی برای کارگران الزامی بوده و تعیین تاریخ استفاده از مرخصی دوساله با توافق طرفین است. استفاده از مرخصی نباید بدون جلب موافقت کارگر به صورت متناوب تعیین گردد. مرجع رسیدگی به اختلافات مربوط به مرخصی شورای کارگاه مربوطه است و رأی شورای مذکور قاطع است.»

در این اصلاحیه چند نکته بچشم میخورد:

اولا امکان ذخیره مرخصی برای دوسال

ثانیاً، توافق دوطرف برای استفاده مرخصی دوساله.

ثالثاً مرجع رسیدگی به شکایات مربوط به مرخصی.

رابعاً ــ امکان استفاده از مرخصی بطور متناوب با رضایت کارگر ولی در سال ۱۳۴۳، قانون مذکور به شرح تبصره ۲ ماده ۵۱ تنظیم و تصویب گردید. «درصورتی که استفاده از ایام مرخصی استحقاقی کارگر به سال بعد موکول گردد، استفاده از آن درسال بعد الزامی می باشد. تاریخ استفاده از مرخصی با توافق طرفین تعیین می گردد ودر غیر این صورت رأی شورای کارگاه قاطع است»

در این تبصره تنها یک نکته جدید ملاحظه میگردد وآن الزامی شدن استفاده از مرخصی ساله است. بدین معنی، مرخصی درقانون جدید بعنوان امری الزامی تلقی گردیده است واگر احیاناً کارگر نتواند ویا نخواهد ازمرخصی خود استفاده کند، مدت بیش از ۲۴ روز ازمیان خواهد رفت. واین پیش بینی، برای آن در نظر گرفته شده است که کارگرحتماً ازمرخصی خود استفاده کند ولذا فلسفه مرخصی با استفاده از حقوق بمرحله اجرا گذارده شود.

سایر مطالب ماده تصحیح شده، از جمله شورای کارگاه بعنوان مرجع رسیدگی باختلافات مربوط به مرخصی با استفاده از حقوق، همان است که درقوانین گذشته پیش بینی گردیده است. آنچه که در این زمینه واجد اهمیت است قطعی بودن رأی شورای کارگاه است زیرا بعکس دیگر موارد که طرفین میتوانند از رأی شورای کارگاه به مرجع بالاتر یعنی هیئت حل اختلاف شکایت برند، در مورد مرخصی با استفاده ازحقوق، وضع چنین نیست وهمان رأی اولیه قطعی است.

آنچه درمورد تعطیلات هفتگی و مرخصی سالانه درصفحات گذشته بیان گردید مربوط به کارگرانی که روزمزد کارمیکنندبود، کارگرانی که دستمزد دریافت میدارندولی ببینیم درمورد کارگرانی که کارمزد دریافت میدارند یعنی کارگرانی که براساس میزان محصول خود مزد دریافت میدارند، وضع چگونه است دراین زمینه تبصره ۱ ماده ۵۱ شرح زیر مقرر داشته است: مأخذ محاسبه مزد برای ایام تعطیل و مرخصی درمورد کارگرانی که درمقابل محصول کار خــود مزد دریافت میدارند (کارمزد) عبارت ازنصف حد متوسط کارمزد کارگر در آخرین سی روز کار خواهد بود. در هر صورت این مبلغ نبایستی ازحداقل مزد کمتر باشد در این تبصره، چند نکته بچشم میخورد: اولاً قانونگزار، ازآنجا که کارگر کارمزد دربرابر محصول کار خود کار میکنند نخواسته است وی را ازمرخصی محروم سازد

ثانیاً مبلغی را که میزان مزد ایام تعطیــل درنظرگرفته کمتر ازمزدی است که معمــولا برای کارگران مزد بگیر تعیین شده است. ثالثاً این مقدار را مقرر داشته است که ازحداقل مزد نباید کمتر باشد.

نکته‌ای را که درمورد تعطیلات هفتگی و یا مرخصی باید مورد توجه قرارداد اینست که آیا درپایان مدتهای پیش بینی شده باید ازمرخصی سالانه و یا تعطیلات هفتگی استفاده کرد یــا قبلا نیز میتوان ازآن استفاده کرد؟

بدین معنی که ماده ۴۱ قانون کار چنین مقرر داشته است: در هر هفته روز جمعــه روز تعطیل کارگران با استفاده ازمزد میباشد.

آیا منظور روزجمعه پس از شش روز کار کردن است یا اگر کارگر یک روز هم کار کرده بــود باید جمعه راتعطیل کند؟

در این زمینه دو نظر وجود دارد: عده‌ای معتقدند که چون درقانون تصریح شده است که «در هر هفته روزجمعه روزتعطیل کارگــران بــا استفاده از مزد میباشد» و بهیچوجه ذکری از لزوم شش روز کار در هفته نشده است. لذا اگر کارگر یک روز هم کار کرده باشد باید ازتعطیل هفتگی استفاده کند. عده‌ای دیگر معتقدنــد این استدلال درست نیست ومعتقدند همین بیان «در هر هفته...» مبین آنست که کارگر باید شش روزقبلی را کار کرده باشد و آنگاه بتواند یک روز تعطیل نماید و درمورد کارگرانی که دروسط هفته بکار گمارده میشوند و یا اینکــه بسبب بیــماری و غیره مدتی از هفتــه را بکار نپرداخته‌اند، برای روزجمعه جــوان بــه نسبت روزهــای کارکرده، مزد کار روز تعطیل را پرداخت. مثلا اگر کارگر دو روز در هفته کار کرده باید یکسوم مزد بوی پرداخته شود و در حال حاضر بهمین نحو نیز عمل میشود.

در مورد مرخصی سالانه نیز همین سؤال مطرح میشود. بدین معنی که درماده ۵۱ در قانون مقرر گردیده است که هر کارگر بــه ازاء دوازده ماه کار، حق دوازده روز مرخصی بــا دریافت مزد خواهد داشت. آیا منظور اینست که حتماً کارگر باید دوازده ماه کار کرده باشد تا بتواند از ۱۲ روز مرخصی استفاده کند تا در وسط سال هم بتواند از مرخصی خود استفاده کند و یا اینکه ۱۲ روز به پایان سال میتواند از مرخصی خود استفاده کند؟

در این زمینه باید خاطرنشان ســاخت صراحت قانون نشان میدهد که پس از ۱۲ ماه و درقبال ۱۲ ماه کار ۱۲ روزمرخصی بااستفاده از حقوق مقرر گردیده است. در قوانین قبلی همانطور که خاطرنشان ساختیم پس ازششماه نیز کارگر میتوانست از نصف مرخصی سالانه خود استفاده کند ولی درقانون فعلی چنین امری پیش بینی نگردیده است ولی نکته ای را که باید درنظر داشت اینست که گرچه در قانون گفته شده است درقبال ۱۲ ماه کار، ولی عملا هرگاه کارگری نیاز داشته باشد میتواند با رضایت کارفرما دروسط سال نیزازمرخصی خود به نسبت مدت کاری که کرده استفاده نماید.

تعطیلات رسمی کارگران

عــلاوه بر تعطیــلات هفتگی و مــرخصی سالانه، قانون تعطیلات رسمی نیز برای کارگران درنظر گرفته است.

اصولا بــرای هرملتی، و در تــاریخ هـر کشوری روزهائی وجود دارد که خواه ازلحاظ دینی و یا ازنظرملي و میهنی بسیارمحترم و عزیز است و بدین لحاظ همه مردم وازجمله کارگران، آنروز را تعطیل می کنند.

درمورد ایران نیز وضع بهمین منوال است، ماده ۵۱ قانون کار، درمورد تعطیلات رسمی چنین مقرر داشته است: روزهای تعطیلات رسمی با استفاده ازمزد به قرار زیراست:

روز عیــد نــوروز، سیــزده فــروردین، عید کارگری (۱۱ اردیبهشت) جشن مشروطیت، عاشورا، بیست یکم رمضان، عید قربان، عید غدیر، میلاد اعلیحضرت همایونی و بیست و هشتم صفر (رحلت حضرت رسول (ص) وشهادت حضرت امام حسن (ع))

بدین ترتیب روزهای یاد شده که خواه از لحاظ دینی و یا ملی ومیهنی برای کشورما مهم میباشد کارگران دست از کارمی‌کشند.

ولی نکته ای را که باید مورد توجه قرار داد اینست که هرگاه روزهای مرخصی و تعطیلات رسمی کارگربکاراشتغال داشته باشد، دیگر از ۳۵ درصد اضافه و یا ۳۵ درصدخبری نیست و تنها اگر روز دیگری هم استفاده نکنند تنها صد درصد بوی اضافه پرداخت خواهد شد.

آنچه بیان گردید مسائلی است که درقانون کار در مورد تعطیلات و مرخصی ها بــرای کارگران پیش بینی گردیده است.

کار زنان و کودکان

با وجود یکه برخی ازمقررات وقوانین کشور ناظر برآن است که اطفال و در برخی از موارد زنان را درزمینه هائی از امور محدود سازد و در قانون مدنی کشور ما، این موارد کاملا مشخص گردیده است. ولی یک رشته مسائل اقتصادی و اجتماعی سبب گردیده است که در قلمرو قوانین کار و تأمین اجتماعی، این محدودیت‌ها کاهش یابد. بدین ترتیب کــه امکانات لازم به منظور استفاده هرچه بیشتر از زنان و نوجوانان در فعالیت‌های اقتصادی و بعنوان عاملی ازعوامل نیروی انسانی فراهم آید.ما در آغاز این سلسله مقالات خاطرنشان ساختیم که حقوق کار و قوانین و مقررات کار زائیده و نتیجه اوضاع و احوال جدید اقتصادی واجتماعی کشورمی‌باشد.

و بدین لحاظ نیز باید پاسخگوی نیازهای جدید جامعه باشد و برای اینکه ازهمه امکانات برای بهبود وضع جامعه وپیشبرد هدفهای جامعه استفاده شود، ضرورتاً قوانین و مقررات بنحوی تنظیم گردد که از نرمش و انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد.. با توجه به چنین ضرورتی است که قوانین و مقررات کارنسبت به قوانین دیگر به ویژه قانون مدنی، از نرمش بیشتری برخوردار است.

فی‌المثل، همانطور که در مورد قرارداد کاربیان شد، برای اینکه فردی بتواند قراردادی منعقد سازد، باید واجد شرائطی باشد. این شرائط عبارتند از:

قصد ورضای طرفین

اهلیت طرفین

موضوع معین که مورد معامله باشد.

مشروعیت معامله

و برطبق ماده ۲۱۱ قانون مدنی برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید عاقل و بالغ و رشید باشند و سن رشد نیز برطبق قانون مدنی ۱۸ سال تمام است.

حال آنکه مستنبط از ماده ۴۱ قانون کار اطفال بزرگتر از ۱۲ سال نیز می‌توانند قرارداد کار منعقد سازند و به کار اشتغال ورزند. این قابلیت انعطاف درمورد زنان کارگر نیز وجود دارد. بدین معنی بهنگام اشتغال زنان به کار، درقانون کار نه تنها هیچگونه حصرومحدودیتی برای زنان وجود ندارد، بلکه به موجب ماده ۳۲ قانون کار، مزد کارگر زن و کارگر مرد، برای کارمساوی، یکسان است.

حال با توجه به آنچه بیان‌گردید، ببینیم عامل اساسی این نرمش و قابلیت انعطاف چیست؟

در این زمینه می‌توان به چهار عامل اشاره کرد:

۱ــ وضع اقتصادی خانواده

۲ــ اقتصاد کشور.

۳ــ مصوبات مراجع بین المللی.

۴ــ پیشرفت های فرهنگی وفکری.

بقیه دارد

دفترسوم

ازکبوترنامه‌بر تاعظیم‌ترین ماهواره‌ها

**کشورما ازطریق ماهواره‌های مخابراتی با پنج قاره جهان ارتباط تلگرافی و تلفنی دارد
ایران ازحیث مخابرات در صدر کشورهای خاورمیانه قرار دارد**

کاخ مخابرات میدان سپه که کلیه دستگاههای فنی مدرن در طبقات آن نصب گردیده

ارتباطات به‌مفهوم وسائلی برای‌مبادله خبر واطلاعات وانتقال افکار واندیشه‌ها از راه دور همواره در مرکز توجه وآرزوهای انسان قرار داشته وبرای ایجاد توسعه وتکامل آن ازهیچ تلاش و کوششی فروگذارنکرده‌است.
از زمانی که قبایل بدوی کوچک با

مرکزمخابرات درمیدان سپه

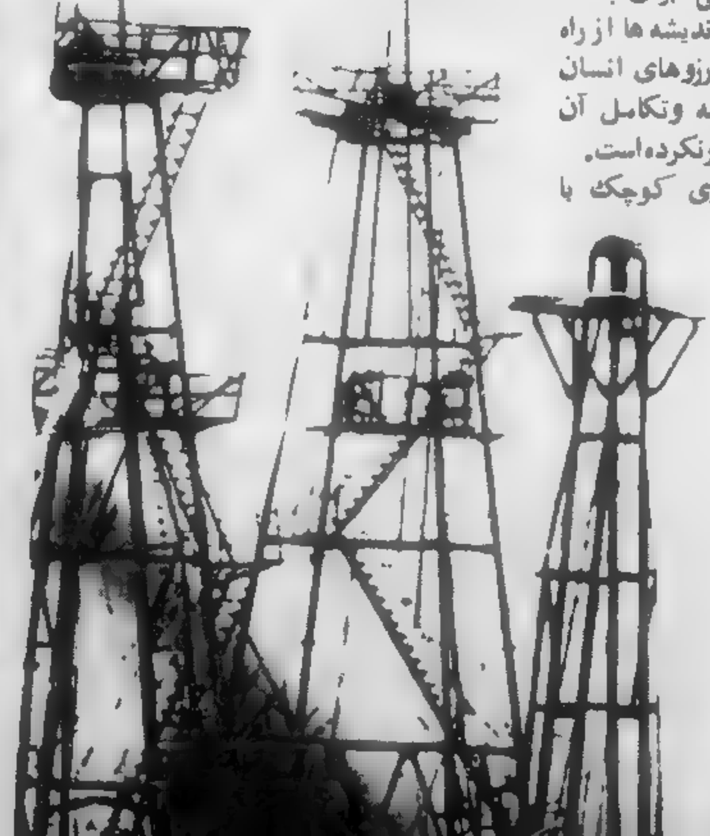

گماردن قراولانی در ارتفاعات با کمک علائم و اصوات قراردادی از خطرات وبعضی اطلاعات دیگر در محدوده خود آگاهی می‌یافتند واز زمانی که باافروختن آتش و برپا کردن دود - مبادله اطلاعات از فواصل نسبتاً دور - هم عملی گردید وپس‌از مبادله پیامها را برعهده قاصدان پیاده ویا سواره می‌گذاشتند... این سیستم مبادله پیام در امپراتوری بزرگ هخامنشیان برای نخستین بار بصورت یک سازمان رسمی درآمد وبانظم و سرعتی که امروزهم شگفت‌انگیزاست،بعدها

ساخت وچهره‌ای از آن ظاهر کرد که بعد مسافات وآنچه را که عایق دیدن وشنیدن بود، درهم نوردید وافقهای جدید وگوناگون برای‌سیرافکارعرضه نمود.

پست

هرچند ابداع وایجاد پست باسازمانی که امر وصول وارسال نامه‌ها رابعهده دارد، البته بمفهوم محدودی بنا برآنچه که مورد اتفاق مورخین است بدست ایرانیان صورت گرفته مع‌الوصف از استقرار پست جدید با پست

از دل مملکت ایران بوجود می‌آید که پست و مخابرات و کلیه امور مخابراتی نیز تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفته و انقلابی نو آن همه شئون مخابراتی را فرا میگیرد . بطوریکه وضع مخابرات چه از نظر وسائل و دستگاههای مخابراتی و چه از بابت تشکیلات و اموراداری یکسره دگرگون میشود و سکهٔ مخابراتی کشور که مرتباً اهمیت بیشتری کسب میکرد از جهت نظارت و دخالت بیگانگان خارج میشود و اداره کل امور مخابراتی موجب [illegible] .

[illegible] و مخصوصاً [illegible] پی‌دری توسعه [illegible] مخصوصاً می‌گردد و [illegible] محصور و تحت [illegible] [illegible] می‌شد .
مدیران و [illegible] و [illegible] میشوند که وظایف و مسئولیتهای حفظ مخابرات را عهده می‌گیرند و همس [illegible]

لطفاً ورق بزنید

...ی مخابراتی

هم همچنان بی‌نظیرباقی‌ماندوایران‌را بحـــق باید بنیانگذار پست دانست، که تا یکی دو قرن پیش بهترین نوع مبادله پیام بشمار میرفت.

اما درصدسال اخیر ابداعات وپیشرفتهای برارج واهمیتی که هریک به‌ترتیب زمان نزدیکتر، حیرت‌انگیزتر از دیگری جلوه می‌کند، وضع ارتباطات را بکلی دگرگون

بمفهوم وسیع امروزی در ایران بیش از یک قرن‌نمیگذرد.

در زمان هخامنشیان برای مبادله پیامها از وسائل بصری مانند ایجاد دود بهنگام روز وافروختن آتش در شبها برفراز تپه‌های مرتفع نیز سود می‌جستند که البته این وسایل بیشتر در موارد فوری وبرای مبادله اخبار و اطلاعاتی کلی بکارمیرفته است، ودرحقیقت می‌توان آنرا نوعی مخابره تلگرافی ابتدائی درنظرگرفت.

تلگراف

اگر فن تلگراف رامبادله اخبارواطلاعات بوسیله علایم قراردادی سمعی وبصری وغیره از محلی بمحل دیگر تعریف کنیم، تاریخ مخابرات ازچند هزارسال قبل شروع می‌شود وتا آنجا که شواهد وقرائن تاریخی حکایت دارد، ایرانیان نخستین ملتی بوده‌اند که در این راه گام برداشته‌اند. «فیثاغورث» در سیاحتنامه خودمی‌نویسد:

«... یکی از نگهبانان باشعله خاموش نشدنی در بالاترین کنگره قصر مراقب بوده است، ایستگاههای بسیار باآن درارتباط بود و باتابش تدریجی روشنائی آتش، اخبار حدود وداخله ایران را به‌نگهبان مراقب خبر میدادند..»

«مورس»

مورس در ساعت ۸ صبح روز ۲۴ مه ۱۸۴۴ میلادی باحضور عده زیادی از طبقات مختلف ، ازجمله رئیس جمهوری وقت آمریکا اختراع شگرف خود را به آزمایش گذاشت وبا استفاده از سیم ونیروی الکتریسته بین دو شهر واشنگتن وبالتیمورارتباط تلگرافی برقرارنمود.

نخستین خط تلگرافی «مورس» در ایران نوزدهم تیرماه سال ۱۲۳۸ شمسی بین کاخ سلطنتی در تهران و اردوگاه تابستانی شاه درچمن سلطانیه آماده گردیدومورد بهره‌برداری قرارگرفت.

آغاز شاهنشاهی پهلوی

شاهنشاهی رضاشاه کبیـــــر

با آغاز عصر شاهنشاهی پهلوی برای پیشرفت مخابرات نیز مانند دیگر امور و شئون مملکتی برنامه‌های گسترده‌ای تهیه و بموقع اجراگذارده‌شد.

در حقیقت با آغاز شاهنشاهی عصر پهلوی که با شاهنشاهی سردار کل سپاه ایران رضاخان پهلوی بعنوان پادشاه ایران آغاز میشود دگرگونی ژرف آسائی در سراسر

از کبوتران نامه بر تا عظیم ترین ماهواره های مخابراتی

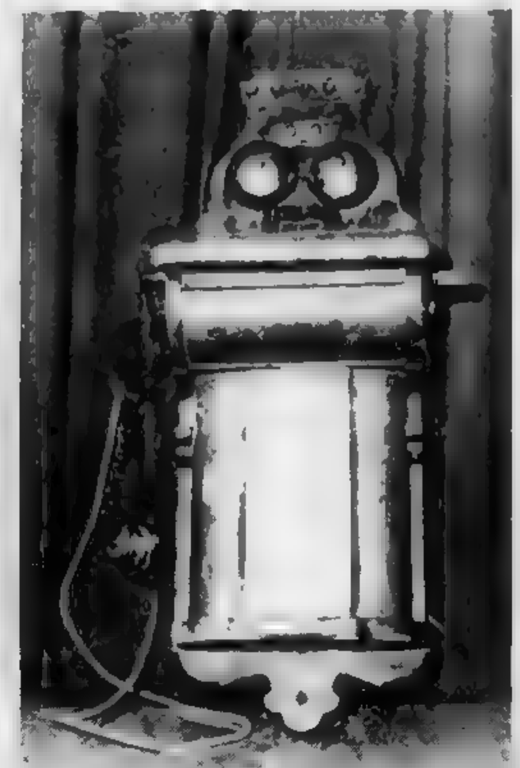

نمونه‌ای از تلفن های خود کار قدیمی

هستند که در تشکیلاتی وسیع تر ، مدیران و مسئولان آینده مخابرات را تربیت می کنند .

از آنجا که از سال ۱۲۹۹ رهبری نظام ایران عملا در دست اعلیحضرت رضاشاه کبیر بوده است . تاریخچه مخابراتی ایران را نیز از همان تاریخ در راه آشنائی خوانندگان مورد بررسی قرار میدهیم .

مخابرات پنجاه سالهٔ ایران

با طلوع خورشید سلطنت دودمان پهلوی و آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، مخابرات ایران نیز مانند دیگر شئون اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ایران مشمول تحولات رضاشاهی قرار گرفت .

اولین اقدام مهم و چشمگیر مخابراتی در آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، گسترش سریع و ناگهانی سیستم تلگرافی ، افزوده شدن ایستگاه‌های مخابراتی و کابل — های زمینی ، هوائی و دریائی و آغاز ساختمان دفاتر تلگرافی و پستی بود که ابتدا در شهرها ی بزرگ آغاز شد و سپس به شهرستانهای کوچکتر می‌رسید . این افزایش که بعدها بصورت ترمیم ، سرویس و نگهداری در آمد پس از آنکه سیستم‌های دیگر مخابراتی نیز به سیستم تلگراف افزوده شد همچنان در کنار سایر فعالیت‌ها و گسترش های مخابراتی بدون وقفه انجام می‌گرفت .

کابل‌هائی که باید سرویس و تعمیر میشد ، دفاتری که گنجایش و ظرفیت کاری آنها بالا میرفت و دفاتر تازه‌ایکه برای تلگراف باید ساخته میشدند . در مهرماه همین سال یعنی ۱۳۰۵ اولین شبکه تلفن مغناطیسی به تعداد دوهزار و سیصدشماره در تهران آغاز بکار کرد و مذاکرات دولت ایران با مجری طرح تلفن مغناطیسی برای توسعه و گسترش خطوط تلفن در تهران و آغاز نصب دستگاه‌های تلفنی در شهرستانها ، صورت گرفت .

در سال ۱۳۰۳ بفرمان رضاشاه کبیر وزارت پست و تلگراف مأمور شد تا برای ایجاد ساختمان های بی‌سیم و همچنین خرید و نصب اولین فرستنده رادیوئی با کمپانی‌های سازنده وارد مذاکره شود .

علت علاقه رضاشاه کبیر را به بی‌سیم علاوه بر علاقهٔ شخصی‌ایشان به گسترش و توسعه کشور در کلیهٔ سطوح و شئون اداری و اجتماعی از زبانی نقل کرده‌اند که در سرکوبی میرزا کوچک خان گاری کوچکی بدست سربازان رضاشاهی میافتد که در آن فرستنده کوچک رادیوئی

در همین سال همراه با دیگر محصلینی که بفرمان رضاشاه کبیر برای تحصیل در رشته های مختلف به‌اروپا میرفتند، اولین دستهٔ محصلین مخابراتی نیز که هفده نفر بودند به‌اروپا اعزام شدند تا در رشته های مختلف بی‌سیم، تلگراف وتلفن به‌تحصیل اشتغال ورزند. این عده پس از مراجعت از اروپا، علاوه بر کار دردستگاه‌های مختلف وزارت پست وتلگراف آن عهد، کار تعلیم وتربیت کارآموزان و دانش‌آموزان مخابراتی در ایران را نیز بعهده گرفتند.

روزششم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ که برابر

سالن فرستنده ۲ کیلوواتی برج بلند تلگرافی که ۵۰ سال پیش بدست رضاشاه کبیر افتتاح شد

ساختمان فرستنده بی‌سیم پهلوی که پنجاه سال قبل بدست اعلیحضرت رضاشاه کبیر افتتاح شد

قدیمی‌ترین دستگاه مخابراتی که در تهران شروع بکار نمود

در سال ۱۳۰۳ بفرمان رضاشاه کبیر وزارت پست و تلگراف مأمور شد تا برای ایجاد ساختمان های بی‌سیم و همچنین خرید و نصب اولین فرستنده‌ی رادیوئی با کمپانی های سازنده وارد مذاکره شوند.
در سال ۱۳۱۱ قرارداد کمپانی «هندواروپ» لغو گردید و کلیه خطوط تلگرافی سراسر کمپانی مزبور در ایران به دست ایرانیان سپرده شد.

مرکز شبکه کنترل، که ازاین مرکز تمام خطوط ماکروویو در سراسر کشور کنترل میشود

باسومین روز تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود، اولین فرستنده تلگرافی در اراضی قصرقاجار که امروز به بی‌سیم پهلوی مشهوراست افتتاح شد. هم‌در این سال مذاکرات برای خرید ونصب گیرنده‌های بی‌سیم نجف‌آباد وآغاز ساختمان در اراضی معروف بهمین نام آغاز گردید که‌سرانجام دوسال‌بعد درسال ۱۳۰۷ اولین‌مرکز مستقل‌گیرندهٔ بی‌سیم‌پهلوی نیز آغازبکار کرد.

در سال ۱۳۰۹ ،مذاکراتی برای قطع فعالیت‌های کمپانی هندواروپا که کارآنهامورد رضایت رضاشاه‌کبیر نبود آغازشد و بالاخره در سال ۱۳۱۱ قرارداد کمپانی‌مذکور لغو گردیدو کلیه خطوط تلگرافی سراسری هندواروپا درایران بدست‌ایرانیان سپردمشد وبموجب سند کمپانی هندواروپا دیگر هیچگونه حقی برآن‌ها نداشت. این دستورات شامل دفاتر ومراکز تلگرافی وپستی نیزمیشد که کمپانی مذکوردرطول‌مسیر خطوط تلگرافی خودساخته بود.

در همین سال ۱۳۰۹ ،اولین فرستندهٔ موج کوتاه نیزکه آغازکار آن از سال ۱۳۰۵ شروع شده بود وبعضی از تأسیسات‌جدید در مرکز فرستنده بی‌سیم پهلوی افتتاح‌گردید.

از سال ۱۳۱۱ پنج‌هزار شماره نیز بـه تلفن‌های مغناطیسی قبلی افزوده گردید و بموجب اساسنامه‌ای که‌از تصویب مجلس گذشت شرکت تلفن ایران که سرپرستی آن بامردی ... اختیا... که سهام ... به مردم عرضه‌دارد. این اساسنامه در سال ۱۳۱۳ دوباره تغییریافت واساسنامهٔ جدیدی که‌دولت ایران اجرای‌آن را به‌عهدهٔ وزارت پست وتلگراف وتلفن گذاشته بود بوجود آمد.

در سال ۱۳۱۳ همراه بااساسنامهٔ جدید شرکت تلفن سابق ایران،وزارت پست و تلگراف مأمور مذاکره وخرید دستگاه‌های جدید تلفن‌گردید. این دستگاه‌ها که‌گرفتن شماره تلفن را بطورخود کار میسرمیکرد. وامروز بنام تلفن خود کار مشهوراست درسال ۱۳۱۶ باشش‌هزارشماره‌آغازبکار کرد.

درسال ۱۳۱۷ ، ساختمان یک استودیوی کوچک ونصب یک‌دستگاه فرستنده جدید نیزدر بی‌سیم پهلوی به‌پایان رسید و در سال ۱۳۱۸ بهره‌برداری آزمایشی از استودیوی کوچک شروع‌شد. باآنکه سرانجام در روز چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ اولین فرستندهٔ رادیوئی پخش‌صدا (موج‌متوسط) باقدرت ۲ کیلووات بدست اعلیحضرت همایون شاهنشاه‌آریامهر که درآن زمان‌مقام‌ولایتعهدی داشتند‌افتتاح گردید.

سال ۱۳۲۰

از سال ۱۳۲۰ تامرداد ۱۳۳۲ بدلیل عدم ثبات وآرامش اصولادر زمینهٔ مخابرات کاری انجام‌نگرفت. باآنکه پس‌از سال ۱۳۳۲ دوران آرامش بازآمد ومجدداً مخابرات توسعه یافت که منتهی به انقلاب ششم بهمن ۱۳۴۱ گردید.

بقیه‌در صفحه ۸۶

سالن تلکس کامپیوتری که مستقیماً از طریق ماهواره مخابراتی با ممالک خارجی ارتباط دائم برقرارمیکند.

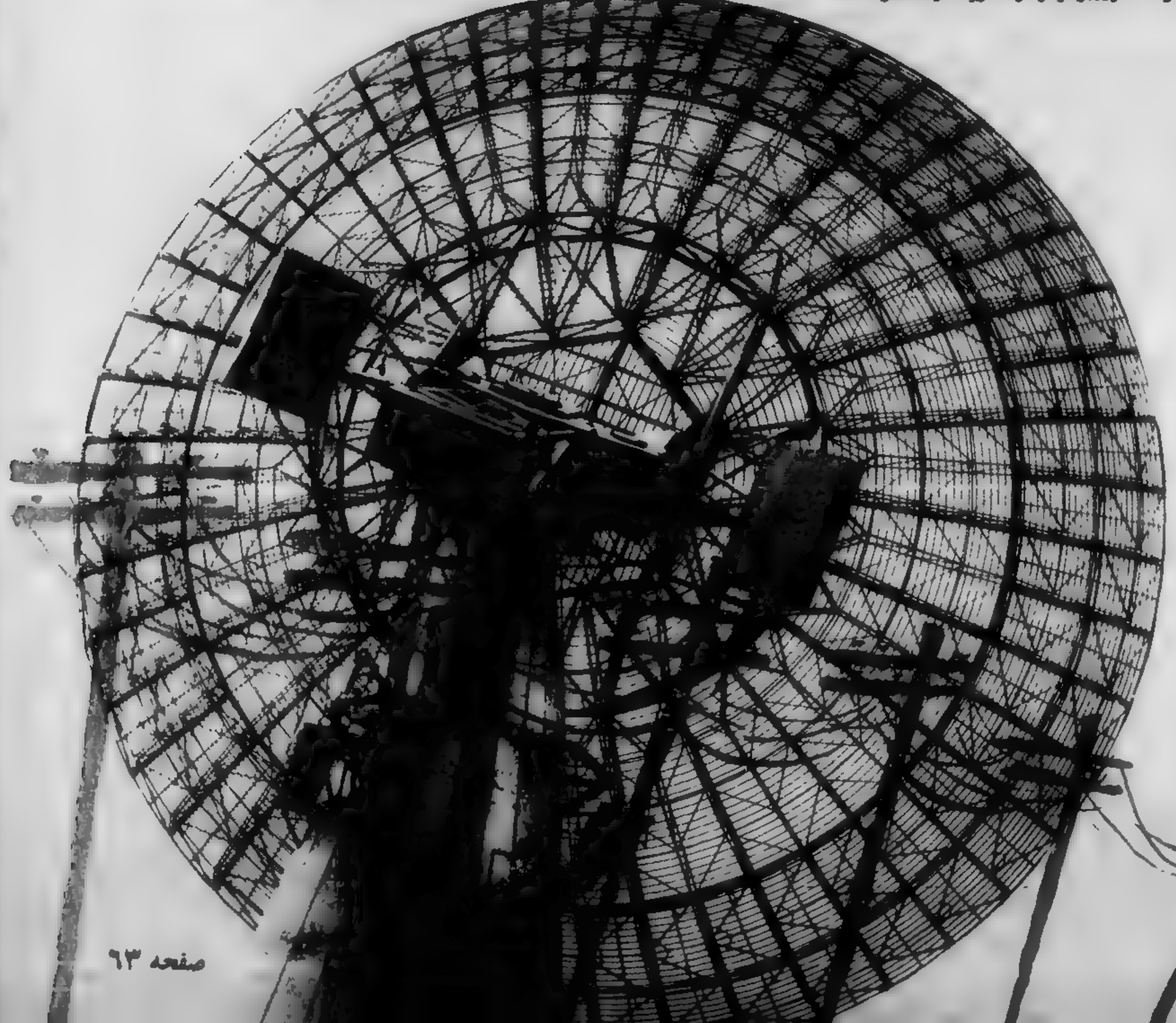

بهداشت وحفاظت محیط کار

آفتابزدگی وگرمازدگی درمحیط کار

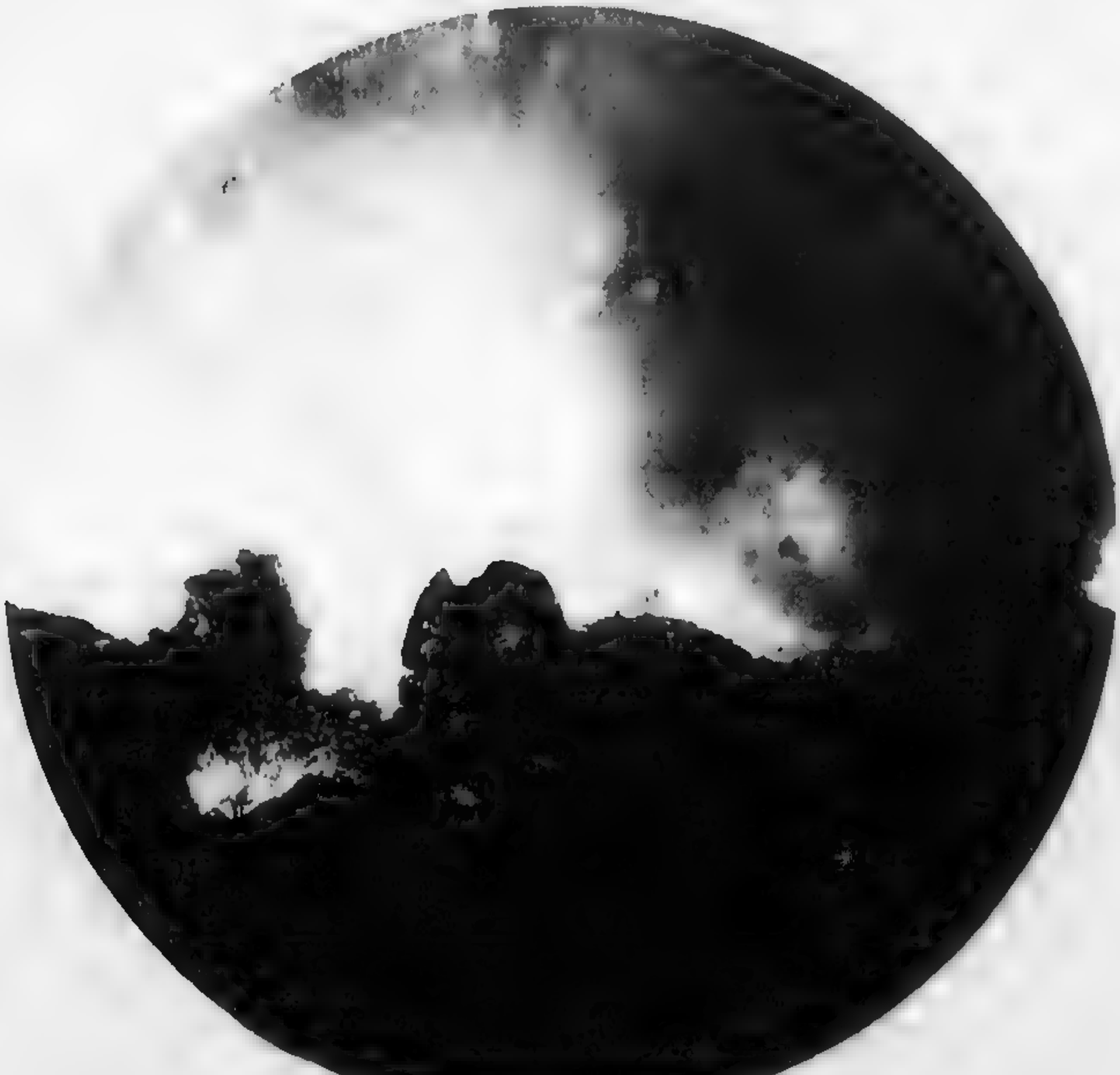

سوختگی پوست در آفتاب

اشعه ماوراء‌بنفش نور آفتاب باعث التهاب و سوختگی پوست می‌شود. مقدار این اشعه در زمینهای روشن مانند صحرا و کویر یا زمین پوشیده از برف بعلت انعکاس نور زیادتر است.

سفیدپوستان بیشتربسوختگی پوست مبتلا می‌شوند زیرا در مقابل تابش اشعه آفتاب حساس‌ترند. شدت سوختگی به نسبت سن، جنس، ضخامت پوست، فصل و اعتیاد شخص تغییرمی کند. «سوختگی درجه یک» که پس ازچندساعت حرکت ویا ماندن درآفتاب حاصل می‌شود با قرمزی و تورم، درد و خارش پوست توام است. این سوختگی چند روز ادامه دارد و بوسیله کمپرس مرطوب و خنک با محلول آب‌نمک یا اسیدبوریک دودرصد درمان می‌شود. پس از برطرف‌شدن درد و سوزش، اسیدبوریک یا کرم بمالند. پوست انسان پس از چند روز آفتابخوری تغییر رنگ داده و برنگ قهوه‌ای درمی‌آید. «سوختگی درجه دو» تولید تاول می کند که دردو سوزش بیشتری بهمراه دارد ومعالجه آن مانند سوختگی درجه یک است. ترکاندن تاول و چیدن پوست روی آن لازم نیست.

«سوختگی درجه سه»، تولید زخم می کند که با پانسمان‌های روغنی بهبود می‌یابد.

روشهای پیشگیری ازسوختگی

برای پیشگیری سوختگی باید هنگام حرکت یا کارمداوم درآفتاب، کلاه لبه‌دار بسر گذاشت و پیراهن آستین بلند و جوراب ساقه‌بلند پوشیده و قسمتهایی از پوست بدن که خواه ناخواه درمعرض تابش آفتاب قرار می‌گیرند قبلا کرم مخصوص مالید. پوست معمولا پس ازمدتی بتابش آفتاب عادت می کند و در برابر سوختگی مقاوم می‌شود. تابش آفتاب به ملتحمه چشم (پشت پلک چشم) نیز می‌تواند آسیب برساند. التهاب ملتحمه با سوزش و خارش و ترشح چرکی توام است. درمان آن کمپرس وشستشوی چشم با محلول اسیدبوریک ومحافظت چشم بوسیله عینک‌های ویژه دودی امکان پذیر است.

آفتابزدگی

اگر آفتاب مستقیماً روی سرو پشت بتابد، صورت قرمز شده، سر و پشت سر درد می‌گیرد و بیمار ناگهان بیهوش شده بزمین می‌افتد. که البته علائم دیگر این بیماری گاهی با تشنج و فلج وگاهی با سرسام و هذیان توأم است. درحال بیهوشی نبض ضعیف و سریع است و تنفس بسختی انجام می‌گیرد و در ۲۵ درصد موارد بیمارآفتابزده درمدت چند ساعت تلف می‌شود. دردسر، هذیان و سرسام براثر التهاب پرده‌های مغز است. کسانیکه بهبود می‌یابند ممکن است بعوارض فلج، فراموشی واختلال حواس دچار شوند.

درمان آفتابزدگی

درمان آفتابزدگی را میتوان درانتقال فوری بیمار به محل سایه‌دارو خنک، بالا نگاهداشتن سر و کمپرس سرد سر و پشت سر خلاصه کرد. همچنین باید تمام بدن را با ملافه‌تر و سرد کمپرس کرد. برای پیشگیری ازآفتابزدگی، استفاده از کلاه مخصوص مناطق گرمسیر از قبیل کلاه چوب پنبه‌ای و یا مقوائی‌با لبه پهن ضرورت تام دارد. کلاه حصیری و کتانی دراین مناطق‌چاره‌سازنیست.

جالب اینکه پیرمردان و کودکان کمتر بآفتابزدگی مبتلا می‌شوند. زنان به هنگام عادت ماهیانه بیشتر درمعرض این عارضه قرار دارند.

عوارض هوای دم دار

گرمی هوا و رطوبت شدید و فقدان وزش باد، هوا را «دم‌دار» می کند. در هوای دم‌دار نفس‌تنگی عارض می‌شود و انسان بزودی از هوای محیط خود کلافه و خسته و بکار بی‌میل می‌شود و علاوه بر این، زیاد عرق می کند و پوست بدنش بطور مدام تر و رنگش پریده و مردمک چشم متسع و نبض ضعیف و سریع می‌شود.

گرمازدگی

علت گرمازدگی بالا رفتن درجه حرارت بدن است گرمای شدید هوا و رطوبت زیاد آن و فقدان وزش باد (هوای شرجی) سه شرط بروز گرما زدگی است. علل دیگر گرمازدگی کار عضلانی در هوای دم‌دارو بتن داشتن لباس‌های تنگ و پربودن معده است. گرمازدگی در هوای ابری نیزبوجود می‌آید گرمازدگی ناگهان بروز نمی کند بلکه ابتدا انسان کلافه شده بسردرد، تنگی نفس، سرگیجه و استفراغ دچار می‌شود صورت قرمز می‌شود و اگرحرارت بدن به ۴۳ تا ۴۴ درجه برسد حالت اغما (کوما) و تشنج بروزمی کند و قلب ضعیف شده از کارمی‌افتد حالت کوما درمسمومیت‌های الکلی، بیماری قند و سکته مغزی نیز اتفاق می‌افتد.

درمان گرمازدگی

دردرمان بیمار گرمازده باید سرعت عمل بخرج داد و سرتاسر بدن را در ملافه‌تر و سردبپیچید، در صورت هوشیاری بیمار، مایعات نمک‌دار به بیمار نوشاند و در حالت بیهوشی قلب را بوسیله ماساژ و ضربه با پارچه سرد تحریک کرد و تنفس مصنوعی داد.

برای پیشگیری از گرمازدگی باید لباسهای نازک وسبک پوشید و روزی چندین بار بدنرا بوسیله دوش آب یا پارچه مرطوب و یا بادبزن سرد کرد. ساعات کار در هوای گرم و مرطوب باید بحداقل ممکن کاهش یابد، علاوه بر این درنیمه روز بایدحتماً به استراحت پرداخت و غذای کم صرف کرد. اشخاص چاق بیشتر مستعدگرمازدگی هستند.

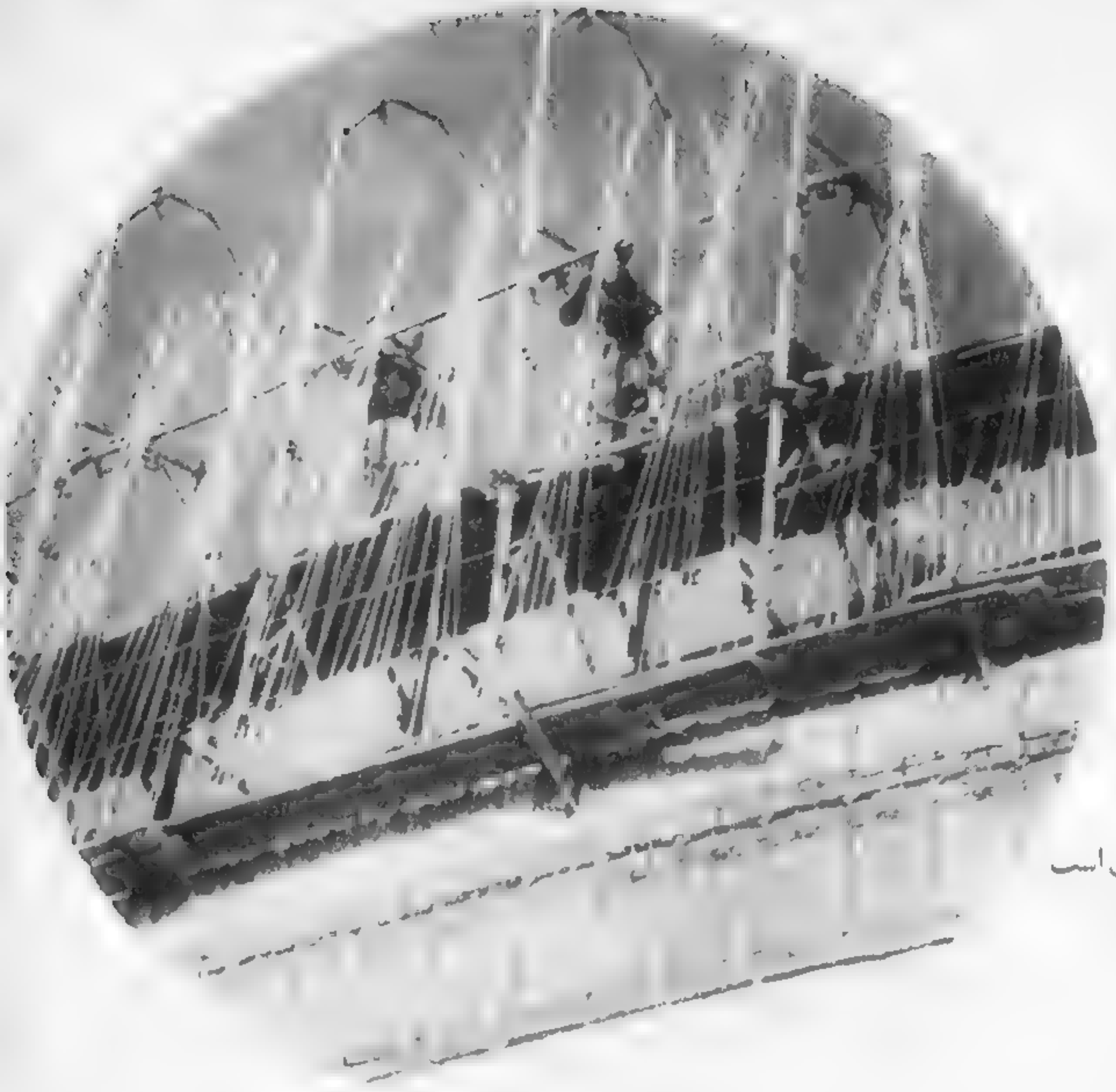

حرفه‌ها و حادثه‌ها

بی‌دقتی در به‌کار بردن ابزارها ،یکی از عوامل حادثه‌های حرفه‌ای است

بکار گرفتن نیروی زیاد نیز حادثه می‌آفرینند !

مواد شیمیائی سبب ایجاد ناراحتیهای جسمی در کارگر می‌شود !

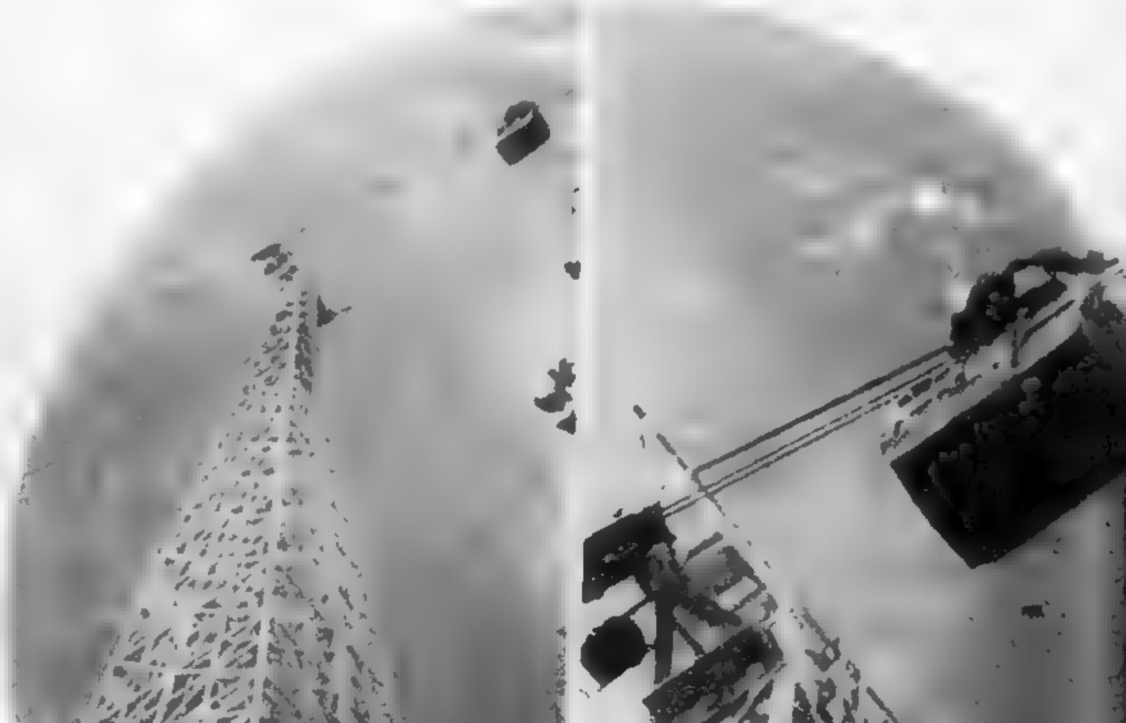

در هر کار، حادثه، بگونه‌ای رخ میدهد و وابسته به ناهماهنگیهای دستگاهی و ابزاری و بی‌توجهی های پاره‌ای کارگران متفاوت است.

مشکلات شغلی و کار بردهای نابجای وسایل نیز ازجمله عوامل حادثه زا بشمار میرود که مسلماً اگر کارگراز یک‌سری نکات مشخص و معین پیروی کند، درصد حادثه آفـــرینی کاهش می‌یابد و ناراحتیهای شغلی رو بــــه کلستی میگذارد.

تنها راه جلوگیری از حوادث ، پیشگیری و بوجود آوردن امکانات درمانی است . حوادثی که در هنگام کار و یا بوسیله کار و یا در راهی که درمحل سکونت تا محل کار اتفاق می‌افتند بنام حوادث ناشی از کار شناخته‌میشوند.

اینگونه حوادث از نظر درمانی مورد توجه قرارمیگیرند چرا که میتوانند در زندگی اجتماعی ایجاد اختلال و قدرت تولید را کم کنند و یا در زندگی کارگروخانواده‌اش تاثیر بگذارند.

آمار نشان میدهد که حوادث ناشی از کار به نسبت ازدیاد فعالیت‌های اقتصادی است.

در تهران وبسیاری ازمراکز صنعتی کشور اغلب حوادث ناشی از کار دیده‌میشود و با تمام پیشرفت تکنیک که در دوره معاصر ملاحظه میشود ، باز هم جلوگیری کامل از اینگونه حوادث غیر ممکن و تنها راه کمک ، فراهم کردن امکانات درمانی‌و پیشگیری است . در پیشگیری ها اولین قدم راهنمائی کارگران است که از هرگونه ـ حوادثی آگاه باشند و بخطرات ناشی از آن پی ببرند و با روشهای پیشگیری آشنا شوند .مجله رستاخیز کارگران در این بخش کارگران را با انواع حـــوادث و تصادفـــات مخصوصاً با چند نوع آن که بیشتر اتفاق میافتد، آشنامیسازد.

۱ - هرزخمی دراثر یک حادثه ایجادمیشود اما عکس آن نیز حقیقت دارد ، یعنی یک حادثه میتواندایجاد زخم نکند.

۲- زخمهای مختلفی خواه از نظر طبیعت و خواه از نظر علت میتوانند نتیجه یک تصادف شدید و مشابه باشند . مثلا پرت‌شدن میتواند فقط یک زخم سطحی ایجاد کند و همچنیـــن میتواندشکستگی عمیق و خطرناک دراستخوان بوجود آورد. منشاء هر حادثه‌ای را باید در یک بی‌احتیاطی جستجو کرد . این بی‌احتیاطی میتواند بوسیله فردی صدمه دیده و یا بوسیله شخص دیگری پیش آید .برای اینکه اصولا تصادفی پیش نیاید دو شرط کافی و لازم است . اول داشتن رفتاری عادی و بهداشتی در حین کار، مثلا کارگری در هنگام کار با وسائل خطرناک از عینک و یا ماسک و یا دستکش استفاده کند. دوم اینکه‌شرایط کارخانه توسط کارفرما طوری تنظیم شده باشد که امکان تصادف را از بین ببرد . مثلا استفاده از وسائل ایمنی لازم که قدرت کار کردن را از کارگران سلب نکند به حادثه منجر نخواهدشد.

منوچهر پورانی

« کارآما » بجای « کارفرما »

بقیه از صفحه ۱۸

« ...ما نخستین بار با سهیم کردن کارگران تا بیست درصد منافع کارگاهها اینکار راشروع کردیم حالا هم بافراهم کردن امکان سهامدار شدن کارگران این کار را دنبال خواهیم کرد.

... باتمام توجهی که به کارگران ایران داریمو آنانرا در بیست درصد سود کارخانه ها سهیم ساخته ایمو بعلاوه کارگرانو کارمندان صنایع ایران میتوانند در چهل‌ونه درصد سهام کارخانه ها شریک شوندو همچنین باتسهیلاتی که برای تأمین مسکن‌وآموزش‌و تربیت و تحصیلات مجانی فرزندان آنها فراهم‌ساخته‌ایم.

... کارگران در چهل‌ونه درصد سهام کارخانه هامشارکت‌مینمایندو سهام کارخانه‌های دولتی تا نودونه‌درصد در اختیار مردم قرارخواهد گرفت و پنجاه‌درصد سهام شرکت های زراعی نخست‌به خردمالکانو بعد به‌دیگر مردم‌عرضه خواهدشد.

... ماا کنون دارای برنامه‌ای هستیم که بموجب آن کارخانه‌ها ۴۹ درصد سهام خود را به کارگران‌واگذار میکنند. از اینرو کارگران و خردمالکان در صف‌پیشین چنین انقلابی ، قراردارند...»

باین ترتیب باگسترش مالکیت، امکان ثروتمند شدن و توزیع عادلانه درآمدها برای همگان فراهم‌گردیده است، بعکس آنها که تصورمی کردند با ازمیان بردن مالکیت بتوان توزیع عادلانه درآمدها را انجام‌پذیر ساخت و عدالت‌اجتماعی را برقرار کرد، در کشور ایران با توسعه وگسترش مالکیت‌ها، این امر انجام — پذیرگردید و با چنین اندیشه‌ای اصل سیزدهم به اصول انقلاب افزوده شد و در اجرای آن‌قانون گسترش مالکیت صنعتی به تصویب رسید و کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی و تولیدی در اجرای قانون مذکورسهام خود را به کارگران عرضه کردند.

حال این نکته متبادر به ذهن می‌شود که آیا شرائط امروزدر زمینه روابط کارگرو کارفرما مانندگذشته است ؟ آیا امروز تنها کارفرما سرمایه فراهم می‌آورد و اداره امورکارخانه فقط با اوست و کارگر تنها تحت‌نظر و بدستور او کارمی کند ؟ مسلماً جواب این سؤالات منفی است زیرا :

از یکسو امروز واحدهای تولیدی و صنعتی اکثراً بصورت شرکت سهامی عام تشکیل و اداره می‌شوند و این مدیران هستند که درمجمع عمومی بوسیله سهامداران انتخاب می گردند و اداره امورشرکت را بعهده دارند ، و دیگر اینکه در نظم جدید که ۴۹ درصدسهام بوسیله کارگران خریداری می‌شود، اینان نیز مانند دیگر سهامداران در سرنوشت کارخانه دخیل وسهیم هستند ونمایندگان آنها درمجامع عمومی شرکت می‌نمایند و رأی می‌دهند و لذا در تصمیمات مربوط به اداره امورکارخانه دخالت دارند.

کارگران بلحاظ آنکه خود سهامدارهستند کوشش فراوانی دربهبود محصول و بالا بردن کیفیت آن بعمل می‌آورند و مانند مدیران کارخانه که خود مزد و حقوق بگیر بوده و احیاناً سهامی از کارخانه را نیز دارا می‌باشند، کارگران نیز درهمین‌حال که سهامدار هستند از بابت کاری که انجام می‌دهند مزد و حقوق دریافت‌می‌دارند.

پس بدین ترتیب ، درروابط کارگرو کارفرمای گذشته ، امروز تغییرات و دگرگونی اساسی رخ داده است و لذا ایجاب می کند که با توجه به نقش جدیدی که کارفرما در دوران رستاخیز دارد نامی بروی نهاده شود که هرچه بهتر و بیشتر نشان دهنده وظیفه و نقش وی باشد.

قطع‌نامه هشتمین کنفرانس ملی کار که پس از بحث و گفتگوی نمایندگان دولت ، کارفرما و کارگر تهیه و تنظیم گردیده است. ضمن تاکید این مساله ، تغییر نام کارفرما را توصیه کرده است.

این قطع‌نامه که از سی‌وسه ماده تشکیل یافته ، بر اساس بحث و مذاکرات نمایندگان سه‌جانبه طی چهار روز کنفرانس و براثر نتیجه‌گیری از اوضاع و احوال جدید کشورو بویژه با در نظر گرفتن پیشنهادات متعددی که طی کنفرانس از زمینه‌های مختلف مربوط به موضوع دستور کنفرانس رسیده بود ، تنظیم گردیده است و با توجه به اهمیت مساله تغییر نام کارفرما اولین ماده قطع‌نامه بدین امر اختصاص یافته است ، ماده اول قطع‌نامه چنین توصیه مینماید.

« نظر به لزوم انطباق عناوین شغلی در همه فعالیت‌ها با مقتضیات عصر انقلاب توصیه میشود کلمه « کارفرما » که یادآور دوران امتیازات طبقاتی است به کلمه « کارآما » که متناسب با همکاری صمیمانه بین گروهها در نظام جدید تولید است تبدیل شود و قوانین و مقررات موجود بهمین ترتیب اصلاح گردد »

بدینسان کنفرانس ملی کار با توجه به نقش عظیم همکاری دولت ، کارفرما و کارگر در تنظیم امور اقتصادی کشور و ایجاد ، برنامه‌ریزی واحدهای تولیدی پیشنهاد مینماید که « کارفرما » به « کارآما » تبدیل شود و با توجه به بحث وگفتگوئی که ما دراین مقاله داشتیم ، و ملاحظه گردید که دیگر کارفرما نقش گذشته‌را نداشته بلکه نقش امروزین وی بشکل همکاری و هماهنگی با دیگر عوامل تولید در زمینه استفاده از همه عوامل و در جهت بهبود وضع اقتصاد کشور میباشد ، این توصیه امری منطقی و صحیح بنظر میرسد و این امیدواری وجود دارد که کارفرمایان عزیز و کارگران شریف کشور از این پس با همکاری هرچه بیشتر در تحقق آرمانهای انقلاب بمنظور نیل به عدالت اجتماعی و دموکراسی اقتصادی توفیق یابند.

۸۰۰۰ کارگر که‌لباس....

بقیه از صفحه ۱۷

کردن کارگران رادرفعالیتهای سندیکائی ناشی از رفاه کنونی آنها وگشوده شدن‌گره بسیاری از مشکلات سابق میدانند و خود کارگران هم درجواب‌این پرسش که چرا به طورمرتب در جلسه‌های سندیکایشان شرکت نمی کنند، می‌گویند : مشکل مستمری ندارند که مطرح کنند و تازه هروقت هم مشکلی برایشان پیش بیاید، مراجعه می کنند. صاحبان مغازه‌ها نیز اتحادیه‌ای دارند که همکاری بین این اتحادیه و سندیکای کارگران در سطح معقولی ادامه دارد وتا کنون برخوردی به وجود نیامده است و کارگران توانسته‌اند مشکلاتشان را به وسیله سندیکاحل کنند.

* آمار دقیقی از تعداد خشکشوئی‌های تهران می‌خواهم و میدانم که مسؤولان سندیکا چنین آماری دارند، ولی یافتن آنها مشکل است، چه کار مستمرشان در کارگاهها، به آنان کمتر فرصت می‌دهد تا به سندیکا بروند با پرس‌وجو محل کار یکی از مسؤولان سندیکا را می‌یابم یک خشکشوئی در خیابان پهلوی است. در داخل مغازه سراغش رامی‌گیرم، دیگر کارگران قربان رضائی راکه مشغول کار است نشان می‌دهند.

قربان می‌گوید : می‌بینید هم باید کار روزانه‌ام را انجام دهم وهم کارسندیکائی را، که این البته به‌سادگی مقدورنیست.

اطلاعاتی راکه می‌خواهم دراختیارم می‌گذارد، و حرفهای دیگری که از زبان کارگران نشنیده بودم.

او می‌گوید : در تهران ۱۵۰۰ مغازه خشکشوئی هست که جمعاً ۸ هزار نفر کارگر دارند و این کارگران با خانوادشان حدود ۳۵ هزار نفراز جمعیت تهران را تشکیل می‌دهند. درباره مزدها می‌گوید. کارگران خشکشو از ۳۰ تومان تا ۵۰ تومان در روز دستمزدمیگیرند،ولی‌متوسط‌دریافتی روزانه‌شان ۴۴ تومان است، به این معنی که دستمزد ۲۰ و ۵۰ تومانی کمترداده‌می‌شود.

می‌پرسم با این که کارگران بیمه هستند ولی بعضی‌ها شنیده‌ام که کارگر بیمه نشده هم در کارگاهها وجود دارند. او تأیید می کند و می‌گوید — بله، در بعضی از کارگاهها چنین وضعی هست و تقصیر تنها به‌گردن کارفرما نیست بلکه خوداین عده ازکارگران هم مقصرند.

توضیح بیشتری می‌خواهم ، می‌گوید بیمه نکردن کارگران فقط برای فراراز پرداخت ۱۳ درصد مزد از سوی کارفرماست و در تمام موارد خود کارگرهم دراین مورد اطلاع دارد.

راه چاره را می‌پرسم می‌گوید خطا از خود کارگران است که از طریق سندیکا اقدام نمی کنند. باید به‌آنها فهماند که بیمه‌و مزایای آن چیست تا تن به‌این امر ندهند و احتمالا به‌زبان خود به نماینده وزارت کار و امور اجتماعی نیز دروغ نگویند. آنها باید بیمه کامل خود را بخواهند، چون قانون چنین چیزی برایشان خواسته است.

کارگردرخانه‌ومحیط کار

بقیه از صفحه ۲۹

تمام مسائل قرار گیرد ، مسأله بهره‌وری کارو بالابردن تولیدو کارآئی بیشتر درتمام‌مؤسسات صنعتی است. درحقیقت تم اساسی کنفرانس ملی کار همین‌استفاده از کارآئی بیشتر کارگران بود. در روزهائی که کنفرانس برپابود ،هرروز یک مسأله خاص مورد توجه بودو یکی ازآن مسائل‌هم همانطورکه‌اشاره کردم ، موضوع دلپذیر ساختن‌محیط کار بود بدون‌تردیدوقتی محیط کار دلپذیر باشد ، کارآئی کارگر هم بیشترخواهدشد.

بهرحال مطالبی که دراین جلسه میزگرد مطرح شده، بسیارجالب وارزنده است. نمیدانیم دانشگاه فرح باوزارت کارطی مدتی که رشته روانشناسی صنعتی دایر شده ارتباطی برقرار کرده‌است یانه؟

تا آنجائی که من اطلاع دارم، شناسائی وزارت کار نسبت به‌این رشته فوق‌العاده کم‌است. میخواستم‌پیشنهادکنم‌که اگر اولیای دانشگاه صلاح میدانند، رابطه نزدیک‌تری ازاین نظر— از لحاظ استخدام وزارت کار با آن وزارتخانه داشته باشند. چقدر خوب بود که در همین کنفرانس اساتید و دانشجویان این رشته هم دعوت می‌شد تا درآنجا استادان این رشته کنفرانسهائی ایراد کنند وتبادل نظرهائی بعمل آید. البته من وظیفه خود میدانم که کارها وتحقیقاتی را که در اینجا صورت میگیرد، در مجله منعکس کنیم و بی‌تردید پس از انعکاس این مسائل درمجله عده‌ای متوجه میشوند که در اینجا چه تحقیقاتی بعمل می‌آید وچه کارهائی صورت می‌گیرد.»

رضا طیار، استاد دانشگاه فرح: — «باتشکر از توجه جناب آقای کردبچه در مورد توجه به‌رشته روانشناسی صنعتی، دانشگاه فرح برای بهتر شناساندن دانشجویان خود حدود ۲ ماه است که باشرکت ملی نفت ایران و وزارت کار وارد مذاکره شده وهفته گذشته دعوت نامه هم بما فرستاده شد که سه نفر از خانمها راکه در رشته روانشناسی فارغ‌التحصیل بودند، برای استخدام خواستند ودر آینده نزدیک هم کسانی را که دارای شرائط استخدام باشند، معرفی‌خواهیم کرد.

علاوه براین ما بیشتر در زمینه تحقیقات بوسیله دانشجویان کارمی کنیم ومیخواهیم به‌کمک مجله رستاخیز کارگران وسایر رسانه‌های گروهی، تحقیقاتی را که در مورد کارگر و کارفرما انجام گرفته، به‌بهترین شکل عرضه کنیم تا دراین تحقیقات نشان داده‌شود که کارگران ما احیاناً چه نقصی دارند ویا برای بهبود روابط کارگر و کارفرما وافزایش کارآئی کارگران‌چه‌باید کرد.»

دکترمهمن زمانی: —من ازطرف دانشگاه پهلوی از مجله رستاخیز کارگران تشکر می کنم.»

یک‌خانوادهٔ کارگری‌نباید

بقیه از صفحه ۲۱

میدهم ، ولی من ازجاروجنجال بشدت متنفرم. غیر از این ، هیچ اختلافی نداریم ، چون من خیلی خوش اخلاق هستم و همینطور که میبینید خنده‌ازلبهایم دورنمیشود.

اصل سیزدهم انقلاب

حرف از جامعه کارگری و تفاوت‌هایش باگذشته گل می‌اندازد. کورس میگوید : ـ خوشبختانه ما درعصر انقلاب شاه‌وملت زندگی میکنیم و کارگرها از رفاه بیشتری برخوردار هستند، ولی باید به وضع کارگران اصناف هم رسیدگی بیشتری شود. مثلا چقدرخوب بود که طبقه‌بندی مشاغل نیز شامل ما میشد. بهرحال بازنشستگی هم نداریم، واین امید را دارم که درباره‌این دومهم تصمیم مفیدی گرفته‌شود.

حرف زیاد است. «سحر» ، دخترشاد هشتماهه کورش و عفت رضائی ، خوشحال و بی‌خبر از همه چیز قهقهه‌های کودکانه را سرداده است. خانم عفت رضائی پی‌در پی چای گرم ونوشیدنی سرد بما تعارف‌میکند.

«سحر» را میبوسم و در آغوش میگیرم واین است که وقتی میخواهم خداحافظی کنیم ، به آغوش مادرش باز نمیگردد وموهای مرا محکم درمشت میفشارد. ساعتی بعد در ماشین نشسته‌ایم ، ولبخند «سحر» هنوز درذهنمان تصویری شیرین دارد ، تصویری ازشوق زندگی ،شوقی که موجب میشود پدرومادرش بیشتر کوشش کنند وبا اندیشه وقناعت زندگی بهتربسازند....

دنباله شماره قبل

اشک های سیندرلا ...

وآنشب تا ۵ شب دیگر هرشب همدیگر را در همان ساعت و همان جا دیدند. اما شب شانزدهم به محض اینکه گلاب سوار اتومبیل شد، سهراب فهمید که او گلاب همیشگی نیست. رنگش پریده و چشم هایش فرو رفته بود، و لرزش دستانش نشان میداد که ازچیزی یا کسی وحشت کرده است. با سرعت پرسید: —«چی شده گلاب؟»

گلاب پاسخ داد: —«چیزی نیست». و به دنبال آن چشم هایش ازاشک پرشد.

—«خواهش میکنم بگوچی شده؟»

—«نمیتونم بهت بگم... گفتن این حرف ها همه چیزرو خراب میکنه. دوستی ما خیلی ساده و قشنگه و من دلم میخواد خراب نشه.»

—«آمنظورت چیه؟»

—«مردم این جا واقعاً وحشتنا کند و من ازشون بدم میاد هیچی سرشون نمیشه وجز حرف درآوردن هنر دیگری ندارن تومیدونی من ازخونواده فقیری هستم و کارمیکنم. برای مردم خیلی آسونه واسه دختر بیچاره ای مثل من حرف دربیارن. میدونی یک نفر آدم فضول موضوع من وتورو به پدرم خبرداده. اون خیلی عصبانیه. تو پدرمو نمیشناسی. اون خیلی متعصبه. دیشب میخواست منو بکشه و قسم خورده اگه یکدفعه دیگه یک همچی حرفهایی بشنوه حتماً این کارروميکنه. میبینی به این ترتیب دیگه نمیتونیم همدیگرروببینیم» و به دنبال این حرف یکدفعه بغضش ترکید و باصدای بلند مشغول گریه شد و در همان حال ادامه داد: «البته شاید موضوع واسه تو اصلا مهم نباشه، اما واسه من خیلی مهمه. شاید خیلی احمقانه باشه، اما به هرحال شب هایی رو که باتو گذروندم بهترین شب های زندگیم بودند»

سهراب همان طور که بانگاه ازپشت سر اورا دنبال میکرد، فقط به یک چیز فکر میکرد، به اینکه اگر اورا دیگر نبیند زندگی برایش به چه شکل درخواهد آمد؟

—

چهارهفته تمام سهراب گلاب را ندید. درآغاز سعی میکرد موضوع را برای خودش ساده کند و هروقت فکر گلاب، آن دختر ساده کارگر مثل موجی قوی به طرفش هجوم میاورد، شانه هایش را بالا میانداخت و به خودش میگفت «خب، بالاخره هرقصه ای یک روز تموم میشه. قصه من و اون هم تموم شد.»

ولی بعد درد قلبش کم کم زیاد و زیادتر شد و برای فرار از درد تصمیم گرفت شعله رابیشتر و بیشتر ببیند. به هرحال شعله را برای او درنظر گرفته بودند و انتخاب هم انتخاب مناسبی بود، چون هردو ازیک طبقه بودند و بینشان اختلاف خانوادگی وجود نداشت.

بااین همه به محض اینکه باشعله مشغول صحبت میشد، دردرونش بین او وگلاب مقایسه بعمل میامدو بمحض شروع مقایسه گلاب بجای خودش بازمیگشت و شعله سقوط میکرد و از خاطرش بیرون میرفت و هرچقدر روزها میگذشتند دل سهراب بیشتر برای گلاب تنگ می شد تاسرانجام به مرحله ای رسید که دید دیگر نمیتواند دوری اورا طاقت بیاورد و آنوقت بلافاصله به کافه تریای گل سرخ رفت. تاقبل ازآن تاریخ به خود گفته بود حق ندارد بارفتن به آن جاونشان دادن خود زخم قلب گلاب را عمیق تر کند. ولی حالا که دیگر تمامی قدرت هایش را ازدست داده بود، باز خود را درآنجا میدید دیگر درخودش کوچکترین تردیدی نمیافت. او عاشق گلاب بود و این عشق به نحوی درقلبش ریشه دوانده بود که با ریشه زندگیش یکی شده بود. وقتی وارد مغازه شد، پشت گلاب به پیشخوان بود. چندلحظه به نیمرخ او خیره ماند بعد «گلاب» برگشت. نخست یکه خورد و به دنبال آن چهره اش با تبسم شیرینی ازهم بازشد و به دنبال آن به کارش که پیچیدن یک جعبه شیرینی بود ادامه داد. چقدر مسخره بود. با آن همه عشق نمیتوانست دست آن دختر را بگیردو با او در خیابان ها راه برود. چند قدم جلوتر رفت و در حالیکه روی پیشخوان خم شده بود، با صدای آهسته ای گفت: «—من باید توروببینم.»

گلاب به اطرافش نگاهی انداخت، ولی جواب نداد. سهراب دومرتبه گفت:

—«دیگه دلت نمیخواد منو ببینی؟» و این بارگلاب جواب داد:

—«البته که دلم میخواد.»

—«خب، پس امشب منتظرت باشم؟

—«نه، بهت که گفتم، دیگه جرأتش رو ندارم».

—«ولی من باید توروببینم.»

خیلی خوب. تومیتونی کاردیگه ای بکنی البته ما خیلی فقیریم، ولی اگه دلت بخواد میتونی بیای با پدرم حرف بزنی...»

—«باشه، اجازه میدی همین امشب بیام؟»

گلاب سرش را تکان داد و سهراب گفت:

—«خب، من فقط تا سر کوچه اومدم. شماره خونه تون چیه؟»

—«شماره ۷۳ دست چپ .. خونهٔ خیلی کوچیکیه و ما فقط دوتا اتاقش رواجاره کردیم.

—«نمیای اول با هم یک چرخی بزنیم؟»

نه، من نه گفتم نمیتوانم.

—«خیلی خب، پس من سرساعت نه اون جا هستم.»

وبعد یک جعبه شیرینی خریدواز مغازه بیرون رفت. راستی چه خیالی داشت. رفتن به خانه گلاب جزخواستگاری از او مفهوم دیگری نداشت. خوب سهراب راستی میخواست چه کار کند؟ آیا به طور جدی در خیال ازدواج باآن دختر کارگربود؟ درحالیکه احساس سرگیجه میکرد، بااتومبیل مرکوری سبز رنگش از خیابان ها میگذشت وهر چه میکرد نه خودش را بازمییافت ونه قدرت گرد آوری وتمرکزافکارش راداشت.

* * *

ده دقیقه مانده به ساعت نه اتومبیلش را جلوی خانه شماره ۷۳ نگه داشت. خانه از آنچه هم که فکر کرده بود، مخروبه تر به نظر میامد واز محله بوی فقر ومکنت برمیخاست. به محض اینکه اتومبیل متوقف شد سایه ای ازمیان سیاهی بیرون آمد. به طرف اتومبیل دوید در راباز کرد، سوار شدونفس نفس زنان گفت:

—«زود باش تا کسی سرنرسیده راه بیفت.»

چهره اش کاملا رنگ پریده به نظر میرسید و درخشش موهایش از همیشه بیشتربود. وقتی اتومبیل راه افتاد، خودش را کمی بیشتر به طرف سهراب کشاند ونفس نفس زنان گفت:

—«وضع خیلی بدترشد. من موضوع رو دم غروب به پدرم گفتم. اما نمیدونی چه قشقرقی به راه انداخت. موضوع حالا دیگه واسش کاملا روشن شده وفهمیده حرفهای اون مرد همسایه همه اش درست بوده... نمیدونی چه فریادهایی کشید. قسم خورد اگه تورو پیدا کنه تیکه تیکه ات کنه. اون میگه تواز طبقه ما نیستی وجزگول زدن من خیال دیگه یی نداری، ومن هم حق معاشرت باتورو دیگه ندارم...»

سهراب لرزش های بدن گلاب را میدید. او چقدر ساده ومظلوم ودوستداشتنی بود. چندوقت بود که او را به آن نزدیکی ندیده بود، وچقدر دلش برای او تنگ شده بود. دلش میخواست با اوسر به دشت و بیابان بگذارد وتاصبح به صدای لطیف وملایم او گوش بدهد.

از کوچه خارج شد. و اتومبیل را در گوشه ای از خیابان پارك کرده بود. نور نقره ای ماه به چهره جوان گلاب می تابید و به او حالتی رؤیائی میداد. سهراب یک دفعه دست هایش را روی شانه گلاب گذاشت. او را به طرف خودش کشید. به او نگاه کرد و به دنبال آن برای اولین بار او را بوسید. ووقتی از او جدا شد چند بار زمزمه کرد «—آه عزیزم. عزیزم. نمیدونی چقدر دوستت دارم.»

اما گلاب که خودش را از او کنار کشیده بود، یک دفعه مثل بچه ها شروع به گریه کرد، ودرمیان گریه گفت:

—«آه، من دیگه نباید سوار ماشین تو میشدم. حالا دیگه همه چی واقعاً تموم شد. من نباید میگذاشتم تو منو ببوسی. ولی من خودم هم دلم میخواست توروببوسم. به هرحال کاری است شده، وازحالا به بعد تودیگر به من به چشم دیگه ای نگاه میکنی... شاید هم حق با پدرم باشه وتو.....»

دراینجا سهراب به میان حرف او دوید و

بقیه درصفحه ۷۲

لحظه های پرغرور و شکوه

سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سال برگزاری آئین ملی بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت

شاهنشاهی پهلوی

نمایشگر شورانگیزترین احساسات ملی و میهنی ملت ایران را که با افتخار در سینهٔ تاریخ کهنسال
ایران زمین جاودانه ثبت خواهد شد به پیشگاه مبارک

[illegible]

شاهنشاه آریامهر

تهنیت عرض مینمائیم

از طرف مدیران و کارکنان گروه صنعتی خاور

سه دوره تربیت کودک

هوش بچه دردوسال اول زندگی ازتمام دوره‌ها بیشتر است

بدون شک این پدر ومادر باید بفرهنگ ادبی، علمی، فلسفی، دینی وهنری آشنا باشند وبرعکس پدر ومادریکه خود به مبانی ادب و عقیده وعلم آشنا نباشند چگونه خواهند توانست فرزندان خود را با چنین شرایطی تربیت نمایند درحالیکه آشنائی به این مبانی خوشبختانه از راه دیگری برای تمام ایرانیان فراهم است و آن از راه دین است. دینی که مبرا از پلیدی‌ها و رهنمون به یک جامعهٔ منزه است. اصولا خداشناسی ومتکی بودن به یک مبدأ خود از لوازم زندگی است. عده‌ای تصور میکنند فقط با بجاآوردن اعمال مذهبی بچه خداشناس میشود درحالیکه اول باید عظمت وقدرت و مهربان بودن خداوند را بتدریج به بچه تلقین کرد زیرا آنوقت است که سؤالات بچه راجع به شکل واندازهٔ خدا شروع میشود. پدرو مادر هشیار بتدریج به بچه میفهمانند خداوند قدرت مطلق است که آفریننده زمین وزمان است وشکل معینی ندارد وبرای ذات احدیت خداوند اندازه نمی توان تعیین کرد. زمانیکه بچه بفهمد که خداوند درهمه‌حال وهمه‌جا ناظر اعمال انسان است [illegible] که او بفهمد که خداوند چه چیزهائی را برای بشر بد و چه چیزهائی را خوب دانسته و چون بچه موجودیت خداوند وعظمت وقدرت او را قبول کرد براحتی بین مطالب خوب وبد فرق میگذارد وسعی میکند از آنچه نهی شده دوری کند. تا اینجا مشکل ترین مرحلهٔ تربیت سپری شده است وبعدازآن زمانی فرا میرسد که بچه خود برای تکمیل اعتقاداتش بطرف اعمال مذهبی روی‌آورد. ناگفته نماند بهترین راه آموزش مذهبی فرزندان ازطریق عاطفی است. یعنی میبایست از محبتی که فرزند نسبت به پدرو مادر دارد استفاده کرد وبتدریج او را بطرف اعتقاد وایمان وعقیده راهنمائی کرد. چگونه ممکن است که بچه‌ای معتقد بخداوند باشد و بداند دروغ گفتن ویا دزدی خلاف میل خداست‌ولی بازآن کار را بکند ویا اگر دروغ گفت وخلافی انجام داد نادم وپشیمان نشود. درهمین زمان است که باید واقعیت مذهبی خالی ازخرافات به بچه آموخته شود وسعی‌شود که بهیچوجه یک سلسله عقاید شخصی به‌بچه تلقین نشود. ممکن است بعضی‌ها تصور کنند که باید بچه را از خدا بترسانند درحالیکه درست برعکس بچه باید خداوند را دوست داشته باشد وهنگام که بحد رشد بالاتر برسد و بقدرت وعظمت الهی پی‌ببرد خود بخود از خداوند ترس خواهد داشت که دست به گناهانی که قبلا فهمیده وشناخته نزند. از لحاظ تربیتی هیچ فرقی نخواهد داشت که پدرو مادر خود با دیکتاتوری یعنی زور وفشار با بچه رفتار کنند ویا از خداوند بزرگ ومهربان یک غول خشم وغضب درمغز بچه تصویر نمایند. اثر این نوع تلقین وتربیت‌سبب خواهد شد که بسیاری ازصفات لازم زندگی دروجود بچه از بین برود ویا لااقل ضعیف‌شود ازجمله شهامت، اتکا بخود وحل مشکلات فردی وشخصی. باید دانست هرخانواده‌ای ازلحاظ دخل وخرج ویا ارتباط با یکدیگر به اندازهٔ کافی دچار مشکلاتی هست که گاهی علاوه برآنکه فرد فرد خانواده قادر بحل آن مشکلات نیستند بلکه گاهی همهٔ خانواده درمقابل آن عاجز میمانند واحتیاج به مشاوره ورامحل خواستن از دیگران پیدا میکنند زیرا هریک ازآنها باتوجه به تجربه‌اینکه در طول عمر خود آموخته‌اند مشکلات‌زندگی را به شکل خاصی‌میبینند و بهمین دلیل طرز برخورد آنها با مشکلات فرق دارد، وهنگام برخورد با مشکلات فامیلی و خانوادگی بیک رامحل قانع کننده نمیرسند. علت اینکه هرکدام از اعضای یک خانواده دارای برداشت مخصوصی میباشند این است که اولا هریک درس مخصوصی از زندگی هستند که تجربیات وآموخته‌های آنها باهم فرق دارد وبهمین دلیل طرز فکر آنها درمورد حل یک مشکل باهم تفاوت دارد. مسئله مهم‌ترضابطه‌هائی است که پدرومادرها برای خانواده خود انتخاب میکنند. مثلا یک خانواده روش دیکتاتوری واطاعت کورکورانه کوچکتر از بزرگتر را پیش میگیرد اعضای چنین خانواده‌ای هیچوقت نخواهند توانست تبادل‌نظر فکری روی حل یک مسئله ویا یک مشکل داشته باشند ونتیجه همیشه طرزفکر

محدود بوده است که [illegible] حل مشکل [illegible] عملا [illegible] بعضی از خانواده‌ها [illegible] هریک از افراد خانواده برای حل مشکل عقیده‌ای ارائه میکنند و [illegible] عقیدهٔ خود [illegible]. درمیان چنین خانواده‌هائی [illegible] بعضی [illegible]

درمیان خانواده [illegible] در چنین خانواده‌هائی همه صاحب عقیده هستند وحتی بچه‌ها هم ابراز عقیده میکنند ولی هیچکدام سعی ندارند که عقیدهٔ خود را بر دیگران [illegible]، بلکه اگر [illegible] منطقی و درست توانست عقیده [illegible] را [illegible] همگی قبول میکنند و بدنبال راه حل دیگری میروند تا بالاخره یک راه‌حل کافی و مناسب مورد قبول تمام افراد خانواده قرار گیرد. این طرز تربیت بچه‌ها را [illegible] همکاری و [illegible] دسته‌جمعی [illegible] در سنین بالا خواهد بود که همیشه از تکروی و خودسری [illegible] کرد که پدرو مادر [illegible] عاقل و فهمیده [illegible] مشکلات [illegible] در برنامه‌های روزانه و [illegible] کارهای دسته‌جمعی حل کنند. مسئله دیگر اینکه دوره‌های زندگی یک [illegible] مختلف است و در هر دوره‌ای مسئله خاصی مورد توجه قرارمیگیرد.

اول دورهٔ کودکی — دراین زمان کودک [illegible] دارد که خواسته‌های خود را [illegible] و به ارتباطات [illegible] دارد که [illegible] پس پدرو مادر باید دراین زمان آنچه بچه بدان نیاز دارد به‌او یاد بدهند، یعنی یاد دادن بعضی از کلمات و [illegible] غذا خوردن [illegible] **بقیه دارد**

فرقی ندارد
که کدام مدل تلویزیون آزمایش را انتخاب میکنید
چون در هرحال «بهترین» را خواهید داشت
با ۵ مدار ای.سی
ومجهز به کلید جادو یا «فینگر تاچ سلکتور»
و
تلویزیون
پرتابل
آزمایش
با صفحه بزرگ ۲۰ اینچی

سال برگزاری آئین های بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت

سلسله پهلوی

شاهانه جشن میگیریم و بهمراه آن صمیمانه ترین سپاس را به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر تقدیم میداریم

کارکنان شرکت سهامی عام کارخانجات پروفیل نیمه سبک

لبخندی در آینه زندگی

بقیه از صفحه ۴۱

میفهمیدم عقیده سابقش را عوض نکرده و هنوز هم با همان چشم به بهرام نگاه میکند.

به همین سبب هم قبل از این که حرفهای گذشته اش را تکرار کند نگاهم را از او دزدیدم و از آشپزخانه بیرون دویدم. وقتی وارد اتاق شدم احسان ازجایش بلند شد و با مهربونی به رویم خندید. همان طور که درگوشه ای می‌ نشستم، با خودم فکر میکردم مادر کاملا حق دارد و احسان میتواند شوهر خیلی خوبی بشود. او خوش قیافه نبود، ولی در او جنبه های مثبت زیادی وجود داشت. مکانیک بود و ازچندسال پیش در یک گاراژ بزرگ کار میکرد و پول نسبتا خوبی هم درمی‌آورد. مهربان وملایم و فهمیده بود. خیلی کم عصبانی میشد و بیشتر میخندید. دست ودلباز هم بود، ولی با وجود همه اینها هرگز درمن کوچک‌ترین هیجانی بوجود نیاورده بود ومن بخوبی میدانستم حتی اگر پای بهرام هم بمیان نمی‌آمد، باز احسان دربرابر من کوچک ترین شانسی نداشت و هرگز نمیتوانستم از آشنائی و نزدیکی با او یک عشق بسازم.

آن شب همه افراد خانواده نزدیک به دو ساعت در کنار هم بودیم و من که با مهارت نقشم را بازی میکردم، حالت کسی را داشتم که از یک مسافرت شیرین به خانه بازگشته نه از بیمارستان، ولی بالاخره طاقتم تمام شد و به بهانه خستگی به بستر پناه بردم و دومرتبه قالب اصلی خودم را پیدا کردم، قالب دختر جوانی که پس ازآن ـ مجبوراست لنگ‌لنگان راه برود و لقمه شل را ازاین وآن بشنود ودم نزند، دختر عاشقی که فقط بخاطر تک‌مرد زندگی میکرد واز خیال از دست دادن او سخت ترین عذاب‌ها را میکشید. شب در کابوس اندوه باری گذشت. روبروشدن با فردا، رفتن به فروشگاه‌شنیدن حرف‌ های دلسوزانه دخترهای دیگر فرو رفتن دوباره در محیط، در آمیختن با آنها، این هم یک کابوس دیگر بود. ولی از آنجا که هرچیز را پایانی است سرانجام نزدیک ظهر کمی بوضع سابق بازگشتم و آنوقت بود که در یک فرصت کوتاه خودم را به تلفن رساندم وشماره بهرام را گرفتم.

تلفن چند بار زنگ زد و پس ازآن صدای مردانه بهرام درگوشم پیچید. مثل بچه‌ها فریاد زدم: «منم بهرام، پریرو ..... از بیمارستان مرخص شدم. نمیدونی چقدرمنتظرت بودم همه‌اش فکرمیکردم میای دیدنم .... ولی‌چشمم بدرخشک‌شد وتونیومدی»

چرا نمیتوانستم جلوی لرزش صدایم را بگیرم؟ هیچ دلم نمیخواست او به ناراحتیم پی ببرد. ولی به این ترتیب حتماً بزودی همه چیز را میفهمد پس از سکوت کوتاهی بهرام گفت - «خوب پریرو، حالت چطوره. از این که بالاخره راه افتادی خیلی خوشحالم.» لبهایم را گزیدم و بعد گفتم - «البته هنوز پام خوب خوب نشده .... ولی بزودی خوب میشم. خوب بگو ببینم، کی میبینمت؟ دلم واست یک‌ذره شده.»

در حالیکه دستم را به قلم فشار میدادم آرزومیکردم غروروخود داری بیشتری میداشتم ولی افسوس که نیروی دیگری آن کلمات را در دهانم میگذاشت وازز بانم جاری میکرد. بهرام گفت - «امشب و فرداشب که میهمانم اما پس فردا تلفن میکنم باهم یک قراری می‌ گذاریم. چطوره؟»

ومن درحالیکه با زحمت، اندوه درونیم را از صدایم جدا میکردم، گفتم - «خوبه بهرام .... من منتظرمیمونم.»

بهرام دومرتبه گفت - «خوب، از پات حرف بزن. شنیدم صدمه شدیدی خوردی، هوم؟ حالا میتونی راه بری یا نه؟»

گفتم - «آره .... آره .... البته یک کمی ناراحتم ... ولی چیزی نیست و زود خوب میشم.»

بهرام سرفه‌ای کرد وگفت - «خوب خدا روشکر. بعد تلفن میکنم همدیگر رو میبینیم. فعلا خداحافظ.»

وبعد ارتباط قطع شد. صدای بهرام سرد و بیگانه بود. آیا آن تصادم همه چیز را نابود کرده بود؟ آن شب در بستر از دردها واقعاً رنج میکشیدم. راستی چرا سرنوشت آن حادثه تلخ را در زندگی من بوجود آورده بود؟ سرم را در بالش فرو کرده بودم و به گذشته فکر میکردم. به روز- های روشنی که عشق درقلبم شعله میکشید و امید شیرین ترین ترانه ها را برایم میخواند .... روزهایی که دیگر وجود نداشتند، روزهای مرده و ازدست رفته.

***

درحالیکه یک پایم را به زحمت به دنبالم میکشیدم، ازشنیدن صدای ترمز اتومبیلی که در کنارم ایستاده بود، سر برگرداندم وایستادم و بناگاه باسخت ترین لرزه‌ها لرزیدم. بهرام درحالی که سرش را از پنجره اتومبیل بیرون آورده بود گفت - «عجب! توهستی پریرو؟. همه اش شک داشتم تویی یانه؟ عجب تصادفی! ببینم، تو که گفتی پات خوب‌شده؟.»

ماشین های پشت‌سرمان بوق میزدند. خم شد در را باز کرد و گفت - «بیا بالا برسونمت. با این پا میخوای چکار کنی؟» همه نقشه‌هایم با یک تصادف دیگر نقش برآب شده بود و هرچه در ذهنم میگشتم، حرفی برای گفتن نمی یافتم. بهرام آنجا بود، در کنارمن و نزدیک‌بمن ....

بقیه در صفحه ۸۳

آگهی تجدید انتخابات مسؤولان سندیکا

به موجب مدارک تسلیمی ازسوی سندیکای کارگران تعمیرگاه مرکزی ب. ام. و اساس و سمت هریک از آقایان اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرسان سندیکای مذکور که برای مدت دوسال لغایت ششم آذرماه دوهزار وپانصد وسی وشش انتخاب شده اند به شرح زیرمیباشد.

۱ــ دبیرمحمود خادمی
۲ــ رئیس هیأت‌مدیره ابراهیم حیدری
۳ــ نایب رئیس سورن‌سارالو
۴ــ خزانه‌دار رحمت‌الله روزبهانی
۵ــ عضو هیات‌مدیره مصطفی صفارشرق
۶ــ اعضای علی البدل هیات‌مدیره
۷ــ بازرسان عنایت‌الله امیرسلیمانی ــ احمد بروجردی

ضمناً مطابق بند سه ماده بیست اساسنامه اسناد مالی با امضای رئیس هیات‌مدیره وخزانه دار سندیکا معتبرخواهد بود.

فرزامیان مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی

آقای مظفر سرونجو نماینده کارگران کارخانجات تولیدی شیشه ایمنی میرال
عضویت سرکار را در شورا بعالی سازمان کارگران ایران تبریک عرض نموده موفقیت های بیشتر جنابعالی را در راه خدمت به شاهنشاه آریامهر و میهن عزیز از خداوند بزرگ مسئلت مینماید.
کارکنان کارخانجات تولیدی شیشه ایمنی میرال

اشک های سیندرلا

بقیه از صفحه ۶۷

گفت: — «این حرفها چیه؟ خودت میدونی من هیچ وقت نمیتونم به نوبه چشم دیگه‌ای نگاه کنم. من تورو دوست دارم. این چیزیه که تا حالا به هیچ دختری نگفتم، ولی به تو میگم و برای این که بهت ثابت کنم از این دوست داشتن هیچ منظوری بدی ندارم، همین الان برت میگردونم خونه. سعی کن با پدرت یا رحرف بزنی و بتونی راضیش کنی.»

و سپس با سرعت اتومبیل را روشن کرد و به‌راه انداخت. گلاب همانطور گریه میکرد. آینده کاملا نامعلوم بود و سهراب از آنچه در دهنش میجوشید و میخروشید، کلامی بزبان نمیاورد.

آن روز سهراب اصلا دست و دلش به کار نمیرفت. طعم بوسه‌ای که شب پیش ار گلاب گرفته بود، هنوز روی لبانش بود و دستانش همچنان بوی دست او را میداد. ساعت یازده از پشت میز کارش برخاست و ده دقیقه بعد، خودش را پشت شیشه های تریا وشیرینی فروشی گل‌سرخ دید. گلاب درمغازه نبود. درخیابان چرخی زد و دو مرتبه بی‌اراده به‌آنجا برگشت. باز هم گلاب را ندید. سوار اتومبیلش شد و به کارخانه بازگشت و تا ساعت سه پشت میز نشست. بعد دو مرتبه به‌تریا برگشت و پشت یکی ازمیزها نشست. یک بستنی سفارش داد و از پیشخدمتی که بستني را برایش آورده بود، سراغ دخترك موسیاهی را که فروشنده شیرینی و شکلات بود گرفت. چه حماقتي؟! ولی پیشخدمت بسادگی به او جواب داد که گلاب آن روز سر کار نیامده است و کسی نمیداند چه اتفاقی برایش افتاده است، از جایش بلند شد و از رستوران بیرون رفت.

از شب گذشته همه‌اش به‌حالت گلاب پس ازدادن بوسه به او فکرمیکرد. چه دختری بود! چقدرنجیب و غیرقابل وصول بنظرمیامد! کاش میتوانست با او به اروپا فرار کند، یا در یک شهر دورافتاده با او عروسی میکرد؟ یا اگر گلاب را پیدا میکرد، شاید میتوانست برای حل آن معما راه‌حلی پیدا کند.

غروب بی‌اختیار به کوچه‌ای که منزل گلاب درانتهای آن قرارداشت رفت. اتومبیل را خاموش کرد و درون آن به انتظار نشست.

دیگر به هیچ چیز فکر نمیکرد. نه به اختلاف خانوادگی، نه به‌چشم پدر و نه به‌حیرت مادر و نه به تمسخر دخترهایی مثل شعله وشراره... گلاب را دوست داشت و جز نفس عشق و صداقتی که درآن موج میزد هیچ حقیقت دیگری برایش وجود نداشت. یکساعت پس از غروب، یک دفعه درخانه شماره ۷۳ باز شد و گلاب در آستانه درپیدا شد. بلوز وشلوارساده‌ای به‌تن داشت و موهایش رامثل دختربچه ها بافته بود.

قبل از آن سهراب هرگز او را درآن قیافه ندیده بود. راستی که چقدرآن دختر ساده بود و درآن سادگی تا چه حد زیبا و خواستنی به‌نظر میامد. گلاب نگاهی به‌راست و چپ کوچه انداخت. به‌طرف اتومبیل دوید و گفت: «زود باش تا کسی سرنرسیده راه بیفت» و وقتی اتومبیل به راه افتاد، دومرتبه با همان حالت گفت:

— «این چه کاری بود که کردی؟ چرا به اینجا اومدی. من خیال نداشتم دیگه تورو ببینم» و سهراب بی‌اعتنا به حرف‌های اوگفت

— «چت‌شده گلاب؟... چرا امروز بسر کارت نیومدی؟ مریض بودی؟»

— «آه، من دیگه به‌اونجا نمیام. یعنی اگه راستشو بخوای، دیگه حوصله هیچ چیزی رو ندارم.»

— «چرا، خیال داری چی کار کنی؟»

— «میدونی، دیشب ازپدرم کتک خوردم. اون خیلی باهوشه و با وجودی که چند دقیقه بیشتر با تونبودم، فوراً موضوع رو فهمید و باز گفت توجز فریب‌دادن من هنردیگری نداری و نقشه کشیده که تورو بکشه. واسه این هم من خیال دارم فرار کنم.»

— «فرار کنی؟ به کجا؟»

— «نمیدونم. به هرجا برم بهتر از این‌جا است. یک کمی پول جمع کردم. خودمو میرسونم تهران. اونجا واسه خودم یک کاری پیدا میکنم ومشغـول میشم. درسته که سخته، اما ازکتک‌خوردن که بهتره. شاید برای تو هم بهتر باشه. حتم دارم وقتی دیگه منو نبینی موضوع رو فراموش میکنی، ولی من هیچ‌وقت نمیتونم تورو فراموش کنم. وخیال دارم تا آخر عمرم تنها بمونم.»

سهراب همانطور که به حرف‌های اوگوش میداد، زیرلب زمزمه میکرد: «عزیزم... عزیزترین‌عزیزم» و باز دست‌هایش به‌طرف شانه‌های دخترك کشیده میشد. ولی این‌بار دخترك دست‌هایش را کنارزد و خودش را هم کنار کشید.

سهراب این‌بار با صدای عجیبی او را به نام خواند:

— گلاب. گلاب‌عزیزم.

— «بله»

— «به‌من نگاه کن.»

— «نه، نمیتونم»

سهراب پرسید: — «چرا به من نگاه نمیکنی بگو ببینم منو چقدر دوست داری؟»

— «میدونی، دوستداشتن اندازه نداره.. من تو رو به اندازه خودم وشاید بیشتر ازخودم دوستدارم.»

— «خب، من هم دوستت دارم و چون دوستت دارم اجازه نمیدم دیوونگی کنی و دست به‌فراربزنی.»

— «ولی من باید این کار روبکنم. میدونی، بعدازکتکی که ازپدرم خوردم، دیگه نمیتونم توي اون خونه بمونم.»

— «گفتم که حق نداری این کار رو بکنی.»

— «ولی من تصمیم روگرفتم.»

— «به من نگاه کن. نگاه کن.»

و این بار او را در آغوش گرفت و در زیر نورماه درگوشش زمزمه کرد:

— «اتفاقاً من هم تصمیم روگرفتم عزیزم. دوست دارم و دیگه از هیچکس نمیترسم. همین امشب میام و با پدرت حرف میزنم و بهش قول میدم تا یک‌هفته دیگه هم بساط عروسی رو راه میاندازم. پدرت حالا به من اطمینان نداره و ممکنه با من هم خشونت کنه، ولی وقتی بفهمه با یک مرد طرفه... مردی که حاضره تمام پول‌هاش رو بده و درعوض تورو داشته باشه، وضع عوض میشه.»

و حال.... سالهاست که آن دختر کارگر، خوشبخت‌تر از «سیندرلا» درخانه سفیدی که در یکی اززیباترین باغ های‌شیرازقرار دارد. در کنار شوهرش زندگي سعادتمندانه‌ای را میگذارند و هر وقت ازگذشته حرفی به میان میاید، به همه میگوید: — «من همیشه خواب این زندگی رامیدیدم وانتظارآن رامی کشیدم.. این خوابی بود که با شکوهمندی تمام تعبیر شد!»

از: عباس تهرانی
وکیل پایه یک دادگستری

جناب تهرانی وکیل محترم — کارگری هستم زحمتکش که بطورمعمول ازصبح تاشب مشغول بکار هستم با اینکه مدت مزبور بنظر طولانی میرسد و با وجودیکه دو بچه بسیار فهمیده ودرسخوان دارم و بسیار نیز بایشان علاقمندم حتی بعد ازاتمام کارازرفتن بخانه دلگیرو ناراحت هستم. زیرا همسرم حتی پس از گذشتن پانزده سال ازآغاز زندگی مشترك با اعمال ورفتار ناشایست خود امکان هرگونه توافق را ازبین برده و نحوه اعمال وی طوریست که نه تنها من بلکه فرزندانش را نیز بشدت از خود رنجانیده و درحقیقت جان مارا بلب رسانیده است. چون ادامه این زندگی برایم مقدور نیست بطوریکه حدود یکماه است شبها نیز بمنزل نرفته ودرمحل کارم می‌خوابم و با مشورت فرزندانم تصمیم بجدائي ازاوگرفته‌ایم خواهشمندم هرچه‌زودتر مرا راهنمائی کنید که بچه استنادی می‌توانم ازاوجدا شده، بعلاوه فرزندانم را نیز بعلت‌علاقه خودایشان نزد خود نگهدارم.

اصفهان — رحیم — ز

کارگرعزیز — ازوضعیت ناخوشایندی که در زندگی زناشوئی شما پیدا شده است بسیار متأسفم و با اینکه در نامه مفصل خود مرقوم نفرموده‌اید که اعمال و رفتار زشت همسرتان چگونه است و درصورتیکه نحوه آنرا می‌نوشتید بهتر می‌توانستم راهنمای شما باشم لکن بطور کلی باطلاع شما می‌رسانم که ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۵۳ چهارده مورد را برای جدائي زوجین پیش‌بینی نموده که زن و شوهر باستناد موارد فوق می‌توانند بدادگاه مراجعه و تقاضای صدورگواهی عدم امکان سازش نمایند. شق ۴ موارد مزبور ناظر به سوء رفتار یا سوءمعاشرت هریک از زوجین بوده و در ماده تأکیدی وجود دارد مبنی براینکه «سوء رفتار یا سوءمعاشرت هریک از زوجین بحدی باشد که ادامه زندگی را برای طرف دیگر غیرقابل تحمل نماید» بنابراین درصورتیکه سوءرفتار همسرشما دارای خصوصیت بالا باشد با تنظیم استشهادی از مطلعین و انضمام آن بدرخواستی مشروح وگویا می‌توانید بدادگاه شهرستان «حمایت‌خانواده» مراجعه و درخواست صدورگواهی عدم امکان‌سازش نمائید. درخصوص فرزندان نیز چنانچه سنین و جنسیت ایشان را برای من می‌نوشتید بهتر بود. اما درهرصورت ماده ۱۲ قانون حمایت‌خانواده دراینخصوص مصرح استکه: «درکلیه مواردی که‌گواهی امکان سازش صادرمی‌شود دادگاه ترتیب نگهداری اطفال و... را با توجه بوضع اخلاقی و مالی‌طرفین و مصلحت اطفال معین می‌کند.» درمورد اطفال نیز شما می‌توانید با ذکر دلایل از دادگاه تقاضا کنید که حضانت اطفال مشترك نیز بشما محول گردد. در هرصورت امیدوارم پاسخ خود را دریافت نموده و پس از بررسی کامل در مورد عدم امکان سازش حتی با توجه بوجود اطفال بدادگاه مراجعه فرمائید.

موجر میخواهد کارگاهم را تخلیه کند

وکیل‌محترم:

اینجانب دارای کارگاهی در تهران هستم که ازسال ۴۸ آنرا اجاره نموده‌ام. مالك هنگام تنظیم سند اجاره رسمی با نوشتن اینکه مورد اجاره برای کارگاه تریکو بافی اجاره شده است درسند مخالفت نموده و بنابراین در ستون مربوط نوشته شد که مورد اجاره برای سکونت است. اکنون بعد ازگذشتن شش سال موجر بدادگاه مراجعه و تقاضای تخلیه کارگاه اینجانب را نموده است. درحالیکه تمام اهل محل و همسایگان میدانند که از ابتدا من در این محل کارگاه تریکو بافی داشته‌ام و استشهادی نیز دراین زمینه تهیه کرده‌ام آیا مالک می‌تواند کارگاه اینجانب را تخلیه نماید و اگر جواب مثبت باشد باستناد چه قانونی می‌تواند اینکار را بکند چون در حال حاضر دراین کارگاه خودم وچند کارگرمشغول کار بوده و نان میخوریم. لطفاً هرچه زودتر مرا راهنمائی کنید

تهران — جعفر محسنی آزاد

آقای‌محترم، متاسفانه دراینمورد جنابعالی تعلل نموده‌اید که درسند اجاره قید نکرده‌اید کهمورد اجاره بمنظوراحداث کارگاه‌تریکوبافی اجارهمیگردد وموجرشما باستناد شق۵ ماده ۸ قانون روابط مالک ومستاجر مصوب ۱۳۳۹ می‌تواند البته با مراجعه بدادگاه نسبت‌به‌تخلیه اقدام نماید. [illegible] شق شش ماده مزبور صراحت دارد در صورتیکه از مورد اجاره برخلاف منظوری که دراجاره‌نامه قید [illegible] استفاده کرده موجر چه در [illegible] اجاره چه بعد از آن «اگرچه شش سال [illegible] شروع [illegible] اجاره گذشته باشد» می‌تواند با مراجعه [illegible] دادگاه تقاضای تخلیه نماید. اما بشما توصیه می‌نمایم احیاناً در اسناد خود دقت نمائید ممکن است موافقت بعدی مالک را چه بطور ضمنی و چه صراحتاً گرفته باشید. دراینصورت خواهشمندم مجدداً با ما مکاتبه کنید. بعلاوه چنانچه انگیزه موجر خود را بتوانید دریابید که بعد از شش سال بچه علت قصد تخلیه مورد اجاره شما را دارد می‌توانید از طریق مذاکره و احیاناً جلب موافقت ایشان بفعالیت کسبی خود درهمان‌محل ادامه دهید. موفق باشید.

پرسشهای مربوط به
قانون کار

از: دکتر علی‌الله همدانی

***دوست عزیز کارگر آقای ابراهیم.خ،**
درمورد پرسش‌هائی که از مجله خودتان کرده‌اید توجه شما را به‌جوابهای زیر جلب میکنیم:

۱— حق اولاد تحت عنوان کمک عائله‌مندی درقانون تأمین اجتماعی پیش‌بینی گردیده.

بموجب قانون مذکور، کمک عائله‌مندی منحصراً تا دو فرزند بیمه شده پرداخت میشود وشرط پرداخت عائله‌مندی نیز آن است که کارگر بیمه شده حداقل ۷۲۰ روز حق بیمه پرداخته باشد وسن فرزندان وی از هیجده سال کمتر باشد ویا منحصراً به‌تحصیل اشتغال ورزد ویانقص عضو داشته ویا بسبب بیماری قادربکارنباشد.

۲— کمک عائله‌مندی بطوریکه گفته شد فقط به‌دو فرزند تعلق میگیرد.

۳— کمک عائله‌مندی برای هرفرزند در ماه معادل سه برابر حداقل مزد روزانه کارگر ساده‌میباشد.

۴— بموجب ماده ۳۳ قانون کار هرگاه رابطه کارگر وکارفرما قطع شود ویا باصطلاح کارگر اخراج گردد، کارفرما باید در برابر هریکسال کار، معادل ۱۵ روز حقوق روزانه وی را به‌او بپردازد وهرگاه کارگر سه‌ماه متوالی یاشش ماه متناوب نزد کارفرما کار کرده باشد میتواند ظرف ۱۵ روز بمراجع حل اختلاف شکایت نماید ومراجع مذکور نیز باتوجه به‌مدت کار، میزان مزد، سن وعائله کارگر مبلغی بعنوان غرامت مزد، علاوه برمبلغ مذکور تعیین خواهد کرد که جمع ایندو باید بکارگر پرداخت‌شود.

***دوست عزیز کارگر ا. اکبر اکبری—**
هرگاه دو شیفت کار کردن را که هرشیفت ۱۲ ساعت خواهد شد کار نوبتی تلقی کنیم، موضوع بنحوی پاسخ خواهد داشت واگر نوبتی تلقی نکنیم وفقط پانزده روزی را که ازساعت ۷ بعدازظهر تا ۷صبح است کار شب تلقی نمائیم پاسخی دیگر، بدین معنی اگر کار مذکور را نوبتی تلقی کنیم بموجب تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون کاربکارگرانی که د. مدت‌ماه بطور نوبتی کارمیکنند ده درصد. ازمزد کارگر غیر نوبتی مشابه پرداخت خ. هد شد وباید تمامی ده درصد پرداخت شود ... درصد وهرگاه آنرا نوبتی ندانیم باید برای پانزده روز درماه که بین ۷بعدازظهر تا ۷ صبح کارمیکند ازساعت ۱۰ شب تا ۶صبح باید ۳۵ درصد اضافه به‌این شب کاری پرداخت گردد. چنانکه تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون کار میگوید فقط بکارگران غیر نوبتی برای هرساعت کار درشب (ساعات ۲۲ و۶صبح) سی‌وپنج درصد اضافه برمزد ساعت کار عادی تعلق خواهد گرفت.

اگر وضع چنین باشد، یک مساله دیگر مطرح میگردد وآن اینکه ازساعت ۷ بعدازظهر تاساعت ۳ بعدازنصف شب که کار عادی است، فقط برای پنجساعت کار (بین ۲۲ تا ۶صبح) ۳۵ درصد اضافه شب کاری تعلق میگیرد ولی برای بقیه ساعات کار، یعنی بین ۳بعدازنصف‌شب تا ۶صبح هم که اضافه کاری استهم ۳۵ درصد شب کاری تعلق می‌گیرد وهم۳۵ درصداضافه کارروش کاربدینطریق است که برای سه ساعتی که بین سه بعدازنیمه شب تا ۶صبح است اول مزد ساده و۳۵ درصد شبکاری حساب میشود وبعد ۳۵ درصد اضافه کاری به‌آن اضافه میگردد، ولی برای یکساعت بین ۶صبح تا۷ صبح فقط ۳۵ درصد اضافه کاری به‌آن تعلق‌میگیرد.

***آقای مهدی روغنیان کارگر عزیز**
اولا درپاسخ نامه محبت‌آمیز شما قبلا تشکرات مارابپذیرید. ثانیاً، پرداخت‌حق‌السهم کارگزار سود ویـــــــژه ویـــا سهیم شدن کـــارگـــران بموجب پیمان دستجمعی ... سندیکای کارگران یک کارگاه و ... آن کارگاه منعقد میگردد، انجام ... حال اگر کارفرما پیمان دستجمعی ... کرده باشد. هیچ عاملی نمیتواند ... ویا عدم اجرای این پیمان شود و لذا در سورت عدم اجرای آن، کارگران میتوانند به مراجع حل اختلاف مذکور در قانون، ... کردن کارگران و قانون کار مراجعه نموده واحقاق حق کنند. و هرگاه کارفرما از انعقاد پیمان دستجمعی سرباز زند و حاضر ... نیز با اطلاع به وزارت کار و امور اجتماعی، بطریقی که درقانون پیش‌بینی گردیده ... ازطریق توصیه آن وزارت عمل خواهد شد.

کارگر عزیز آقای بابا ابردی — در مورد سئوالی که کردید دو نکته را باید توجه داشته باشید. اولا هرگاه کارگر از کاراخراج گردد ویا خود کاررا ترک گوید، هیچگاه حق بیمه‌ای که پرداخته است و یا مالیاتی که بحقوق ومزدوی تعلق گرفته پس داده نمیشود، زیرا حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت میشود وجزوسابقه کار کارگر باقی میماند و اگر در جای دیگر مشغول کار شود وحق بیمه بپردازد، مدتهائی که حق بیمه پرداخته بر روی هم جمع میشود و مالیات هم که وظیفه هر فردی است که بپردازد و باز پس گرفتنی نیست. ثانیاً درمورد اخراج همانطور که در پاسخی دیگر خاطرنشان شد، ماده ۳۳ قانون کار چنین مقرر داشته است که به نسبت سابقه کار کارگر، هرسال ۱۵ روزمزد بعنوان سابقه وی پرداخت میشود ودرصورتیکه ظرف ۱۵ روز بمراجع حل اختلاف شکایت نماید مراجع مذکور با توجه به سن، عائله، مدت کار و مزد کارگر مبلغی بعنوان غرامت اخراج برای او پیش بینی خواهد کرد.

پرسشهای مربوط به
تأمین اجتماعی

از: ناصر یوسفی‌زاده

مستمری از کارافتادگی یا غرامت

آقای احمد پیوندی راننده شرکت واحد کرمان نوشته‌اند که ۱۹ سال است بکار رانندگی اشتغال داشته و در اثر سرماخوردگی دچار فلج دست راست شده و براثر معالجاتی که صورت گرفته تقریباً بهتر شده است ولی هنوز دو انگشت دست راستش کار نمیکند وی اضافه کرده که: در سال ۴۹ نیز پایش شکسته و حالیه بکار اعاده شده است و چون نمیتواند رانندگی کند درمنزل بستری است و درخواست دارد که او را راهنمائی کنیم.

دوست گرامی. خوشحالیم که بر اثر معالجات انجام شده تا حدود زیادی ضایعات دست راست شما التیام یافته و بهبودی حاصل کرده‌اید اگر فعلا هم قادر بکار نباشید مراجع پزشکی سازمان تأمین خدمات درمانی و همچنین سازمان تأمین اجتماعی میتوانند بشما کمک کنند. هرگاه این عدم توانائی موقتی باشد در صورت استحقاق ضمن معالجه غرامت دستمزد بشما پرداخت خواهد شد و اگر موقتی نباشد در حدود مقررات ممکن است مستمری ازکارافتادگی دربارەشما برقرارشود.

تقاضای بازنشستگی

آقای حسین نوبخت کارگر قسمت تعمیر کارخانه گونی بافی شاهی نوشته‌اند که مدت ۳۵ سال است با کمال علاقمندی به کار مشغولند و با اینکه چند سال پیش حین انجام وظیفه چشم راست خود را از دست داده‌اند و غرامت نقص عضو هم از سازمان بیمه‌های اجتماعی سابق دریافت نداشته‌اند ولی بازهم با کمال دلگرمی به کار ادامه داده و بر اثر پشتکار تا مقام سرپرستی قسمت‌های تعمیراتی و نوسازی کارخانه ارتقاء یافته و به دریافت مدال درجه ۳ کار نیز مفتخر شده‌اند. اینک بر اثر خستگی زیاد و همچنین دید کم چشم چپ ادامه کار برایش دشوارشده و تقاضا دارد که درمورد بازنشستگی یا ازکارافتادگی او را راهنمائی کنیم.

دوست عزیز: درخصوص مطالبی که مطرح ساخته‌اید توجه‌شما را به نکات زیرجلب‌میکنم.

۱— راجع به از دست رفتن نابینائی چشم راست حین انجام وظیفه و عدم دریافت غرامت نقص میتوانید با شعبه سازمان تأمین اجتماعی در شاهی تماس بگیرید. اگر این نقص عضو بر اثر حادثه ناشی از کار رخ داده باشد قطعاً بەدرخواست‌شمادرخصوص غرامت‌نقص عضو رسیدگی وطبق مقررات مربوط انجام خواهد شد.

۲— در صورتیکه سن شما به ۶۰ سال تمام رسیده‌باشد وسابقه‌پرداخت لااقل ۱۰سال حق بیمه داشته باشید، میتوانید تقاضای بازنشستگی نمائید تا مستمری بازنشستگی در بارەشما برقرارشود.

۳— هرگاه به‌علت عدم توانائی جسمی و نداشتن بینائی کافی قادر به ادامه کار نباشید موضوع را باشعبه سازمان تأمین اجتماعی مطرح کنید تــا تــرتیب شرکت شما در کمیسیون پزشکی داده شود و اگر طبق نظر کمیسیون پزشکی از کار افتاده تشخیص داده شوید مستمری از کار افتادگی در باره شما برقرار خواهدشد.

«غرامت‌دستمزد بمن نمیدهند»

کارگری هستم ۴۲ ساله وازپنجسال پیش دربیمه اجتماعی سابقه دارم هرماه مبلغی بابت حق بیمه از حقوقم دادم هر وقت مریض شدم دکتر بیمه بمن استراحت داد و بیمه اجتماعی شماره ۵ هم غرامت دستمزد مرا حساب کرد و داد. چند ماه پیش با کارفرما اختلاف پیدا کردم و کار به حل اختلاف رسید ولی من بیکار شدم به بیمه رفتم ودکتر بمن گفت باید استراحت کامل بکنی و از جایت حرکت نکنی منهم ناچارتا وقتی حالم خوب شد به بیمه نرفتم. حالا پس از ۲۰ روز به شعبه ۵ رفتم که‌مزدم را بگیرم بمن میگن حق نداری،بهر کس مراجعه میکنم این حرف را میزنند، من حالا احتیاج به کمک دارم حق بیمه دادم تا زمان مریضی و بیکاری بگیرم از راهنمائی شما ممنونم تقاضا دارم بمن بگوئیدچه کنم. **تهران—حسن نوبری**

دوست عزیز

درقانون تأمین اجتماعی استفاده ازخدمات درمانی بسیار آسان است و کلیه بیمه شدگان از اولین روز اجرای بیمه میتوانند از معالجات استفاده کنند ولی استفاده ازغرامت دستمزد مقید به‌شرائط زیراست:

۱— بیمه شده حین انجام کاردچار حادثه شده باشد. اگرسبب درمان حادثه ناشی ازکار نیست درتاریخ اعلام بیماری مشغول کار بود یا درمرخصی استحقاقی باشد.

۲— طبق گواهی پزشک استراحت مطلق داشته یا دربیمارستان بستری باشد.

۳— اگر برای او استراحت مطلق تجویز شده‌است در دوره استراحت بکارمشغول نشود.

۴— در دوره استراحت یا بستری بودن در بیمارستان ازکارگاه‌حقوق دریافت نکند.

با توجه به‌توضیحات فوق استفاده از غرامت دستمزد منوط باینست که متقاضی آن تمام‌شرائط فوق را دارا باشد. شرط اول که نشانه وجود رابطه استخدامی است‌بسیار مهم است زیرا همانطور که از عنوان غرامت دستمزد میتوان دریافت،بیمه شده باید مزد داشته باشد که بسبب قطع آن باو غرامت تعلق بگیرد. پس اگر بیمه شده از کار برکنار باشد یا درمدت استراحت و بیماری حقوق او قطع شود غرامت دستمزد قابل پرداخت نیست. شما ضمن توضیحات خود نوشته‌اید که از کار اخراج شده و بعد از آن به علت بیماری بشعبه سازمان تأمین اجتماعی مراجعه نموده‌اید بهمین دلیل استحقاق دریافت غرامت نداشته‌اید.

به روایت: ن. ه. مغانی

زال، با آنکه سیمرغ دانستنی‌های زیادی را به او آموخته بود، اما احساس می کرد که هنوز خیلی چیزها باید یاد بگیرد. پس موبدان و دانشمندان را از همه جا به دربار خود فراخواند وشب و روز به‌آموختن پرداخت.

او از راه‌و رسم پادشاهی تافوت ولن پهلوانی، همه را فرا گرفت و آنگاه به فکر سیر و سیاحت گیتی افتاد تا دنیا را بهتر ببیند و بهتر بشناسد.

زال این تصمیم خود را با بزرگان زابلستان درمیان گذاشت وگفت:

— من باید بروم و دیدنی‌های جهان را ببینم. شما میدانید که تمام کودکی و نوجوانی من درقلل کوه گذشته و جز دره‌های سرسبز و کوه‌های پربرف البرز جایی و چیزی را ندیده‌ام. اکنون بجبران گذشته، باید بروم و همه جا و همه چیز را ببینم وشما باید به‌من کمک کنید.

یکی از بزرگان زابل با تأیید حرف‌های زال گفت:

— حق با شماست و ما همگی برای خدمت آماده‌ایم.

زال دستور داد وسایل سفر را آماده کنند و گفت:

— ما نخست به هندوستان می‌رویم که از عجایب و دیدنی‌های آنجا تعریف‌های زیادی شنیده‌ام.

* * *

نخستین سرزمینی که زال و همراهانش وارد آن شدند، کابلستان بود.

آنها در دشت وسیع و پرازسبزه وگلی که رودخانه‌ای هم ازمیان آن میگذشت خیمه و خرگاه زدند تا چند روزی به استراحت و تفریح بپردازند و سپس راه خود را به سوی هندوستان ادامه دهند.

فرمانروای کابلستان مهراب نام داشت که از طرف سام به این سرزمین حکومت میکرد. مهراب از نسل ضحاك و پهلوانی درشت هیکل و نیرومند بود. او که وصف زال و ماجرای زندگیش را شنیده بود وقتی آگاه شد که زال به کابلستان آمده، بدیدارش شتافت تا نسبت به شاه جوان زابلستان ابراز وفاداری کند. زال به‌گرمی مهراب را پذیرفت و لحظه‌های طولانی دوشاه‌جوان به‌گفتوگو گذراندند وچون مهراب بدرود گفت و از سراپرده‌ی زال بیرون رفت، زال تحسین کنان به همراهانش گفت:

— مهراب پهلوانی دانا و بسیار زیبا و خوش قد وقامت است.

یکی از همراهان خندید وگفت:

— دختر بسیار زیبائی هم‌دارد که درسراسر گیتی نظیرش نیست.

زال باعلاقه‌مندی پرسید:

— دختر مهراب؟ اسمش چیست؟ هرچه درباره‌اش میدانید برایم تعریف کنید.

— اسمش رودابه است و میگویند: پوستی به‌رنگ عاج، چشمانی به زیبائی و درشتی چشمان آهو، لب‌هایی به سرخی انار وگیسوانی به‌بلندی کمند دارد.

زال ازشنیدن وصف زیبایی رودابه، غرق شگفتی وتحسین شدو باشیفتگی گفت:

— کاش می‌شد این فرشته‌ی‌زیبا را از نزدیک دید.

* * *

سیمیندخت‌همسر مهراب و مادر رودابه با اشتیاق انتظارشوهرش رامی کشید تا ازنزدزال برگرددو وصف این پهلوان‌زاده‌ی‌سرشناس را که داستان زندگی عجیبش زبانزد همه‌ی‌مردم جهان بود برایش بازگو کند... وچون ازدور مهراب را دید که سوار بر اسب نزدیک می‌شود ازکاخ بیرون آمد و به پیشبازاوشتافت و باشوق وعلاقه خاصی پرسید:

— پسرسام را دیدی مهراب؟ چگونه بود؟ آیا به مردمان عادت کرده یا هنوز هوای کوهستان را به سر دارد؟ آیا به زبان سیمرغ حرف می‌زند؟ هیچ شباهتی به سیمرغ دارد یا شبیه‌سام نریمان است؟...

مهراب خنده کنان‌گفت:

— بگذار به همه‌ی پرسشهای توفقط یک پاسخ بدهم: زال یک پهلوان فوق‌العاده و بی‌نظیر است... قدوبالا و هیکل‌اش درست شبیه سام است و هوش و عقل و دانشش را هیچکس ندارد... از هر هنری که فکرش را بکنی آگاهی دارد و از هر دانشی بهره‌ای برده است... نمیدانی ازمصاحبتش چه لذتی بردم...

سیمیندخت شوخی کنان‌گفت:

— تو پاک عاشقش شده‌ای... تا حال ندیده‌بودم ازکسی اینقدرتعریف کنی...

— برای اینکه تاکنون کسی را نظیر زال ندیده‌بودم...

رودابه که کنار مادرش ایستاده بود و تعریف‌های پدرش را از زال‌می‌شنید، احساس می کرد هربار که مهراب با تحسین و تمجید نام زال را به زبان می‌راند، قلب او بیش ازپیش به‌تپش می‌افتدونفس درسینه‌اش تنگی‌می‌کند تا آنجا که ترسید پدر و مادرش‌متوجه التهاب و برافروختگی او بشوند و دوان‌دوان ازآنها دور شد و خود را به اتاقش رساند تا درتنهایی به زال‌جوان و پهلوان بیندیشد.

لحظه‌ای بعد، وقتی ندیمه‌هایش مثل هرروزنزد او آمدند تاسرگرمش کنند، شاهدخت خود را سخت گرفته و پریشا نخاطر یافتند و با نگرانی پرسیدند:

— چه اتفاقی افتاده شاهدخت عزیز؟ چرا اندوهگین هستید؟

رودابه مدتی ساکت‌ماند و بعدآهی کشید وگفت:

— احساس غریبی دارم دوستان، قلبم فشرده‌می‌شود ودلم‌میخواهدگریه کنم...

یکی ازندیمه‌ها باحیرت گفت:

— نکند عاشق شدی رودابه...

رودابه بی‌اختیار خندید و زیرلب تکرار کرد:

— عاشق... عاشق!...

و درحالیکه از پنجره آسمان آبی و درختان سرسبز را نگاه‌می کرد افزود:

— ممکن است... واقعاً ممکن است عاشق شده باشم چون تا امروزچنین حالی را درخود ندیده‌بودم...

ندیمه دیگر پرسید:

— مگر امروز شاهزاده‌ی جوان‌و زیبایی ازاین‌حوالی گذشته‌ودل تورا با خود برده‌است؟

— نه!... اما وصف قدوبالای زال را از زبان پدرم‌شنیده‌ام...

— ولاید ندیده عاشقش شده‌ای!

رودابه خندیدوبااشتیاق گفت:

— شاید همینطورباشد!

ندیمه دیگرش با بی‌پروایی گفت:

— اما آخر، من شنیده‌ام‌او مویی به‌سپیدی پیران‌دارد!

رودابه باخشم بطرف او برگشت‌وتشرزد:

— مواظب حرفهایت باش... سپیدی‌مو که عیب نیست...

ندیمه‌ها ساکت ماندند. رودابه چندبار درطول اتاق بالاو پائین رفتو سپس در برابر ندیمه‌هایش ایستادو بالحنی مصممو جدی گفت:

— من میخواهم زال را از نزدیک ببینم وشما باید بهر ترتیبی که شده او را به کاخ‌من بیاورید....

ندیمه‌ها باهراس بهمدیگر نگاه کردند ویکی ازآنها گفت:

— اما جواب شاه، جواب ملکه را چه میدهید؟

داستانهای شاهنامه

— اگر شما ساکت بمانید ، آنها از هیچ چیز خبردار نمی‌شوند...
— مگر میشود غریبه‌ای به کاخ شما بیاید وشاه‌وملکه بی‌خبر بمانند؟
رودابه به قهقهه خندیدو گفت:
— چرا نمی‌شود ؟ اگر این غریبه نیمه‌شب از برج کاخ بالا بیاید ،چه کسی ممکن‌است ورود او را بهشاهو ملکه خبردهد ؟... نگران نباشید ، شمااورا تا پای برج بیاورید ،بقیه‌ی کارها را بعهده ی خودمن بگذارید...
— اما چطور؟
— این دیگر باشماست ... برویدوراهش را پیدا کنید ! بروید و تا خبری از زال نداشتید پیش من برنگردید !....
پنج ندیمه‌ی رودابه — که همه دخترانی زیرو زرنگ بودند — لحظه‌ای درسکوت‌وحیرت شاهدخت را نگاه کردندو چون اورا در گفتارش بسیار جدی و مصمم یافتند سرپز بر انداختندو از اتاق رودابه به بیرون رفتند تاچاره‌ای بیندیشند وراهی برای خوشحال کردن رودابه بجویند.

* * *

زال،سحرگاهان ، برای گردش و تماشای زیبائی‌های طبیعت، از سراپرده‌ی خود بیرون آمده بود و بهمراه چندتن از دوستانش در کنار رودخانه قدم می زد.
ماه فروردین بود و دشت‌وصحرا در اوج شکوه و زیبائی بهاری جلوه‌گر بود . همه‌جا پراز گل‌وسبزه‌بود و نوای بلبلان همراه با صدای ریزش آب ازآبشارها موسیقی دل‌انگیزی بوجود می‌آورد.
زال به‌آرامی گام برمی‌داشت وبالذت‌اطراف را تماشامی کرد ناگاه، در آنسوی رودخانه چشمش به پنج‌دختر با لباسهای رنگارنگ افتاد که مشغول گل‌چینی بودند . ایستاد، لحظه‌ای آنها را نگریست و از همراهانش پرسید :
— شما این گل چنان زیبا را می‌شناسید ؟
یکی ازهمراهان گفت:
— بله قربان، اینها ندیمه‌های رودابه دختر مهراب کابلی هستند که همه‌روزه صبح به صحرامی‌آیندوبرای بانوی خود گل می‌چینند
زال همچنان که محو تماشای حرکات موزون دختران گل‌چین بود زیرلب گفت:
— ندیمه های رودابه... چه خوب !
چندمرغابی روی آب رودخانه ازاین‌سو به‌آنسومی‌لغزیدند.
زال به‌سوی خدمتگزارش ریدک که‌پشت سراو کمان وترکشش را حمل‌می کرد برگشت. کمان را گرفت، تیری از ترکش کشید و بـه زه‌نهاد وبه ریدک گفت :
— فریادی بزن تا مرغابیها به پرواز درآیند.
ریدک فریادی زد و مرغابیها از روی آب به هوا برخاستند و چون اوج گرفتند، زال زه‌را کشید و تیری‌رها کرد که برپال یکی از مرغابیها نشست و مرغابی درآنسوی رودخانه به زمین افتاد.
زال به ریدک گفت :
— بروو شکارم را بیاور...
ریدک به قایقی نشست و ازعرض رودخانه گذشت و دوان‌دوان خود را به مرغابی تیرخورده که وسط سبزه‌ها افتاده بود رساند.
دختران گل‌چین که همه‌چیز را دیده و پیش از ریدک بالای سر مرغابی‌شکارشده رسیده بودند ، چون ریدک فرارسید، شادی کنان و با تحسین گفتند :
— این پهلوان تیرانداز کیست که بایک تیرمرغابی رامیان زمین وآسمان‌شکار کرد.
ریدک با غرورگفت:
— او سرور من زال، پسر سام نریمان و پادشاه سرزمین زابلستان است.
دخترها نگاهی باهم ردوبدل کردند و یکی ازآنها بالحنی‌شیطنت‌آمیز گفت:
— خوش بحال تو که چنین سرور و شاهی داری ... می‌توانی ترتیبی بدهی که شاهشما ما را بحضورخود بپذیرد ؟
ریدک نگاهی به‌دخترها کرد و پرسید:
— مگر شما کی هستید که میخواهید بحضورزال برسید؟
— ماندیمه های‌شاهدخت رودابه....
ریدک‌شانه بالاانداخت وگفت:
— اگر خود شاهدخت میان شما بود ممکن بود شاهمن اورا بپذیرد، اما شما ندیمه‌ها را فکرنمی کنم.....
یکی ازندیمه‌ها شوخی کنان گفت:
— مگرماچه فرقی بارودابه داریم ؟
ریدک باشیطنت گفت :
— از نظرمن ، البته که هیچ..اما زال تعریف زیبایی رودابه را زیاد شنیده‌و فکرمی کنم بدش نمی‌آید او را ازنزدیک ببیند..شاید هم...
ریدک احساس کرد که دارد پرحرفی می کند ، پس به‌طرف مرغابی خم شدو در حالیکه‌آنرا بلندمی کردگفت :
— این حرفها بمانیامده ... شماها هم بهتر است‌جای دیگر دنبال‌شوهربگردید !
دخترها به قهقهه خندیدندو چون دیدند ریدک میخواهد ازآنها دور بشود ، یکیشان گفت :
— ببین‌جوان ، ما بخاطر خودمان نیست که میخواهیم شاه شمارا ببینیم ، بخاطـــر شاهدخت عزیزمان رودابه است... آخر اوهم تعریف‌زال راشنیده‌وهمچنین بفهمی‌نفهمی...
— عاشق اوشده !
همه به قهقهه خندیدندو ندیمه‌ای که حرف‌راشروع کرده‌بودافزود :
— بهرحال ما پیامی از سوی رودابه‌داریم که باید به‌زال برسانیم... میتوانی ترتیبی‌بدهی که‌مااورا درتنهایی‌ملاقات کنیم ؟
ریدک در حالیکه مرغابی خونچکان را باخودمی‌بردگفت :
— ببینم چه کارمی‌توانم بکنم... شماها همین‌جامنتظربمانید.
زال که از دورمراقب ریدک بود ، وقتی او رسیدو مرغابی را جلوپای زال انداخت بااشتیاق پرسید :
— بااین دختران زیبا چه‌گفت‌وشنودی داشتی؟ میخواهم همه رابرایم بازگو کنی...
ریدک همه‌ی آنچه راکه از ندیمه‌های رودابه شنیده بودتعریف کردو زال که ازشوق‌و خوشحالی درپوست‌نمی گنجید گفت :
— چه‌مژده‌ی شیرینی ...من میروم‌تاپیام رودابه‌ی عزیز رابشنوم ...وبدون اینکه کلامی باهمراهانش بگوید ، به‌درون قایق پریدوخود را به‌آنسوی‌رودخانه رساند.
ندیمه های رودابه‌که با بیتابی انتظار می کشیدندوقتی دیدند که زال خودش به‌سوی آنهامی‌آید غرق‌شادی‌شدندویکی ازآنهاگفت:
— ما موفق شدیم بچه ها ! ... رودابه‌چقدر خوشحال‌می‌شود...
دیگری گفت:
— ببینید ، مؤدبانه نیست که همه‌باهم حرف بزنیم ... یکی‌مان حرف می‌زنیم‌و بقیه بااحترام گوش‌می‌دهیم...فقط یکی‌مان...
وپیش ازآنکه زال برسدیکی راکه‌ازهمه خوش سروزبان‌تربود برای رساندن پیام رودابه به‌زال برگزیدند.
زال چون‌نزد دختران رسیدباخوشرویی به‌دسته گلهایی که آنها چیده‌بودند اشاره‌ای کردوگفت :
— چه دسته گلهای زیبایی آراسته‌اید ... خوشا به‌حال شاهدخت که‌ندیمه‌هایی چون‌شما دارد.
دختری که بعنوان سخنگو انتخاب شده بود سر به تعظیم فرودآورد و درحالیکه دسته گلش راتقدیم زال‌می کرد گفت :
— ازحضورشاه‌تقاضامی کنم که این دسته گل را ازسوی‌بانوی گرامی ما بپذیرند...
زال دسته‌گل را گرفت وبا خوشحالی گفت :
— با کمال میل می‌پذیرم و با نهایت اشتیاق منتظرشنیدن پیام‌شاهدخت هستم...
دخترندیمه با احترام سرفرودآوردو گفت:
— قربان ، بانوی ما رودابه ازشنیدن وصف شماشیفته‌ی‌شماشده‌اند...
زال زیرلب گفت :
— منهم از همین راه شیفته‌ی رودابه شده‌ام ونمیدانید چه اشتیاق وعلاقه‌ای برای دیدارشان دارم...
— رودابه‌نیزمشتاق دیدارشما هستند...
— آه ، چه خوب .... شمامی‌توانید مرا نزد اوببرید؟
— ما؟ درروزبه‌این روشنی؟ نه‌قربان !
— خوب، پس چه بایدبکنم؟
— شما امشب ، وقتی شب ازنیمه گذشت ، پای برج کاخ مهراب شاه می‌آیید . شاهدخت دربالای برج انتظار دیدارتان را خواهند داشت.
— میآیم ...حتماًمیآیم !
— کمند را فراموش نکنید...
— نه ، فراموش نمی کنم .... سلام مرا به شاهدخت زیبایتان برسانید و بگویید منتظرم باشند ... حتماًمیآیم ....
ندیمه‌ها سرفرودآوردندو گفتند :
— اکنون ما را مرخص می‌فرمایید تا این مژده‌ی خوش وشیرین را به بانوی خود برسانیم که‌سخت درانتظاراست؟
— بله ، دختران خوب‌من ، بروید ونخستین پیامگر ازعشق من به رودابه عزیزم باشید و بگوییدکه‌دیگرخواب به چشمانم راه نخواهد یافت مگر آنکه به دیدار او روشن شوند . خدا نگهدار!

«ادامه‌دارد»

همه دوستش دارن
ته دیگ‌های خوشمزه پلو پز ناسیونال مدل ۱۹۷۶ را همه دوست دارن
پلوپز برقی ناسیونال با امکانات برتر و امتیازات بیشتر
پخت بهتری دارد و پلو را بهتر از پلو آبکش ایرانی می‌پزد
ته‌دیگ مورددلخواه شما را با هر سلیقه‌ای که بخواهید تهیه میکند
و تمامی برنج را در پلو نگهمیدارد
پلو به جداره‌های آن نمی‌چسبد
ناسیونال
National
National
ناسیونال پیشرفته‌تر از زمان

[illegible]

زمانیکه اطفال در نیمه‌راه دورهٔ دبستانی هستند، اغلب پسران برای بازیهای خود از دختران جدا میشوند، زیرا اختلافات بین آنها رفته‌رفته مشخص وظاهر میگردد.

جنس و رفتار پسران و دختران اغلب متفاوت است، و پاره‌ای اوقات این علاقه‌های متفاوت ایشان است که باعث جدائی آنها میگردد. آنها در انتخاب داستانها و کتابها، در موضوعاتی که مینویسند و درآنچه جمع آوری مینمایند با همدیگر تفاوت دارند. دختران ممکن است از لحاظ بدنی سریعتر از پسرها رشد کنند، ولی پسران احتمالا بیشتر جرأت و تهور از خودنشان میدهند و ازقدرت عضلانی برتری برخوردارهستند.

نظراطفال نسبت به خود و دیگران

طفل در پنجسال اول زندگی آگاهی و دانائی خودرا نسبت به دیگران توسعه داده است و رفته‌رفته نسبت به اعمال دیگران که او ازآنها خوبی و بدی را آموخته است قضاوت میکنـــد و حتی اگر بطور ناقص‌هم که باشد بدرستی‌و نادرستی بسیاری ازاعمال خود واقف میشود. میل ببالابردن میزان معلومات و احساس ارزشها، که برایش مبهم بوده‌است، رفته‌رفته شکل میگیرندو میتوان درموارد معین بجهاتی‌در بارهٔ آنها با او مذاکره کرده ممکن است گفته شود که او نسبت به حرکات و رفتارخود آگاهی یافته و تدریجاً درمی‌یابد که خود او مسؤول اعمال خویش است ولی باید بخاطرداشت که باراین مسؤولیت را نباید بر دوش او خیلی سنگین ساخت، زیرا مقیاسها و معیارهای رفتارش هنوزاستحکام کافی نیافته‌اند.

دراین هنگام، که استعداد اطفال برای مشاهدهٔ انتقادی رفتار افراد مسن‌تر از خود روبه رشد میگذارد این نکته مخصوصاً حائز اهمیت است که پدرومادر احتیاجات آنها را در تمام حوائج برآورند. برآوردی که یک کودک نهوس دراین موقع از وضع خانه مینماید ممکن است مخرب باشد خصوصاً پدر و مادر نتوانسته باشند علائق اصلی اورا برانگیخته و اورا به همکاری وادارند، کودک خود قادر خواهد بود دقت محاسبه نماید که باچه‌اندازه کوشش و دقت میتواند از عهده کارهای خود برآید، ولی احتمال دارد درسطحی خیلی پائین‌تر ازسطح استعداد واقعی که دارد به حیات‌خود در خانواده ادامه دهد. اگر کودک خانه را چیزی فرض کند که باگریز آن‌را باید تحمل کرد، دراین صورت او هوش و نیروی بهتر خود را برای اموری خواهد اندوخت که‌ممکن است احیاناً خوب یا بد باشد. و خانه‌را کم‌وبیش بارخاطری برای‌خود تلقی خواهد کرد.

علت‌های معمولی بیزاری اطفال از خانه این است که یا به‌اندازه کافی سرگرم‌نیستند و یا کاری که به‌آنها دادمشده است برای آینده آنهـــا مفیـــد بنظـــر نمـــی‌آیـــد چـــرا کـــه درایـــن ســـن کـــودکـــان قـــادرنـــد برای آنچه که حالا انجام میدهند نتیجه آنرا درآینده پیش بینی کنند وبرای هدفی که رسیدن بان کمی دیرتر رخ خواهد داد طرح بریزند و میتوانند در بارهٔ هدفها و مقاصد بزرگسالان و اطفال دیگربه ارزش یابی بپردازند.

کارخلاقه

یکی از برجسته‌ترین مشخصات این سن توانائی‌است که کودکان در کارهای ابتکاری ازخودنشان میدهند.

دراین زمان آنها میتوانند ابزارها ووسائلی را که لازم دارند سنجیده، برگزیده وبابکاربردن روشهای خوب دانش قابل ملاحظه‌ای کسب کنند.

بسیاری ازآنها بمرحله‌ای رسیده‌اند که اغلب ادراک و مهارتشان با هم برابری‌میکند، بطوریکه میتوانند آنچه را که ذهنشان ازعالم خارج اخذ میکند، بشکل دلخواه وقابل قبول خود درآورند، دراین سن کودکان شیفته ابزارها و وسایل هستند و بطورحیرت‌آوری به آنچه که دیگران مشغول ساختن آن هستند علاقه نشان میدهند. بسیاری ازآنها درآخراین مرحله، میتوانند برای مدتهای مدیدی بکار بپردازند ووآنقدربکارادامه دهند تا درپایان‌به نهایت خلاقیت که کاربخاطرآن ترتیب یافته است، دست یابند. بسیاری ازدبستانها فرصت‌های کافی دراختیار کودکان میگذارند تا با مواد وسایل‌مرسوم که بطور کلی رضایت‌بخش هستند کار کنند، اما درپاره‌ای مدارس کارهای دستی‌ازنـــقاشی وسایر دروس هنری عقب مانده‌ترند. اشتغالات جزئی‌مانند بسازی بدون تفکر، که ازسطح استعداد های اطفال خیلی پائین‌ترند، ممکن است جای هنر واقعی و کارهای‌دستی را بگیرند، وکارهای خلاقـــه را بصورت سرگرمیهای معمولی که بطورناخود-آگاه انجام میشوند، درآورند. قدرتی که اطفال برای بیان مطالب خود بوسیله زبان دارنـــد، اغلب جالب توجه است. بسیاری ازآنهاضمن گفتگوها و نوشته‌ها، تقریباً بطورناخودآگاه استعداد خود را بظهور میرسانند ونسبت به‌اینکه روشها و موضوعهای دلپسند رابرگزینند، علاقه نشان میدهند. احتمالا دختران ممکن است در این زمینه از پسران جلوترباشند. درپایان دوره دبستانی، پدرومادروآموزگاران درمی‌یابند که در کارهای خلاقه خواه درزبان، نقاشی یادیگر وسائل آموزشی، پاره‌ای از کودکان شور و شوق یادگیری خود را از دست میدهند و چون قادر نیستند بسیاری از احتیاجات سالهای قبل خود را ارضاء نمایند. دلیل موجهی که دراین

[illegible]

این بحث راادامه میدهیم

سنباد

نوشته‌ی: فرناد

یکی از ایرانیان نجیب و میهن‌پرست سنباد بود که یک ایرانی وطن‌پرست و خشمگین و متعصب بود. او، علیرغم همه‌ی آنچه پیش آمده بود، دین نیاکانی خود را حفظ کرده بود و با آنکه به سیاهپوشان ابومسلم پیوسته و در همه‌ی جنگها و مبارزه‌ها همراه ابومسلم بود هنوز هم یک زرتشتی تمام عیار بود.

سنباد به عنوان یک ایرانی میهن‌پرست با اعراب دشمنی می‌ورزید و اعمال وحشیانه‌ی دست نشاندگان خلفای عرب در ایران را محکوم می کرد بلکه خود نیز ستمی از عربها دیده بود که کینه و نفرت پایان ناپذیری نسبت به هر چه عرب‌ها در دلش انباشته بود که به این آسانیها از میان رفتنی نبود.

آشنایی سنباد با ابومسلم و همگامی و همراهیش با نهضت سیاهپوشان خود داستانی جالب و شنیدنی دارد و بجاست که پیش از پرداختن به شرح مبارزه‌های سنباد علیه اعراب به خونخواهی ابومسلم، این داستان را بازگو کنم.

***

سنباد از بزرگان شهر نیشابور بود که مورد احترام مردم شهر و بویژه زرتشتیان نیشابور و اطراف بود و مردی صاحب مال و مکنت و بسیار گشاده‌دست و مهمان نواز بود.

ابومسلم، هنگامی که برای دعوت مردم به بیعت آل عباس از سوی ابراهیم امام به خراسان میرفت، در حال و وضع بسیار بدی وارد شهر نیشابور شد: از یک طرف پولش ته کشیده بود و از سوی دیگر خود بسیار خسته بود و مرکبش نیز داشت از پا می‌افتاد.

ابومسلم در حالیکه افسار الاغش را گرفته بود و حیوان وامانده را به زحمت به دنبال خود میکشاند، توی کوچه های خاك آلود شهر راه می رفت و زیر لب با خود زمزمه می کرد:

— این حیوان که دیگر نای راه رفتن ندارد. خودم هم دارم از پا می افتم: خسته، گرسنه و بی پول ... آنهم در شهری غریب که نه جایی را می‌شناسم و نه کسی را .... اگر جایی پیدا کنم که شب را بگذرانم، شاید فردا گشایشی پیش آید... شاید!

ناگهان خود را رو در روی مردی یافت که می گفت:

— جوان، بنظرم غریبه می‌آیی ... تازه به این شهر رسیده‌ای؟

—بله ...

— احتیاج به کمک نداری؟

ابومسلم بدون تردید جواب داد:

— نه!

و خواست به راه خود ادامه دهد اما مرد، که سر و وضعی مرتب و آراسته داشت گفت:

— جوان، میتوانم بپرسم مقصدت کجاست؟

— مرو....

مرد با تعجب نگاهی به قیافه‌ی خسته‌ی ابومسلم و نگاهی به مرکب وامانده اش انداخت و گفت:

— راه درازی در پیش داری، آنهم با این حیوان وامانده! ... نمیخواهی جایی استراحت کنی؟

—چرا!

— پس چرا به خانه‌ی سنباد نمی روی؟ درخانه‌ی او به روی همه‌ی غریبه ها باز است. سنباد دولتمند بخشنده‌ایست...

ابومسلم با خشونت و تندی گفت:

— من به بخشایش هیچ دولتمندی نیاز ندارم ... حالا اگر اجازه بدهید به راه خودم می‌روم...

مرد با حیرت بار دیگر سراپای او را برانداز کرد و گفت:

— چندان بی‌نیازهم به‌نظر نمی‌آیی ... اما چرا این حرف‌را می‌زنی؟

ابومسلم پاسخی به‌او نداد و راه خود را پیش گرفت.

مرد لحظه‌ای با تحسین ابومسلم را که داشت دور می‌شد نگریست و سپس به دنبالش دوید و گفت:

— ای جوان، مرا ببخشید ... من فکر نمی کردم ازحرف من برنجید ... می‌توانم خواهشی از شما بکنم؟

ابومسلم ایستاد، نگاهی به سراپای مرد انداخت و پرسید:

—شما چه کسی هستید؟

— من سنباد زرتشتی هستم و معذرت می‌خواهم که باشما بدانگونه سخن گفتم.

ابومسلم که ازشنیدن نام مرد و اینکه او یک زرتشتی است از سرخشم فرودآمد چون قبلا فکر کرده‌بود که این مرد از عرب‌ها یا از دست‌نشاندگان آنهاست که میخواهد سخاوت و بزرگواری خودرا به رخ ایرانی‌ها بکشد و سخت خشمگین شده بود.

مرد که نرمشی درحالات چهره‌و حرکات ابومسلم دیده‌بود ادامه داد:

— ممکن است خواهش کنم امشب را میهمان من باشی و مرا به مصاحبت خود مفتخر کنی .... راستش، ازهمان نگاه اول آثار بزرگی و مردانگی درچهره‌ی شما دیدم و همین باعث‌شد که سر راهتان بایستم به همین قصد که چنین تقاضایی از شما بکنم ... خواهش می کنم دعوت مرا بپذیرید...

ابومسلم دعوت سنباد را پذیرفت و درحالیکه کنار او به راه‌می افتاد گفت:

— اسم من عبدالرحمن ابومسلم است. من از مردم مرو هستم، مدتی در کوفه نزدیک سراج کارمی کردم و اکنون نزد خانواده‌ام بر می گردم.

سنباد ابومسلم را به خانه‌ی خود برد و به خدمتگزاران خود دستور داد اتاقی در اختیارش بگذارند و همه گونه در خدمتش باشند و به او گفت:

— شما خیلی خسته بنظر میرسید .. بروید سروتنی صفا بدهید، غذایی بخورید و استراحت کنید. من برای مهمی به بازار می روم و تا غروب برمی‌گردم تا شب را در مصاحبت شما بگذرانم.

ابومسلم که واقعا خسته و بسیار گرسنه بود، الاغش را بدست نوکران سنباد سپرد تا آب و کاهش بدهند و خود آبی به‌سر وصورتش زد، غذایی خورد و گرفت خوابید... ووقتی بیدارشد که هوا بکلی تاریک شده بود.

خدمتگزاری که پشت در اتاق ابومسلم انتظار می‌کشید او را نزد سنباد برد.

سنباد به گرمی او را پذیرفت و از حالش پرسید و آنگاه به گفت وگو نشستند.

ابومسلم که کارهای مهم و بزرگ در پیش داشت، نمی‌توانست به هر کسی اعتماد کند و بهمین دلیل خیلی کم حرف می‌زد و به پرسش‌های سنباد پاسخ های کوتاه می‌داد. اما سنباد احساس می کرد که بایک مرد فوق‌العاده روبروست ونباید او را دست کم بگیرد ودر عین حال دلش میخواست از کارها و هدفهای آینده‌ی ابومسلم سر در بیاورد. بنابراین، وقتی متوجه شد ابومسلم حاضر نیست سخنی از اندیشه های خود بگوید، گفت:

—ببینید، من در چهره‌ی شما نشانه‌های بزرگی وشکوه می‌بینم وچنین پیش‌بینی می کنم که شما این بساط جور وستم را که عربها در کشورها گسترده‌اند برخواهید چید وپیروزیهای درخشانی بدست خواهید آورد. من یک ایرانی وطن‌پرست هستم وممکن نیست بخاطر این عربهای وحشی بشما خیانت کنم. شما می‌توانید بمن اعتماد کنید ورازتان را بامن درمیان بگذارید ومطمئن باشید که هر کمکی ازمن برآید به‌پیشرفت کارشما خواهم کرد.

ابومسلم بارضایت خاطر گفت:

—از لطف شما واز پیش‌بینی‌های نوید‌بخش‌تان سپاسگزارم وامیدوارم واقعاً همانطوری پیش‌آید که شما حدس می‌زنید. اما خواهش می کنم اجازه دهید درباره‌ی کاری که هنوزشروع نکرده‌ام پرحرفی نکنم. من ترجیح میدهم تا به‌مرو نرسیده‌ام سکوت کنم. وقتی کارها شروع شد صدای آن بگوش شما نیزخواهد رسید.

—در هرحال من برای شما آرزوی پیروزی می کنم ومیتوانید مطمئن باشید که پیوسته بعنوان یک دوست وپشتیبان جدی برای خدمت به‌شما آماده‌خواهم بود.

* * *

ابومسلم شب را درخانهٔ سنباد به‌استراحت گذرانید وسحرگاه از میزبانش خداحافظی کردو براه‌افتاد. سنباد گفت:

— من دیشب دستور دادم آن حیوان وامانده را به حال خود رها کنند وبجای آن اسبی راهوارتر در اختیارتان بگذارند.

— سنباد، دوست عزیز، امشب به دلایلی سفرم را آغاز ... ترجیح می‌دهم. سنباد خندید و گفت:

— بسیار خوب، پس اجازه بدهید یک اسب در اختیارتان بگذارند که راهوارتر و نیرومندتر باشد و بهتر و زودتر شما را به مقصد برساند.

— خیلی خب... متشکرم...

لحظه‌ای بعد نوکران سنباد اسبی زین و برگ شده را با خورجین‌های پر از توشهٔ راه در برابر ابومسلم نگهداشتند و او سوار شد و پس از سپاسگزاری از سنباد به راه افتاد.

* * *

چندین سال از این ماجرا گذشت. آوازهٔ ابومسلم خراسان وسراسر ایران را پوشانده و به گوش سنباد نیز رسیده بود ... وسنباد زندگی عادی خود را درنیشابور می‌گذرانید.

در نیشابور محله‌ای بود بنام «بوی‌آباد» که چهارصد عرب ثروتمند ساکنان آنجا را تشکیل میدادند. در این محل، مکتب خانه‌ای بود که فرزندان اعیان و بزرگان شهر در آنجا درس می‌خواندند. سنباد نیز پسر کوچکی داشت که به این مکتب می‌رفت.

یک روز میان پسر سنباد وپسر یکی ازعربها نزاعی رخ داد که درآن سر پسر عرب به زمین خورد وشکست وخون ازآن جاری شد. پسر نزد پدر دوید ودرحالیکه گریه کنان سر خون‌آلودش را نشان می‌داد گفت:

— پدر، پسر آن گبر بیدین مرا بر زمین زد و سرم را شکست. پدر عرب ومتعصب که سخت خشمگین شده بود نخست خواست‌به سراغ سنباد برود وبا شمشیرش او وپسرش را دوشقه کند اما بعد اندیشه‌ای شومتر وانتقامی وحشیانه‌تر به ذهنش رسید ودر حالیکه سعی میکرد آرام باشد، پسرش را دلداری داد وگفت:

—گریه نکن پسرم، بگذار پدرت چنان گوشمالی به این پسر وپدر کافر بدهد که‌عبرت همهٔ مجوسان وهمهٔ ایرانیان بشود که دیگر جرأت نکنند بایک فرزند عرب چنین رفتاری داشته باشند.

وچون پسر آرام‌شد، پدر ادامه داد:

— تو ازفردا سعی کن با این پسر که دوستی کنی تا آنجا که او ترا دوست خودش بداند... آنوقت مرا خبر کن تا بگویم چه باید کرد.

چند روز بعد، پسر عرب به پدر کینه توزش خبر داد که توانسته با پسر سنباد دوست شود پدر پرسید:

— من بی‌اطلاعم یا سیدی ... بروید و از خودش بپرسید.

سرداران استقلال ایران

—چنان دوست شده‌ای که اگر به خانمان دعوتش کنی بیاید؟

— البته پدر... میخواهی فردا بیاورمش اینجا؟......

— بله، حتماً! منتظرش هستم.

* * *

سنباد تازه از کار به خانه‌اش برگشته بود که خدمتگزارش اطلاع داد:

— مردی عرب آمده و میخواهد شما را ببیند.

— اورا پیش من بیاورد.

مرد عرب با پاهای برهنه و کپره بسته اش وارد شد و تعظیم کنان گفت:

— من غلام شیخ عبدالله موصلی هستم که ساکن محله «بوی آباد» است. شیخ مرا فرستاد تا به شما اطلاع دهم که پسرتان درخانهٔ اوست گفت که اگر پسرتان را میخواهید به خانه اش بیایید و اورا با خود ببرید.......

سنباد که دچار تشویش خاطر شده بود پرسید:

— پسرمن درخانهٔ او چه می کند؟

غلام با ترس ولرز گفت:

سنباد بی‌درنگ به راه افتاد و به غلام عرب گفت:

— برویم. مرا به خانه‌ی شیخ راهنمایی کن.

وقتی سنباد به‌خانه‌ی عبداله رسید، مرد عرب با خوشرویی به پیشبازش آمد اما سنباد که دل‌خوشی از عرب‌ها نداشت با خشونت گفت:

— پسرم را بفرستید همراه من بیاید. او اینجا چه‌می کند؟

مرد عرب باظاهر مهربان گفت:

— او دوست پسرمن است و با او به اینجا آمده.. خواهش می کنم بفرمائید داخـــــل خانه. رسم مهمان نوازی ما عرب‌ها اجازه نمیدهد که شمارا ازدم در روانه کنیم. بفرمایید تانان و طعامی با شما بخوریم و آنگاه همراه‌پسرتان تشریف ببرید.

سنباد که هرگونه بحث و گفت‌وگو را بی‌فایده می‌دید داخل خانه مرد عرب شد و عبداله اورا به تالار مجللی راهنمایی کرد و چون نشستند، دستور داد شراب و غذا آوردند.

غذا عبارت ازگوشت بریان بود با انواع سبزیها که سنباد وقتی خورد آنرا بسیار لذیذ یافت.

وقتی صرف غذا تمام شد، عبداله که به دقت غذاخوردن سنباد را تماشامی کرد خنده کنان پرسید:

— گوشت بریان چگونه بود؟

سنباد گفت:

— بسیار خوشمزه...

مرد عرب به قهقهه شروع به خنده کرد و میان خنده گفت:

— برای اینکه گوشت پسرخودت بود...

سنباد ازشنیدن این سخن، ازشدت ناراحتی بیهوش شد و چون به هوش آمد با خشم پرسید:

— ای دیوانه‌ی وحشی، چرا با پسر من چنین کردی؟

عبداله با خونسردی گفت:

— برای اینکه درس عبرتی به همه‌ی شما کافرها بدهم که دیگر بچه هایتان جرأت نکنند به بچه‌های عرب توهین کنند و آنها را کتک بزنند!

سنباد خشمگین ازجا برخاست وفریاد زد:

— حالا کار شما عرب‌های وحشی از سوسمارخوری به آدم‌خواری رسیده است!؟ تقاص بدی خواهید داد، تو و همه‌ی عرب‌های محله‌ی «بوی‌آباد»!

و از خانه‌ی عبداله بیرون‌آمد و یک‌راست نزد برادرش رفت و بعداز آنکه مصیبتش را برای او تعریف کرد، گفت:

— من باید انتقام پسرم را ازاین‌عربهای خونخوار بگیرم... انتقامی سخت وخونین!

برادرش با تأثروتأسف گفت:

— اما از دست‌من و توچه کاری برمی آید؟ ما که حریف‌این وحشی ها نمی‌توانیم باشیم.

سنباد گفت:

— اما مردی هست که حریف همه‌ی آنهاست ... مردی بزرگ، بزرگترین مرد خراسان...

— لابد منظورت عبدالرحمن ابومسلم است که در مرو برضد حمله‌ی عرب قد برافراشته...

— بله، خود ابومسلم!

— اما اوچنان کاربزرگی درپیش دارد که حتی فرصت اندیشیدن به بدبختی کوچک ترا ندارد!

— نه، تو اورا نمی‌شناسی! او حتی ازخون یک بچه بیگناه ایرانی‌هم نمی‌گذرد ... خواهی دید... من همین الان به سوی مرو حرکت می کنم.

— من هم همراه‌تومی‌آیم برادر!

«ادامه دارد»

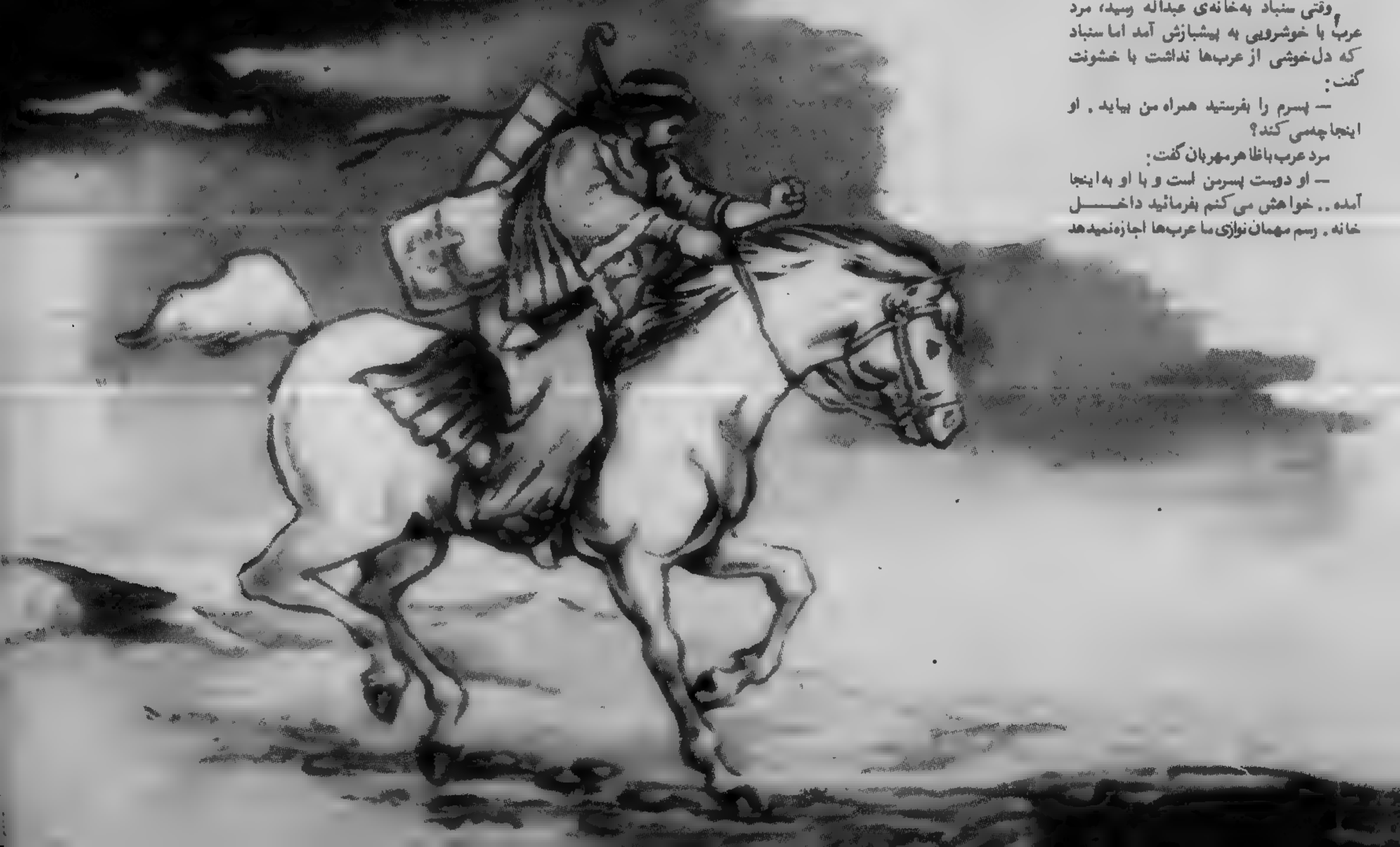

جدول سرگرمی مسابقات

جدول کلمات متقاطع

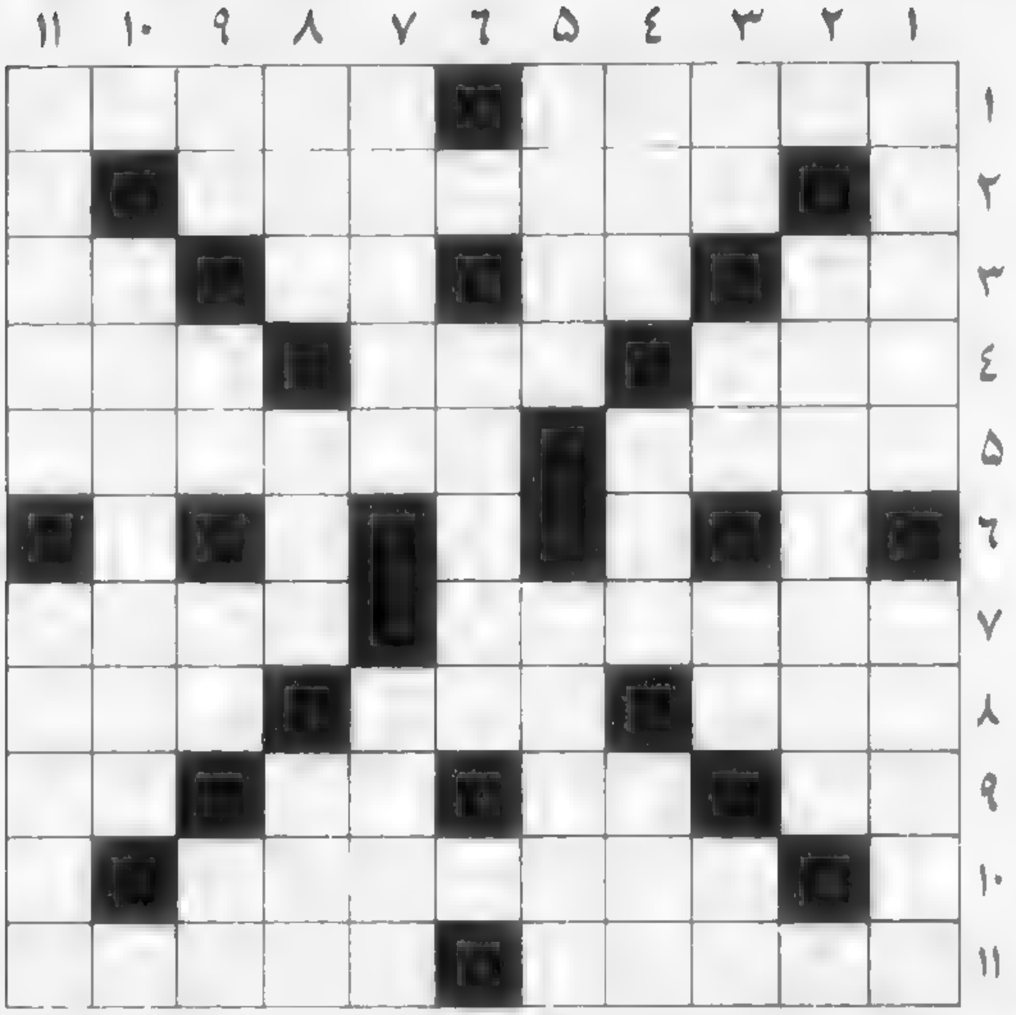

افقی: ۱ — نمایش دهنده لباس — نویسنده نمایشنامه خسیس ۲ — مسابقه جمع شده ۳ — عضو حیوانی — اگر دل داشته باشد ترسو است — علامت جمع — پدربزرگ ۴ — یکصدویازده — گاهی همراه کوپال است — مصیبت‌دیده برزبان محاورد ۵ — برسرسفره صبحا نمی‌نشیند — دنیای تازه ۶ — ۷ — اگر «ن» آن حذف نمیشد اثرمعروفی ازموریس مترلینگ بود. مخالف باش ۸ — شهری درآلمان — گلسرخ — آرایش قدیم ۹ — سازشا کی — ویتامینی است — نظیر — پهلوان ۱۰ حیوانی که هم درآب زندگی میکند وهم درخشکی ۱۱ — بکرات — خواندن.

عمودی: ۱ — خانم فرانسوی-بندری در جنوب ۲ — مخترع رادیو ۳ — رطوبت — پدرتازی — علامت مفعول صریح — لطف رقص ۴ — تحصیل — سه ترکی — نام ترانه‌ای از گوگوش ۵ — حزب معروف آلمان — نوشین ۶ — ناچاری ۷ — یکی ازمقالات — جای مرکب ۸ — دریاچه ای درگرمابه — باغی درشیراز — کار ۹ — پاره — بازگشت نو — هنرپیشه معروف فرانسوی-علامت جمع ۱۰ — فداکاری و ازجان‌گذشتگی ۱۱ — وسیله ای برای برقرار نمودن ارتباط جمعی — خوردنی مورد علاقه کودکان.

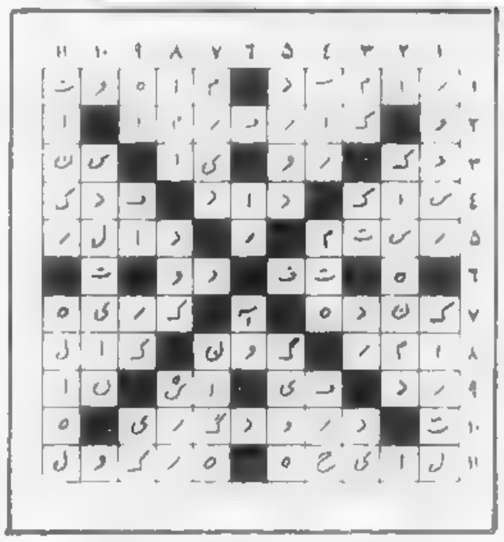

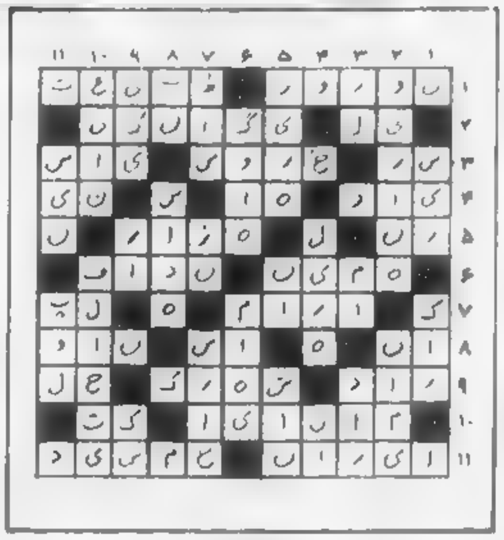

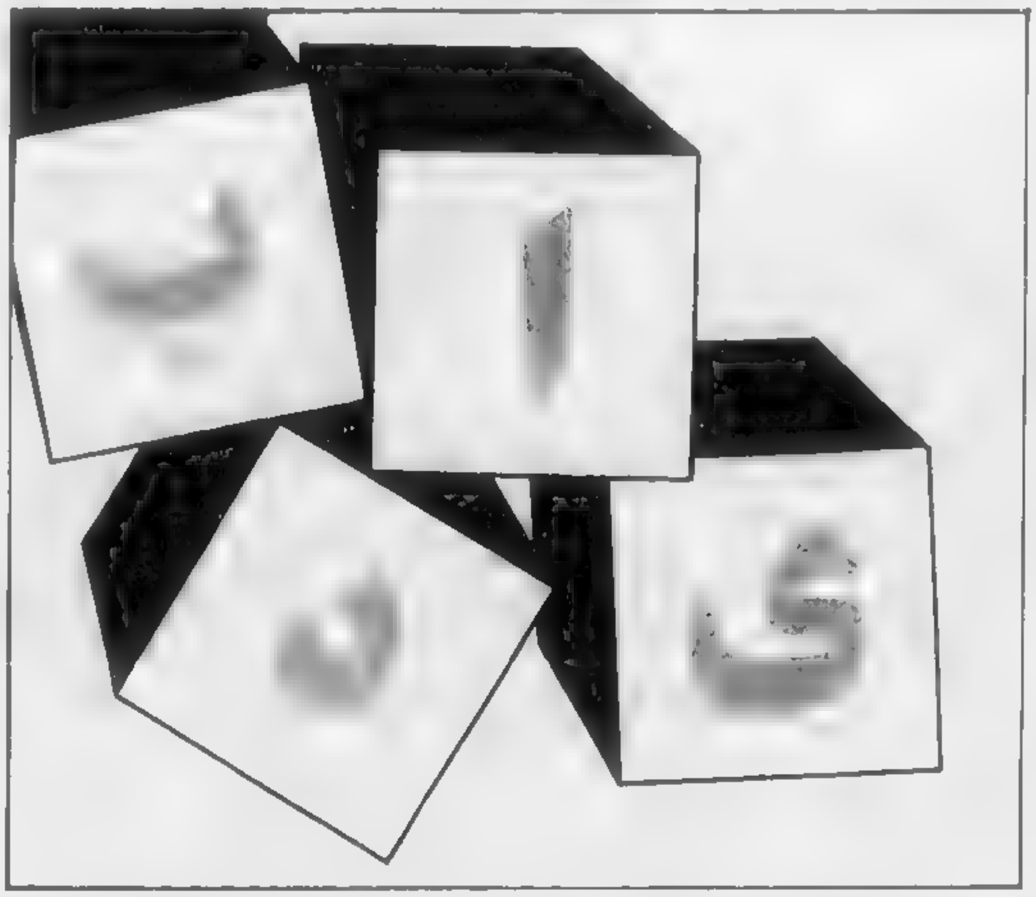

بامجموع این حروف چند کلمه بامعنی میتوانید بسازید؟ پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنوسید وجایزه بگیرید.

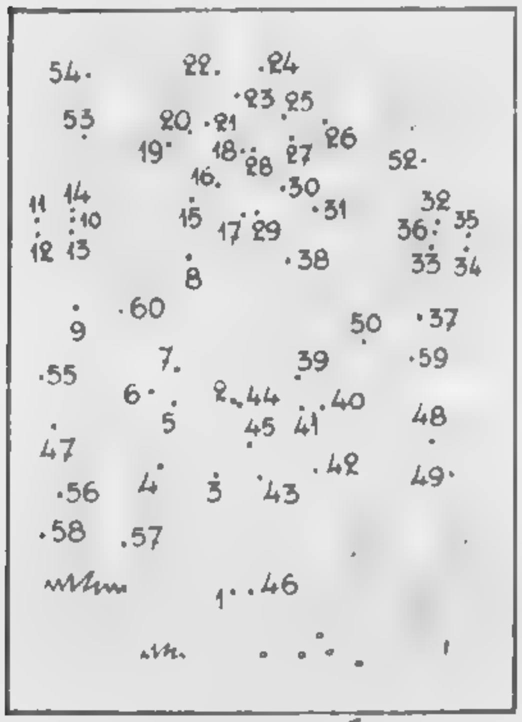

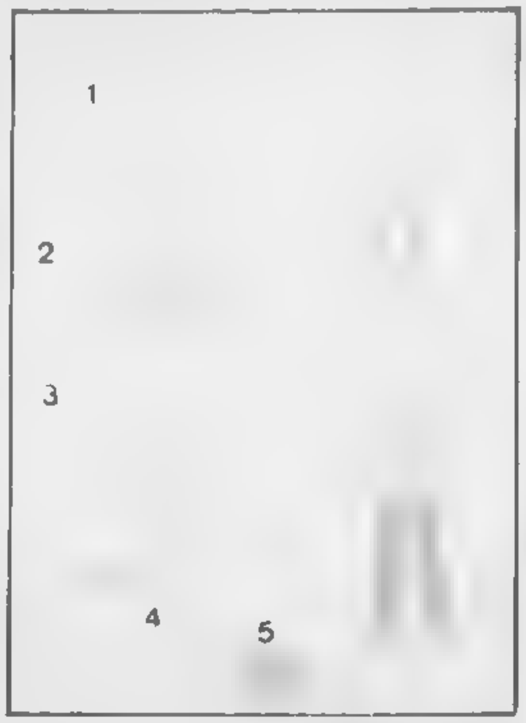

سرگرمی باجایزه

کلیه نمرات داخل این کادر را بترتیب بیکدیگرمتصل کنید تا تصویری که هم اکنون کوچکترین اطلاعی از آن در دست نیست، بدست آید، سپس نام آنرا به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه بنویسید وجایزه بگیرید.

کلاه این آقا پسر کدام است؟

از این پنج کلاه، یک کلاه برازنده سر این آقا پسر است، شماره کلاه مزبور را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

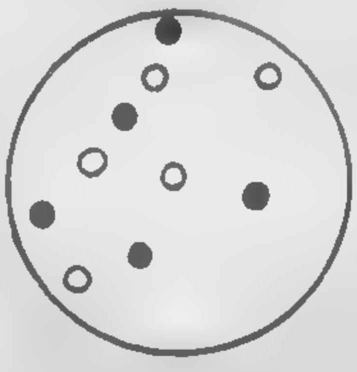

آیا میتوانید این دایره را به پنج قسمت تقسیم کنید بطریقی که در هر قسمت یک دایره سپید ویک دایره سیاه قرار گیرد.

اگر موفق شدید پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

فال

ستارگان درباره حوادثی که در دو هفته
آینده در انتظار شماست چه میگویند.

فروردین

اوقات گرانبهای خود را به خاطر از دست داده‌ها ،تلف نکنید و سعی کنید با روحیه و نیروی بهتری به‌جنگ‌مشکلات بروید . از سلامتی خود مدتی است که غافل مانده‌اید . احتمالا سفری در پیش دارید که طی آن پیشرفتهای چشمگیری نصیبتان می‌شود .

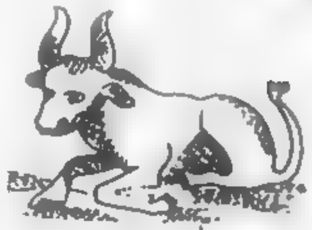

اردیبهشت

برای آن مسئله‌ای که تا این حد فکر شما را به خود معطوف کرده ، راهحل مناسبی می‌یابید و نگرانی‌های شما تمام می‌شود . اگر ازدواج کرده‌اید ، روزهای خوشی را در کنار خانواده خواهید گذرانید . با متولدین مهرماه تفاهم خواهید داشت.

خرداد

فعالیت‌های خود را گسترش ندهید و از تنبلی بپرهیزید . . . بوسیله نامه با شخصی از مسئله مهمی با خبر می‌شوید که مدتها فکرتان را بخود مشغول میکند . درحضور دیگران رفتار توأم با سیاستی داشته باشید.

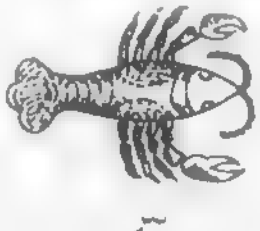

تیر

شانس بروی شما لبخند می‌زند . وضع مالـــی شما به‌طور محسوسی بهبود مییابد . در صورتیکه اعتماد به‌نفستان را از دست ندهید و کارها را طبق برنامه و براساس صحیح وسنجیده انجام دهید ، با شریک زندگی خود تفاهم خواهید داشت ، پیوندهای دوستی مستحکم‌تر می‌شود . با پشتکار و خوش‌بینی کارخود رادنبال کنید

مرداد

بداخلاقی‌های بیجای شما باعث می‌شود دوستان از کنارتان پراکنده شوند . پیوندهای دوستی را به‌آسانی نگسلید ، در زندگی شما تنوع‌های کوچک ولی دلپذیر پیش خواهد آمد . اسرارتان را پیش خودنگاه دارید . درمحیط خانواده عصبانی نشوید ، هر نوع سربهوائی و فراموشکاری بضررتان تمام می‌شود .

شهریور

از بد قولی بپرهیزید که نتیجه خوبی عایدمان نمی‌شود. قرار است دست به خرید سهمی بزنید ، قبل از این کار به وضع مالی خود رسیدگی کنید تا ناراحتی پیش نیاید . خونسرد باشید و از انتقاد نهراسید . مسلماً موفقیت شما در روحیه حسودان اثر گذاشته است که شما را با حرفهای بیهوده ناراحت میکنند.

مهر

درزمینه‌عشق‌واحساسات شخصی ، صبور نیستید و در مقابل ناملایمات عکس العملهای شدیدی نشان میدهید که این همیشه بضرر شما تمام می‌شود ؛ سعی کنید براین نقطه ضعف غلبه کنید . برای مسائل خود راهحلهای مناسب پیدا می کنید .

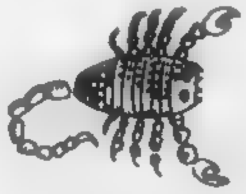

آبان

شما شخص بااراده‌ای هستید و این سبب می‌شود که همیشه موفقیت‌های چشم - گیری بدست آورید . مورد مشاوره‌قرارمیگیرید‌واز‌نظرات جالب شما دیگران بهره می‌گیرند . در خانه آرامش برقرار است .

آذر

سنجیده‌تر تصمیم بگیرید و در کارهائی که انجام میدهید ، عواقبش را در نظر بگیرید . یکی از بزرگترین مشکلات زندگی شما حل شده است . حالا این شما هستید که باید از همه نیروی خود برای بهره‌برداری صحیح استفاده کنید و به حسودان مجال دخالت ندهید.

دی

درآمدهای جدیدی پیدا می کنید ، انرژی فوق العاده‌یی درخود سراغ دارید که از آن بهتر است برای کارهای مثبت بهره‌بگیرید به‌گذشته افسوس خوردن دردی را دوا نمی کند ، در حال حاضر شما در جاده پیروزی قدم گذاشته‌اید‌وبرتمام مشکلات غلبه می کنید . اگر بیشتر مراقب وضع سلامت خود باشید و از بیخوابی بپرهیزید ، نتایج ثمربخشی حاصل میشود.

بهمن

نامه یا هدیه‌ای در راه دارید که از دریافت آن به‌شدت خوشحال می‌شوید . کینه را از دل بزدائید و به زندگی بیشتر خوش‌بین باشید ، از دخالت یکی از بزرگان فامیل درزندگی شخصی خود رنج می‌برید ، ولی بدانید که او صلاح شما را می‌خواهد . امکان تغییر شغل یا تغییرمسکن برای شما وجود دارد که نتیجه‌اش همین چند روزه معلوم می‌شود

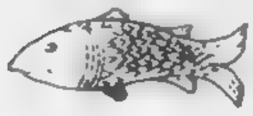

اسفند

موقعیت‌های جدید و ملاقاتهای پیش‌بینی نشده هرچه باشد نباید شما را تا این حد اسیر کند که عجولانه و بدون‌اندیشیدن‌به‌عواقب کار تصمیم بگیرید . معاشرت با افراد مسن و با تجربه به نفع شماست . در زمینه عشقی شانس با شماست . بیک مهمانی یا عروسی دعوت می‌شوید

باچشم های‌بسته‌نیز او را می‌شناسید؟

از آدمهای مشهورکمتر بود که با ازدواج پرسروصدایش با یکی از زنان مشهور شهره خاص وعام گردید ، او در این عکس صورت خود را می‌پوشاند تا کسی او را نشناسد ، او کیست ؟ نام‌وی را به « دایره‌جدول، سرگرمی ومسابقه » بنویسید وجایزه بگیرید .

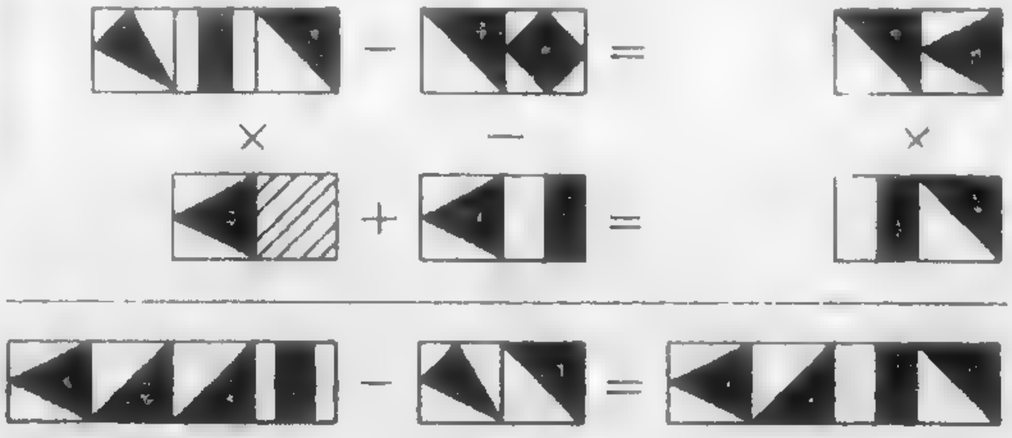

در این شکل هر مربع نقش عددی را بازی میکند که شما این اعداد را از روی علائمی که در اطراف آنها مشاهده مینمائید ،میتوانید پیدا کنید.

اگرموفق شدید پاسخ را به «دایره جدول ، سرگرمی ومسابقه » بنویسید وجایزه بگیرید .

در این شماره برای سنجش میزان اطلاعات عمومی شما ده سؤال طرح کرده‌ایم که برای شرکت در قرعه کشی وبهره‌گیری از جوائز، کافی است پاسخ درست پنج سؤال را به «دایره جدول ،سرگرمی ومسابقه » بنویسید . اینک سؤالات :

۱— جهان‌پهلوان که بود ؟
۲— رودخانه «امبا» در کجا جاری است
۳— چهارپارچه ،چه کسانی بودند؟
۴— سگور که بود ؟
۵— سلسله جبال تیان شان در کجاست؟
۶— نیزه دار« رستم » پهلوان داستانی ایران که بود ؟
۷— پروین اعتصامی در اثرابتلاء به کدام بیماری درگذشت؟
۸— پسرچنگیز که خراسان را غارت کردو گروه بیشماری را کشت‌چه‌نامداشت؟
۹— شهر« زقازیق » در کجاست؟
۱۰— فرمانروای یمن در زمان خسروپرویز که بود؟

۱— بانو پروین منصوری (سکه یک پهلوی طلا) ۲— آقای ایرج نقوی (ساعت) ۳— آقای فریدون اسماعیلی (رادیو) ۴— آقای جمشید صداقت(قلم خودنویس).

جوایز مسابقات:

۱— دوسکه یک پهلوی طلا.
۲— دوساعت مچی.
۳— دو رادیو ترانزیستوری.
۴— دوقلم خودنویس.

این جوایز بحکم قرعه به‌هشت تن از شرکت کنندگان درمسابقات که پاسخ صحیح بدهند تعلق میگیرد مشروط براینکه نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، شغل وآدرس دقیق خود را در زیر پاسخ ونام مسابقه وشماره مجله را دربالای پاسخ وروی پاکت‌قید نمایند.

باغرور وافتخار نیم قرن
شاهنشاهی دودمان
جلیل پهلوی راتهنیت
می گوئیم وازخدای بزرگ
طول عمرودوام سلطنت

شاهنشاه آریامهر

راآرزومندیم

سندیکای کارگران کارخانه

لاستیک سازی ایران یاسا

باشادمانی وسرور نیم قرن
سلطنت سرنوشت ساز
دودمان جلیل پهلوی راجشن
می گیریم وصمیمانه ترین
سپاس رابخاطر رهبریهای
خردمندانه وپرتوان
شهریاربزرگ ایران زمین
به

شاهنشاه آریامهر

تقدیم می دارد.

هیئت مُدیره و مُدیرعامل و کارکنان

شرکت سهامی

ایران یاسا طایر و رابر

لبخندی درآئینه

بقیه از صفحه ۷۱

ولی انگار او را برای همیشه گم کرده بودم.

بعد از این که ماشین را به راه انداخت گفت:

- «راست راستی از بدنت تکان خوردم عجب دنیائیه؟ آدم روی هیچ چیزش نمیتونه حساب کنه ..... ببینم، حالا برای همیشه شل شدی؟ هوم؟»

چه صدای سرد وبرنده‌ای داشت و باچه بی‌رحمی حرف میزد. باصدای که انگار از ته چاه بیرون می‌آمد، گفتم — «نه، دکتر هاقول دادن تا یکی دو ماه دیگه پام خوب بشه .. میدونی آخه تصادم ساده‌ای که نبود .... بازهم خدا رحم کرد زنده‌موندم.»

اتومبیلی که زن زیبای موسیاهی آن را میراند از کنارمان گذشت. بهرام مدتی با چشم آن اتومبیل را دنبال کرد و بعد گفت- من اگه به جای تو بودم ترجیح میدادم بمیرم. فایده آدم ناقص چیه؟ — فکرش رو بکن ... وقتی آدم نتونه راه بره، نتونه برقصه .... دیگه اززندگیش چی میفهمه؟ بازتو واقعاً روحیه خوبی داری. بهت تبریک میگم. من اگه جای تو بودم، خودکشی میکردم.»

آسمان با همه ستاره هایش روی اتومبیل پائین می‌آمد و فرو میریخت و بغض مثل تیغه داردی به گلویم فرو رفت.

چشمان قهوه‌ای بهرام دیگر از هر سحر عاشقانه‌ای خالی بود و از کلامش زهر فرو میریخت. جلوی در خانه دستم را با دلسوزی فشار داد وگفت — «خوب زندگیه دیگه، هر کی یک قسمتی داره. تو هم به خاطر مادرپیرت باید زنده بمونی. یک روز اگر فرصت کنم می‌یام بهت سرمیزنم. به هرحال واست خیلی ناراحتم. خدایهت صبربده.»

وبعد ...... من در شب سیاه عمیقی فرو رفتم. آن شادمانی تصنعی آن بازیگری دردناك از وجودم گریخت و دو مرتبه درقالب خودم فرو رفتم، قالب دختری که به قول بهرام باید مرگ را به زندگی ترجیح میداد. آن شب برای اینکه اشکهایم را ازمادرم پنهان کنم، به‌بستر پناه بردم. تنها شب بعد بود که او را دیدم. بادیدن من گفت — «چی شده، چشم‌هات چرا آنقدر گود رفته؟ برو یک دستی به صورتت بکش احسان شام میاد اینجا، خوب نیست تورو این شکلی ببینه.»

چند لحظه به او خیره ماندم ... دلم میخواست فریاد بکشم. دلم میخواست ازخودم و از او و از احسان واز همه موجودات زنده فرار کنم. دلم میخواست کفر بگویم. دلم میخواست دیوانگی کنم، ولی وقتی چشم هایم روی چشم های مضطرب و غمزده پیرزن متوقف ماند. تصمیم گرفتم باز درقالب همان بازیگر فرو بروم و این بار فقط به خاطر راحتی و رضای مادر بازی کنم. وبازی هم کردم، هم آن شب وهم شبهای دیگر، شبهایی که درپوچی ناامیدی و یاس مطلق سپری می‌شدند. شبهایی که میل خودکشی در وجودم بیداد میکرد و شیطان باصدوسوسه مرا به مرگ میخواند.

پس از دیدن چهره واقعی بهرام، چهره حقیقت را بهتر میدیدم و از بازدیدن آن چهره آنچنان رنجی میکشیدم که شاید نظیرش را کسی نکشیده باشد. روز به هنگام کار در فروشگاه بانقاب وظیفه کارمیکردم وشب به خاطرمادر ماسک دیگری به چهره میزدم و تنها هنگامیکه خود را به بهانه خواب به بستر می‌انداختم، خودم را باز می‌یافتم و اشکهایم به آرامی روی بالش جاری میشدند.......

تا اینکه سرانجام آن حادثه اتفاق افتاد ومرا ازخواب غفلت بیدار کرد. آن روز یک بعد ازظهرجمعه بود، از آن بعد ازظهرهای آفتابی که بیشتر مردم شهر را از خانه هایشان بیرون میکشاند. در صندلی عقب تاکسی خودم را جمع وجور کرده بودم و به طرف دست راست، جایی که نیمکت ها روی سبزه های یک پارك خیابانی قرار داشتند، نگاه میکردم که ناگاه چشمم روی منظره‌ای خیره‌ماند.

منظره مردی که [illegible] بود. یک مرد [illegible] موجودی که مثل یک حیوان خودش را [illegible] سبزه ها میکشید وچشمانش از [illegible] مالامال بود. چراغ قرمز شد و تاکسی ایستاده بود. چشم هایم به روی آن مرد عجیب شد و بند یک دسته بلیط بخت‌آزمایی را با دندان‌هایش نگاه داشته بود و با همان حالت سکه‌ای انگار مانند گربه‌یی که دریک [illegible] بدود و از آفتاب لذت میبرد [illegible] را [illegible] روی [illegible] طرف وآن طرف میرفت. [illegible] و خنده ازلبانش دور نمیشد ..... [illegible] دو دقیقه نگاهم برچهره‌او متوقف نماند، چون تاکسی به حرکت درآمد و آن منظره را مانند مناظر دیگرنابود کرد.

آنچه دیده بودم، درعمق ذهنم باقی مانده بود. درست مثل سنگی که در عماق چشمه‌ای باقی بماند. تاکسی ازخیابان ها میگذشت ومن به عظمت آن مرد وحقارت خودم می اندیشیدم.

من جوان [illegible] بودم [illegible] یک [illegible] کوچک ازدنیا دست‌نشسته و روز [illegible] را درحمال مرگ [illegible] در صورتی که آن مرد [illegible] آن [illegible] درد و [illegible]

[illegible]

محسم میکند و همیشه به [illegible]

پایان

لازم است کارگران نیز ازمزایای

بقیه از صفحه ۱۹

خدمت میکند که قادرنیست بتنهائی جوابگوی نیازمندیهای درمانی ۵ هزار کارگر و افراد خانواده آنان باشد. سازمان تأمین درمان که طرف قرارداد سازمان ملی ذوب‌آهن است تا کنون موفق نشده پزشک دیگری را به معدن اعزام کند از نظر دارو و تجهیزات پزشکی و وسائل فنی نیز کمبودهائی مشاهده میشود. تقاضایمان اینست که در قرار داد درمانی ما تجدیدنظرشودوطرح تازه‌سه‌درمانی دربارصا نیزبمرحله اجرادرآیدتابتوانیم به هرپزشك ویا مرکزدرمانی که علاقمندیم مراجعه کنیم»

«مشکلاتی را که دوستان کارگر

*** احمد گل زاده نماینده کارگران معدن دره‌بر کرمان**

من در معدن [illegible] مواجهند، مبتلا به کارگران معدن دره‌بر کرمان [illegible] امور درمانی و تسهیلات رفاهی با همین نارسائی‌ها روبرو هستیم و بنوبه خود تقاضا داریم برای رفع آن اقدام شود. منتهی لازم است نکته دیگری را هم یاد آورشوم. همانطور که دوستانم اشاره کردند گروهی از کارگران معادن ذغال‌سنگ کرمان، ازخانه های مسکونی استفاده میکنند. گروهی نیز مبلغی بعنوان کرایه خانه دریافت میدارند، ولی گروهی دیگرازدوستان ما از هردو مزایا بی‌بهره‌اند. کارفرما بهانه میاورد که عده اخیر بعلت بومی بودن نمی‌توانند از هیچ یک از این مزایا بهرمند باشند. بنظر ما این استدلال منطقی نیست. تمنا میکنیم این استثنا از بین برداشته شود و [illegible] همدوش دیگر در معدن [illegible] کسی [illegible] نشود.

*** مهدی امیری‌پور**

«فاصله کرمان تا معادن ذغال سنگ بین ۸۰ تا ۱۲۰ کیلومتر است. جاده‌ای که شهر کرمان را به معادن متصل میکند تا زرند اسفالت و از زرند تا معادن خاکی است. با اینکه سه سال پیش جناب آقای نخست‌وزیر مقرر داشتند که اسفالت [illegible] سریعا انجام شود، ولی جز احداث چند پل که آنهم متأسفانه بصورت نیمه تمام رها شده، اقدامی بعمل نیامده است. با توجه به اینکه این راه باریک و خاکی ترافیک سنگینی دارد، هر لحظه بیم تصادف‌وانوع حادثه دردناکی میرود. لذا بهتر است اسفالت و تعریض این راه در [illegible] همه برنامه‌های [illegible] این منطقه قرار گیرد.

آیندهٔ درخشان خون مصنوعی

یکی ازینجا سیمونی که از باغ ملی تفریحی «کینگزآیلند» درآمریکا فرار کرد، برای آزمایش خون مصنوعی به کارگرفته شده‌است.

دکتر «للاند کلارك» آمریکائی که پیشرو تهیه خون مصنوعی است، نیمی از خون این میمون را باخون مصنوعی عوض کرده‌واز نتیجه آزمایش خود در عین‌حال که‌شگفت‌زده‌شده راضی نیزهست.

احتمال‌می‌رود درآینده‌نزدیک دربیمارستان ها به‌جای‌خون طبیعی از خون‌مصنوعی استفاده شود وبه افراد، حادثه‌دیده ومجروح، خون مصنوعی تزریق‌شود.

مردم پول ها را به راننده‌و دونگهبان کامیون زرهی دادند

یک کامیون زرهی مخصوص حمل پول چند روزپیش داشت دریکی ازخیابانهای شهر مانهاتان می‌پیچید که‌ناگهان درعقبی آن‌باز شدودوهزاردلارپول‌خرد به خیابان‌ریخت.

مردم بدون‌آن که ازآنها خواسته‌شود، از پیاده‌رو‌به‌خیابان‌دویدند وبامشت‌های خود سکه‌ها راجمع کردند وبه‌راننده کامیون‌و دو نگهبان‌آن دادند.

مردی بانام«جورج‌کومز» که درهمان حوالی یک دکه روزنامه‌فروشی دارد، وقتی فداکاری مردم را دید، گفت: نیویورکی‌ها با این کاردرستکاری‌خودرا‌ثابت کردند.«کومز» خودنیز درجمع‌آوری سکه‌ها شرکت کرده‌بود. بعدازاین حادثه جالب، فقط ۱ دلاراز پولها کم‌شده‌بود.

اجزای دستگاه‌جوش اکسیژن

بقیه از صفحه ۲۷

مصرف شده بصورت لجن سفیدرنگی در محل مخصوص جمع میشود که باید گاهی تمیز شود. گاز استیلن آماده شده قبل از دخول به لوله مصرف ابتداء از محفظه اطمینان عبور می کند. وجود محفظه اطمینان برای جلوگیری از (پس زدن) دخول شعله به مخزن تولید کننده گاز استیلن است و گذشته از این هردستگاه مولد استیلن مجهز به یک «رگولاتور» یا تنظیم کننده است‌عمل دستگاه تنظیم کننده، ثابت نگاه‌داشتن فشارگازمصرفی است زیرا فشار در داخل دستگاه تولید کننده متغیر است. در صورتیکه برای جوشکاری به فشارثابت نیاز است، درروی دستگاه‌تنظیم کننده‌پیچی‌قرارگرفته که‌میتوان‌فشار مصرفی را نسبت به کارمورد‌نظر تنظیم کرد و رگولاتور همواره آن فشار را ثابت نگاه‌می‌دارد.

*** دستگاه دیگرمولد**

نوع دیگر مولد یافت می‌شود که در این دستگاه ها آب روی کاربید ریخته نشده بلکه کاربید درآب فرومیرود. در این دستگاه‌ها مخزن آب درپائین قرارگرفته و کاربیدرا ازدریچه هائی که در بالای دستگاه قرار گرفته درسبد فلزی مخصوص می ریزند و دریچه‌ها را محکم می‌بندند آنگاه با حرکت اهرمی سبد فلزی محتوی کاربید داخل آب میشود و گاز تولید شده در قسمت بالای دستگاه جمع می‌شود. هرگاه فشار بحد معینی برسد دوباره بوسیله حرکت همان اهرم سبد را از آب بیرون می کشند. باقی‌مانده کاربید بصورت لجن در ته سبد جمع می‌شود. سایر قسمتهای این دستگاه و تجهیزات آن شبیه دستگاه یادشده‌قبلی است..

رعایت‌دستورالعمل لازم برای بهره‌برداری و حفاظ دستگاه حك شده فوق‌العاده مهم است. البته نسبت بمصرف گاز باید دستگاه مناسب را انتخاب کرد زیرا تولید زیاده از حد بوسیله هر دستگاه که کارخانه سازنده ذکر کرده سبب اختلاف دردستگاه می‌شود ازجمله بالا رفتن درجه حرارت و رطوبت گاز را میتوان نامبرد.

برای تولید یک مترمکعب گاز استیلن احتیاج به ۳ الی ۴ کیلوگرم کاربید است که مقدار آن بستگی به نوع کاربید دارد. زیرا کاربید تجارتی همواره با ناخالصی‌ها و مواد اضافی ازقبیل گوگرد و فسفر و غیره‌همراه‌است.

نامه به سردبیر

«سخنی با دوستان کارگر»

خواهران وبرادران ارجمند ، همانطور که بارها اشاره کرده‌ایم تمامی تلاش گردانندگان مجلهٔ رستاخیز کارگران تأمین خواست های قانونی و رضای خاطر شماست . با اینکه طی مدت کوتاهی که از انتشار این مجله می گذرد تشویق های صمیمانه و بی شائبه شما موجبات دلگرمی ما را فراهم آورده و باعث شده است از تلاشی که بکار می بریم راضی باشیم ، با وجود این هنوز بمرحله اقناع نرسیده‌ایم .

از این رو از همه شما برادران تمنا داریم برای ما بنویسید که از مطالب موجود ، کدامیک را جداً می پسندید ، کدام دسته را عادی و معمولی می دانید وچه مطالبی را بی اثر و زاید می‌شناسید ؟ ضمناً پیشنهاد کنید که به دنبال چه نوع مطالب ومباحث برویم ؟ مطمئناً ارشاد و راهنمایی های شما ، ما را درانجام هرچه مطلوب تروظایفمان یاری خواهد داد .

درآخرین سخن ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که ما ازشما متوقع نیستیم که درنگارش نامه ها سلیس ترین وروان ترین نثر را همراه بادرست ترین عبارات بکار برید . نوشته ها همینقدر که بتواند منظور نویسنده را برساند کافیست . بنابراین اگر درمیان شما کسانی باشند که میزان تحصیلاتشان درحد کلاس دوم ابتدائی نیز باشد، ازنظرما کافی است.

پس بی هیچ پروایی نظرات خود را به عنوان صفحه «نامه سردبیر» بنویسید و مطمئن باشید که هر نوشته یی بانهایت دقت ورغبت خوانده می‌شود و مورد بررسی قرار می گیرد . ضمناً اگرمایل نیستید که نامتان فاش شود ، کافی است در زیر نامه این نکته را متذکر شوید .

اصفهان— آقای هوشنگ شریفیان

پسرخاله جان ، تمام چیزهائی که از برخی نارسائی‌ها در شهر زیبای «اصفهان» نوشته‌اید درست ولی قدرشهرتان را بدانید .

در بارهٔ بیمارستان مهرگان اصفهان هم حرفی نزنید که در بعضی بیمارستانهای تهران از بیمار بجای نردبام استفاده می کنند وضمن بالا رفتن ازسرو کول حریف ، به تعویض لامپ لوستر اتاق می پردازند و یا سرگرم نظافت شیشه های پنجره می‌شوند . ازصدای بوق ماشین‌ها حرفی نزنید که اگر آنها بجای بوق ، شیپور هم بزنند در مقابل صدای اگزدر موتورتین ایج های موتور سوار ما نغمهٔ ساز است . خلاصه کلام هوشنگ خان جان قدر شهر خود را بدانید . خداحافظ ویاور وپارتی شما باد !

قزوین — آقای سید حمزه موسوی

به به به جناب اجل واکرم حضرت میر حمزه خان موسوی عزیز که باز هم لطف فرمودی ویادما کردی . با وجود این بگو ببینم بالام‌جان چرا نوشته‌یی :«من، مازندرانیم نه قزوینی ،چرا که زادگاهم بندر«فرحناز» است وتا ۲ ، سال پیش هم‌ساکن آن شهرچهٔ زیبا بودم . بهرحال ، بودم را بگذار کنار برادر. همه، اهل هریک ازشهرها و شهرستان ها و روستاها برادر هموطن هستیم و همه نقاط مملکت هم متعلق به همه‌ماست‌ودوست‌داشتنی.ضمنا همینقدر که ۱۲ ، سال است ساکن این شهر زیبا وخوش آب وهوا شده‌ای کافی است که قزوینی خطاب شوی .

باری ، ازاینکه درمورد افزایش تصاعدی مواجب رفقا ابراز خرسندی کرده‌ای ، کلی خوشمان آمد . زیرا با این حرف ثابت کردی ته توی سینه‌ات بجای دل، آئینه کاشته‌اند . جداً که خوشحالی هم دارد . زیرا وقتی وضع دوستان خوب باشد، این حسن رادارد که دیگر برای رفع حاجت مزاحم دیگران نمی‌شوند . حتی ممکن است بعضی اوقات ازشان محبتی هم سر بزند و جلو اجرائیه طلبکار آدم را بگیرند . نکته سوم اینکه بنده به قوزک پای لبوفروش محلمان خندیدم که گفته باشم خط سرکار ، چنین وچنان است . خط به این خوبی چه ایرادی دارد که حقیر در مقام جسارت برآیم وبا وارد کردن تهمتی بدین عظمت موجبات عصبانیت جناب‌سردبیر رافراهم کنم ولاجرم باعث تعطیل دائمی این صفحه و آجرشدن نان خودم شوم . خیر قربان ، چهار دیگر اینکه ، مخلص هنوز علت تعطیل کارگاه « خش خش » را نفهمیده‌ام زیرا هنوزسرگرم کاراست . صدالبته سروگوشی به آب می‌دهم تا ببینم قضیه از کجاآب تصفیه شده می‌خورد وسازنده این شایعه کیست ؟ پنج دیگر دلیل چاپ نشدن کاریکاتورهای تورا ازهمکار نازنینم شاهرخ خان تویسرکانی پرسیدم ، حضرتش جواب داد ازحمزه خان خواهش کن که هی بفرستد ، هی بفرستد ، هی بفرستد تا بالاخره چاپ شود (المعنی فی بطن جمله !) شش دیگر، سایهٔ عالی مستدام .

«نامه یی ازشیلات»

چاپ مطلب مربوط به « تبعیض سازمان امور استخدامی کشور» در روزنامه رستاخیز که با واقعی بینی وبی نظری درخور تحسینی تنظیم شده بود ما کارکنان شیلات بندر پهلوی را واداشت تا ضمن تشریح وضع خود متذکر شویم که عامل ایجاد تبعیض در این سازمان بعضی کارفرمایان هستند بهرحال مسائلی که درآن مقاله مطرح شده بود چیز تازه‌یی نیست چرا که ما کارکنان شرکت شیلات پهلوی نیز نه تنها وضع بهتری نداریم ، بلکه مسأله طبقه بندی مشاغل ما بمراتب بغرنج تروپیچیده‌تر ازآنست .

به این معنی که وضع استخدامی ما ازلحاظ گروه بندی وازنظر مزایای شغلی منطبق با مفاد آئین نامه استخدام کشوری نیست تنها عده انگشت شماری از گروه و مزایای کامل برخوردارشده‌اند . ازآنجایی که مجلهٔ رستاخیز کارگران بمنزله تریبون طبقه عظیم کارگرست از شما تقاضا داریم که با چاپ این شکوائیه، مراتب را به آگاهی مسئولان اموربرسانید . گل محمد علی پور ودهها امضاء دیگر

مشهد— آقای حسین کاشمری

ما هم ازشما ممنونیم کاشمری جان ،باور کنید همین ابراز رضایت دو سه جمله‌یی شما کافی است که ما درانجام وظایفمان بال در آوریم . ضمناً ازاینکه درمورد چاپ درد دلتان از ما تشکر کرده‌اید ، کلی سپاسگزاریم. البته باید این را هم اضافه کنم که اصلا کارما اینست، ما را اینجا نشانده‌اند که درددلها ، شکایات و دیگر حرفهای شما خواهران وبرادران عزیز را بچاپ برسانیم ! تا با انتشار آن ، دوستانمان نتیجه‌بی بگیرند . ازاین رو حالا هم « می‌دیدیم » که رئیس سرکار مطلقاً کارخوبی نکرده است که برای شرکت شما درمسابقه کشتی کرولالها که در تهران برگزارمی‌شود ، مرخصی بی‌حقوق اعطاء فرموده است . آخر ورزشکار تا دل خوش و خیال راحت نداشته باشد که نمی‌تواند مسابقه بدهد ، آنهم مسابقه کشتی ، شاید ایشان فکر کرده که چون شما کارگر کارخانه نان هستید و نان مفت می‌خورید ، دیگر نیازی به حقوق ندارید ! بهرحال ، این دفعه گذشت . اما اگر دفعه دیگر بازهم جناب رئیس تان شما را بی جیره ومواجب فرستاد پی تشک کشتی ، بمن خبر بدهید تا آن مورد را هم مانند این یکی چاپ کنم وجناب رئیس را به ریش خودم بخندانم !

ضمن خداحافظی ، توفیق همه ورزشکاران وطن ، بویژه شما اعضای تیم کشتی کرولالها را آرزومندیم.

*جناب آقای سردبیر ،

با عرض سلام و ابراز ارادت آرزومندم که آنجناب وتمامی کارکنان آنمجله درراه خدمت به شاهنشاه آریامهر وملت ایران موفق و مؤید باشید .

غرض از ایجاد مزاحمت برای سرکار اینست که می خواهم ضمن طرح پیشنهادی در بارهٔ گشایش صفحه یی زیرعنوان «نمایندگیهای کارگران» که بعقیده من درنزدیکتر ساختن کارگران کشور نسبت بیکدیگر نقش عظیمی خواهد داشت به اطلاع شما برسانم که متأسفانه مجلهٔ محبوب ما بی نهایت دیرتر از حد معمول و متعارف به معدن زغال سنگ می رسد . تردید نیست که عامل این تأخیروسیله نقلیه است و برای رفع مشکل بهتر است راه دیگری انتخاب کنید . مثلا با توجه به اینکه همه روزه قطار مسافربری تهران — زرند کرمان دراین خط سرویس ایاب و ذهاب دارد ، لازم بنظرمی رسد که سهمیهٔ مجلهٔ کرمان و توام با این وسیله ارسال شود تا حداکثر روز بعد ازانتشار به دست دوستداران برسد . لطفاً در این مورد اوامر مقتضی صادر فرمائید تا اشکال موجود برطرف گــردد.

کرمان—پیشروی عمودی معدن
محمود بازقلعه یی

*دوست گرامی ،

دربارهٔ توزیع مجله بررسی دقیق وگسترده‌یی را آغاز کرده ایم که امیدواریم بهمین زودی ترتیبی بدهیم که کمبود های موجود حتی‌المقدور برطرف‌شود . پیشنهاد شما را عیناً دراختیارقسمت مربوطه قرارداده‌ایم تا حداکثر بهره را ازبکاربردن آن بدست آورند . بی شک اگر اشکالی درکاراجرای این پیشنهاد باشد ، راه دیگری برای ارسال هرچه سریع تر مجله به کرمان انتخاب می کنیم . ازتوجه و همکاری صمیمانه‌شما سپاسگزاریم.

*آقای سردبیر ،

امیدوارم سلام خالصانه مرا بپذیرید . پیش ازهرچیز لازم می دانم از زحمات شما در انتشار مجله خوب وکامل و دوست داشتنی رستاخیز کارگران تشکر کنم و ازخدا بخواهم که همواره یارویاورتان باشد. شاید شما تصور کنید که غرض من ازتمجید ازاین مجله مبالغه وخودنمایی است . اما مطمئن باشید که دراین مورد ،من تنها نیستم و هریک از همکارانم که مجلهٔ شما را مرورو مطالعه کرده با من همعقیده است . بهر تقدیر بنده بسا تقدیم این نامه می خواستم بگویم شما که مجاوزازچهارصفحه را به کاریکاتور و مطالب فکاهی اختصاص

داده اید ، بهتر است برای بهره گیری هرچه بیشتر از صفحات مجله ، این نوع مطالب را تقلیل دهید وبجای آنها نوشته های آموزنده و داستان‌های خوب و سرگرم کننده چاپ کنید . ضمناً مجله رستاخیز کارگران از لحاظ مطالب هنری آنچنان که باید غنی نیست ، بهتر است در این خصوص تجدید نظری بعمل آید . در پایان خواهشمند است با کارگران اصفهانی نیز مصاحبه هایی داشته باشید و مانند دست اندر کاران بعضی نشریات تصور نفرمایید که ایران، تنها به تهران منحصرمی‌شود !

هما یونشهر—حسین طاهری

*** کارگر گرانقدر،**

اگر دقیقاً توجه فرموده باشید مجله ما تنها یک صفحه زیرعنوان « ایستگاه خنده » دارد که نسبت به تعداد صفحات مجله ، هرگاه کم نباشد زیاد نیست . اما تصور می کنیم که تعداد داستانهایمان کافی باشد. زیرا اکنون گذشته از چند داستان تاریخی ، مذهبی ، حماسی ، پاورقی‌هایی نظیر « برزخ » و « اکبرآقا » داریم که البته داستان کوتاه هفته را نیز نباید فراموش کنیم . با وجود این هرگاه تعداد صفحات مجله اجازه دهد به صفحات هنری نیز می افزاییم . همچنین داستان اضافه هم چاپ می کنیم . از لطف وتوجه شما سپاسگزاریم.

*جناب سردبیرعزیز،

ضمن ابراز صمیمانه ترین درودها می‌خواهم پیشنهاد کنم شما که طی همین مدت کوتاه توانسته اید جالب‌ترین مطالب را برای کارگران زحمتکش کشور تهیه کنید ، لطفاً بر سبیل نوعدوستی صفحه یی را نیز به آموزش بعضی هموطنان اختصاص دهید . ازآنجا که سرویس دهندگان اماکن و وسایل عمومی ، کلا کارگر هستند شما می‌توانید در یک شماره مثلا ، خطاب به کنترلچیان سینما وظایفشان را درقبال تماشاگران گوشزد سازید و طرز برخورد با مردم را به آنان بیاموزید. یا اینکه به رانندگان تاکسی که به زعم من بیش از هرکس با مردم سر و کار دارند تعلیم بدهید که ضمن رعایت کردن اصول و مقررات رانندگی برای مسافران هم اهمیت و ارزش قائل شوند. اگر به این گروه زحمتکش و کاری برنخورد ، می‌خواهم بگویم که نود درصد خلافکاری رانندگان خود روهای شخصی ناشي ازبی بند و باری رانندگان تاکسی است . زیرا آنها که کراراً دیده‌اند این دسته بی توجه به هرضابطه‌واصلی دائماً خلاف می کنند و باعث نابسامانی ترافیک می‌شوند ، آنان نیز خواه و ناخواه به اینان تأسی جسته ، چنین وضع بلبشویی را بوجود آورده‌اند . بهر تقدیر ، این پیشنهادی بود که گمان می کنم اجرایش اگر سودی نداشته باشد، حاوی ضرری هم نیست.

تهران—مهندس هوشمند پاک‌نیا

***دوست گرامی،**

پیشنهاد شما عمیقاً مورد توجه هیات تحریریه قرار گرفت . امیدواریم بتوانیم طی چند شمارهٔ آینده آن را بمرحله اجرا درآوریم . ضمناً توجه شما را به این نکته جلب می کنیم که خلافکاری احتمالی رانندگان عزیز تاکسی هرگز نبایستی سرمشقی برای دارندگان اتومبیلهای شخصی شود . البته این مدعا دلایل بسیاری دارد که تشریحش در این جای کم مقدورنیست. موفق ومؤید باشید.

رضائیه—آقای علی احمد—الف

ای آقا ، الهی بنده دورت بگردم برادرجان . مگر ندانستن و پرسیدن جرم است که حضرتت نوشته ای چون من می‌خواهم چیزهایی را که نمی‌دانم از تو بپرسم ، لطفاً هویتم را محفوظ نگه‌دار؟ !

برادرجان ،مگرنشنیده‌ای که‌شاعرفرموده: ندانستن عیب نیست ، اما باور بفرمایید که نپرسیدن عیب است ! بهرحال ، جان نثار با حذف قسمتی ازنام ونشانت، «یازرم» که:

۱— عمر دستگاهی که بوسیله آن گلبول های خون آدمیزاد رامی‌شمارند ازصدسال تجاوز نمی کند . زیرا این دستگاه بسال ۱۸۸۰ توسط جناب آقای «ریچاردتوما» ی آلمانی اختراع شد.

۲— خیر قربان ، تاریخ کهن و درخشان ایران غیر ازخانم مهستی فعلی خواننده دیگری با این نام ندانسته است . اما شاعره‌یی به اسم مهستی گنجوی داشته‌ایم که مشارالیها مشهورترین شاعر زن دوره سلطنت سلطان سنجر بوده است . حالا که تا اینجایش را آمده‌ام ، بهتر است بقیه‌اش را نیز بیایم و بگویم که این زن نامدار ، آنچنان چنگ وعودی می‌نواخته که جناب عبدالوهاب خان شهیدی خودمان می‌گفته است : بابا ، ای‌والله !

رشت—خانم ماصنیر

نخیر ، اینجور که معلومست ، دانش اندوزی هم دارد کم کمک در ردیف کارهای ناپسند یا به عبارت دیگر ، منکرات می‌آید . زیرا شما همشیره هم به التماس افتاده‌اید که از نوشتن اسم کاملتان خود داری کنیم ، باشد اگر نکنیم چه کاری از دستمان برمی‌آید ؟ و اما درباره پرسش های یکی دوسه گانه شما باید بعرضم که : اولا نویسندهٔ کتاب «آوای وحش» که فیلمش را سرکار در رشت تماشا کرده‌اید ، آقای «جک‌لندن» است که در سال ۱۸۷۶ میلادی درآمریکا به دنیا آمد . ثانیاً فیلمی که شما دیده‌اید ، قسمتی از کتاب مورد بحث است و تقریباً محتوایش با مفاد کتاب تفاوت دارد . ثالثاً وجود آنچنان سگهایی مطلقاً غیرعادی نیست . قدوی خودم گربه‌یی داشتم که به مجرد بلند شدن صدای زنگ تلفن ، سرآسیمه می‌رفت و گوشی را برمی‌داشت . البته فکر نکنید که آن را مانند بنده وشما می گرفت زیر گوشش . خیر ، بلکه با دقت گوشی را ازروی دستگاه کنار می‌زد تا حقیر بروم و بگویم الو ! رابعاً ، درست گفته اند . بله هر کس گفته ، درسفته ، زیرا بزرگترین تونل «آب بر» جهان همین تونل فومن است که در گیلان قرار دارد و در هر ثانیه ۳۵ متر مکعب آب تمیز را تحویل فومنات می‌دهد . خامساً ، آمارگران و کارشناسان فرموده‌اند که جمعیت تهران درسال ۲۵۵۱ یعنی ۱۳۸۱ شمسی به حدود هفت میلیون نفر میرسد . سادساً ، لطفاً بفرمائید در کارخانه شما برنج را چه جوری می کوبند که خرد و خاکشیر نمی‌شود ؟ تاسعاً روزو روزگارشما خوش.

زاهدان آقای روح الله خان ملکات سردار جیب

بارک‌الله ، آفرین و صد آفرین که سر کار متـطابعالی تلافی همه را درآوردید ! باور کنید آدمی وقتی با این سروران روبرو میشود ، سرکیف می‌آید که ترشحات ذهنی را ولو کند روی کاغذ خپ ، قربان از خط و ربط سرکار برمی‌آید که اهل مطالعه‌ای ، یا شاید یکی از شاگردان مرحوم « کاسبوز » یا که جان‌نثار افتخار فیض حضورش را یافتیم هستی ! جدا اگرچنین باشد بعید نیست به قصد کنفت کردن حقیر دست به قلم برده باشی . به هرحال که جای فرار نیست و باید به عرض سرکار برسانم که:

۱— کاخ واتیکان حدود ۵۴۶۰۰ متر مربع زیربنا دارد . این قصرعظیم که مقر «پاپ» پیشوای مسیحیان جهان است از ۱۲۰۰ اتاق ، محراب ، نمازخانه و سرسرا تشکیل شده است . زمان ساختمان واتیکان قرن پانزدهم میلادی بوده‌است.

۲— بزرگترین فرودگاه جهان ، بعد ازفرودگاه « زاهدان ! » فرودگاه لوس آنجلس آمریکاست که درآن ، درهر دقیقه یک هواپیما می‌نشیند و یکی برمی‌خیزد . البته اینکه عرض کردم بزرگترین از لحاظ تعداد پرواز بود ، وگرنه فرودگاههای دیگری هست که از نظر وسعت «قنده ! » ترا زفرودگاه «بی‌مزه» آنجلس است !

۳— نه برادر ، خلاف به عرض‌تان رسانده‌اند ، زیرا فاروس یا فانوس دریایی اسکندریه که جزو عجایب هفتگانه به حساب آمده است ، بزرگترین فانوس دریایی جهان نیست . بلکه قدیمی‌ترین فانوس دریایی است. اما بزرگترین آن ، فانوسهای دریایی « کبریچ دواسانت » واقع درجزیره‌یی به همین نام است که هریک ازآنها به هنگام روشن شدن ، نوری به قدرت ۵ میلیون شمع تولید می کند ددم‌وای، اینجاجان می‌دهد برای سوزن پیدا کردن!

۴— دمه‌مثل‌اینکه سئوالات ته کشید . در این صورت بهتر است بگریم که « بای » یعنی مرحمت‌عالی زیاد.

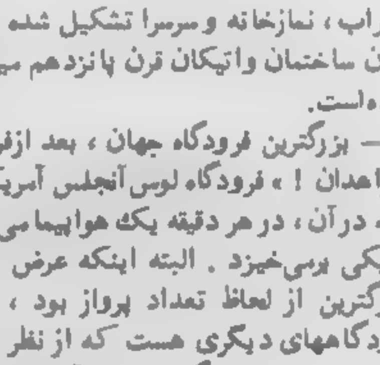

تهران—آقای احمد خواجوند

با عرض سلام متقابل باید عرض کنم که جداً فعالیت جنابعالی در مقام نماینده کارگران کارخانجات ماشین سازی مهندس فرهمند در خور تقدیس است . با اینکه درعصرشکوفایی اقتصادی کشورما ، خرید یک مجلهٔ ده‌ریالی برای کارگران مساله‌یی نیست ، اما همین اقدام خیر سرکار جداً کار ارزنده‌یی است . به هر تقدیر ، توفیق شما را در اموری که منجر به خیر وصلاح جامعه می‌شود ، آرزومندیم.

نقده—آقای سیامک آیرم

ضمن ستایش ازفعالیت‌های اجتماعی‌سرکار، شایسته است به اطلاعتان برسانیم که متن درخواست شما در زمینه خبرنگاری مجله رستاخیز روستا، که اشتباهاً به رستاخیز کارگران واصل شده بود زیارت شد . ازآنجایی که دو مجلهٔ یاد شده دو برادران یا دو خواهران نام گرفته‌اند ، عین نوشته شمارا به دفتر آن مجله فرستادیم . مضافاً به اینکه از نظرمسافت نیز جز چند پلکان کوتاه و یک آسانسور لاک‌پشت صفت (بسکه کند حرکت می کند) فاصله‌یی میان ما نیست ! توفیق جنابعالی رامجدداً آرزومی کنم .

مشهد—خانم بهجت—ش

با عرض سلام وابراز ارادت ، بمصداق « کند همجنس با همجنس پرواز » بنده معتقدم که ازدواج شما با همکارتان ، بهتر و برتر از پیوندی است که می خواهید با دیگری ببندید . زیرانکته تردیدناپذیر اینست که تفاهم موجود بین زن ومرد ، اساس و پایه زناشویی است . مطمئناً فرد پولداری که با آن سماجت به شما پیشنهاد ازدواج داده است ، شمارا تنها بخاطر قیافه مطلوبتان می‌خواهد . ازآنجایی که زیبایی زوال‌پذیراست ، بدون شک یکی دوصباح دیگر حریف جا خالی می کند . بنا براین ازمن به شما نصیحت که این همکار نجیب و کاری و سربه زیر و کم مدعارا از دست ندهید . نیکبختی سرکاررا ازخدای بزرگ خواهانم .

از کبوتران نامه بر تا عظیم ترین

بقیه از صفحه ۶۳

توسعه یافت که منتهی به انقلاب ششم بهمن ۱۳۴۱ گردید.

ششم بهمن، موشروع انقلاب شاه و ملت تا امروز

در دهۀ ۱۳۳۲ — ۱۳۴۱ چنانکه به اختصار بیان شد، در مقایسه با دوره‌های گذشته، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در بهبود و توسعۀ سیستم‌های مخابراتی کشور حاصل گردید. وسائل مخابراتی جدید مانند تله تایپ (۱۳۳۲) تلکس ۱۳۳۸، تله‌فونو — وی — اچ اف و همچنین توسعۀ تلفن کاریر نصب فرستنده‌های پرقدرت پخش صدا (۱۳۳۹) ودستگاههای رادیوتلفنی وتلگرافی تلپیر وبمرحله اجرا وعمل درآمد.

البته این وسائل ودستگاه‌ها در مقایسه باسیستم‌های مخابراتی کشورهای پیشرفته واقعاً ناچیز بود امادر قبال آنچه که قبل از این دوره درایران وجود داشت از هرجهت قابل ملاحظه بود، زیرا ظرفیت و کیفیت مخابراتی را نسبت بگذشته بمراتب بهبود و ترقی بخشید.

اگر توسعه وپیشرفت مخابرات کشور بهمان وضع وروند دهۀ ۳۲ — ۴۱ ادامه می‌یافت گواینکه در معیار ومقیاس داخلی بتمام معنی پیشرفت محسوب میشد، امادر سطح جهانی وبین المللی هرگز موقع وموضع شایسته ایران امروز راکسب نمی کرد. خوشبختانه هنوز دوره مد تور پایان نیافته بود که انقلاب شاه وملت تحول عظیمی رادر کشورما پایه گذاری کرد.

از آن پس هرروز وبطور فزاینده طرح ها وپروژه‌های بزرگی بموقع اجراگذارده شدوبا کارو کوشش برنامه ظرف چندسال شرایط اقتصادی واجتماعی مملکت بکلی دگرگون شد وآثــار وعــلائــم رشد پایدار وسعی بمصه صهور رسید و ایران موفق شد بالاترین میزان رشد اقتصادی رادر دنیا بخود اختصاص دهد. وچنان نمود که گوئی ایران به جبران آنچه که در دهها وحتی صدها سال از دست داده در مقام آنست که راه صدساله را یکشبه طی کند وفاصله خود را با تمدن بزرگ ازمیان بردارد.

نتایج انقلاب شاه وملت همچنانکه درسایر شئون مملکتی ایران بیسمر است در امور مخابرات نیزچه از لحاظ تشکیلاتی وچه ازبابت وسائل ودستگاههای مدرن وچه ازبابت تربیت افراد وکارکنان ومهندسان ومتخصص کارآمد نه بتوانند درسطحی جهانی کاربکنند، بیشمار می باشد که گفتن تمام آنها دراین مجال نمیگنجد وفقط فهرست وار ومختصر به رئوس پیشرفت های مهم که درحقیقت جهش های بزرگ بشمار می آیند اشاره می‌شود:

بیست هزار کیلومتر مایکروویو در سراسر ایران

اصطلاح مایکروویو Microwave به بخشی از امواج رادیوئی یعنی فرکانس های از حدود ۱۰۰۰ مگاهرتز (۱۰) تا حدود ۳۰ هزار مگ هرتز (طول موج‌های ۳۰ تا یک سانتیمتر) اطلاق میگردد. این واژه از کلمۀ انگلیسی wave بمعنی موج وپیشوند Micro بمعنی بسیار کوچک ساخته شده است اما نه در زبان انگلیسی و نه درسایر زبانهای زندۀ دنیا بطور کلی برای امواج رادیوئی و امواج الکترو - مغناطیسی صفات کوچک و بزرگ بکار برده نشده بلکه بجای آنها برحسب مورد ازواژه‌های کوتاه و بلند استفاده شده است که در نتیجه معادل فارسی آن رامیتوان (موج بسیار کوتاه) خواند و کلمۀ کوتاه ازآن جهت جانشین ریز یا کوچک شده است که منظور ازآن طول موج است که در نتیجه با کلمات کوتاه یا بلند خواندهمیشوند، نه با کلمات ریزیا درشت.

مایکروویو بطور کلی یک سیستم مخابراتی رادیوئی است که با کانال‌های زیاد تلفنی و تلگرافی و برنامه تلویزیون استفاده میشود.

نخستین خط مایکروویو در دنیا در ۱۹۴۷ بین شهرهای نیویورک و بوستون درباند ۴۰۰۰ مگاهرتز بوجود آمد که چون نتایج مطلوبی بخشید بزودی درسراسر دنیا و ازجمله درایران مورد استفاده قرارگرفت.

نخستین خط مایکروویو در ایران درسال ۱۳۴۳ بین تهران — حلقه دره که مرکز گیرنده‌های ایران با بسیاری از کشورهای خارج درآن است شروع بکار کرد و در اواخر همین دهه که فکر شبکه بزرگ و سراسری سنتو طرح ریزی و بالاخره در سال ۱۳۴۳ شهریورماه ابتداخط کوتاه با باند ۲ گیگاهرتز و بطول ۸۰ کیلومتر بین تهران — دمسن — حلقه دره که سه ایستگاه اصلی این خط بودند آغاز بکار کرد وسپس در سال ۱۳۴۴ شبکۀ اصلی سنتو که ازاوائل دهۀ ۴۰ کارساختمانی آن آغاز شده بود بطور رسمی افتتاح ومورد بهره‌برداری قرار گرفت. طول این خط ۳۸۰۰ کیلومتر تقریبی است که ازآنکارا پایتخت ترکیه شروع میشود وازطریق ایران به کراچی ختم میگردد.

ظرفیت نهایی این خط ۶۰۰ کانال تلفنی است و دارای ۸۸ ایستگاه می‌باشد که این عداد حدود ۵۴ ایستگاه آن درمسیری بطول تقریبی ۲۳۰۰ کیلومتر درایران واقع است.

اولین ایستگاه این شبکه در ایران در مرز ترکیه در (قطور) قرار دارد و آخرین ایستگاه آن میرجاوه درمرزپاکستان می‌باشد.

دستگاههای شبکه سرتاسری سنتو ابتدا لامپی بود که چون ازبابت کیفیت کار چندان مطلوب بنظر نمیرسید لذا درسال ۱۳۴۹ کلیه قسمت‌های این شبکه به ترانزیستور مجهز گردید که اکنون یکی از شبکه‌های ارتباطی بشمار می‌رود.

در کنار ایجاد شبکۀ سراسری سنتو، یک شبکۀ ارتباطی مایکروویو بنام ۷ خط نیز دردست اجرا قرارگرفت که شبکۀ مخابراتی یک پارچۀ کشور نامیده میشود.

ظرفیت نهائی این شبکه که با آن ارتباط بین کلیه نقاط کشورمان با یکدیگر و نیز با کشورهای خارج از کشور را میسر میسازد ۱۲۰۰/ کانال اصلی میباشد.

مخابرات ماهواره‌ای

مخابرات ماهواره‌ای یکی ازنتایج بیشمار تحقیقات فضائی است و بطور خیلی خلاصه اصول کارآن به‌این شکل است که ماهواره‌ای به فضا پرتاب میشود و در ارتفاع حدود ۳۶ هزار کیلومتری درمدارمناسبی که بیش‌وکم بموازات خط استوا است قرارداده میشود. دراین شرایط سرعت لازم برای نگهداری ماهواره در مدار تعیین شده بمیزانی است که با سرعت گردش وضعی زمین هماهنگ خواهد بود و در نتیجه ماهواره نسبت به کره زمین همواره دروضع و موقعیت ثابتی قرار داشته، در هر ۲۴ ساعت یک دور محاذی خط استوا گردش می کند. بنابراین همواره دروضع ثابت ونقطۀ معین نسبت به‌سطح زمین درفضا قرار خواهد داشت برای استفاده ازماهواره‌های مخابراتی لازم است در زمین ایستگاههای مخابراتی ماهواره‌ای وجود داشته باشد که با فرستنده گیرنده‌های مخصوص کار می کند و مطالب ارسالی را به ماهواره میدهد که ازطریق ماهواره به نقاط دیگر دنیا ارسال شود و مطالب گرفته شده از ماهواره را می‌گیرد وازطریق شبکۀ مایکروویو به نقاطمورد نظر میرساند. ایستگاه مخابراتی ماهواره‌ای ایران دراسدآباد در ۶۵ کیلومتری همدان در زمینی به‌مساحت ۱۰۸ هکتار ایجاد شده است.

این ایستگاه در سیزدهم مهرماه ۱۳۴۸ (پنجم اکتبر ۱۹۶۹) بطور رسمی همزمان با افتتاح دومین نمایشگاه بازرگانی آسیائی شروع بکار کرد و مراسم افتتاح نمایشگاه را بصورت تلویزیونی از طریق ماهواره بخارج از کشور مخابره نمود.

ظرفیت خطوط مایکروویو ایستگاه تهران — اسدآباد ۱۲۰۰ کانال با یک کانال مخصوص تلویزیونی است که می‌تواند درانواع مختلف ارتباط مثل تلفن — تلگراف — تلویزیون و غیره مورد بهره برداری قرارگیرد.

چون حجم مخابرات ایران با کشورهای آسیائی درسالهای اخیر بدلیل برقراری مناسبات و روابط دوستانه، سیاسی و بازرگانی بالا رفته است شرکت مخابرات ایران ازمدتی بیش در فکر ایجاد ارتباط ماهواره‌ای با این کشورها افتادو درنتیجه ایستگاه زمینی اسدآباد با آنتن دیگری مجهز گردید. این ایستگاه باماهواره مخابراتی اقیانوس اطلس ارتباط دارد. برای برقراری ارتباط باماهوارۀ اقیانوس هند آنتن دومی در ایستگاه مذکور نصب گردیده که در میدان دید ماهوارۀ اقیانوس هند قرار دارد. بااستفاده از همین آنتن ارتباط مخابراتی با کشورهای خاور و جنوب شرقی و جنوب آسیا بطور رضایت بخش برقرارمی گردد.

درسال ۱۳۵۳ آنتن دوم ایستگاه زمینی اسدآباد، با تجهیزات کامل و مدارهای تلفنی و تلگرافی رابطۀ خود را با کشورهای شرق وشرق دور توسعه داد.

سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران قادر گردیده است که در یک زمان یک برنامه تلویزیونی را به‌دو نقطۀ جهان ارسال داردو دوبرنامۀ تلویزیونی را نیز از دیگر کشورهای جهان دریافت کندوازایستگاه مذکور ازطریق مایکروویو تهران — اسدآباد وشبکۀ سرتاسری بتمام نقاط کشوررله نمایند.

دراین توسعه ابتدا با ژاپن و بحرین ودوبی ارتباط مستقیم تلگرافی وتلفنی ازطریق ماهوارۀ مخابراتی اقیانوس هند برقرار گردیدوسپس باتعدادی ازکشورهای اروپا بطور مستقیم وباکشورهای ابوظبی — قطر — ازطریق دوبی برقرارشد.

شرکت مخابرات ایران قبلا از طریق ایستگاه زمینی ارتباط مستقیم باآلمان — ایتالیا — فرانسه — امریکا — انگلیس و سوئیس بوسیله ماهوارۀ مخابراتی اقیانوس اطلس با کشورهای

بقیه در صفحه ۹۸

غذای سالم

بقیه ازصفحه ۲۸

آنتی اسکوبوتیک است چنانکه میدانید اسکوربوت یکی ازفرماندهان کشتی های کریستف کلمب در کشف قارۀ جدید آمریکا بود که ملاحان او دچار دل بهم خوردگی استفراغ سستی بیحد وشدید و خونریزی دندانها شدند اتفاقاً کشتی اسکوربوت به جزیره‌ای رسید که پر از درختان لیموترش بود اسکوربوت دستور داد که این لیموها را بچینند وبخورند درنتیجۀ اجرای دستور او تمام عوارض و کسالت‌های ناشی از کمبود ویتامین ث که در لیمو فراوان است ازبین رفت و درا کتشافات جدید علمی وقتی ویتامین ث را کشف کردند آنرا بنام اسکوربوت نامگذاری کردند.

منابع ویتامین ث: پرتقال و نارنج، لیموترش، گل نسترن که بنام (سینورودون) سبزیها و میوه‌های تازه، پوست سیب زمینی، شیر وقتی چهارپایان ازعلف‌های تازه کوهستان ومراتع چرا کرده باشند.

کمبود ویتامین ث چه عوارضی دارد؟ بیماری اسکوربوت که خونریزی ازلثه‌های دندان، درد استخوانها و مفاصل خستگی بیماری مولر بارلو (خونریزی لثه دندانها و درد استخوانها و مفاصل بچه های شیرخواره است که خون زیر پوشش استخوان میریزد) خستگی بهاری عدم مقاومت در مقابل امراض عفونی التیام زخم بطور بطئی همه از عوارض کمبود ویتامین ث دربدن است.

ویتامین ث چه امراضی را معالجه میکند؟

ورم معده وامعاء مزمن اختلالات دوران بارداری و یائسگی اختلالات جریان خون حفظ دندانها درمقابل کرمخوردگی و امراض فساد ناشی از انقراض نسل با ویتامین ث درمان میشود.

ویتامین ب p

ویتامینی است که بدن را تصفیه میکند. منبع آن در فلفل سبز و لیموترش و شیرین است.

کمبود این ویتامین در بدن سبب میشود دراثر تنگی موی رگها خونریزی شود.

ویتامین p را برای جلوگیری از خونریزی بکارمیبرند ومحافظ بدن درمقابل خونریزی است

احداث باشگاه کارگری

بقیه ازصفحه ۱۹

شود تا هنگام برگزاری مسابقات ورزشی کارگری، تسهیلات لازم برای شرکت کارگران دراین مسابقات از سوی کارفرمایان فراهم آید وبامرخصی آنان موافقت شود.»

غلامحسین صفارزاده نماینده کارگران برق زابل

«کارگران برق زابل از نظر امور درمانی بامشکلات ونارسائی‌هائی روبرو شده‌اند. امور درمانی کارگران وافراد خانواده آنها در زابل، وسیله یک پزشک انجام میشود که طبعاً قادر نیست آنطور که باید وشاید بیماران را معاینه ودرمان کند. از سوی دیگر بیمار ناچار است مدتها در تنها داروخانه زابل در انتظار پیچیده‌شدن نسخه‌اش معطل باشد.»

حسینعلی مهدوی نماینده کارگران برق زاهدان

«کارگران برق زاهدان برای تهیه مسکن مقدمات تأسیس شرکت تعاونی مسکن فراهم ساخته‌اند، منتهی نمی‌دانند بچه صورت بانک رفاه کارگران را برای پرداخت وام متقاعد سازند. مسئول شعبه این بانک در زاهدان میگوید چون شرکت برق زاهدان جزو برق منطقه‌ای کرمان است لذا کارگران آن باید ازشعبه بانک در کرمان وام بگیرند.

شعبه کرمان هم بنوبه خود معتقد است چون محل اقامت وکار ما در زاهدان است لذا شعبه بانک رفاه کارگران در این شهر، مؤظف به‌دادن وام است. تقاضا داریم مسئولان این بانک، به‌یکی از دو شعبه‌خود در زاهدان یا کرمان دستور دهند وام لازم را دراختیار ماقراردهند.

اصل حقوق کارگران برق زاهدان نیز پائین است وحداقل آن از ۲۰۰ ریال تجاوز نمی کند که این رقم باتوجه به‌مسائلی که دوستانم به‌آن اشاره کردند ناچیز بنظر میرسد. نکته دیگر که باید به‌آن اشاره کنم این است که کمک‌های غیر نقدی کارگران برق زاهدان مربوط بسال ۲۵۳۳ را هنوز پرداخت نکرده‌اند وازسال گذشته نیز سه ماه پرداخت نشده است ومیگویند بودجه نداریم. از سوی دیگر بااینکه مدت ۹ ماه است که مرتباً مبلغی بعنوان حق بیمه از دستمزد کارگران برق زاهدان کسر کرده‌اند معهذا دفترچه بیمه برایمان صادر نشده وهنوز از مزایای بیمه درمانی برخوردارنشده‌ایم.»

«نلی» وجنگ باجوانترها

«نلی» چهره‌ای که با صدای زیر غم آلودش دوستدارانی کسب کرده است، این روزها با کمبود آهنگساز و ترانه سرا، گرفتاری تازه‌ای پیدا کرده است، چرا که اغلب ترانه سرایان وآهنگسازان منحصراً برای خوانندگان ویژه‌ای ترانه و آهنگ می‌سازند و ترتیب و تشکیل یک ارکستر و خریدن آهنگ و ترانه در حال حاضر برای بعضی از خوانندگان از جمله «نلی» مشکل شده است. بهمین جهت «نلی» این روزها بدنبال ترانه های تازه‌ای می‌گردد تا بتواند به کار خود ادامه دهد. از طرفی خوانندگان تازه نفسی که براه افتاده‌اند با خرج زیادی که میکنند ترانه ها و آهنگها راگرانتر می‌خرند و فعلا «نلی» سخت در تلاش بدست آوردن ترانه و آهنگ جدید است که بازبتواند در تلویزیون و کاباره راه یابد.

گوگوش د رانتظا رحامله

آخرین فیلم گوگوش با نام «حامله» که توسط شرکت پیام سرمایه گذاری شده آماده نمایش است. جالب اینجاست که اینبار گوگوش در کنار چنگیز وثوقی، برادرشوهرش بازی پرداخته و وقایع آن نیز در شمال ایران اتفاق می‌افتد. نکته دیگر اینکه گوگوش در هفته های آینده با اجرای شش آهنگ جدید که دارد بقول خودش جنجالی براه خواهد انداخت و فعلا هم در یک کاباره تازه تأسیس شده شبها برنامه اجرامی کند.

باید دید فیلم «حامله» گوگوش و شش ترانه جدید اوباچه موفقیتی روبروخواهدشد.

رامش برای همیشه به اسپانیامیرود؟..

تا کنون رامش در خواندن ترانه‌های جدید و خرید آپارتمانی در اسپانیا این شایعه را بسر آورده بود که این خواننده پرشهرت دیروز و نه امروز قصد مهاجرت به اسپانیا واقامت همیشگی در این کشوررادارد.

اما دوستان او اظهارنظر کرده‌اند رامش ابدأ چنین قصدی را ندارد، و ممکن نیست از وطنش دور شود، بلکه گفتگوئی است که یکی از کاباره‌داران برای مقصدارد یک کاباره دراسپانیاتأسیس کند که ممکن است رامش کار خوانندگی دایمی آنرا به‌عهده بگیرد.

بهرحال تاچند هفته اینده‌موقع نشان خواهد داد که‌رامش برای مدتی اقامت واجرای برنامه دراسپانیا راحت می شد، ویاادامه فعالیت درایران.

فرشته‌جنابی د رفیلم مشترک

فرشته‌جنابی بازیگرسینمای‌فارسی که نمایش آخرین فیلمش بانام «برهنه تاظهر باسرعت» بخاطربیشروی زیاد در نشان‌دادن سکس فعلا ممکـــــن نگـــــردیـــــده، از هفتـــه آینده بـــازی در یک فیلم مشتـــــرك را شروع خواهد کرد. این فیلم باسرمایه‌گذاری یک تهیه کننده ایرانی ویک شرکت آمریکائی قسمتی در حوالی کویرایران وقسمتی درامریکا تهیه‌خواهدشد.

دیگر بازیگران این‌فیلم امریکائی‌هستند که‌در شماره‌های بعد نام‌آنها را خواهیم نوشت.

«سرایدار»

زندگی ادامه دارد

که از امیدهای آینده سینمای ایران خواهد بود.

تلویزیون ملی ایران ، بزودی نمایش مجدد سلطان صاحبقران را از برنامه شبکه آغاز می کند. این مجموعه که میتوان گفت از موفقترین کارهای تلویزیونی بوده است بار اول از برنامه دوم پخش شد که بسیاری از مردم شهرستانها نتوانستند آنرا تماشا کنند واین بار با نمایش از شبکه ، در سراسر ایران تماشاگران تلویزیون به تماشای آن خواهند نشست این فیلم را علی حاتمی نوشته و کارگردانی کرده وهنرپیشگانی چون جمشید مشایخی — زری خوشکام — پرویز فنی زاده — ایرن وناصرملکمطیعی در آن بازی کرده اند .دراینجاعکس ناصرملکمطیعی را درصحنه یی ازفیلم به نقش امیرکبیرمشاهده می کنید.

مرجان کم کار شده است

[illegible]

شازده احتجاب در تلویزیون آلمان

فیلم بحث برانگیز «شازده احتجاب» که در جشنواره جهانی فیلم تهران بعنوان فیلم برنده معرفی شد، به بازارهای جهانی راه پیدا کرد و از قراری که شنیده‌ایم این فیلم توسط تلویزیون آلمان خریداری شده تا به نمایش گذاشته شود. در این فیلم که به کارگردانی بهمن فرمان‌آراء تهیه شده، هنرپیشگانی چون جمشید مشایخی، فخری خوروش و نوری کسرائی نقش‌های عمده را بازی کرده‌اند. این تقریباً دومین فیلمی است که تلویزیون ملی ایران در آن سرمایه‌گذاری کرده و با ضرر مواجه نشده و تقریباً به فستیوال‌های گوناگون راه باز کرده است.

زری خوشکام و جاده ابریشم

[illegible]

«سامانتا» می‌آید.

[illegible]

کارخانجات داروگر، جشن بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی را برگزار کرد

افتخار کارخانجات داروگر خدمت

بعد از ظهر روز دوشنبه بستم اردیبهشت‌ماه ازطرف کارخانجات داروگر، مجلس جشن باشکوهی به مناسبت بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار دودمان پهلوی در محل باشگاه بانک سپه برپا گردید که در آن کلیه کارگران، کارمندان و کارکنان این شرکت و نیز جمعی از شخصیت‌های برجسته مملکتی در آن شرکت داشتند.

جشن پرشور و باشکوه کارخانجات داروگر، در محیطی گرم و صمیمانه برگزار گردید. از یکساعت مانده به آغاز مراسم، سالن وسیع باشگاه بانک سپه، که بطرز بسیار زیبائی با شعارهای میهنی و آذین‌بندی تزئین گردیده بود، وسیله مدعوین اشغال گردیده، بطوریکه درآغاز اجرای مراسم، عده‌ای سرپا ایستاده بودند.

۸۰ سال فعالیت درخشان

مراسم جشن بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی شکوهمند پهلوی- از سوی کارخانجات داروگر با سخنرانی [illegible] آقای [illegible] عضو هیئت مدیره داروگر آغاز [illegible].

آقای صارمی [illegible] [illegible] و [illegible] خیرمقدم و خوش‌آمدگوئی به حاضران و مدعوین [illegible] گفت:

مهمانان عزیز... همکاران گرامی

[illegible] همه [illegible] موضوع [illegible] مرور [illegible] [illegible]. [illegible] گروه‌صنعتی داروگر، پنجاهمین سال شاهنشاهی شکوهمند پهلوی راجشن گرفته‌اند من بی آنکه قصد تعریف و تمجید از گروه‌صنعتی داروگر را داشته باشم، [illegible] [illegible] این واحد تولیدی وصنعتی را با [illegible] واحدهای صنعتی [illegible] [illegible] سال [illegible] [illegible] [illegible] مقایسه [illegible].

در اینجا آقای صارمی [illegible] مرحوم داروگر وخصائل وفضائل اخلاقی [illegible] [illegible] اشاره نمود و [illegible] داشت.

مرحوم داروگر در ردیف اولین صاحبان صنایع بود که دگرگونیهای عصر درخشان پهلوی را به مفهوم صحیح درک کرد و اولین [illegible] صنعتی را [illegible] که در [illegible] [illegible] [illegible] عصر پهلوی امروز جزو یکی از بزرگترین و پیشرفته‌ترین صنایع کشور محسوب میشود.

آقای صارمی سپس افزود:

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاهنشاهی [illegible] پهلوی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هرچند [illegible] [illegible] [illegible] در طول [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مملکت از خرد و کلان و از هرطبقه‌وصنعتی ترقیات مملکتی را درسایه پنجاه‌سال شاهنشاهی پهلوی بخوبی می‌دانند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آقای دکتر عزت‌الله همایونفر [illegible] کردم که در [illegible] زمینه شمه‌ای با مدعوین وهمکاران عزیز گفتگو نماید.

آقای دکتر همایونفر چهره‌شناسی است که بی‌گمان همگان بامقام ایشان آشنائی دارند.

دکتر همایونفر، استاد دانشگاه، مورخ، نویسنده شاعری است که نه‌فقط مدعوین محترم وهمکاران عزیز، بلکه تمامی مردم ایران بطرز تفکر وموقعیت ومقام ادبی [illegible] آشنا هستند و [illegible] این محقق، مورخ و نویسنده و [illegible] معروف را [illegible] [illegible] [illegible].

آقای دکتر همایونفر [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] به اصول [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible].

تحول همه جانبه در تمام زمینه ها

در [illegible] هنگام، آقای صارمی [illegible] [illegible] آقای دکتر همایونفر [illegible] و آقای [illegible] همایونفر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ادامه سخن [illegible]:

[illegible] [illegible] ابراز [illegible] از آقای صارمی سپاسگزاری میکنم. همچنین از جانب [illegible] دوست [illegible] سپاسگزارم. برای این که وقتی انسان به یک محیط صادق و صمیمی وارد میشود، از لطف و محبت فراوانی که نصیبش می‌گردد، روشنائی ذهن [illegible] پیدا می کند و [illegible] به سوق می‌آید.

آقای دکتر عزت‌الله همایونفر [illegible] به خدمات مرحوم داروگر و خانواده داروگر اشاره کرد و [illegible] این نکته که کارخانجات داروگر در جهت دیگر صنایع پیشرفته مملکت در [illegible] اقدامات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بوجود [illegible] [illegible] ادامه سخن داد:

[illegible] [illegible] [illegible] مجلس [illegible] می‌خواهم نکته [illegible] [illegible] که در مجلس [illegible] [illegible] [illegible]. [illegible] اجتماعی [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] های [illegible] [illegible] شاهنشاهی پهلوی، [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible]، به آمار و ارقام [illegible] و محسوس [illegible] [illegible] می شد. مثلاً می گویند در عصر شاهنشاهی پهلوی این تعداد کارخانه [illegible]، [illegible] مدرسه و راه احداث و تأسیس گردیده است. [illegible] [illegible] [illegible] ها اشاره می کنند و نتیجه می‌گیرند که این خاندان جلیل خدمتگزار مملکت و ملت آمده‌اند تحول همه جانبه‌ای در تمام زمینه‌ها و سطوح پدیدآورده‌اند...

اعلیحضرت رضاشاه کبیر — سرسلسله دودمان پرافتخار پهلوی— علاقه وتوجه خاصی به‌رشد وپیشرفت صنایع کشور داشتند. درعکس بنیانگزار ایران نوین فرآورده‌های داروگر را مشاهده میفرمایند. مرحوم غلامرضا داروگرموسس واحد تولیدی وصنعتی داروگر افتخار حضوردارد.

آقای دکتر عزت‌الله همایونفر بهنگام سخنرانی در جشن بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی شکوهمند پهلوی که از طرف کارخانجات داروگر برگزار گردید بامقایسه ایران قبل از شاهنشاهی پهلوی وامروز پیشرفت‌های مادی ومعنوی ملت ایران را تحت رهبری‌های اعلیحضرت رضاشاه کبیر و شاهنشاه آریامهر مورد ستایش قرارداد.

شرف ملی و ناموس ملی

دکتر همایونفر در دنباله این سخن افزود: [illegible] نکته‌ای که به نظر من بسیار مهم است و [illegible] [illegible] رهبری‌های دو شاهنشاه پهلوی نصیب ملت ما گردیده، معنویاتی است که کمتر به آن اشاره شده و یا اگر هم اشاره‌ای شده، آن چنان که باید وشاید حق مطلب ادا نگردیده است.

هر جامعه‌ای دو فصل دارد. یک فصل مادی که به اصطلاح جسمی، مانند راهسازی، سدسازی، [illegible] سازی، احداث کارخانجات و از این قبیل که در مملکت ما درعصر شاهنشاهی پهلوی بوجود آمده و می آید. و یک فصل دیگر: فصل معنوی.

در مورد فصل اول باید گفت اگر [illegible] سازندگی در جسم یک جامعه راه بسپرد، این سازندگی باید چنان باشد که با اصول اساسی توأم بوده و تحولی بوجود بیاورد. به این معنی که در جامعه تحول ذهنی پدید آورد و جامعه را با هم متحدتر، جهان‌نگرتر و مسلط‌تر [illegible] بیاورد. آن تحول و پیشرفتی در کشوری تحول صحیح و جامعی است که در بارورى ذهن و اندیشه و طرز تفکر ملت نیز مؤثر باشد.

آنچه در طول این پنجاه سال از این لحاظ پدیدآمده و در کشورما صورت گرفته، مورد تأئید جهانیان است. در طول نیم قرن شاهنشاهی پهلوی، آنچه در کشورما صورت گرفته از لحاظ ارقام و آمار مورد تأیید جهانیان است. اما حالا

...بمردم در نیم قرن شاهنشاهی پهلوی

گروهی از مدعوین در مراسم بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی که توسط کارخانجات داروگر در باشگاه بانک برگزار شد آقای صارمی مدیرعامل کارخانه درسمت چپ عکس دیده میشوند

ببینیم آیا این دگرگونی، در ذهن جامعه ایرانی هم تأثیری داشته است یا نه؟

دکترهمایونفرادامه داد:

نکته مهم این که باید توجه داشت یک مملکت را نه صنعت، نه ثروت و نه کشاورزی و امثالهم نگهمیدارد، بلکه طرز تفکر یک جامعه طرز تفکر مردمش، عشق مردم، غیرت مردم، شرف ملی و ناموس ملی به بقای آن مملکت کمک می کند. توجه به ناموس ملی است که ملت را در برابر تعرضات زمان مقاوم می کند و این اصل مهمی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر سرسلسله دودمان پهلوی و بنیان‌گذار ایران نوین و شاهنشاه آریامهر به آن معتقد بوده و هستند. بنابراین چه پهلوی اول و چه پهلوی دوم، در نوسازی ایران. به مبانی نوسازی و تحولات معنوی اجتماعی، بیش از تحولات مادی توجه داشته و دارند.

وحدت ملی

ناطق آنگاه دنباله سخنان خویش را چنین ادامه داد:

روزی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر به تخت سلطنت نشست، با توجه به استعداد فوق‌العاده و خدادادی که این رادمرد بزرگ داشت و بی کمترین شک و شبهه‌ای از نوادر و نوابغ روزگار و تاریخ بشری بودند متوجه شدند که جامعه اش — جامعه ایرانی — هر طبقه اش از طبقه دیگر با لباس از هم جدا میشدند، و ... و ... های ... در طفولیت خوب به یاد داریم که تهران به چند محله تقسیم شده بود و هر محله یک شعار مخصوص به خود داشت و هر محله ای با محله دیگر ازجهاتی تفاوت داشت. به عبارت دیگر هر محله برای خودش یک طرز تفکر داشت که به وحدت ملی صدمه می‌زد. می گویند پدری یک دسته ترکه را به دست پسرش داد و از فرزند خواست تا دسته ترکه به هم فشرده را بشکند. پسر هر چه فشار آورد نتوانست. پس اعتراف کرد که شکستن دسته ترکه مقدور نیست. آن وقت پدر دسته ترکه را از فرزند گرفت و ترکه‌ها را ازهم جدا کرد و هر یک را تک‌تک به راحتی شکست و از میان به دونیم کرد. آنوقت به پسرش گفت: این که دیدی دسته ترکه شکسته نمیشد، نتیجه اتحاد و اتفاق ترکه ها بود. و چون ترکه‌ها از هم جدا شدندو در واقع اتحاد و اتفاقشان از میان رفت، دیدی که به راحتی شکسته شدند.. این میرسید.

جامعه‌سازان و متفکرین و بزرگان تاریخ سعی می کنند بین افراد مملکتشان یگانگی و وحدت باشد. چه کوتاه و چه بلند، پررنگ یا کمرنگ. بین عالم و بی علم. مادر و فرزند. بین همسایه و دوست و آشنا فاصله ای بوجود نیاید وآنچه که ما همه باید به آن متکی و معتقد باشیم اینست که در دنیای بی امان امروز، دنیای منقلب و حسن، وظیفه داریم اتحاد و ایمان خود را حفظ کنیم. چون ایرانی همچون جدا و یک نه ازهم نبوده است.

مدیون ومرهون اندیشه های رضاشاه کبیر

آقای دکتر عزت‌الله همایونفر آنگاه ادامه داد:

در دوران اعلیحضرت رضاشاه کبیر، گفته شد همه باید ثروتمند و مرفه باشند. همه باید لباس متحدالشکل بپوشند، از کارگر و کارمند و کاسب گرفته تا تمامی افراد... اعلیحضرت رضا شاه کبیر دستور دادند همه باید لباس متحدالشکل بپوشند. شاید این به ظاهر یک تغییر ظاهری باشد اما فلسفه و مفهومی عمیق درآن نهفته وآن‌وحدت‌ملی است.

رضاشاه کبیر را بشناسند.

شما ایرانی هستید و ... ... مذهبی‌تان اسلام است، حرفی می‌زنند ... و ... بگویند: فردوسی ... حافظ و ... بدین ترتیب ... و مرهون اندیشه‌های بلند اعلیحضرت رضاشاه کبیر است. از ... خودشناسی و بالا بردن فرهنگ در دوران پهلوی اول زیاد به چشم می‌خورد. هرچه حرف ایرانی بوده، هرچه نام ایرانی بوده، آرزوی ایرانی و شرف ایرانی بوده، یک درسی از اندیشه‌های والای رضاشاه کبیر و ... است ... درسی در جهت بزرگی و افتخار ایران وایرانی بدست‌آمده.. ومهمتر از همه این که فرزند برومندی چون شاهنشاه آریامهر درمکتب فکری آن رادمرد بزرگ پرورش یافته که امروز در مقام مقایسه با مقام متفکرین و رهبران جهان، مایه افتخار ایرانی است.

شاهنشاه آریامهر نه بعنوان اینکه شاهنشاه و رهبرو پدرما است. منهای پادشاهی ورهبری اخلاص وعشق وعلاقه من وتو، به معظم‌له بسیاری دلایل دیگر دارد که این دلایل راباید در سطح جهانی و دراحترام عمیق و افکار عمومی جهانیان، بخصوص رهبران و متفکرین عالم نسبت به معظم‌له جستجو کرد. شما فردی را درنظر بگیرید با مشغله بسیارحالا باین شخص بگویند بعد از کار بروزبان آلمانی یاد بگیر. این شخص خواهد گفت:

با اینهمه کاربا داشتن زن وبچه دیگر کی حوصله ووقت آلمانی یادگرفتن را دارد؟ اما شما هیچ فکر کرده‌اید رهبرشما با اینهمه مشغله، به مجامع بین‌المللی میروند و در میان کسانیکه یک کلمه را میگیرند و ازآن کوهی از معنای معکوس بیرون میاورند، به بهترین وجهی‌جواب همگان را میدهند. آنهم منطقی، مستدل و محکم و غیرقابل انکار...

درس آریامهر شناسی

سخنان پرشور دکتر عزت‌الله همایونفر ... احساسات شدید حاضران نسبت بشاهنشاه آریامهر ... و وی درپی یک ابرازاحسلسات شدید گفت:

اگر دستهای تو بخاطر رهبر کشورت بهم میخورد ... به خاطر رهبری که از جان‌ودل دوستش داری ... بدان که ... که اگر بهرحال ... ... احترام رهبر را ... ... چون مجذوب منطق وتسلیم‌مطلق افکارواندیشه های بلندپایه‌شاهنشاه‌آریامهر است.

در تاریخ سه هزارساله ما هرگز رهبری به جامعیت، وسعت‌نظر واطلاعات‌عمیق‌شاهنشاه آریامهر کشورما بخود ندیده است. من اینجا میگویم دردانشگاه‌ها باید بیایند درس‌آریامهر شناسی بدهند تانسل جوان‌ما، نسل های آینده این مرزوبوم، شاهنشاه آریامهر را بیش ازپیش بشناسند. شناسنامه فعالیت‌ها واقدامات رهبر

بقیه درصفحه ۹۸

در حاشیه جشن شرکت ماشین های راهسازی (کاترپیلار)

جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی باشکوه

گفتگو با احمد وهاب زاده رئیس هیئت مدیره شرکت ماشین‌های راهسازی

گوشه‌ای از جشن شرکت ماشینهای راهسازی در موقع نواختن سرود شاهنشاهی در ردیف جلو نماینده اتاق بازرگانی و هیأت مدیره شرکت دیده‌میشود

بطوریکه در متن گزارش جشن شرکت ماشین های راهسازی (کاتر پیلار) آمده است در این جشن گذشته از کارگران و کارمندان ، عده‌ای از شخصیت های کشوری همچنین احمد وهاب زاده رئیس‌هیات مدیره شرکت ماشین‌های راهسازی‌شرکت داشتند ، بهمین جهت بی مناسبت نبود که گفتگوئی با آقای احمد وهاب زاده داشته باشیم و از پیشرفت های این شرکت که توانسته است طی ۱۴ سال نقش بسیار سودمند وموثری در پیشرفت های عمرانی کشور ایفا کند داشته باشم ، ضمنا از نظریات وی راجع به پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی و علت برگزاری چنین جشن باشکوهی با خبرشویم .

آقای احمد وهاب زاده بدوا اظهار داشت لازم نمیدانم در باره برگزاری جشن های پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی مطالبی را عنوان کنم زیرا همه ملت ایران بخوبی آگاه هستند که این جشن ها صرفا بخاطر یادآوری پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی است که در تمام شئون مملکتی نصیب ملت ایران شده است و ما امروز با برگزاری چنین جشن هائی میخواهیم صمیمانه ترین سپاس خود را نثار خاکپای مقدس شاهنشاه آریامهر کنیم که موجب گشتند ما امروز باین همه افتخارات نائل شویم ، همچنین باید **بگوئیم ما هرچه سپاسگو باشیم بازهم در مقابل رهبری های خردمندانه شاهنشاه آریامهر که باعث شده‌اند این همه سربلندی و سرافرازی را به آغوش بکشیم ذره‌ای بیش نیست**

احمد وهاب زاده **سپس اضافه کرد .**

کارگران ، گردانندگان و کارمندان شرکت **ماشین‌های راهسازی (کاترپیلار) بسیارمفتخر هستند که در پرتو هدایت ورهبری‌های شاهنشاه آریامهر توانسته‌اند در پیشرفت های عمرانی کشور سهم خود را اداکنند ، این درست است که نباید چنین مطالبی از طرف من بیان شود بلکه باید پیمانکاران و کسانی که‌در امر راهسازی فعالیت دارند نقش این شرکت و ماشین آلاتی را که عرضه میکند در جهت پیشبرد برنامه ها توجیه کنند .**

اطمینان دارم که ما کنون توانسته‌ایم رضایت کامل آنان را فراهم کنیم .

باید بگویم شرکت ماشین های راهسازی قبل از همه بخاطر ارائه سرویس منظم و تهیه پروژه های کاملا پیشرفته و مدرن وارائه این خدمات به دارندگان ماشین های کاتر پیلار توانسته است خدمت بسیار موثری به پیمانکاران و دارندگان ماشین‌آلات کترپیلار بنماید امروزه هیچ پروژه مهم عمرانی‌مانند شهر سازی ، جاده سازی و پروژه های مهم ساختمانی را پیدا نخواهید کرد که ماشین های (کاتر پیلار) درآن نقشی را ایفا نکرده باشند ، **واین افتخار بسیار بزرگی است برای کلیه کارکنان وگردانندگان‌شرکت** ماشین های راه سازی

افتخارات دیگر

آقای احمد وهاب‌زاده سپس به رفاه کارکنان و کارگران شرکت اشاره کرد و گفت افتخارات دیگری که‌هیات‌مدیره‌شرکت ماشینهای‌راهسازی (کاترپیلار) به آن مباهات دارند ، اینکه همیشه سعی کرده‌اند کلیه کارگران و کارمندان شرکت در رفاه و آسایش باشند بهمین جهت کلیه اوامر ملوکانه را در امر رفاه کارگران و کارکنان مورد نظر واجرا قرار داده‌اند . و کلیه برنامه های دولت را در امر رفاه طبقه زحمتکش یک بیک اجرا کرده‌اند بهمین دلیل از چندین سال پیش مسئله مسکن را که یکی از پدیده های رفاهی برای کلیه کارگران و کارمندان بوده مورد توجه قرار داده و با اتخاذ تدابیر لازم و تهیه پروژه های خاص با پرداخت وامهای طویل المدت به کارمندان و کارگران خود این مشکل را حل‌کرده و آنها را صاحب خانه کرده است .

آقای احمد وهاب زاده سپس به پیشرفتهای همه‌جانبه ایران اشاره کرد و گفت

امید است با صلاحدید دولت و طی یک پروژه جامع بتوانیم در آینده فعالیت های این شرکت را توسعه داده و در صورتیکه صلاح باشد ماشینهای راهسازی را در ایران تولید کنیم امیدواریم به اجرای امر بس مهم نیز نائل آئیم . اینرا نیز باید اضافه کنم که در آینده هم مانند گذشته سعی خواهد شد در کلیه امور رفاهی کارگران وکارمندان‌کوشش لازم را مبذول داریم تا آنجا که اگر از دیگران جلوتر نباشیم ، عقب‌تر نخواهیم بود

[illegible] سال ۲۵۳۵ [illegible] [illegible] ست که همه دلها [illegible] عظمت و شکوه و پیشرفتهای همه‌جانبه ایران [illegible] شاهنشاهی پهلوی [illegible] و دستی [illegible] در چشمان همه ملت ایران موج میزند [illegible] عظمت و پیشرفت است [illegible] ملت ایران یکپارچه و از صمیم قلب به شادی و سرور [illegible] است در هرگوشه‌ای

راس کشور پهلوی [illegible] و سرور [illegible] [illegible] سپاس [illegible] که با رهبری [illegible] جهان [illegible] رهبری [illegible] شاهنشاه آریامهر را داریم [illegible] ملت ایران [illegible] شاهنشاهی [illegible]

[illegible] شاهنشاهی شکوهمند دودمان پهلوی را گرامی میدارند

امروز درهرجای کشور قدم بنهیم فریادهای مردم را بوضوح خواهیم شنید که میگویند جاوید باد شاهنشاه، جاوید باد دودمان پهلوی، درود بخاندان جلیل پهلوی — این فریادها فریادهای حق‌شناسی ملت ایران است که [illegible] شاهنشاه آریامهر نثار میشود .

ما از شروع سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی شاهد و ناظر جشن ها ، شادیهای طبقات مختلف مردم بودیم که بهمین‌مناسبت با گردهم‌آئی و تشکیل مجلسی یادآور هرچه بیشتر پنجاه سال شاهنشاهی‌شکوهمند پهلوی بوده‌اند اینک طنین شادی از همه اطراف واکناف مملکت بگوش میرسدوپایکوبی دهقانان — کارگران — کارمندان و همه و همه‌دشمنان این مرز و بوم راکه این پیشرفت و یکپارچگی ملت را خلاف منافع خود میدانستند [illegible] کرده است . ولی این [illegible] مکتب و [illegible] هرآنکس رشد جنب خائنان این مرز و بوم را از [illegible] میکند

در این میان کارگران و کارمندان شرکت ماشین‌های راهسازی (کاترپیلار) از دیگر خواهران و برادران هم‌وطن

آقای بهروزجوان رئیس روابط عمومی شرکت ماشین‌های راهسازی سخنانی دربرگذاشت پنجاهمین‌سال شاهنشاهی پهلوی ایراد کرد

نماینده کارگران شرکت ماشین های‌راهسازی

جشن بدور نموده و روز پنجشنبه گذشته با تشکیل مجلس جشن‌و سرور در سالن اجتماعات شرکت ماشین‌های راهسازی (کاترپیلار) سهم خود را در بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان‌پهلوی اداکردند.

ساعت ۳ بعداز ظهر روز دوشنبه‌کلیه کارگران،کارمندان ومدیران شرکت ماشین‌های راهسازی و عده‌ای‌ازشخصیت های‌کشور در سالن اجتماعات

...راوان در شرکت ماشینهای راهسازی (کاترپیلار) برگزار شد

... [illegible] صرف جشن عمومی [illegible] محصراتی‌ها و [illegible] رقص و [illegible] سپاس‌خود [illegible] بیشگاه شهنشاه آریامهر [illegible] جشن پهلوی [illegible] کردند .

آغاز جشن

[illegible]

[illegible] رسائی وشکوه [illegible] ش از پیش افزود .

سپس آقای [illegible] رئیس روابط عمومی [illegible] (کاترپیلار) [illegible] قرار گرفت .

خطابه‌ای باین شرح ایراد :

باکمال خوشوقتی ضمن‌عرض خیرمقدم و تشکر از تشریف فرمائی مدعوین ارجمند اجازه میخواهد چند کلمه‌ای درباره این‌جشن ملی‌باستحضار برساند:

ملت ایران طی هفت‌قرن تاریخ پرنشیب و فراز و بیست‌و پنج قرن شاهنشاهی پرافتخار همواره مظهر حق‌شناسی و سپاسگزاری به شاهنشاهان خود بوده و با عالی‌ترین و انسانی ترین احساسات مراتب حق شناسی خود را ابراز داشته است .

از روزگاران باستان تا به امروز ایرانی شاه را سایه خدا و مظهر استقلال و تمامیت کشور ووحدت ملی دانسته و شاه‌پرستی را از فرایض‌مقدس مذهبی خود شمرده است .

طی ۶۰۰۰ سال چه بسیار برادران رشید و شاهنشاهان مقتدر که از میان ملت ما برخاسته و پرچم استقلال کشور را در سخت‌ترین و تاریکترین لحظات تاریخ بدوش کشیده و کشتی طوفانزده مملکت را به‌ساحل نجات‌هدایت نموده‌اند.

عظمت کار های خطیر این سرداران و شهریاران وقتی آشکار میشود که اوضاع و احوال زمان و مشکلاتی که با آن روبرو بوده‌اند در نظر گرفته شود و گرفتاریها و عدم امکانات آنها مورد ارزش‌یابی دقیق قرار گیرد .

باتوجه باین حقیقت باید اذعان کرد که ۵۰ سال‌سلطنت دودمان پهلوی از مشعشع‌ترین [illegible] شاهنشاهی [illegible] است .

اعلیحضرت رضا شاه فرزند برومند این آب و خاک [illegible] میان مردم برخاسته [illegible] [illegible] مولادین و موانع [illegible] و ۲۰ سال تلاش شبانه‌روزی مملکت را از [illegible] وسعت روزی رهانیدند و مجد و عظمت گذشته را به آن [illegible]

کار های بزرگی که [illegible] دوران پرخیروبرکت شاهنشاهی آن قائد عظیم‌الشأن ملت ایران انجام شده بسیار است که حمله لغو کاپیتولاسیون — [illegible] ارتش نوین ایران — احداث راه‌آهن سراسری‌ایران، تاسیس بانک‌ملی — تاسیس دانشگاه — آزادی زنان را میتوان بعنوان نمونه ذکر کرد .

با آنکه کشور عزیز ما در [illegible] سلطنت رضاشاه کبیر با سرعت بسوی ترقی و تعالی پیش میرفت و فاصله چندانی برای پیوستن به گروه کشور های بزرگ ومترقی باقی‌نمانده بود که جنگ جهانی دوم و [illegible] شوم آن موجب گردید آهنگ پیشرفت کشور ما یکباره موقف گردد.شاید تقدیر چنان بود که اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی نیز مانند پدرتاجدار خود در بدو سلطنت بامشکلات و نابسامانی های بیشمار کشور مواجه شوند .

از۲۵شهریور ۲۵۰۰شاهنشاهی که مقام شامخ سلطنت به اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر تفویض گردید تا رستاخیزملی ۲۸ مرداد ۲۵۱۲ شاهنشاهی دوران حوادث و رویدادهای بزرگی بود که قدرت اراده و تدبیر شهنشاه را در حفظ [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] مسلط به امور داخلی [illegible] [illegible] معرفی کرد .

از ۲۸ مرداد ۲۵۱۲ [illegible] ششم بهمن ۲۵۲۱ شاهنشاهی [illegible] در [illegible] [illegible] و اجرای برنامه های پنجساله توسعه اقتصادی سرعت وضع‌اقتصادی واجتماعی مردم را بهبود بخشید و [illegible] ملی را به درجه‌ای رسانید که زمینه مطلوب برای انقلاب‌سفید شاه و ملت فراهم آمد . گرچه از سال ۲۵۱۲ ببعد فعالیت‌های بخش خصوصی نیز بتدریج‌رو به گسترش نهاد ولی پس ازانقلاب شاه و ملت و اجرای اصول منشور انقلاب بود که رشد تولید در بخش خصوصی‌بنحوی بی‌سابقه افزایش یافت وصنایع ملی رو بتوسعه نهاد و فرآورده های داخلی با کالا های مشابه خارجی برقابت برخاست .

کاخ نیاوران

پیشگاه مبارک‌اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه آریامهر . جان نثار ، سپاس بیکران خود و کلیه کارگران و کارکنان شرکت‌ماشین های‌راه‌سازی، نماینده‌انحصاری کاترپیلار را به خاك پای‌آن رهبر بزرگوار به‌مناسبت کلیه مواهبی‌که خاندان جلیل‌القدرپهلوی نصیب اقتصاد شکوفان کشور فرموده‌اند، تقدیم میدارم . با افتخار به شرفعرض میرساند ، کارگران وکارکنان این‌شرکت ضمن جشنی که بمنظور حق شناسی برپا کردند ، پایداری آن شهریار و شهبانوی گرامی و والاحضرت ولایتعهد محبوب را از درگاه ایزد متعال آرزو نمودند .

جان‌نثار . احمد وهاب زاده

صدور مصنوعات کشور [illegible] [illegible] کشور [illegible] حتی کشور های بزرگ آغاز گردید و اکنون رقم این‌قبیل صادرات به میزان مشتبهی در کل صدرات کشور رسیده‌است.

از ششم بهمن ۲۵۲۱ پیشرفت کشورمان باچنان جهش عظیمی درکلیه شئون ملی توام بوده که موجب اعجاب همه جهانیان گردیده است .

امسال ملت ایران برای‌ابراز حق‌شناسی و سپاسگزاری از اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و تجدید خاطرات شکوهمند دوران پرافتخار شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر پنجاهمین سال سلطنت [illegible] پهلوی‌راجشن‌میگیرد .

اکنون که ملت ایران با برخورداری از ثبات سیاسی و اقتصادی و امنیت بی‌نظیر در جهان پر آشوب امروز [illegible] [illegible] پهلوی را جشن‌میگیرد [illegible] [illegible] ردیف کشور های در حال [illegible] بیرون آمده است .

در روزگاری نه چندان دور کشور ما از جمله کشورهائی بود که بکمك اقتصادی نیاز داشت ولی امروز مفتخر ومباهی است که در سایه درایت و رهبری داهیانه شاهنشاه آریامهر نه فقط به کشور های صنعتی و بعضی از کشور های بزرگ کمك های فوق‌العاده مهم و حیاتی داده است بلکه با اتکاء به نیروهای مسلح قدرتمند وزنه سنگینی برای موازنه قدرت در منطقه و حفظ صلح در حساسترین نقطه جهان بشمار میرود .

امروز ایرانی بهرگوشه‌ای از پنج‌قاره جهان میرود با احترام و دوستی مردم آنجا روبرو مشود و همه ایرانی با آغوش باز و بگرمی می‌پذیرند. این احترام ودوستی که همه مردم سراسر جهان به ایران و ایرانی نشان میدهند نتیجه احترام فوق‌العاده‌ای است که تمام سران کشور های جهان برای شخصیت ممتاز و بی‌همتای اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و برای اقداماتی که بدست توانای معظم‌له برای ساختن یك ایران قوی و پیشرفته صورت گرفته قائل هستند .

امروز ایرانی مفتخر وسربلند است که ایران با تمام کشور های جهان روابط دوستانه‌دارد و روابط سیاسی — اقتصادی و فرهنگی کشورش با تمام کشور های پنج قاره جهان در حال گسترش‌سریع وبی‌سابقه است . همه این افتخارات که نصیب ما شده نتیجه اقداماتی است که به ابتکار ورهبری شهنشاه بزرگ ما صورت‌گرفته است.

زنده باد اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر جاوید [illegible] [illegible] دودمان پهلوی

متن سخنرانی نماینده‌کارگران

سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی سال [illegible] و فرصتی است [illegible] [illegible] برای مروری هرچند [illegible] [illegible] در پنجاه سال تاریخ معاصر کشور ما که مشحون است از پیامدها و اوج فداکاریهای پرثمر و سعادت‌آفرین شاهنشاهان‌عظیم‌الشان پهلوی .

در اینجا ضمن عرض خیر مقدم به مدعوین محترم وشرکت کنندگان در این جشن ملی میخواهم باین واقعیت اشاره کنم که بزرگداشت هرچه شکوهمندتر پنجاهمین سالگرد سلطنت دودمان جلیل‌القدر پهلوی از طرف طبقات مختلف مردم‌تجلی‌صمیمانه ترقدرشناسی ملتی است که بیست‌وشش قرن به نظام شاهنشاهی کشور خود عشق ورزیده و در دفاع از این شرف و مظهر استقلال و تمامیت ارضی خود انواع خطر ها را بجان پذیرا گشته است مروری

در پنجاه سال سلطنت خاندان افتخارآفرین پهلوی بخوبی نشان میدهد که چگونه کشوری که جولانگه چپاولگران و مزدوران اجنبی گشته و از امنیت وقدرت حکومت مرکزی آن حتی نامی نیز بجای‌نمانده بود بدست رادمرد توانا و سردار بزرگ تاریخ رضاشاه کبیر در کوتاه زمانی بصورت کشوری مستقل [illegible] آباد و برخوردار از [illegible] و حیثیت جهانی درآمد و [illegible] آریامهر [illegible] در دورانی که بحران‌های بزرگ سیاسی واقتصادی [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] مقتدرترین دولتها را نیز به لرزه درآورده وسیائی را با افزایش میزان بیکاری و گرسنگی و جنگهای خانمانسوز داخلی روبرو ساخته بود با اراده و ایمانی راسخ و رهبری قابل ستایش خودشان ملت‌ایران را در رسیدن به موهبهای بزرگ زندگی و برخورداری از اعتبارات و افتخارات جهانی رهنمون گشته و قدرت و نفوذ سیاسی‌واقتصادی‌و رفاه‌اجتماعی مردم را سبب شده‌اند .

اینك که با الهام ازعقاید قابل تقدیس و نیات پاك‌رهبر عالیقدر ملت ایران دریافته‌ایم که استقلال سیاسی و اقتصادی ملتها گرفتنی است نه دادنی خانواده کوچك مدیران و کارکنان شرکت ماشینهای راهسازی صمیمانه معتقدهستند به امکانات ترقی و تعالی ملتها [illegible] بدست نمی‌آید و [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] که [illegible] آن دور از هرنوع تدبیری و کج‌حسی [illegible] و صمیمی نحوه رهبری بزرگمردی که احترام به نوامیس ملی و میهنی و تامین آسایش توده های زحمتکش را رکن اصلی و اساسی سربلندی و عظمت کشور میداند در راه رسیدن به آرمانهای مقدس‌ملی و میهنی از هیچگونه فداکاری دریغ نورزند .

پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی که‌نگینی‌است برتارك بیست و شش‌قرن شاهنشاهی ایران و خورشید تابناکی است بر هزاران سال فرهنگ پرفروغ این مرزوبوم برملت ایران‌مبارك باد .

زنده باد شاهنشاه آریامهر جاوید ایران .

پس از سخنان نماینده کارگران آقای جوان‌تلگرامی را که آقای احمد وهاب‌زاده رئیس هیات مدیره شرکت ماشین های راهسازی بهپیشگاه شاهنشاه آریامهر به مناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی‌پهلوی مخابره شده بود قرائت کرد.

هنرنمائی هنرمندان

جشن شرکت ماشین های راهسازی تا ساعت ۸ بعدازظهر ادامه یافت و در حالیکه فریاد های زنده‌باد شاهنشاه آریامهر— جاوید باد دودمان پهلوی — سرفراز باد شهبانوی گرامی ایران و ولیعهد محبوب فضای سالن و اطراف را پرکرده‌بود خاتمه یافت .

تاسیسات شرکت ماشینهای راهسازی در جاده کرج غرق در چراغهای الوان وشعارهای میهن و پرچم‌ایران است

ورزش کارگر

تیم فوتبال ده‌ساله‌های انگلیس

[illegible]

[illegible]

سه خبر، از سه دیدگاه مختلف، هدف معینی را نشانه رفته‌اند.

در هر سه خبر، دستمایه اصلی، جوانها هستند و مهمترین و سازنده‌ترین عامل زندگی‌شان، یعنی ورزش.

از خبر اول به روایت روزنامه اطلاعات، چنین برمی‌آید که «با توجه به آماری که حاکی است نزدیک ۷۰ درصد جوانان ما در ایام فراغت بالاجبار خانه‌نشینی را برمی‌گزینند و با درك احساس بیهودگی به درد چه کنم، چه کنم» گرفتار می‌شوند. یکی از نمایندگان مجلس شورای‌ملی گفت: در شهرستانها این کمبود آنقدر فراوان است که موجبات سرگردانی جوانان را چه در ایام تحصیل و چه در تعطیلات تابستان و ایام فراغت از کار اداره فراهم می کند.

دکتر محمد ستاری، نماینده رشت، هشدار داد که ۹ سال دیگر قرار است مسابقات المپیک در کشور ما برگزار شود و با توجه به اینکه بهترین سن برای بازی فوتبال ۲۰ الی ۲۲ سالگی است، ما باید از هم‌اکنون جوانان ۱۲ الی ۱۶ ساله را آماده کنیم تا در آن زمان از بهترین فرم تیمی برای بازی فوتبال برخوردار گردیم. والا نکبت همین قهرمانان موجود نه تنها افتخاری برای ما بوجود نخواهد آورد، بلکه پشتوانه این ورزش ازبین خواهد رفت.» خبر دوم به روایت خبرنگار کیهان‌ورزشی از لندن: «عصر شنبه گذشته شاهد مسابقه جالب فوتبال بین تیم معروف و پرستاره منچستر یونایتد (مدعی قهرمانی باشگاهها و جام حذفی انگلیس) با تیم ده‌ساله‌های یک دبستان بودیم! تیم قهرمان دبستانهای شهر منچستر!...... محل مسابقه ورزشگاه بزرگ اولدترافورد منچستر بود. و سه تن از داوران معروف انگلیسی این مسابقه را قضاوت کردند. گروه زیادی از بچه‌های مدارس شهر منچستر همراه والدین‌شان این مسابقه جالب را تماشا کردند. و یکی از ورزیده‌ترین گزارشگران تلویزیون لندن این مسابقه راگزارش می کرد. گواینکه بازیکنان منچستر هوای کوچولوها را داشتند ولی این باعث نمی‌شد که در فکر زدن‌گل نباشند... این مسابقه سرانجام سه بر سه مساوی تمام شد و در پایان بزرگان فوتبال منچستر بهمراه کودکان قهرمان شهر خود عکسی بیادگار گرفتند...»

خبر سوم را از رساله تحقیقی که روی ۹۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انجام گرفته و آقای دکتر منوچهر محسنی استادیار دانشگاه آنرا برشته تحریر درآورده است به نقل از مجله خواندنیها شماره‌های ۵۵ و ۵۶ نقل می کنیم. در این بررسی تحقیقی که موضوع اصلی آن مسأله فراغت و راههای استفاده از آن درمیان جوانان بود درمورد ورزش رقم‌ها شلاق می‌زنند:

«... ورزش نیز به دلائل گوناگون چندان موردتوجه نیست. دلائل این امر را خود دانشجویان نبود وقت، نبود وسیله، نبود مربی و بی‌میلی شخصی ذکر کرده‌اند. نبود آموزش جدی ورزشی سبب شد که درعده‌ای فقط تمایل به قهرمان شدن بوجود آید و جنبه حرفه‌ای به خودگیرد و از نظر بقیه اهمیت چندانی نداشته باشد.»

درهمین گزارش تحقیقی انواع مهم فعالیتهای فراغتی دانشجویان در چند شهر بزرگ جهان مورد بررسی قرارگرفته است که در رده‌بندی مشغولیات دانشجویان پاریسی در ساعات فراغت: «ورزش» رتبه اول را دارد و بعد به ترتیب «مطالعه» و «سینما». درحالیکه دانشجویان کازابلانکا اول به «مطالعه»، بعد سینما وسوم به «ورزش» توجه نشان می‌دهند. دانشجویان توکیو نیز اوقات فراغت خود را به ترتیب با «مطالعه»، موسیقی، رادیو تلویزیون پرمی کنند و دانشجویان بروکسل با «مسافرت»، «سینما» و «مطالعه»... همین آمار درمورداینکه دانشجویان تهرانی اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانند. چنین خبر می‌دهند:

اول سینما، دوم خیابان‌گردی، سوم‌معاشرت وگفتگو...»

و باز، در همین بررسی تحقیقی که روی اوقات فراغت مردم رضائیه انجام شده، تنها ده‌درصد ازمردم به‌ورزش رغبت نشان داده‌اند. به تذکر حاشیه گزارش، این بررسی وقتی صورت گرفته بود تلویزیون هنوز در زمینه گذراندن اوقات فراغت در رضائیه جائی برای خود باز نکرده بود. بعبارت دیگر، شاید اگر امروز چنین تحقیقی بعمل آید، باحتمال زیاد درصدی از علاقمندان بورزش در رضائیه به خیل تماشاگران تلویزیون جذب شده‌اند.

علت چیست؟ چرا مردم — بخصوص جوانان ما — این چنین با ورزش بیگانه‌اند؟ چرا مردم به ورزش گرایش ندارند؟ آیا استعداد وشوق به ورزش درمیان مردم‌ما نیست. که این نظر، به اعتبار تجربه‌هائیکه داریم، فرض نادری است آیا، چنانکه درگزارش تحقیقی و دانشگاهی بالا آمده بود، نبود وسیله، نبود مربی ونبود وقت وحال وحوصله چنین وضعی را باعث‌شده‌است؟

می‌بینیم که در یک شهر انگلیسی، مردم شهر، در یک بعدازظهر تعطیل، بسوی ورزشگاه بزرگ خود روی می‌آورند تا هنرنمائی تیم فوتبال ده‌ساله‌ها را با یکی از بزرگترین و محبوب‌ترین تیم های کشورخودمشاهده کنند. پدرها و مادرها بچه‌ها را همراهی می کنند، چون برای یک خانواده انگلیسی، بهترین، پاك‌ترین و لذت‌بخش ترین مکان وقت‌گذرانی و ساعات فراغت، میدانهای ورزشی است. ما چه باید بکنیم؟ ورزش ما، همانطور که نتیجه تحقیقات عبرت‌آموز دانشگاهی نشان داد، ورزش تک‌ستاره‌هاست. ورزش بدون آموزش است و آموزش بدون پرورش ورزش ما مشتاقان سینه‌چاك، و ورزشکار ما پشتوانه ندارد. در ورزش تک‌ستاره‌هاست که وقتی کشتی‌گیری چون سیدعباسی پس از چهارسال دوری ازورزش به تشك باز می‌گردد، مرکز ثقل خبرهای کشتی می‌شود و بخاطر تماشای کشتی‌های او، سکوهای خالی ورزشگاه پرمی‌شود...

تاچند روز دیگر، تابستان از راه می‌رسد. هزاران جوان دانشجو و دانش‌آموز که شانه‌هایشان از زیربار درس و کتاب راحت‌شده، به ورزشگاه و استخر و زمین‌بازی نیاز دارند. آیا براستی برای تابستان این بچه ها فکری کرده‌ایم؟ دامنه این بحث وسیع را ادامه خواهیم داد.

اسماعیل یگانگی

شکست خوردگان پهلوانان ایرانی در مسابقه‌های جام بغداد مدال

علمدار، قهرمان ۶۲ کیلوی کشتی خراسان، حریف عراقی خود «صلاح‌مهدی» را مغلوب کرد، درحالیکه حریف مغلوب، درجام بغداد مدال‌طلا گرفت.

[illegible]

اعضای تیم کشتی کارگران خراسان

تیم کارگر، فاتح جام رستاخیز

تیم کارگر نفتشاه، فاتح جام رستاخیز این شهر شد. به‌ابتکار خانه فوتبال کارگران نفتشاه، در روز جهانی کارگر، یک مسابقه فوتبال بنام «جام رستاخیز» برگزار شد. مسابقه بین تیم‌فوتبال کردان رزمی ضربت و تیم کارگر انجام شد که پس از یک بازی جالب و پرگل، تیم کارگر۳ بر ۲ پیروزشد. «جام رستاخیز» توسط رئیس شهربانی نفتشاه به کاپیتان تیم کارگر داده‌شد.

ورزش کارگر

...ل طلا گرفتند!

تیم کشتی آزاد کارگران خراسان که برای انجام چند مسابقه دوستانه بعراق رفته بود، به‌وطن بازگشت.

طبق برنامه تنظیمی، قرار بود کارگران خراسانی سه‌مسابقه با کشتی‌گیران عراقی انجام دهند، ولی به تصمیم میزبان، دو مسابقه از برنامه خط خورد و پهلوانان خراسانی تنها یک مسابقه در کرکوك برگزار کردند که شش برچهار، حریف را شکست دادند. تیم کرکوك اگرچه عنوان «منتخب» این شهر را داشت، ولی درحقیقت استخوان‌بندی تیم ملی کشتی آزاد عراق را تشکیل می‌داد، که این مطلب، چهار روز بعد از مسابقه ایران و عراق، در مسابقه‌های جام بین‌المللی عراق معلوم شد!

لازم به‌یادآوری است که کشتی‌گیران ۶۸ کیلوگرم (لبنان جودت) و ۷۴ کیلوگرم (صلاح مهدی) که درمسابقه‌های جام عراق مدال طلا گرفته هردو، در کرکوك مغلوب حسن راستکو و خدابخش عفت‌دار کشتی‌گیران ایرانی شدند. اختلاف امتیاز کشتی‌گیران ما با حریفان چنان بود که راستکو حریفش را ۱۷ بر یک و عفت‌دار حریفش را ۱۷ بر ۷ شکست داده بودند!

بنا به گزارش رسیده از کرکوك، علی روحانی، حریف عراقی خود کاظم حسین (قهرمان عراق) را ۸ بر ۵ شکست داد وعباس صحرائی بر همتای عراقی خود (خالدحمد) عضو تیم ملی کشتی عراق ۴ بر ۲ غلبه کرد. داوران میزبان با سه اخطاره کردن حسنعلی صحرائی حریف عراقی او را برنده‌شناختند.

باوجود این از کارگران ورزشکار خراسانی در عراق پذیرائی گرمی بعمل آمد و مسؤولان ورزشی عراق نیز از رفتار ورزشی پهلوانان خراسان صمیمانه اظهارخرسندی کردند.

کارگران ایرانی یک روز ناهار میهمان سازمان کارگران عراق بودند و دراین‌میهمانی، ایزدپناه، سرپرست تیم ایران از موفقیت‌های کارگران ایرانی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی واقتصادی سخن گفت.

در بغداد دو نفر از داوران ایرانی (حبیب غفاریان ونصراللهحسین زاده) در کلاس داوری باموفقیت این دوره را گذراندند.

از تیم کشتی کارگران عراق برای انجام مسابقه‌های دوستانه به‌ایران دعوت بعمل آمده است. قرار است کشتی‌گیران عراق با همتاهای ایرانی خود درتهران، مشهد و اصفهان مسابقه‌هائی برگزار کنند.

تیم کشتی آزاد کارگران خراسان مرکب بود از آقایان راستکو عبدالهی — عفت‌دار — صحرائی — فهیمی — اسمعیلی — قادرپه — مغرب — فخار (رئیس باشگاه کارگران خراسان) غفاریان (مربی) حسین زاده (داور).
سرپرستی این هیئت را آقای ایزد پناه به‌عهده داشت.

تیم بسکتبال دخانیات منحل نمی‌شود

نه‌پول داریم، نه‌پول می‌دهیم

تیم بسکتبال دخانیات دربرابر تیم پهلوی بازی جالبی ارائه دادند

بار دیگر، باشگاه کارگری دخانیات [illegible] شد. این بار، خبر بصورت شایعهٔ انحلال تیم بسکتبال این باشگاه برسرزبانها بود. به‌روایت شایعه، مدیر باشگاه دخانیات آقای نبی‌زاده تصمیم گرفته‌است تیم بسکتبال باشگاهش رامنحل کندوظاهراً به بسکتبالیست های این تیم توصیه کرده است تافرصت برای نقل وانتقالات باقی است، به‌باشگاه تازه‌ای پناه ببرند ولی نبی‌زاده، نخست این شایعه را رد کردوگفت بهیچوجه این مطلب صحت ندارد واصلا مسألهٔ انحلال تیم بسکتبال دخانیات مطرح نیست، بلکه‌قضیه از این قرار است که چندتن از بسکتبالیست‌های سرشناس تیم‌ما اظهار تمایل کرده‌اند که به خدمت باشگاههای دیگری که شرایط مالی بهتری دارد، درآیند و ما هم آنها را در انتخاب باشگاه آزاد گذاشته‌ایم.

نبی‌زاده، رئیس باشگاه دخانیات افزود باشگاه دخانیات یک باشگاه کارگری و غیرحرفه‌ای است که نه‌میخواهد ونه‌میتواند چون‌باشگاههای دیگر برای تصاحب قهرمانان و ورزشکاران صاحب‌نام پول خرج کند. از این روو‌قتی چندنفر از بسکتبالیست های عزیز ما گفتند نمی‌خواهند به باشگاه راه‌آهن یا باشگاه دیگر بروند، برای [illegible] [illegible] انحلال تیم بسکتبال باشگاه [illegible] باشد.

لازم به‌یادآوری است که باشگاه دخانیات [illegible] تنها باشگاه کارگری [illegible] است که در رشته‌های مختلف ورزشی بخصوص والیبال وبسکتبال، باسطح قهرمانی توپ می‌زند. [illegible] قهرمانی باشگاههای تهران را [illegible] و تیم [illegible] قهرمانی باشگاهها می‌باشد.

ورزش کارگر

اردو یعنی همین!

یعنی: تمرین بموقع، غذای بموقع، خواب بموقع، انضباط...

کار اردونشینان ما با مربیان‌شان در اردو به جاهای باریکی کشیده شده است. هرقدر در جمع فوتبال‌بازها قانون اردو حکمفرماست در میان وزنه‌بردارها وضع فرق میکند

کار اردونشینان ما با مربیان‌شان در اردوی داود به دارد به جاهای باریک می کشد. هرقدر در جمع فوتبالبازها « قانون اردو حکمفرماست »، در میان وزنه بردارها وضع طور دیگری است. در اینجا، از میان وزنه بردارها، یکی خرجش را سوا کرده و دور از اردونشینان تمرین می کند (داودملکی) دو دیگر با آنکه در اردو هستند، ولی گوششان بدهکار حرفهای مربی نیست و هر یک آنچه می خواهند انجام می‌دهند. آن دیگر نه فدراسیون را قبول دارد، نه مربی را. نه تمرین‌ها به موقع است و نه باشور و علاقه همراه.

در مسابقه « جام پهلوی » شکست از وزنه برداران کم‌تجربه مصری برای مفسران وزنه‌برداری حیرت‌انگیز و تاسف بار بود. عطار اشرفی و دهخدا هر دو قربانی انتخاب غلط وزنه‌ها شدند. منوچهر برومند، مربی تیم ملی وزنه‌برداری، در اشاره به این مطلب می گوید: این حضرات نه ما را قبول دارند و نه خودشان مجتهد هستند. هر وقت دلشان خواست تمرین می کنند، هر وقت نخواستند می‌روند پی کارشان. » مربی، بعنوان نمونه روی عطار اشرفی انگشت گذاشت و گفت: « این آقا از ده روز مانده به مسابقه جام پهلوی یک هفته تمرین نکرد و بخیال خودش استراحت کرد. سه روز مانده به مسابقه تمرین را شروع کرد. موقع مسابقه هم هر وزنه‌ای را که خودش صلاح می‌دانست انتخاب کرد و نتیجه آن شد که دو بار در بلند کردن وزنه ۱۳۰ کیلوئی ناکام ماند و بار سوم که ۲/۵ کیلو هم به آن اضافه کرده بود، کاری صورت نداد و در نتیجه از دور مسابقه خارج شد. »

برومند که خود از قهرمانان نمونه اخلاق و ورزش بود و با دلسردی سخن می گفت افزود: چرا نباید جلوی این بی‌نظمی ها را گرفت. چرا یک وزنه‌بردار باید تحت تاثیر وزنه برداری باشد که او را قبول ندارد، حرفهای مربی را قبول ندارد، تمرین بموقع را قبول ندارد و بالاتر از اینها خود فدراسیون را هم قبول ندارد .... »

با داودملکی، یکی از دو رکوردشکن مسابقه‌های اخیر صحبت کردیم. ملکی قهرمان پروزنکمکارگر دخانیات است، مدتی است دور از اردو زندگی و تمرین می کند وقتی علتش را پرسیدیم گفت: « از شرکت در اردو ناراضی هستم. برای همین هم است در باشگاه دخانیات که متعلق به ما کارگران است تمرین می کنم. هم محیطش بهتر است و هم از جنگ اعصاب خبری نیست. تمرین من در باشگاه ثمربخش بود و توانستم نیم کیلو

داودملکی قهرمان وزنه برداری

رکوردم را ترقی بدهم و ۱۱۳/۵ کیلو یکضرب بزنم.

محیط اردو، محیطی بسیار خشک و با دیسیپلینی سخت است. گذشته از این، من برای شرکت در اردوی شب عید، چند روز حقوق جریمه شدم. اینهم پاداش شب عیدمان! دراردو بـــــه وضع غذائی توجه زیاد نمی‌شود واگرحرفی بزنیم، مرتکب گناه کبیره‌شده‌ایم...

شب اگر خوابمان نبرد، باید به زور چشمها را ببندیم و تیرهای طاق را بشماریم تا خوابمان ببره ....

ملکی در پایان گفت: فعلا روزی سه ساعت تمرین می کنم. از وضع خود راضی هستم و امیدوارم در مونترآل کاری بکنم. »

برای داودملکی، عطاراشرفی و دهخدا و دیگر قهرمانان و ورزشکارانی که در اردو هستند، ذکر یک نکته ضروری است، و آن خاصیت وجودی اردو هاست. متأسفانه هنوز « اردو ورزشی » برای ورزشکاران ما توجیه نشده است. اغلب « اردو » را با یک محل سرپوشیده که شام و ناهار با (« بیفتک » و جوجه کباب پذیرائی می‌شوند، عوضی می گیرند. مضحک‌تر از این، اردوی « خشکه » است که بهرقهرمانی مبلغی « جیره‌نقدی » می‌دهند تا هر جا دلشان خواست غذا بخورند و چه بسا بروبچه‌ها، این جیره‌های نقدی را — که چیزی درحدود ۵۰ تومان است — به زخم دیگرشان می‌زنند و بازهم دور سفره سنتی و غذاهای سنتی می‌نشینند .....

اردوی ورزشی مفهوم بخصوصی دارد. اردوی ورزشی یعنی جائی که ورزشکار به موقع تمرین کند، به موقع غذا بخورد، غذای خوب و پر کالری هم بخورد، بموقع استراحت کند، بموقع تفریح کند و بموقع هم بخوابد. اردوی ورزشی یعنی همین! در اکثر کشورهای اروپائی اردوهای تدارکاتی را درجاهای دور افتـــاده و خوش آب و هوا برگزار می کنند و ورزشکار، در مدت اردو، حتی از دیدارهای عاشقانه و تلفن به نامزد خود محروم است. بعبارت دیگر، در مدت اردو، ورزشکار به دوست و رفیق وحتی خانواده‌اش تعلق ندارد. او بخاطر هدفی بس بزرگ — که اغلب ملی و میهنی است — ریاضت دوره کوتاه اردو را تحمل می کند، تا از همه مزایای چنین مکانی برای پیروزی بهره گیرد.

شهباز، تاج را به صدر رساند!

شهباز و هما، دو برنده زیبای فوتبال ما - [illegible] مسابقه هفته دهم جام [illegible] برگزار کردند. [illegible] بود. شهباز به [illegible] و آمده [illegible] مساوی محکوم کرد. [illegible] مساوی در برابر شهباز به مقام دوم [illegible] کرد و تاج به صدر جدول رفت.

شهباز [illegible] « [illegible] » است [illegible] و اگرچه [illegible] از ناهماهنگی رنج می برد [illegible] انگلیسی سه را خواست و بروبچه‌ها زیر نظر مربی ایرانی مشغول بکار شدند، و وضع شهباز بهترشد و پس از پیروزی یک برصفر بر سم پاس و مساوی بدون گل با « هما » تا پایان هفته دهم درمکان هشتم جا گرفت. بازیکنان شهباز در مسابقه « هما » عبارت بودند از: ناصر حجازی - اکبر محمدی - نصرالله عبدالهی - محمود اعتمادی - بیژن ارشدی - فیروز خدازاده - هانی اهوازیان (فرهنگ نشاگران) حمید اخلاقی - مصطفی صدری - قاسم شبانکاره و محمد رضا عادلخانی. و تیم « هما » را نیز این بازیکنان تشکیل می‌دادند: امان‌الله نقدی - محمد توانایی - سهام‌الدین میرفخرائی - حسن نایب‌آقا - حبیب خبیری - مهدی غزال - (مجید مشتری) - شاهرخ مطیعی - علی خورشیدی - احمد نقوی - ناصر نورائی - حبیب علیزاده.

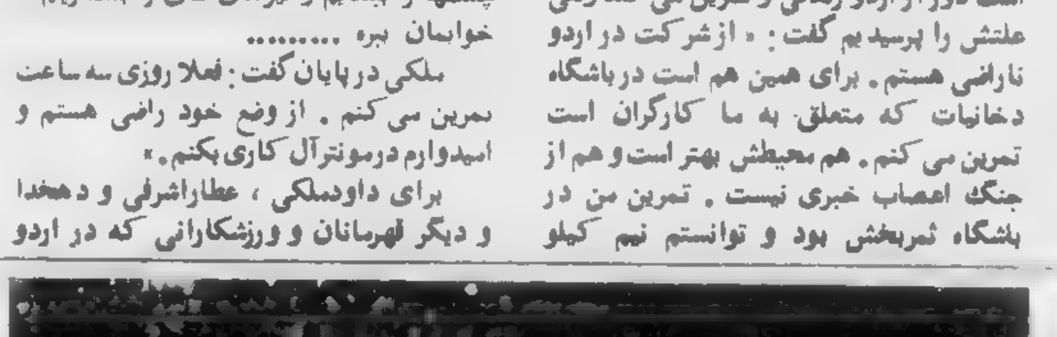

صحنه‌یی ازمسابقه شهباز و تاج

سرپرست تیم وزنه برداری مصر:

ورزش ضمن کار در کارخانه های مصر اجرا میشود

در مصر ۱۸۸ باشگاه کارگری در کلیه رشته های ورزشی فعالیت می کنند

هفته پیش ۹ نفر از وزنه‌برداران جمهوری عربی مصر همراه سه مربی و سرپرست برای انجام چند مسابقه دوستانه با وزنه‌برداران ایران به تهران آمدند. وزنه‌برداران ایرانی در هر سه مسابقه ایکه با حریفان مصری دادند، به ترتیب ۵ بر ۴، ۶ بر ۳ و ۷ بر ۲ شکست خوردند !

تیم وزنه‌برداری ایران که صاحب عنوان قهرمان بازیهای آسیائی تهران است، با تیم جمهوری عربی مصر قهرمان مسابقه های «پان عرب» روبرو شد. مصری ها در وزنهای ۶۰ و ۶۷/۵ کیلو شرکت کننده نداشتند.

در این دیدارهای دوستانه داودملکی کارگر دخانیات (در ۶۰ کیلو) با ۲۵۲/۵ کیلو اول شد. از تیم ایران محمد نصیری با ۲۵۰ کیلو در خروس وزن، امیردمنگی با ۲۵۷/۵ کیلو و علی‌والی با ۳۴۰ کیلو بر حریفان خود غلبه کردند دیگر قهرمانان ایرانی یا بعلت انتخاب ناصحیح وزنه از دور مسابقه خارج شدند و یا کمتر از حریفان خود وزنه بر داشتند. این مسابقه‌ها، به ابتکار فدراسیون وزنه‌برداری و بخاطر بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی تحت عنوان «جام پهلوی» برگزار شد که اغلب تیم‌های دعوت شده بعلت نزدیکی بازیهای المپیک مونترال از حضور در جام عذر خواستند و تنها تیم جمهوری عربی مصر دعوت فدراسیون وزنه‌برداری ایران را پذیرفته بود. از ایران سه تیم در این مسابقه ها شرکت داشتند و رویهمرفته ۲۴ وزنه‌بردار ایرانی و مصری، طی سه مسابقه با هم مبارزه کردند که درمجموع تیم ۹ نفره وزنه‌برداری مصر پیروز شد. بدنیست بدانید که اولین مسابقه وزنه‌برداران ایران و مصرقریب ۲ سال پیش درقاهره انجام شده بود که در آن مسابقه نیزوزنه‌برداران مصری پنج بر یک از تیم ما بردند.

ورزش ضمن کار، در کارخانه‌های مصر

تیم وزنه‌برداری جمهوری عربی مصر، یک روز ناهار میهمانان کارگران ورزشکار باشگاه دخانیات بود. در این میهمانی فرصتی دست داد با محمود فیاض، مربی معروف وزنه‌برداری مصر گفتگوئی داشته باشیم. محمود فیاض که خود ازوزنه برداران قدیمی و قهرمان المپیک لندن میباشد، گفت: دیدن ایران و زیبائی های آن همیشه از آرزوهای من بود.» او از نامجو وسلملسی دو نام آور افتخار— آفرین وزنه‌برداری ایران سخن گفت. از فیاض پرسیدم در تیم شما چند نفر کارگر شرکت دارند، گفت یک نفر. پرسیدم تشکیلات ورزشی مصر چگونه است ؟ گفت کلیه امور ورزش مصر در وزارت ورزش متمرکز است،

ولی هر رشته ورزشی بصورت هیات مدیره اداره می‌شود که رئیس هیات مدیره وزنه— برداری مصر یک پزشک معروف است. در مورد شرکت تیم وزنه‌برداری مصر درالمپیک مونترال سؤال شد، فیاض جواب داد که از ۹ نفر وزنه‌برداری که به ایران آوردیم، شش نفرشان به المپیک خواهند رفت. وی تعداد ورزشکاران مصری شرکت کننده درالمپیک را ۷۵ نفر ذکر کرد از ورزش کارگران سخن به میان آمد، مربی مصری گفت ورزش حین کار در کارخانه‌ها و تأسیسات بزرگ صنعتی مصر اجباری است. کارگران موظف هستند روزی نیم ساعت در کارخانه ها ورزش کنند که البته این مدت بحساب کارشان منظورمی‌شود. به گفته فیاض، در هر کارخانه مصری، یک باشگاه مجهز وجود دارد و رویهمرفته ۱۸۸ باشگاه کارگری در سراسر مصر فعالیت دارند.

از احمد مشمل، وزنه‌بردار ۵۶ کیلوئی مصر که خود یک کارگر است و دراین مسابقه — ها با اختلاف ۳۰ کیلو از نصیری شکست خورد، پرسیدم در کجا کار می کند و وضع ورزش در کارخانه‌اش چگونه است. کارگر قهرمان مصری گفت من در کارخانه عظیمی که شش هزار کارگر دارد کار می کنم. قریب چهار هزار نفر ورزشکار هستند که در ۱۸ رشته ورزشی فعالیت می کنند. تأسیسات ورزشی کارخانه ما بیش از پنجهزار مترمربع است که درجوار کارخانه قرار دارد.

اصولا در مصر، قریب هشتاد درصد از کارگران ورزش می کنند و این آمار با تشویق کارگران به ورزش در حال فزونی است.

۳۴۰ هزارتومان برای یک مسابقه گران است؟!

یک پیشنهاد به تلویزیون ملی ایران برای جبران مالی پخش مسابقه های مستقیم

۳۴۰ هزارتومان برای یکمسابقه گران است؟!

پخش مستقیم مسابقه نهائی فوتبال جام باشگاههای اروپا، از کارهای خوب وتحسین‌انگیز تلویزیون ملی ایران بود که باعث خوشحالی ولذت بردن میلیونها بیننده فوتبال دوست ایرانی از تماشای یک فوتبال سالم، زیبا وپرتحرک شده بود.

این مسابقه تماشائی که بین تیم معروف آلمانی بایرمونیخ وتیم تازه به شهرت رسیده فرانسوی «سنت‌اتین» برگزار شد، از چنان زیبائی وهنر فوتبال امروز بهره داشت که جا دارد مسؤولان ورزشی تلویزیون، یکی دوبار دیگر نوار آن را بجای مسابقه‌های پیش پا افتاده فوتبال باشگاههای اروپا پخش کنند.

درمورد پخش مستقیم این مسابقه وهزینه سنگینی که بابت آن به تلویزیون تحمیل شد، گوشه کنایه‌های نیش آلودی بگوش میرسد واز آنجمله به روایت یکی از مطلعان پخش این مسابقه قریب سیصد وچهل هزار تومان روی دست تلویزیون خرج گذاشته است که این رقمی است قابل ملاحظه ونمی‌توان به آسانی از آن گذشت.....

این «استدلال»، نه میتواند ونه باید مورد توجه مسؤولان تلویزیون ملی قرار گیرد واحیاناً دست وبال‌شان را در انجام چنین برنامه‌های پربیننده وجالبی بلرزاند ! به دلیل اینکه اولا تلویزیون ملی ایران دستگاهی است جوان، پرتحرک وپربیننده که به نظر نمی‌رسد برای گسترش شبکه‌ها وبهبود برنامه‌هایش، هیچ نوع مضیقه‌مالی احساس کند.

ثانیاً به‌نظرات وخواست های منطقی میلیونها بیننده بغرض اینکه متضمن هزینه هائی هم بشود، عملی است موجه وستایش‌انگیز.

ثالثاً تلویزیون درکنار مسؤولیتها و وظایف ملی ومیهنی خود، یک سازمان بازرگانی است که مثل سازمانهای اقتصادی می‌تواند— وباید— حساب دخل وخرجش را داشته باشد واین همان نکته‌ای است که میخواهیم به مسؤولان یادآورشویم. معمولا، این مسابقه ها، شب‌هنگام برگزارمی‌شود بین ساعت ۹ تا ۱۱ بوقت تهران . . . .درحال حاضر بهای پخش آگهی در سطح شبکه سرتاسری در این ساعت دقیقه‌ای ۲۵۰/۰۰۰ ریال است که درماههای آخر سال این رقم به دقیقه‌ای ۳۱۰/۰۰۰ ریال افزایش مییابد، که میانگین آن مبلغی قریب ۲۸۰/۰۰۰ ریال دردقیقه خواهد بود مابین دو نیمه مسابقه ده دقیقه استراحت است که اگر در این فاصله آگهی پخش شود رقمی قـــریب ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال بدست خواهد آمد، تازه از پنج تا ده دقیقه قبل از آغاز مسابقه هم میتوان بدین منظور استفاده کرد وحداقل پانزده دقیقه آگهی از قرار دقیقه‌ای. . . ۴/۲۰۰/۰۰۰ ریال پخش کرد که این خود می‌تواند از نظر مالی نیز هزینه‌ی اجرای چنین برنامه‌ئی را بپوشاند.

مسؤولان امور بازرگانی تلویزیون که مسلماً بیش ازما وبهتر ازما وارد به این مسایل هستند درصورت لزوم، راههای بهتر وسودمندتری را پیدا خواهند کرد، منتهی باید بین سازمان بازرگانی وقسمت برنامه ریزی تلویزیون یک هماهنگی وجود داشته باشد که سرفرصت— ونه آخر وقت — جزئیات کارها را پیش‌بینی کنند.

تسلیت و همدردی

مادر گرامی آقای هوشنگ دیده‌بان دبیر فدراسیون فوتبال ایران رخت بسرای باقی کشید. اندوه مرگ مادر جز با صبر وشکیبائی التیام پذیر نیست. ضمن همدردی با خانواده محترم دیده‌بان، درگذشت این بانوی خیرونیکوکار را به عموم بازماندگان فقیده سعیده، بخصوص آقای هوشنگ دیدهبان صمیمانه تسلیت می گوئیم وبرایشان صبروشکیبائی آرزو داریم.

سرویس ورزشی رستاخیز کارگران

از کبوتران نامه بر تا عظیم ترین

بقیه از صفحه ۸۶

غرب جهان ارتباط داشت و اینک از طریق ماهوارهٔ مخابراتی اقیانوس هند با بیشتر کشورهای شرق جهان ارتباط یافته است.

باین ترتیب ایران از طریق ژاپن با تایلند وسنگاپور — مانیل و نیز از طریق بحرین و دوبی با بیشتر امارات خلیج‌فارس ارتباط فوری ، تلگرافی و تلفنی یافته است.

تلفن خود کار بین شهری

یکی از مهم‌ترین سرویس های مخابراتی هر کشور ارتباط تلفن خود کار بین شهری است بطوریکه اگر این ارتباط برقرار نباشد خسلاً غیرقابل تحملی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی بین شهرهای هر کشور پدید می آید که بوصف درنمی آید.

تأسیس شبکه مایکروویو درایران بطور کلی همچنانکه درسایر سرویس های مخابراتی تأثیر گذارد امکان سرویس تلفن بین شهرها را نیز بوجود آورد

از سوم اسفند سال ۱۰ قراردادی با کمپانی زیمنس برای تأسیس تلفن بین شهری خود کار در ۶۶ شهر ایران که در پایان سال ۱۳۵۰ — ۵۲ شهر مجهز به سیستم تلفن خود کار بین شهری شده و امکان استفاده از آن برای سایر شهرها نیز رفته رفته و طی طرح و نقشهٔ منظمی در حال اجر است. طرز کار تلفن بین شهری با شهرها عیناً شبیه تلفن خود کار معمولی است با این تفاوت که در تلفن بین شهری پیش شماره‌ای وجود دارد که با گرفتن شماره صفر خط به مرکز ارتباطی بین شهرها مربوط می گردد و با گرفتن هریک از شماره‌های پیش شماره ، خط بجهت و مسیر شهر مورد نظر از طریق دایرکتورها و سلکتورها متصل می گردد. پس از اینکه آخرین شماره ، پیش شماره گرفته شد ارتباط با مرکز تلفن بین شهری ، شهر مورد نظر میسر می گردد که با گرفتن شماره مورد نظر ارتباط برقرار می‌شود.

تلفن خود کار شهری — با اجرای طرح هائی متعدد در برنامه‌های سوم و چهارم و برنامهٔ پنجم — که ادامه دارد — تعداد تلفن‌های خود کار کشور هم اکنون متجاوز از ۰۰ ۹ هزار شماره است که از آنها بهره‌برداری میشود.

در حال حاضر شهرهای آبادان — اصفهان — اهواز — تبریز — رشت — شیراز — مشهد آمل — اراک — اردبیل — بابل — بروجرد — بندربوشهر — بندرپهلوی — بندرعباس بهبهان — بیرجند — چالوس — خرم‌آباد دزفول — رضائیه — رفسنجان — زاهدان زنجان — ساری — سبزوار — سمنان — سنندج شاهرود — شاهی — شهسوار و خرم‌آباد قزوین — قم — کاشان — کرج — کرمان کرمانشاه — گرگان — گنبدقابوس — لاهیجان — مراغه — ملایر — نیشابور — همدان — یزد بوشهر — جهرم — خوی — شهرضا — آباده تربت‌حیدریه — مهاباد — دریا کنار دارای تلفن خود کار شهری هستند و بقیهٔ شهرستانها طی برنامه‌های عمرانی پنجم و ششم دارای تلفن خود کار خواهند شد.

با توجه به نیاز روزافزون کشور، طرح های عظیمی برای توسعه تلفن شهری تهیه گردیده است . اجرای طرح های عظیم نوسازی در تهران و شهرستانها با همکاری معروف‌ترین مهندسان مشاور ژاپونی و سوئدی آغاز شده با آینده‌نگری وسیع تری نیازهای بیست‌سالهٔ آیندهٔ کابل کشور پیش بینی شده است .

هم اکنون در تهران از ۳۲ مرکز تلفن خود کار بهره‌برداری می گردد . این سی‌ودو مرکز عبارتند از :

آکباتان — امجدیه — امیرآباد — بازار بلوار — پهلوی — تجریش — تهرانپارس تهران‌نو — جمشیدآباد — دانشگاه — دریان‌نو سپه‌غرب — شهرری — ضرابخانه — طرشت ظفر — عباسی — عشرت‌آباد — فرح آباد — قصر قلهک — محمودیه — نارمک — نورشرق نیاوران — یوسف‌آباد — کریمخان‌زند سلطنت‌آباد — خزانه .

تلفن کاریر — با وجود تأسیس شبکه های پرظرفیت و مدرن مایکروویو در سراسر کشور ، بمنظور در اختیارداشتن شبکه‌های مختلف مخابراتی در مراکز مهم جمعیت و نیز تأمین ارتباط مخابراتی نقاط کوچک نیز توسعهٔ شبکهٔ کاریر کشور همچنان مورد توجه می‌باشد . اینک تعداد دفاتر تلفن کاریر در سراسر کشور ۰ ۳۲ رقم است .

تلگراف — درحال حاضر ۰ ۸ ۲ خط ارتباطی تله پرینتر برای مبادلات تلگرافی کشور مورد بهره‌برداری است .

تله تایپ — هم اکنون ۴۶ شهر از شهرهای کشور مجهز به سیستم تله تایپ هستند . در آینده شهرهای دیگر کشور نیز به سیستم مزبور مجهز خواهند شد.

تلکس و جنتکس — طرح تأسیس شبکهٔ تلکس فارسی که از سال ۵۳ به اجرا گذارده شده به مرحلهٔ بهره‌برداری رسیده است . این طرح که برای رفع نیاز مخابراتی سازمانهای دولتی و بخش خصوصی و نیز بازرگانان همانند کشورهای پیشرفته تهیه شده و باجرا در آمده امکان خواهد داد که اضافه بر استفاده از ارتباط تلکس کاملا خود کار (با نوشتهٔ لاتین) بین تهران و کشورهای جهان تأمین ارتباط مشترکین تلکس لاتین بین شهرستانهای کشور و با کشورهای خارج ، مشترکین تلکس در کشور نیز خواهند توانست از طریق شبکهٔ فارسی (با نوشته فارسی) با یکدیگر بطور کاملا خود کار ارتباط برقرار نمایند و مخابرهٔ لازم را انجام دهند.

عملیات نصب مراکز تلکس خود کار کامپیوتری و جنتکس در شهرستانهای اهواز خرمشهر — رضائیه — اصفهان — تبریز — شیراز مشهد — کرمان — کرمانشاه و رشت به پایان رسیده است.

شبکه انتقال داتا

شرکت مخابرات ایران به منظور بر — آوردن نیازهای انفرماتیک و شبکه‌های کامپیوتری کشور و طرح های وسیع شبکه وی ، جی ، تال و پی . سی . ام و شبکهٔ انتقال داتای کشور را تهیه کرده که هم اکنون در حال اجرا و پیاده شدن می‌باشد .

بوسیله این شبکه ها تسهیلات لازم برای انتقال داتا با سرعت های دلخواه و حتی با سرعت های خیلی زیاد بین ترمینال ها و کامپیوتر و یا بین کامپیوتر و کامپیوتر فراهم می گردد . علاوه براین از این طریق می‌تواند با شبکه‌های تمام دی‌جی تال بین‌المللی نیز برای مبادلهٔ اطلاعات و داتا ارتباط برقرار نمود .

امروزه وسعت مخابرات در ایران تا آنجا گسترش یافته که هم اکنون می‌توان به آسانی با اکثر نقاط دنیا تماس گرفت .

در واقع شرکت مخابرات ایران یکی از سازمانهای وسیع و گسترده کشور است . مردم ما در سایه زمینه‌ی مساعدی که انقلاب‌شاه‌و‌ملت فراهم آورده است قادرند در هر ساعتی ازشبانه روز از هر نقطه کشور با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار نمایند و نیز از طریق ماهواره‌های مخابراتی با پنج قاره جهان ارتباط تلگرافی و تلفنی داشته باشند و ایران از این حیث در صدر کشورهای خاورمیانه قرار گرفته است .

افتخار کارخانجات داروگر

بقیه از صفحه ۹۱

کشور ما بدون‌تردید ،یکی از برگهای زرین تاریخ سرزمین ما است .وقتی رضاشاه کبیر میخواهد ایران نوین رابنا کند، به روحانیت و معنویت نیز توجه مینماید .دانشگاه درست میکند مدرسه میسازد وبالاتر ازهمه‌شور و شوق آموزش را درمردم پدید میآورد .

ماجرای پسر باغبان بوشهری

ناطق سپس به اوضاع امروزمملکت اشاره کرد و روی سخن خود را به کارگران نموده گفت :

کارگر ایرانی ، کی و درچه موقع حقوق امروزی را داشت ؟ با اینحال ، خانه و درآمد زندگی آنقدرمهم نیست که طرزتفکر، نحوه اندیشه و حیثیت شما مهم است .

همین چندی پیش به بوشهر رفته بودم . طیاره مشغول بنزین گیری بود ومن درمحوطه. خارج باند فرودگاه باغبانی را دیدم که آب پاشی میکرد . جلو رفتم و با او صحبت کردم . میگفت یک پسرم‌ در دانشگاه تبریز سال آخر پزشکی را میگذراند وپسر دیگرم در دانشگاه تهران رشته مهندسی راه‌وساختمان میخواند. ازچهره باغبان تشکر میریخت واز صمیم قلب به رهبر مملکت دعا میکرد . میگفت اوضاعمان خوبست . گفتم : حالا اینجا کسی تو را بیرون نمیکند؟ گفت: نه. کسی نمیتواند بیرونم کند برای اینکه قوانین و مواد معین داریم .

کسانیکه ۵۰ سال پیش به بوشهر رفته اند، خوب میدانند که آنزمان چگونه اوضاعی بوده است . اما حالا هواپیما هست،راه های اسفالته هست ، برق و آب و بهداشت هست... و باغبانی هست که بچه هایش فردا دکتر و مهندس میشوند . وقتی‌چه این باغبان مطب باز کند دیگر کسی از آنها نمیپرسد پدرت کیست و چکاره بوده . همه میگویند : جناب آقای دکتر فلان... دیگر مطرح نیست که پدراین آقای دکتر کی وچکاره بوده است.

ارزنده ترین خدمات خاندان پهلوی فصل خدمت باب کردن است . اینها مسائلی است که درمقابل تحول فکری بفکر باغبان بوشهری خطور کند که بچه من باید درس بخواند. دیگر اعیانی و اعیان زادگی مطرح نیست . اگر باغبان شهرداری بوشهر باشی ، پسرت می تواند آقای دکتر فلان باشد . اعیانی به تشخیص خود تو است . بشرط آنکه صادق ومومن باشی . بنا براین جامعه‌ما جامعه مسابقه خود نشان دادن ومسابقه استعداد نشان دادن است . نتیجه اینکه بزرگترین خدمت خاندان پرافتخار پهلوی ، فتح خدمت باب کردن است.

سرتعظیم فرود می آوریم

دکتر همایونفر سپس به این نکته اشاره کرد که کشور ما با سه چهارم جمعیت دنیا همسایه هستیم و مانند جزیره ای میباشیم که باید مراقب و مواظب موقعیت جغرافیائی خودش باشد . اگر روزی لازم شد ، ما باید توانائی وقدرت دفاع ازخود راداشته باشیم که خوشبختانه داریم و بیش از اینهم خواهیم داشت.

ناطق سپس به امنیت و ثبات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی امروز ایران اشاره کرد وافزود :

درجشن های دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ، رهبران جهان ، با شاهنشاه ما زیر یک سقف جمع شدند . باید در برابر این همه امنیت و نعمت سر تعظیم فرود آورد.

تلاش های ارزنده مدیران داروگر

دکتر همایونفر آنگاه در پایان سخنان خویش پیرامون واحد صنعتی و تولیدی داروگر سخن گفت واظهار داشت :

تا آنجا که من اطلاع دارم داروگر نزدیک نیم قرن است که به عنوان یک واحد صنعتی که هر روزقدم هائی درراه تکامل و پیشرفت برداشته است ، فعالیت میکند. بقول سعدی : مشک آنست که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید.

و سپس تلاشهای ارزنده مدیران داروگر را یادآور شد و نتیجه گرفت که جنس خوب در دنیا نیاز به تبلیغات ندارد.

و بار دیگر پیرامون خصایل و فضائل اخلاقی مرحوم داروگر و فرزندش فریدون داروگر سخن گفت و یادآور شد : اعلیحضرت رضاشاه کبیر اولین مشوق این واحدصنعتی بودند.

دکتر همایونفر سخنان خود را با بیان این نکته پایان‌داد که :

در پرتو رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر صنایع کشور ما روز بروز در راه ترقی و تکامل کام برمیدارند واگر امروزما واحدصنعتی و تولیدی بزرگی چون داروگر داریم ، به خاطر تاثیراتی است که ۵۰ سال شاهنشاهی دودمان پرافتخار پهلوی در تمام شئون و زمینه های مملکت باقی گذاشته است.

برنامه های هنری

سخنان آقای دکتر عزت‌الله همایونفر، با کف زدن ها و ابراز احساسات شدید حاضران پایان یافت . تا چند لحظه سالن از فرط کف زدن و ابرازاحساسات نسبت به شاهنشاه آریامهر به لرزه درآمده بود و درپی این ابراز احساسات صمیمانه و بی‌شائبه برنامه های هنری جشن آغاز گردید .

صحنه گردان و « شومن » برنامه هنری جشن ، غلامحسین بهمنیار، کمدین معروف و با سابقه رادیو بود که با « جوک » های بامزه خود برشوروشادی حاضران افزود .

آنگاه به ترتیب هنرمندان معروف نازی افشار، حمیرا و جمال وفائی با اجرای ترانه هائی به جشن بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی شکوهمند پهلوی ، شوروحال خاصی بخشیدند و جشن داروگر درمحیطی صمیمانه پایان یافت .

آگهی تجدید انتخابات مسؤولان سندیکا

به موجب مدارک تسلیمی از سوی سندیکای کارگران جنرال موتورز و تعمیرگاه وابسته اسامی و سمت هر یک از آقایان اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرسان سندیکای مذکور که برای مدت دوسال لغایت بیست و هفتم خرداد ماه دوهزارو پانصدو سی‌وشش انتخاب شده اند به شرح زیرمیباشد.

۱ — دبیر فریدون رضوانی نقندر

۲ — رئیس هیات مدیره محمود آئینه‌چی تفرشی فرد

۳ — نایب رئیس عزت‌اله کریم خانی

۴ — خزانه‌دار غلامعلی شوقی

۵ — اعضای هیات مدیره فضل اله حیدری — سیامک طالع صفا — بهروز برهانی

۶ — اعضای علی البدل هیات مدیره عرب علی طلوع — ذبیح اله مهرانی

۷ — بازرسان داود ناطقی — عباسقلی علی خانی — کامل خش

ضمناً مطابق بند سه ماده بیست اساسنامه اسناد مالی با امضای رئیس هیات مدیره و خزانه‌دار سندیکا معتبر خواهد بود. غلامعلی فرزانیان مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی.

نیم قرن شاهنشاهی دودمان افتخار آفرین

پهلوی را شادمانه جشن می گیریم و بهمراه آن

صمیمانه ترین سپاس را به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر

تقدیم میداریم

دوچرخه و موتورسیکلت سازی ایران

شرکت سهامی عام

Coca-Cola
برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید
کوکا کولا